



دختر قشقایی  
عکاس: نصرالله کسرائیان



## پیام شایانی

وکیل تصادفات

♦ رانندگی ♦ زمین خوردگی  
♦ صدمات ناشی از کار

(408) 777-8867

(800) 261-1314

## سحر سلاحي

Selahi Insurance Agency

♦ سلامتی ♦ مسکن ♦ اتومبیل ♦ مشاور مالی  
♦ برنامه ریزی بازنشستگی ♦ بودجه کالج ♦ عمر  
و هزینه فوت ♦ محل کسب و از کار افتادگی

Certified Covered California Agent

(408) 931-6434







# دفتر حقوقی میهن

Iranian Legal Services

## Mihan Law Group

### با همکاری کارشناسان حقوقی و وکلای دادگستری در ایران

#### با مدیریت آقای کاشی



خانم باقری

وکیل پایه یک دادگستری  
کارشناس ارشد حقوق جزاء



امیر کیا

وکیل پایه یک دادگستری  
در ایران و امور بین المللی



سدف آقاجانی

لیسانس حقوق از ایران و  
فوق لیسانس حقوق بین الملل از آمریکا



Michael S. Epstein

وکیل مهاجرت



ندا نهاوندی

وکیل دادگستری در ایران  
فوق لیسانس حقوق از آمریکا

- ◆ *Accepting Advocacy & Arbitration in Iran*
- ◆ *Immigration Services with Immigration Attorney*
- ◆ *Inheritance & Probate of Will*
- ◆ *Real Estate counseling & property in Iran*
- ◆ *Marriage & Divorce*
- ◆ *Issuing or renewal passport & Birth certificate*
- ◆ *Consulting about retirement pension in Iran*
- ◆ *Drawing up power of Attorney & contract*
- ◆ *Translation*
- ◆ *Drawing up any forms of contract (Iran & US)*
- ◆ *Asylum*

- ◆ انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران از هر نقطه آمریکا
- ◆ انجام کلیه امور مهاجرت به آمریکا با وکلای اداره مهاجرت این دفتر
- ◆ انجام انحصار وراثت، تقسیم و دریافت ارث و امور مربوط به آن
- ◆ استرداد املاک توقیف شده و یا تصرف شده توسط اشخاص
- ◆ انجام کلیه امور مربوط به طلاق، مهریه در ایران و آمریکا
- ◆ دریافت شناسنامه و کارت ملی فوری از ایران و دریافت پاسپورت
- ◆ برقراری حقوق بازنشستگی و حقوق معوقه
- ◆ تهیه و تنظیم کلیه وکالتنامه ها، متون حقوقی و وصیتنامه و قرارداده
- ◆ ترجمه و تأیید کلیه متون به هر زبانی
- ◆ تنظیم هر گونه قرارداد حقوقی طبق قوانین دو کشور (ایران و آمریکا)
- ◆ اخذ پناهندگی

[www.mihancompany.com](http://www.mihancompany.com)

[info@mihancompany.com](mailto:info@mihancompany.com)

پاسخگوی کلیه سئوالات حقوقی و قانونی شما

در ایران و امور مهاجرت آمریکا می باشیم!

ما با دو دفتر در شمال و جنوب کالیفرنیا و با تجربه کافس، دقت و پشتکار، شما را یاری می دهیم

دفتر شمال کالیفرنیا

روزهای شنبه با تعیین وقت قبلی

دفتر جنوب کالیفرنیا

(408) 444-7000 \* (877) 644-2607 \* (310) 967-7755

940 Saratoga Ave., Suite #260. San Jose, CA 95129

# Minimally Invasive Surgical Solutions

یکی از پیشرفته ترین مراکز پزشکی در بی اریبا، با داشتن پزشکان متبحر با سال ها تجربه

**دکتر رضا ملک دکتر آرش پدیدار Dr. Paul Cipriano**

◇ درمان و ترمیم دیسک و دردهای شدید ناشی از گردن، کمر و ستون فقرات بدون جراحی  
 ◇ درمان و ترمیم واریس و عوارض دیگر رگ های بدن بدون جراحی  
 ◇ از بین بردن فیبرم وغدد رحم بدون جراحی  
 ◇ درمان در مدت یکساعت، بدون بخیه و بیهوشی

**Pain Mgmt:** ◇ Epidural Steroid Injection ◇ Facet Injection ◇ Lumbar Discogram ◇ Nerve Block

**Varicose Veins:** ◇ Sclerotherapy ◇ Endovenous Laser Therapy ◇ Radio Frequency Ablation ◇ Surface Laser

**Peripheral Arterial Disease:** ◇ Atherectomy ◇ Angioplasty/Stent ◇ Deep Vein Thrombosis

**GYN:** ◇ Uterine Fibroid Embolization ◇ Varicose Embolization/Pelvic Congestion

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

[www.endovascularsurgery.com](http://www.endovascularsurgery.com)

**(408) 918-0405**

105 Bascom Ave., Ste. 104, San Jose, CA



Robert A. Abedi J.D., Esq.  
 U.S. Immigration Attorney  
[abedi@lawabedi.com](mailto:abedi@lawabedi.com)



## علیرضا عابدی



دفاتر وکالت مهاجرت علیرضا عابدی و همکاران

وکیل متخصص مهاجرت آمریکا

**چرا ویزا؟ وقتی ما می توانیم برای شما گرین کارت بگیریم!**

◇ خدمات مهاجرت به آمریکا ◇ گرین کارت از طریق سرمایه گذاری ◇ گرین کارت از طریق کار

◇ گرین کارت مخصوص پژوهشگران ◇ گرین کارت مخصوص هنرمندان و ورزشکاران

◇ دفاع در دادگاه های اخراج (Deportation Defense)

◇ ما گارانتی می کنیم کارت سبز شما را اخذ نموده و در صورت عدم موفقیت هزینه وکالت شما را بر می گردانیم.

◇ برای افراد با سرمایه ۵۰۰,۰۰۰ دلار، دانش پژوهان، خانواده هایی که دارای حرفه، مشاغل و تجربیات هستند و قصد مهاجرت به ایالات متحده آمریکا را دارند.

◇ مزایای اخذ گرین کارت برای تحصیل فرزندان: پس از اخذ گرین کارت، فرزندان دانشجوی شما از تسهیلات بهتری برای ادامه تحصیلات در دانشگاه های معتبر آمریکا برخوردار خواهند شد.

**Our Green Card & Consular Success Rate is 100%**

[www.lawabedi.com](http://www.lawabedi.com) ◇ [www.iran2usa.com](http://www.iran2usa.com)

**(415) 398-4504**

Offices also in Palo Alto, Mountain View & Irvine

425 Market street, Suite 2200

San Francisco, CA 94105



## دختران، مادران فردا

زهرة ذوالقدر

«دختران، مادران فردا»؛ این عبارت در حاشیه سه پوستر نقاشی قرار گرفته است که در ایستگاه های مترو تهران به نمایش در آمده اند؛ تصویری از دختر بچه های شش یا هفت ساله که بچه داری و خانه داری می کنند. این جمله به صورت مستقیم، تنها وظیفه دختران را با شعار «دختر چشم و چراغ خانه» است، خانه داری و تولید مثل می داند؛ شعاری که دستور کار تندروهای حکومتی ایران از ابتدای انقلاب و به ویژه در چند سال گذشته بوده است. آن ها برای تثبیت این شعار در ذهن خانواده ها نیز هزینه های هنگفتی پرداخته اند؛ از ساخت فیلم های تلویزیونی تا تبلیغات شهری و حتی آگهی پشت دفتر و کتاب های مدارس.

تصاویری که در این تبلیغات به نمایش در آمده اند، دخترانی دنباله رو مردان خانواده را نشان می دهند در حجاب کامل اسلامی با لبخندی که به نظر نشانه رضایت آن ها است. این دختران زیر هفت سال به نظر می آیند اما پوشش آن ها کمی بزرگ تر، شامل چادرهای ملی است که در برخی از مدارس مذهبی برای دخترهای کودکانی نیز اجباری است. این تبلیغات در آستانه آغاز سال تحصیلی با گستردگی هر چه بیش تر، سکسیم علیه دختران را در جامعه به تصویر می کشد.



چند هفته پیش، هم زمان با تولد حضرت معصومه، «روز دختر» در ایران با گستردگی بسیار زیادی برگزار شد. براساس تبلیغات حکومت شعبه ایران، حضرت معصومه که همراه برادرش امام رضا به ایران آمده بود، تا سی و چند سالگی ازدواج نکرده بود و در نهایت نیز در شهر قم فوت کرده و به خاک سپرده می شود. وجود مزار این امامزاده در شهر قم، به ویژه بعد از به قدرت رسیدن «صفویه»، قم را به عنوان شهری مذهبی معرفی کرده است.

از چند سال پیش، یعنی دوران محمود احمدی نژاد، روز تولد حضرت معصومه با عنوان روز دختر به تقویم جمهوری اسلامی اضافه شد و هر ساله وسعت

### در خواست اشتراک نشریه پژواک

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست در آمریکا: یکساله ۷۵ دلار برای اشتراک، نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

(408)221-8624 PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

و روی آن نوشته شده است: «اگر داخل صدف بمانی، لزومی ندارد ظاهر خود را به نمایش بگذاری.» تصویر دیگر، دختر را «برکت خانه» دانسته و او را مانند نانی که به شکل گل تزئین شده، تصویر کرده است. اما شاید مهم ترین تصویری که نقش دختر را تربیت برای شهرداری دانسته، عکسی باشد که دختر بچه های خردسال را مشغول بچه داری و خانه داری نشان داده و نوشته است: «دختران امروز مادران فردا»؛ تصویری آشنا که روی جلد دفترهای مدرسه و داخل کتاب درسی نیز این وظیفه را به دختران القا می کند.

این روزها اگر سری به کتاب فروشی ها و لوازم التحریری ها بزنید، با مجموعه لوازم التحریری مواجه می شوید که به گفته طراحانش، براساس سبک زندگی ایرانی و اسلامی طراحی شده اند و داستان خاصی را حول محور یک خانواده به تصویر می کشند؛ خانواده ای که سه فرزند شامل یک پسر به نام «سینا» و دو دختر به نام های «ثنا» و «ثمین» دارند.

براساس تعریفی که از شخصیت ها در سایت این مجموعه لوازم التحریر داده شده، ثنا خواهر بزرگ خانواده است؛ دختری مؤدب، باهوش، شاداب، هنرمند، خوش خط و باسلیقه که چادر سیاه ملی همه اندامش را پوشانده است و لبخندی از سر رضایت و شادمانی دارد. او با این چادر عکس می گیرد، در تولد خواهرش شرکت میکند و حتی حلقه های گل به سر می اندازد. دنباله مطلب در صفحه ۵۵



صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب
صفحه ۳	تبلیغ
صفحه ۴	اوستا چیست و از کیست؟ (علی اکبر جعفری)
صفحه ۵	سرود مهر (بهرام فره وشي)
صفحه ۶	درباره شعر منثور (ایرج پارسی) نژاد
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با (هادی خرنسندی)-گلستان سعدی
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	نگاهی کوتاه به قوانین مربوط... (کاوه میرشفيعی)
صفحه ۱۲	شیرین در خسرو شیرین نظامی (هما گرامی فره وشي)
صفحه ۱۳	تبلیغ
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	خاطرات در گذر زمان (هوشمند عقیلبی)حکایت
صفحه ۱۶	مهر ماه های شیراز(سعید شفا)
صفحه ۱۷	نوشخند، پوزخند (عترت گودرزی)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشتهای بی تاریخ (صدرالدین الهی)
صفحه ۲۱	ترمیم، تصحیح (آرین اقبالی)-اخبار
صفحه ۲۲	از درگوشی ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	سوفیا لورن و مارچلو ماسترانی (فرسیا اعتمادزاده)-اخبار
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)
صفحه ۲۵	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۶	اخبار
صفحه ۲۷	سگ وفادار (اصغر مهاجرانی)
صفحه ۲۸	نرزی مثبت... (برنیاز کدخدایان)-آشنایی با... (سحر سلاحي)
صفحه ۲۹	هیچوقت دیر نیست (آتوسا یکان)
صفحه ۳۰	حاجی آقا (صادق هدایت)
صفحه ۳۱	جهان بینی مولوی (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	پسته (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	به نام هستی (حسین الماسیان)-اخبار
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول
صفحه ۳۵	نیازمندها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	تبلیغ
صفحه ۳۷	خاطرات زمان دانشجویی (عباس بناهی)
صفحه ۳۸	اخبار
صفحه ۳۹	اخبار
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	مبارزه با فساد از مسیر... (نعیمه دوستدار)
صفحه ۴۳	آشنایی با کاپروبراکتیک (فثانه هوشداران)-اخبار
صفحه ۴۴	از اینجا، از آنجا (کلنار)
صفحه ۴۵	اخبار
صفحه ۴۶	اخبار
صفحه ۴۷	اخبار
صفحه ۴۸	اخبار-دنباله مطلب
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	دنباله مطلب
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	تبلیغ

### ماهنامه پژواک تاسیس: ۱۹۹۰ - صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر (از سال ۲۰۰۶): افلیا پرویزاد

♦ مسئولیت صحت و سقم آگهی ها با صاحبان آگهی می باشد. شرکت پژواک هیچگونه مسئولیتی را در این مورد نمی پذیرد. ♦ استفاده از طراحی های این نشریه بدون اجازه کتبی از شرکت پژواک (حتی برای صاحبان آگهی) غیر قانونی می باشد. ♦ ماهنامه پژواک در انتخاب، حکم و کوتاه کردن و اصلاح مطالب آزاد است. ♦ دیدگاه نویسندگان الزاماً بیانگر نظر مسئولین پژواک نمی باشد. مسئولیت نظریه ها به عهده نویسندگان است.

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:  
PO BOX 9804,  
SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak of Persia has been compiled as carefully as possible and cannot guarantee the correctness of all information that has been gathered and contained herein and does not accept any responsibility for any errors and omissions.



# پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ  
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

**(916)442-9999**

980 9th Street, 16th Floor  
Sacramento, CA 95814

**(408)777-8867**

2880 Zanker Road, Suite 203  
San Jose, CA 95134

**(925)777-0432**

425 Market Street, Suite 200  
San Francisco, CA 94105

کدام را «نسک» می گفتند، پیکر بزرگی یافت. باری واژه «نسخه»، تازی از همین نسک برآمده.

این بیست و یک نسک چه داشتند؟ از نوشته پهلوی «دینکرد» می دانیم که شاپور یکم «آنچه درباره پزشکی، اخترشناسی، جنبش، فرمان، گاه، گوهر، آفرینش، نیستی، دیگرگونی، بالیدن، هنرها و ابزارهای دیگر که در هند و روم و کشورهای دیگر پراکنده بود، گرد آورد و با اوستا یکجا کرد و فرمود تا یک نسخه درستی از آن در «گنج شپیگان» (نام کتابخانه) نگهدارند و پژوهش کنند تا همه آنها را با آیین مزدیسنی هماهنگ سازند» و انوشیروان هم در پایان کار پیروزمندانه گفت که «راستی دین مزدیسنی دانسته شد» و «ما از اوستا به زبان ویژه و پاک در نوشته های پیراسته از یادگارهای بنیادی و از زبان مردم به اندازه ای سخن و آگاهی داریم که می توان گفت همه دانش های بنیادی دین مزدیسنی را در دست داریم.» (دینکرد جلد چهارم صفحه ۵۷۷)

### زَند و پازَند

این بدان معنی نیست که بگوییم که ساسانیان از اوستا بیست و یک دفتر بزرگ ساختند و بس. آنان کاری را که کردند این بود که سخنان گوناگون زبان اوستایی را بر سه بخش کردند. هر بخشی دارای هفت نسک بود. بخش یکم را «گاهانیک» یا گاتهای خوانند. دفتر یکم آن دارای سرودهای زرتشت و آنچه برخی از یاران نزدیک وی سروده یا گفته بودند بود و شش دفتر دیگر گزارش و تفسیر دفتر یکم بودند. این بخش، بخش دینی اوستا بود. بخش دوم به نام «دادیک» بسته به داد و داوری بود و آن پیرامون زمینه های شهریاری، کشورداری و دانش ها و آیین های زمان بود. بخش سوم «هدامادتریک» و یا «پیوست سخنان پاک اندیشه انگیز» از بازمانده کارهای دینی، انجمنی، اجتماعی و سیاسی جور شده بود.

اما آنچه این بیست و یک نسک را سترگ گردانده بود، متن اوستایی نبود بلکه گزارش یا «زند» بود که آن نیز گزارشی بر گزارش با نام «پازند» افزوده با خود داشت. پازند افزوده هایی از دانش ها و آیین های زمان را در بر داشت که یا از خود ایرانیان بودند و یا از هند و چین و روم و دیگر کشورها گرفته بودند. زند و پازند به زبان روز بود و آن زبان را به نام «پهلوی» می شناسیم. نوشته های پهلوی بیشتر بسان ترجمه و گزارش اوستا به ما رسیده اند. ناگفته نماند که زبان پهلوی که نام دانشی آن «پارسی میانه» است، از زبان اوستا دورتر و به پارسی کنونی بسی نزدیک است.

لرغم در ماه آئینده

درست نمی دانیم زیرا آنان نام خود را بر گفته های خود نگذاشته اند. تنها یک سراینده را با نام و نشان می شناسیم و آن زرتشت اسپنتمان، بنیانگذار دین بهی زرتشتی، می باشد. اما این را می توانیم بگوییم که این کسان در زمانهای پس از زرتشت می زیسته اند و کیش زرتشتی داشته اند و به پیشه های گوناگونی مانند پیشوایی دین، داستان سرایی، ستاره شناسی، داروسازی، درمان بخشی، کشورداری، کشور گشایی و وابستگی به دربار شاهی می پرداختند و هر کدام در رشته یا رشته های خود سخنانی گفته یا بازگفته برای ما بازگذاشته اند.

شاید یک انگیزه برای آشکارا نساختن نام خود این بود که آنان در رشته های خود تازه ساز نبودند و هرچه داشتند از گفته های گذشتگان سرچشمه گرفته بود. انگیزه دیگر این بود که برخی، مانند «حدیث سازان» دیگر دینها، زیرکانه می خواستند این گفته ها و بازگفته ها را به نام پاک زرتشت به دین پاک زرتشتی راه دهند تا بی چون و چرای مردم ساده از آیین های دین شمرده شوند و باید گفت که در کار زیرکانه خود خوب کامیاب شدند.

### از یاد موبد بر برگ دفتر

از آغاز، بهترین راه نگاهداشتن گفته های ارزنده به یاد سپردن آنها بوده و امروز هم که چاپ و ضبط صوت و جز آن، این کار را بسی آسان گردانیده اند، استادانی داریم که هزارها بیت را از بر دارند. از این روی بود که گردآورده اوستا تا زمانی دراز از یاد موبدی به یاد موبدزاده ای می گشت و باید گفت هنوز هم می گردد تا آنکه در زمان هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ پیش از سال ترسایی) به دفتری ویژه درآمد و در کتابخانه های بزرگ نگهداری شد. این دفتر و آنچه در همان زمان بر آن افزوده شد، در تاخت و تاراج اسکندر مقدونی بر باد رفت. باز در زمان اشکانیان (۲۵۰ پیش از سال ترسایی تا ۲۲۴ ترسایی) گردآوری آن از سر نو گرفته شد و این کار تا زمان خسرو انوشیروان ساسانی، کمابیش در ۵۶۰ ترسایی به پایان رسید یا باید گفت که به پایان رسانیده شد زیرا به پیشنهاد موبدان درباری و فرمان خسرو برخی از گردآورده را برگزیدند و برخی را از میان بردند تا یک نامه یک رنگ و یک سان را پدید آورند. ناگفته نماند این کار را تنها انوشیروان نکرد بلکه قیصر روم ترسایی و دیگر دست اندرکاران دینی نیز در زمان های گوناگون و به انگیزه های گوناگون انجام داده اند و شگفت که آن باز انجام می دهند.

بهرسان، این گردآورده اشکانی و ساسانی سامان یافته، در بیست و یک دفتر که هر

## اوستا چیست و از کیست؟

دکتر علی اکبر جعفری - بخش اول



اگر از مرد یا زن آگاه ایرانی بپرسیم: اوستا چیست؟ بیدرنگ خواهد گفت: «کتاب مقدس یا آسمانی زرتشت». اگر از کس زرتشتی بخواهیم که اوستا را نشان بدهد، به همان بیدرنگی نوشته ای را خواهد آورد که رویش «خرده اوستا» نوشته است.

چرا خرده؟ مگر بزرگه اوستا هم هست؟ شاید پاسخی نشنویم. این نوشته بر از نیایش ها و ستایش هایی به زبانی ناآشنا است. اگر اندکی باریک بین شویم، خواهیم دید که در میان برخی از نیایش ها، نوشته هایی به پارسی کهن تر از کنونی هم گنجانیده شده است که به گوش آشنا می رسند. آیا زرتشت هم پارسی می دانست؟ باز شاید پاسخی نشنویم. اگر از کسی آگاه تر بپرسیم، خواهد پاسخ داد که خرده اوستا نمازهای روزانه است و اوستا بخش های دیگر هم دارد و یکی از آنها «گاتها» نام دارد و آن سرودهای زرتشت می باشند و گفته های زرتشت را در دیگر بخش ها نیز می یابیم. پس نیازی به آن می بینیم که چگونگی اوستا بر ما روشن گردد. اینک آن را به زبانی ساده و سره پیش می کنیم.

### بازمانده ای از شیرازه فرهنگی

اوستا یک گردآورده کهن است که چند هزار سال پیش، پی زمانی به درازای دو هزار سال، پدید آمد. این گردآورده به همان زبانی است که در آن زمان زبان مادری نیکان ما در ایران زمین بود. در این گردآورده سخن از هر دری آمده: دین، آیین، افسانه، داستان، تاریخ، جغرافیا، گاهشماری، بهداشتی، پزشکی،

## حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

### Hamid Reiesieh

Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،  
سریع، مطمئن و حرفه ای

Cell: (408)234-5793

Office: (408)298-2591



DRE#01326116 • NMLS# 344666

- ♦ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ♦ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ♦ Complimentary home evaluation
- ♦ No Cost Short Sales
- ♦ 1031 Exchange Transaction (Tax Deferred)

Your Trusted Advisor in  
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ♦ www.hamidreisi.com



51 E. Campbell Ave., Suite 110, Campbell, CA 95008





نمرود داغ- آتیبو کوس و میترا، اپولو  
(سده ۳۴-۶۹ پیش از میلاد)

ساخت تیردادت هنگامی که به پیش نرون رسید بدو گفت: «سرورا، من از تخمه اشکانیان، برادر شاه ولخش و پا کور هستم و بنده توام و بسوی تو خداوندگار آمده ام تا ترا ستایش کنم همانگونه که مهر را می ستایم»  
آیین مهرپرستی در دنیای کهن چنان ریشه دوانید که به گفته «ارنست رنان» نقاد معروف فرانسوی «اگر عیسویت بهنگام رشد خود بر اثر بیماری مهلکی باز می ایستاد، سراسر جهان به آیین مهر می گروید».

انتیوکوس یکم پادشاه کوماژن (۳۴-۶۹ پیش از میلاد)، که خود را از بازماندگان پادشاهان هخامنشی می دانست، دل بستگی ویژه ای به مهر داشت و پرستشگاهی برای ایزدمهر ساخت. نقشی از وی که در برابر ایزدمهر ایستاده است در نمرود داغ یافت شده است.

آیین میترا پرستی در سده اول میلادی به رم راه یافت و اندک اندک تمام اروپای غربی و سراسر کرانه های دریای سیاه را فرا گرفت و مردمان گروه گروه به آن می گرویدند زیرا این آیین ایرانی، آیین امید و اخلاق و مردانگی بود.

برخی از مورخان برآنند که آیین میترائی بوسیله سربازان مزدور میترا پرست آسیای صغیر که در لژیون های رومی خدمت می کردند بداخل امپراتوری روم برده شد. برخی دیگر می پندارند که این آیین توسط اسیران جنگی که امپراتور «پمپه» از «تیردادت اوپاتور» گرفت، بداخل امپراتوری روم راه یافت. برخی دیگر راهزنان دریائی سیلیسی را که نیروی بزرگی داشتند وسیله انتقال این آیین می دانند. برخی هم برآنند که هنگامی که تیردادت پادشاه ارمنستان برای گرفتن تاج شاهی از نرون با شکوهی ویژه وارد رم شد، وی را با آیین میترا آشنا



## سرود مهر

نقل از کتاب «جهان فروری»

اثر زنده یاد دکتر بهرام فره وشی

مهر نگهبان پیمان است:

«مهر و پیمان را نباید شکست نه با راستی پرست، نه با دروغ پرست. مهر دارنده دشتهای فراخ، اسبهای تیزرو می دهد بکسی که پیمان نشکند. مزدا اهورا راه راست می نماید بکسی که پیمان نشکند.

فرورهای مقدس و توانا فرزندان کوشا می دهند بکسی که پیمان نشکند.

هیچ کس را از خرد و بزرگ یارای آن نیست که مهر را بفریبد، نه بزرگان خاندان ها، نه سران روستاها، نه شهریاران کشور».

مهر نگاهبان ایرانیان است:

«مهر به کشورهای ایران، خان و مان با آرامش و با آسایش می بخشد.

مهر پیش از آمدن خورشید تیز اسب، آراسته به زینت های زرین خود برزبر کوه البرز بر می آید و سراسر خان و مان ایرانیان را می نگرد.

مهر هیچگاه بخواب نمی رود و زنده دل و هشیار، آفریدگان را نگهبانی می کند».

مهر ایزد نگهبان کشتزارهای فراخ است و دامان را می پروراند:

«مهر را می ستاییم که دارای کشتزارهای فراخ است و به سرزمین های ایرانی رامش و آسایش می بخشد و نگران پناهگاه ستوران است»

مهر جنگاوری بزرگ است:

«مهر دلآوری است نیکو بالا با هزار گوش و ده هزار چشم و بی آنکه بخوابد

پاسان مردم است.

جنگاوران از او یاری می جویند و در پشت اسب خود به او درود می فرستند تا به اسب های آنان نیرو بخشد و بخود آنان تندرستی دهد تا بر دشمنان کینه جوی پیروز شوند.

مهر سیری سمین بدوش انداخته، زره زرین در بر کرده و تازیانه برگرفته و بگردونه اش که چرخ های زرین دارد چهاراسب سفید جاودانی بسته شده

که سمشان پوشیده از سیم و زر است و راهی که می پیمایند همواره روشن است. از سوی راست او «رشن» مقدس و از سوی چپ او «چیستا»ی درست

کردار می تازند.

در گردونه او هزار کمان، هزار تیر که پر کرکس در آنها نشانده اند و ناوک زرین دارند، و هزار نیزه، هزار تبر زرین، هزار خنجر، هزار گرز آهنین نهاده شده

که به تندی اندیشه بسوی پیمان شکنان روان می گردند».

رواج آئین مهر در دنیای کهن

این مهر که سرود آن بر سر زبان جنگجویان ایرانی بود و پیروزی خود را از آن می دانستند اندک اندک با بسط قلمرو هخامنشی به سرزمین های همجوار راه یافت و بصورت یک دین سری درآمد و به بابل و آسیای کوچک رفت و با پروردگار بابلی شَمَش shamash و با پروردگار یونانی هلیوس Helios آمیخته گشت و رنگ دیگری بخود گرفت.

## FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

## محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی  
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه



Realtor & Mortgage Specialist  
for San Jose & Bay Area

از موقعیت استثنایی پائین بودن نرخ بهره  
و وامهای بدون کارمزد استفاده نمایید

سال ها تجربه، قابل اعتماد و شناخته شده

(408) 605-1138

moeharandi@yahoo.com

DRE#01183647 ♦ NMLS#332989



4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

## Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی  
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین



Iman Lalehparvar  
MS Electrical Engineering  
UCLA Graduate

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک  
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

♦ Professional Tutor, one on one & group all ages  
(1st-12th grade & College) ♦ Specializing in SAT Math  
Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408) 605-9493 www.advantageinlearning.com

به نوع خیال بستگی داشته باشد، اما در همان موارد هم آن خصوصیت نظم، در معنای استتیک آن، خود عامل اصلی است در القاء آن تصاویر، تا آن جا که بعضی ناقدان تصویر را نیز گونه‌ای از نظم دیده اند و با توسعی در اصطلاح چندان هم از حقیقت به دور نمانده اند. چنان که اگر نظریه علمای سبک شناسی جدید را از منظر زبان شناسی بپذیریم یک معنی را جز به یک شکل نمی توان گفت، تا آن جا که اگر اندک تغییری در نحو کلام یا در حوزه مترادفات و شبه مترادفات در جمله ایجاد شود این معنی دیگر آن معنی مورد نظر ما نبوده و نخواهد بود. (۶)

نظریه عبدالقاهر جرجانی، ادیب و نحوی ایرانی در قرن پنجم هجری، که به «نظریه نظم» شهرت یافته و اساس تئوری استتیک خود را در باب بلاغت بر آن استوار کرده، گویای همین نکته است که امکانات کلمه در ترکیب و بافت (texture) زبان است که روشن می شود هیچ کلمه ای به خودی خود نه خوب است و نه بد. این در مجموعه ترکیبی کلام است که ما احساس زشتی و زیبایی می کنیم.

#### پیشینه تاریخی شعر منثور

شعر منثور (به انگلیسی prose poem) به فرانسه poem prose در عصر مدرن در فرانسه حاصل تجربه ی بودلر در «ملال پاریس (Spleen de Paris)» و «گل های بدی» (Les Fleurs du mal) و رمبو در اشراقات (Illumination) است. شعر منثور prose poem با نثر شاعرانه poetic prose نباید اشتباه کرد. در نثر شاعرانه مفاهیم نثر (مفاهیم منطقی و گزارشی و حقایق غیرشعری) به صورت مسجع و صناعات شعری ظاهر می شوند (مانند کلیله و دمنه و مرزبان نامه در زبان فارسی)، اما در شعر منثور جهان بینی و جهان شعری (poetic world)، به ویژه شعر غنایی، است که بر اثر حاکم است. تفاوت شعر منثور و نثر شاعرانه را در کوتاهی آن و بلندی این نباید گرفت، هم چنان که آثاری مانند تورات را شعر منثور نمی توان خواند.

در زبان عربی برخی از آثار یوسف الخال، انسی الحاج، ادونیس و محمدالماعوط را از نمونه های «شعر منثور» دانسته اند. (۷) و اما نخستین نمونه های شعر منثور را در ایران در مجله ها و روزنامه های بعد از مشروطه، خاصه دوره رضاشاهی، می توان دید. در بیشتر این نشریات چیزهایی با عنوان «شعر منثور» و «غزل منثور» دیده می شود که گاه آن را «قطعه ادبی» می خواندند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۶**

به عبارت دیگر غرض شاعر انتقال صورت ذهنی نیست، بلکه القاء حالت نفسانی است که برای ایجاد آن و تاثیر بیشتر از آهنگ و وزن یاری می خواهد. (۳)

#### نظم و شعر

برای فهم دقیق تر در تفاوت مفهوم «نظم» از «شعر» شفییی کدکنی در تعریف «نظم» می گوشت از مجموعه ای از کلماتی که به عنوان «شعر» وزن و قافیه گرفته اند رفع سوء تفاهم کند و حساب نظم و نظم کردن (versification) را با شعر که دارای نظام (system) است جدا کند.

بنابر تعریف او جوهر شعر و حقیقت آن، که بر شکستن هنجار منطقی زبان استوار است، از «نظم» ناشی می شود. این نظام گاهی از نظم جداست، چنان که در بعضی آثار نثر صوفیه دیده می شود و گاه نظم هست و نظام نیست؛ پیوندی است میان اجزای جمله به نحوی که بریکی از محورهای عروضی تطبیق کند و آوردن چیزی به نام قافیه در پایان هر بیت یعنی همان سخنان بی ارزش و مبتذل و مکرری که در طی قرون و اعصار اشخاص کم استعداد و بی استعداد به نام «شعر» نویسانده اند و امروز جز به لحاظ مطالعات تاریخی ارزش دیگری ندارند.

بر اساس این تعریف است که مفهوم «شعر» از «نظم»، جدا می شود و ارتباط استوار «شعر» و «نظم»، در معنای پیچیده آن (ربطی به وزن و قافیه ندارد)، روشن می شود. در نتیجه بسیاری از شطح های صوفیه و عبارات نثر قدما از قبیل اسرارالتوحید، تذکره الاولیا، تاریخ بیهقی، در معنی استتیک (۴)، (aesthetic) دارای «نظم» اند و تلقی «شعر» از آن می شود، اما بسیاری از آثار منظوم سروش اصفهانی و قائلانی شیرازی، با همه طنطنه مستغفلان مستغفلان ها و قافیه ها و ردیف های آن در مقوله «نظم» قرار می گیرد.

ناگفته نماند که قدمای اهل بلاغت به اهمیت نظام ترکیبی الفاظ توجه داشته اند، اما متأخرین به تصور این که منظور از نظم داشتن وزن و قافیه است آن را به گونه دشنامی در حق شاعران ضعیف آورده اند. (۵)

از نظر شفییی کدکنی آثار منظوم تنها به دلیل دوری از عنصر خیال و تشبیه و استعاره نیست که در مقوله «نظم» قرار می گیرند، همچنان که بعضی از نمونه های نثر صوفیه به دلیل اشتغال بر تصویرها و صور خیال نیست که آنها را به گونه «شعر» در می آورد. هرچند در مواردی زیبایی نثر صوفیه ممکن است

## درباره شعر منثور

دکتر ایرج پارسی نژاد



از آهنگ و موسیقی خاص خود برخوردار است که گاه حاصل قافیه های درونی و میانی است و گاه نتیجه هماهنگی حروف (alliteration) و صوت های ملفوظ و نغمه حروف (assonance) است.

با این تعریف باید بدانیم که تکه تکه کردن سطرها و در پی نوشتن آنها شعر و «شعر منثور» نمی سازد، شعر منثور گذشته از برخورداری از جوهر و ماهیت شعری باید دارای خصلت موسیقایی نیز باشد.

#### نثر و شعر

در این جا شاید یادآوری تفاوت نثر و شعر نیز سودمند باشد:

«نثر برای بیان امور معقول به کار می رود. غرض نویسنده از نوشتن آن است که امری را که احساس و یا ادراک کرده به وسیله نشانه هایی معهود میان او و خواننده به ذهن خواننده منتقل کند. در حالی که شعر حالتی انفعالی در دل گوینده پدید آورده است. شاعر می خواهد همین حالت، یا نظیر آن را، در شنونده یا خواننده شعر خود ایجاد کند.»

فصلی از کتاب در دست تألیف من درباره «شفییی کدکنی و نقد ادبی» به تحلیل و بررسی نظریه های بدیع این منتقد و نظریه پرداز ادبی اختصاص دارد.

مسائلی از این قبیل که شعر منثور (۱) چیست، منشاء و پیشینه آن کدام است و در شعر امروز ایران چرا تنها آثار شاملوست که در خلق این نوع شعر کامیاب بوده نیاز به توضیح و تفسیر دارد که من امیدوارم در این گفتار و گزارش خود بتوانم از عهده آن برآیم.

شعر در تعریف شفییی کدکنی «گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد» (۲) در این تعریف پنج عنصر عاطفه، تخیل، زبان، آهنگ و موسیقی آمده است.

اما شعر منثور Prose Poem از نظر صورت و قالب، نه از وزن عروضی برخوردار است، نه از وزن آزاد نیمایی و نه از وزن هجایی. به جای آن شعر منثور

**کامران پورشمسی**  
متخصص و مشاور در امور  
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

**Kamran Pourshams**  
Experienced Professional Realtor  
Residential, Commercial,  
Property Management

Proven Insights.  
Proven Results.

DRE# 01066478



♦ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟  
♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale  
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008





وکیلی با طرح این سوال که زمانی که خشونت رخ می دهد، چه طور باید نسبت به آن واکنش نشان داد؟ ادامه داد: «یک نگرش می گوید که باید تقاضا آسبمی که رسانده شده است، گرفته شود. یعنی چشم برابر چشم و دندان برابر دندان که نگرشی

قدیمی است. نگاه دیگری هم مربوط به قرن ۱۸ است که نگاه فایده انگارانه است. به طوری که می گوید، مجازات باید احتمال تکرار را کاهش دهد.»

در ادامه دکتر سارا منصفی، متخصص روانشناسی زنان در زمینه توانمند سازی زنان و مادران هم گفت: «اسیدپاشی بدترین نوع جنایت یک انسان، علیه انسان دیگر است. در واقع حد نهایت خشونت که هدفش انتقام گرفتن است.» او یادآوری کرد: «اسیدپاشی به دلایل فردی و اجتماعی خودش روی می دهد. اما دلایل فردی آن برای روانشناسان خیلی مهم است و دلایل فردی آن است که نیاز به بررسی بیشتری دارد. در واقع باید ببینیم که چه اتفاقی می افتد که فرد به این حد از خشونت دست می زند. در بررسی هایی که از دید روانشناسی صورت

گرفته، می بینیم که این افراد اختلالات روانی و شخصیتی زیادی دارند. حتی ممکن است در خانواده هایشان نیز اعتیاد از هر نوعی، از هم پاشیدگی خانوادگی و مسائلی از این دست را داشته اند.»

او با طرح این سوال که چرا اسیدپاشی رخ می دهد، گفت: «برای خیلی از افراد مسأله جدایی و یا وابستگی ایجاد می شود و دچار ناکامی می شوند اما چرا فقط یک عده ای دست به این کار می زنند. در پاسخ می توان گفت کسانی که روان سالم ندارند و یا اینکه مشکلات شخصی و فردی دارند که با خود به رابطه آورده اند. کسانی که اسیدپاشی می کنند، معمولاً شخصیتی ضد اجتماعی دارند که از سرپیچی از قوانین هم احساس گناه نمی کنند.»

دندان به مطلب در صفحه ۵۰

## قربانی اسید پاشی: کسی که روی من اسید پاشید، در مدرسه دارد درس می دهد

فیلم مستند معصومه توسط کانون شهروندی زنان با حضور سونا مقدم، کارگردان، معصومه و زیور، دو تن از قربانیان اسیدپاشی در موسسه بهاران اکران شد. مستند "معصومه" درباره زندگی زنی بنام معصومه ساخته شده که توسط پدرشوهرش مورد حمله اسیدپاشی قرار می گیرد و برای اینکه فرزند خود را در کنارش حفظ کند، از اجرای حکم قصاص پدر شوهرش، می گذرد. در این مستند همچنین به اختصار به زندگی چند تن دیگر از کسانی که مورد این جنایت قرار گرفته اند پرداخته شده است.

پس از پخش مستند، ندا ناجی، مجری برنامه و از اعضای کانون شهروندی زنان از اسیدپاشی های سریالی اصفهان به عنوان خشونت عمومی علیه جامعه زنان کشور یاد کرد و از دکتر شروین وکیلی و دکتر سارا منصفی برای تحلیل پیرامون چرایی، علل و عوامل اتفاق اسیدپاشی به عنوان جامعه شناس و روان شناس دعوت کرد که به سخنانی پردازند. شروین وکیلی در ابتدای صحبت هایش

با اشاره به تأثیرگذاری فیلم گفت: «اسیدپاشی، یکی از نمونه های خشونت علیه زنان است. به این دلیل که زیبایی برای زنان اهمیت زیادی دارد و از این رو مورد آسیب از سوی مرد قرار می گیرد و طی سال های گذشته نیز سالی حدود ۳۰۰ نفر مورد حمله اسیدپاشی قرار می گیرند که از سال ۹۰ به بعد هم این اتفاق ها اوج مضاعفی گرفته است.»

وکیلی همچنین با اشاره به اینکه آیا خشونت با بخشش کاهش پیدا می کند یا نه، گفت: «من هوادار قصاص هستم. در اسید پاشی ما با جنایت و جرم خشونت بار رو به رو هستیم. در واقع اسیدپاشی هم نوعی خشونت نسبت به بدن دیگری است. بدن مردان به قصد کشتن مورد حمله قرار می گیرد اما بدن زنان بیشتر به قصد آسیب رساندن، مورد حمله قرار می گیرد، زیرا تعداد مردانی که کشته می شوند، بسیار زیاد هستند اما زنانی که بدنشان مورد آسیب قرار می گیرد، بیشتر است.»

## Ali Driving & Traffic School

### کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی
- ♦ ما تضمین می کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل های مدرسه ما نیز استفاده کنید

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors

- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249



## دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

- ♦ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
- ♦ درمان بیماری های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی
- ♦Foot related diseases ♦Bunion, Callus, Corn ♦Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦Sports Medicine & Injuries ♦Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦Ankle Arthroscopy ♦Pediatric Foot Conditions ♦Flat Feet & Orthotics ♦Skin & Nail Conditions

### Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

پژوهش است! اصلا دلش می خواهد همه مجله های فارسی زبان را بخواند، به من و شما چه مربوط است. اگر چه او در ایام ماه رمضان و ماه محرم همه مجله های رسیده را در گنج خانه پنهان می کند و رویش را هم با دستمال می پوشاند که مبادا چشمش به سر برهنه فلان خواننده آنگوشتی بیفتد و گناه بکند. خب این هم عیبی ندارد. نوش جان. خواندن قصه های عاشقانه که بد نیست.

حاج خانم برای تناسب اندامش اهل پیاده روی است. از آپارتمانی که دولت آمریکا برایش اجاره کرده صبح ها میزند بیرون، کفش کتانی گنده تر از پایش را به پا کرده و در چادر و چاقچور خودش را چنان پیچیده که اگر خدای نکرده تصادف بکند و او را به بیمارستان ببرند پرستارها ده بیست متر پارچه را باید از تن این حاج خانم ما در آورده تا برسند به محل زخم. حاج خانم سینماهای سر راهش را دور می زند. یعنی بصورت زیگزاگ می رود. اصلا دوست ندارد چشمش به پستان بند هنرپیشه سینما بیفتد چه برسد به پستانش. خدا را شکر که سر راهش از این (سکس شاپ ها) وجود ندارد و گرنه باید حاج خانم دنده هوانی می زد و می رفت.

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

جهان را غارت می کنند، بگذار یک چیزی هم به ما بدهند.

فرض کنیم تا اینجا داستان، حاج خانم درست میگوید. این پولی را که به آنها می دهند شرکت های نفتی از درآمدها به حضرت حاج خانم می دهند و فرض می کنیم این نفت از ایران آمده و فروخته شده و چندرغازی هم به این خانم داده اند. وگرنه اگر قرار باشد از زحمت کشی آمریکائی ها باشد که حلال نیست. شاید هم هست نمی دانم! آیا کسی به توضیح المسائل آقا مراجعه کرده و خوانده که اگر کمکی که دولت آمریکا به پناهندگان و از کارافتادگان و بیکاران و خود از کار انداخته گان می کند، اگر از مالیات مردم باشد، مثلا حرام و اگر از عایدات نفت خودمان! باشد حلال است؟! خودمان!

البته می توان این کلاه شرعی را هم مثل هزاران کلاه شرعی دیگر پذیرفت اما داستان به همین جا ختم نمی شود. این حاج خانم ما که سال هاست شوهرش دار فانی را وداع گفته و به بهشت رفته، اهل صیغه میغه و این حرف ها هم نیست. خب سن و سالی از او گذشته ولی مجله های ایرانی را مخصوصا آن قسمت دوست یابی را خوب می خواند. بالاخره هر چه باشد آدمیزاد اهل تحقیق و بررسی و



## یک سینه سفین

مسعود سپند

### حاج خانم

خویش آونگ است. با همه اینها که گفتم این حاج خانم یک کاری می کند که به من و به شما مربوط می شود و آن مسئله مالیات است. نمیدانم شما مالیات می دهید یا نه و به گمان بنده کسی نیست که یک جوری مجبور نباشد مالیات بدهد. جالب این است که در تاجیکستان به مالیات می گویند (انداز). عجب واژه پر معنایی است این (انداز).

بگذریم. این حاج خانم از مالیات بنده و شما و میلیون ها آمریکائی، از دولت آمریکا پول می گیرد و خوب هم می گیرد، اما وقتی به او بگوئی حاج خانم، این پول زحمت کش مردم آمریکاست که دارند به شما میدهند، می گوید که چشمشان کور باید بدهند. پول نفت ما را می خورند،

همسایه دوست من حاج خانمی است که همتا ندارد، یعنی بین همه حاج خانم های ایران و جهان از او حاج خانم تر پیدا نمیتوان کرد. صورتش را قرص می گیرد. وقتی با تو حرف میزند دهانش را زیر چارقدش پنهان می کند. آنچنان سیاه می پوشد که پنداری از تنوره کوره آجرپزی تازه بیرون آمده. با این وضعی که دارد گمان نکنم نمازش هم قضا شود اگر چه بعضی نمازها برای غذا است ولی این خانم! نه. نمی شود فکر کرد که اهل تظاهر و ریا و تزویر باشد. اصلا به ما چه مربوط است. هر کس هر طور دوست دارد باید زندگی کند. یکی ریش می گذارد، دیگری می تراشد یکی به حمام که می رود غسل می کند یکی فقط می شوید. خلاصه هر کسی بردار و درد سرنوشت

## رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است.

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916)483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

## آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا



Mino Parsa/Beautician

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز، زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملا آرام و بهداشتی

❖ Permanent Makeup Specialist

❖ Non-Surgical Facelift ❖ Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974



## چند حکایت از گلستان سعدی

## در اخلاق درویشان

وقتی در سفر حجاز طایفه ای جوانان صاحبدل همدم من بودند و همقدم. وقت ها زمزمه ای بکردندی و بیتهی محققانه بگفتندی، عابدی در سبیل منکر حال درویشان بود و بی خبر از درد ایشان. تا برسیدیم به خیل بنی هلال کودکی سپاه از حی عرب بدرآمد و آوازی برآورد که مرغ از هوا درآورد. اشتر عابد را دیدم که برقص اندر آمد و عابد را بینداخت و راه بیابان گرفت. گفتم: ای شیخ در حیوانی اثر کرد و ترا همچنان تفاوت نمیکند.

دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری اشتر بشعر عرب در حالتست و طرب و عند هیوب الناشرات علی الحمی بذکرش هر چه بینی در خروشتست نه بلبل بر گلش تسبیح خوانیست	تو خود چه آدمی کز عشق بیخبری؟ گر ذوق نیست ترا کز طبع جانوری تمیل غصون البان لالهجر الصلد دلی داند در این معنی که گوشت که هر خاری به تسبیحش زبانیست
---	--

## در فضیلت قناعت

هرگز از دور زمان ننالیدم و روی از گردش آسمان درهم نکشیدم مگر وقتی که پایم برهنه بود و استطاعت پای پوشی نداشتم. به جامع کوفه درآمدم دلنگ. یکی را دیدم که پای نداشت. سپاس نعمت حق بجای آوردم و بر بی کفشی صبر کردم

مرغ بریان، بچشم مردم سیر وانکه را دستگاه و قوت نیست	کمتر از برگ تره بر خوانست شلغم پخته مرغ بریانست
--	--

## در ضعف و پیری

توانگری بخیل را پسری رنجور بود. نیک خواهان گفتندش مصلحت آنست که ختم قرآن کنی از بهر وی یا بدل قربان. لختی باندیشه فرو ریخت و گفت: مصحف مهجور اولیتر است که گله دور. صاحبدلی بشنید و گفت: ختمش به علت آن اختیار آمد که قرآن بر سر زبانست و زر در میان جان

دریغا گردن طاعت نهادن بدیناری چو خر در گل بمانند	گرش همراه بودی دست دادن ور الحمدی بخواهی صد بخوانند
---	--

## با هادی خرسندی



www.asgharagha.com  
hadikhorsandi@aol.com

## عاشقان را بگذارید...

عاشقان را بگذارید که باهم باشند  
به ائمه بسپارید که آدم باشند  
عاشقان را بگذارید که بی عقد و نکاح  
بهم آمیخته و درهم و برهم باشند  
عاشقان را بگذارید بچسبند بهم  
دو به دو راهی اعماق جهنم باشند  
عاشقان را بگذارید که یک بعد از ظهر  
پی احقاق همان حق مسلم باشند  
عاشقان را بگذارید که در جبهه ی عشق  
لزوج و لخت و پتی، خط مقدم باشند  
عاشقان را بگذارید که مشغول شوند  
بی خیال رمضان یا که محرم باشند  
عاشقان را بگذارید که دزدی دزدی  
چند ساعت بری از غصه و ماتم باشند  
پسران از طرفی یوسف نجار شوند  
دختران از طرفی حضرت مریم باشند  
عاشقان را بگذارید به یک آی لایو  
صیغه ی عشق بخوانند که محرم باشند  
عاشقان را بگذارید حماسی بشوند  
تالی سکسی تهمینه و رستم باشند  
عاشقان را بگذارید که آزادی را  
هوس انگیزترین بیرق و پرچم باشند  
عاشقان را بگذارید که بی سرخر شرع  
نفسی تازه کنند و خوش و خرم باشند  
به ائمه بسپارید که در مکتب عشق  
پی آزار جوانان وطن کم باشند  
عشق اگر لطمه زند مذهبشان را، باید  
علما در پی یک مذهب محکم باشند



Ali's  
Construction & Remodeling

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار،  
ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق،  
نوسازی آشپزخانه و حمام

(408)-898-6474

www.alisconstruction.com

با مدیریت علی زمانی

- ◆ New Custom Home ◆ Bathroom
- ◆ Room Additions ◆ Kitchen Remodel

Let us Build your Coustom Dream Home

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA



Wedding and Entertainment Coordinator  
www.niosha.com

Niosha Dance Academy

DISCOVER THE UNIQUENESS

For the wedding of your dreams let Niosha blend music, dance and tradition into an unforgettable event. To schedule a free consult please call 408-656-6585 or email niosha@niosha.com

## طی هفده روز ۵۶ نفر در ایران اعدام شدند

منابع حقوق بشری از ایران گزارش می‌دهند که موج تازه‌ای از اعدام‌ها آغاز شده است. به گزارش «هرانا»، سازمان مستقل حقوق بشر ایران، طی تنها هفده روز گذشته ۵۶ نفر در شهرهای گوناگون ایران به چوبه دار سپرده شده‌اند.

درعین حال «صادق لاریجانی»، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی با دفاع از احکام اعدام گفته است اینکه برخی می‌گویند اعدام‌ها هیچ فایده‌ای نداشته، حرف کاملاً غلطی است؛ اگر سختگیری‌های قوه قضائیه و کمک نیروهای انتظامی نبود، به وضع بسیار بدتری مبتلا بودیم و آنوقت مواد مخدر را در عطاری‌ها هم پیدا می‌کردیم. با این حال فعالان حقوق بشر مخالف اعدام می‌گویند که مجازات اعدام کارکرد پیشگیرانه ندارد و حتی به گسترش جرم و خشونت در جامعه دامن می‌زند.

در ماه اوت گذشته بیست نفر در یک روز در جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «گروه تکفیری توحید و جهاد» اعدام شدند.

وی دوران ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و تحصیلات دانشگاهی‌اش با جنگ دوم جهانی مقارن شد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۷**

هرانا یاد آوری می‌کند که این شمار اعدام، در چنین بازه زمانی کوتاهی، در دو سال گذشته سابقه نداشته است.

بنا بر این گزارش این اعدام‌ها در شهرهای شاهرود، گرگان، کرج، اورمیه، میناب، تبریز و شیراز و برخی شهرهای دیگر ایران صورت گرفته است.

به گزارش هرانا، فقط در روز هفتم مهرماه احکام یازده زندانی به اتهام‌های گوناگون در زندان کرج به اجرا درآمد.

به گزارش این سامانه حقوق بشری روز هشتم مهرماه در زندان «اورمیه» نیز احکام اعدام در مورد هشت تن از جمله یک زن به اجرا گذاشته شد.

سامانه خبری مرکز دموکراسی و حقوق بشر کردستان با تأیید اعدام این فرد گزارش کرده است که همسر این زن نیز هم زمان اعدام شده است.

واشنگتن بود. وی عضو مجلس مؤسسان و دوره‌های دوم و سوم مجلس سنا بود و در کابینه حسین علاء وزارت فرهنگ را بر عهده داشت.

## جمشید آموزگار درگذشت

جمشید آموزگار، نخست‌وزیر پیشین ایران، در سن ۹۳ سالگی درگذشت.



وی در نهایت از مقام نخست‌وزیری و دبیر کلی حزب رستاخیز استعفا کرد. هفت روز پس از استعفای آقای آموزگار، محمدرضا پهلوی، حزب رستاخیز را منحل کرد. آقای آموزگار در آذر ماه ۱۳۵۷ ایران را به مقصد آمریکا ترک کرد. پس از آن فعالیت‌های آقای آموزگار بر اقتصاد جهانی و صندوق بین‌المللی پول متمرکز بود.

### پیشینه

آقای آموزگار متولد چهارم تیر ماه ۱۳۰۲ استهبان فارس بود. پدرش حبیب‌الله خان آموزگار از قضات وزارت عدلیه رضا شاه بود. جمشید آموزگار، دانش‌آموخته حقوق و اقتصاد در دانشگاه تهران و فارغ‌التحصیل مقطع دکترای مهندسی هیدرولیک از دانشگاه

در سال ۱۳۵۵ آقای آموزگار به عنوان دومین دبیر کل "حزب رستاخیز ایران" (حزبی که توسط محمد رضا پهلوی به عنوان یگانه حزب ایران تاسیس شده بود) و مشاور نخست وزیر به کنگره حزب معرفی گردید.

وی سپس در شهریور ماه ۱۳۵۶ و تقریباً همزمان با اوج گرفتن اعتراضات علیه رژیم پهلوی به عنوان نخست وزیر ایران سکان هدایت دولت را بر عهده گرفت.

به اعتقاد برخی از ناظران، شاه با انتخاب آقای آموزگار در صدد بر آمده بود تا خود، با مشارکت بخشیدن به مخالفانش، فرصت بحران زایی در ایران را از منتقدانش بگیرد.

اما عملاً در دوران نخست‌وزیری آموزگار مخالفت‌ها در کشور بالا گرفت و انتشار مقاله‌ای در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ علیه آیت الله خمینی از سوی دولت به اعتراض خیابانی طرفداران او انجامید. بسیاری از شهرهای ایران را موجی از اعتراضات در قالب راهپیمایی در بر گرفت. در پی این تحولات و افزایش اعتراضات،



## هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس‌های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com



(Liability) در قبال اعمال صورت گرفته از جانب شرکا می باشد. در یک شراکت معمولی، هریک از شرکا در قبال تمامی اعمال صورت گرفته مربوط به کسب و کار توسط شرکای دیگر مسئول می باشند. مثلا، اگر یکی از شرکا، در حین انجام کار خود به یکی از مشتریان خود آسیبی برساند، شریک یا شرکای دیگر نیز در قبال آن مشتری مسئول می باشند و آن مشتری می تواند از تک تک شرکا به طور جداگانه ادعای خسارت کند. مثلا، اگر دو پزشک با یکدیگر شریک هستند و یکی از پزشکان در جریان درمان بیمار خود به آن بیمار صدمه بزند، بیمار می تواند از پزشک دیگر که او را درمان نکرده یا پزشک خود یا هر دو پزشک شکایت و ادعای خسارت نماید.

به دلیلی ریسک بالای مسئولیت یک شریک در برابر اعمال شرکای دیگر، نوعی از شراکت شکل گرفته است که به آن شراکت با مسئولیت محدود (Limited Liability Partnership) گفته می شود. در این فرم از شراکت، هریک از شرکا تنها در قبال اعمال صورت گرفته از جانب خود مسئول می باشند و ملزم به جبران خسارات ناشی از اعمال دیگر شرکا نمی باشند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۶**

می کند، بسیار مهم می باشد. از موارد مهمی که در یک قرارداد شراکت باید گنجانده شود. سهم مدیریتی شرکا در امور روزانه کسب و کاری باشد. موارد مهم دیگر، توضیح وقایعی است که به پایان شراکت می انجامد. در صورت نبود چنین توافقاتی، موارد مربوط به حقوق و وظایف شرکا، براساس قانون مشخص می شود.

مثلا، طبق قانون، تمامی شرکا در تصمیم در مورد همه امور جاری کسب و کار حق مساوی دارند. بنابراین، طبق قانون، هریک از شرکا می تواند بدون گرفتن اجازه از شرکای دیگر، در مورد امور روزانه ای چون بستن قرارداد با فروشندگان کالاهای مورد نیاز کسب و کار، گرفتن وام، استخدام یا اخراج کارمندان، و غیره تصمیم بگیرد. انجام هریک از موارد ذکر شده توسط یکی از شرکا، شراکت را ملزم و متعهد به انجام وظایفی که در این حین به وجود می آید می نماید. مثلا، اگر یکی از شرکا حتی بدون مشورت و توافق دیگر شرکا برای کسب و کار وام بگیرد، دیگر شرکا نیز ملزم به تعهدات مربوط به آن وام می شوند.

یکی از مسائل حقوقی بسیار مهم در مورد شراکت، مسئله مسئولیت قانونی



## نگاهی کوتاه بر قوانین مربوط به شراکت

که شرکا قرارداد نوشته شده یا ثبت شده شراکت داشته باشند. طبق قوانین ایالت کالیفرنیا، این امر که دو یا چند نفر کسب و کاری را با همکاری یکدیگر اداره می کنند و هزینه های، سودها، و ضررهای کسب و کار را میان یکدیگر تقسیم می کنند، وجود شراکت را اثبات می کند. البته، داشتن قرارداد نوشته شده ای که جزئیات مربوط به نحوه اداره کسب و کار و تقسیم وظایف، اختیارات، هزینه ها، و درآمد شراکت را بیان می کند حتی در ساده ترین انواع کسب و کار توصیه می شود. لازم به خاطر نشان است که بسیاری از شراکتها به دلایل مختلفی از جمله شخص نبودن حقوق و وظایف شرکا به شکست می انجامد. بنابراین داشتن قرارداد نوشته شده ای که جزئیات روابط شرکا را مشخص

در یکی از مقالاتی که در چندین شماره پیش این مجله چاپ شد، درباره اشکال مختلف قانونی تشکیل کسب و کار (Business) توضیحاتی کلی ارائه دادیم. همانطور که گفته شد، یکی از اشکال قانونی تشکیل یک کسب و کار شکل شراکت (Partnership) می باشد. در این نوشته قصد داریم که توضیحاتی کامل تر در مورد نحوه تشکیل و مسائل قانونی مرتبط با فرم قانونی شراکت ارائه دهیم.

به طور کلی، شراکت توافقی است که براساس آن دو یا چند فرد با یکدیگر همراه می شوند تا کسب و کاری را برای سوددهی اداره کنند. بنابراین، در یک کسب و کار شراکتی، دو یا چند شریک، هزینه و سود آن کسب و کار را با یکدیگر تقسیم می کنند.

برای تشکیل یک شراکت، نیازی نیست



# بابک رحیم زاده

## Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



Personal & Business  
Federal & State Tax Return Filing

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

1900 Camden Ave, Suite 204  
San Jose, CA 95124

(408)247-5626

(408)899-8727

www.BandRaccounting.com



گرفت و می رفت تا به سرزمین شیرین رسید و از طرفی دیگر شیرین همچون باد صبا می تاخت و پیش می رفت تا به مشکوی خسرو در مداین رسید و چون خسرو قبل از راهی شدن خبر فرود آمدن شیرین را به کاخ خویش به خدمه و حشم داده بود مقدم وی را گرامی داشتند و به رسم پادشاهی نواختندش و خدمتگزاران از خدمتگزاری در پی نمی کردند. در این زمان شاپور، خسرو را از موقوف آگاه گردانید و عهد بر این گذارده شد که شیرین را دوباره به ارمنستان بازگردانند و شاپور برای انجام این ماموریت به مداین رفت و شیرین را دوباره به ارمنستان بازگردانید. اما درینا که کوتاه زمانی قبل از رسیدن ایشان به آن سرزمین پدر خسرو درگذشت و او برای در دست گرفتن زمام مملکت راهی مداین شد و به این صورت سرنوشت آنها را در مسیری متفاوت از یکدیگر قرار داد.

چون چندی به این صورت گذشت دوباره روزی در نجبیر گاهی که هر یک از آنها جداگانه در اطراف آنجا به نجبیر آمده بودند به یکدیگر رسیدند خسرو در راه شکار در نواحی اطراف سرزمین شیرین می گشت که با شیرین و ندیمانهاش برخورد کرد. سرنوشت بالاخره آن دو را در برابر هم قرار داد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۵**

او از زبان شاپور ندیم خاص خویش می شنود دل بر وی می باز و شاپور را به خواستاری نزد شیرین می فرستد و شاپور با هزار زبان دل شیرین را نرم می کند و به روی آوردن به مداین پایتخت شاه ایران ترغیب می کند. شیرین صبحگاهی به قصد شکار به همراهی موبک خویش راه نجبیر در پیش می گیرد و چون به شکارگاه می رسد اسب خویش به تاخت می آورد و روی به سوی مداین می تازد، در راه در اطراف چشمه ساری برای زدودن غبار خستگی از اسب فرود می آید و چون در اطراف چشمه سار کسی را نمی بیند، جامه از تن بر می گیرد و پیکر به دست امواج می سپارد، از طرفی خسرو به همراهی یاران در همین هنگام رو به سرزمین ارمن اسب می تاخت و چون خستگی اسبانها را از پای در آورده بود در همین منزل که شیرین در چشمه سار آن پیکر می شست فرود آمدند و خسرو در گشت و گذار اطراف چشمه چشمش به ماه پیکری افتاد که پیکر به آب چشمه می شست. آن دو بدون شناسایی یکدیگر دوباره هر یک راهی دیگر در پیش گرفتند شیرین به تندی از جای برخاست جامه بر تن پوشید و بر اسب نشست و راه مداین در پیش گرفت و خسرو راه ارمن در پیش



## شیرین در خسرو و شیرین نظامر

برادر زاده مهین بانو. خود زنی فرمانده است و اقلیم «اران» وی را مقرر گشته و به هر فصلی از سال سرزمین تازه ای را برای سکونت می گزیند و جلال و بزرگی چنانست که ویرا بانوی بانوان خوانند. در عین حال شاهزاده ایست با چهره ای بس زیبا و آنقدر زیباست که نظامی هنگام توصیف زیبایی او می گوید:

**پریدختی، پری بگذار، ماهی**  
**به زیر مقنعه صاحب کلاهی**  
**شب افروزی چو مهتاب جوانی**  
**سپه چشمی چو آب زندگانی**  
**کشیده قامتی چون نخل سیمین**  
**دو زنگی بر سر نخلش رطب چین**  
**نمک دارد لبش در خنده پیوست**  
**نمک شیرین نباشد و آن او هست**  
شیرین آیتی از حسن و لطافت و زیباییست و خسرو ولیعهد ایران، چون وصف زیبایی

در دفتر سترگ شعر فارسی چهره زن همیشه به صورت انگیزه ای شعر آفرین به چشم می خورد زن در شعر فارسی موجب و موجد خاطره انگیزی ها، تراژدی ها، داستانها و نازک خیالی های دلنشین است. در بررسی اشعار شاعران این موجود که فاصله کیفیتی از شیطان تا فرشته را پر کرده است به صورت های گوناگون جلوه کرده است و تردید نیست که پیش هر یک از شاعران نسبت به او یقینا در خلق آثار هنری ایشان موثر بوده است. در اینجا سخن من از نظامی کنجوی و سخن از یکی از قهرمانان نامور شعر او، شیرین است.

شیرین در داستان خسرو شیرین نظامی، شاهزاده ایست از ارمنستان که در نزد مهین بانو حکمران آن ناحیه روزگار می گذراند و خویش نزدیک مهین بانوست

## حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری  
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



**Hamid Abtahi**

منطقه  
منطقه  
منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات  
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله  
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

**Location! Location! Location!**  
**Why Do You Pay Rent?!**

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.  
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)366-2180 + (408)253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070



Fataneh Hooshdaran, D.C.

## دکتر فتانه هوشداران کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی،  
صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

♦ سر درد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه و  
زانو درد ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن  
دردهای کمر ♦ دردهای دست



مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و  
ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

Serving: San Jose & Santa Clara

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود

(408) 712-3788

1610 Blossom Hill Rd., Suite #1  
San Jose, CA 95124

(408) 244-7677

2797 Park Ave., Suite #103  
Santa Clara, CA 95050



## مدرسه اندیشه

با کلاسهای فارسی، اخلاق و هنر برای  
سال تحصیلی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ ثبت نام میکند.  
بازدید و ثبت نام: شنبه ۱۰ سپتامبر ۹:۳۰ الی ۱۵

مدرسه اندیشه طی بیش از ۲۴ سال فعالیت مستمر فرهنگی و آموزشی نقش موثری در تربیت کودکان و نوجوانان فارسی زبان این منطقه داشته است و هم اکنون جوانان زیادی آشنایی خود با زبان فارسی و آموزش های اخلاقی و دینی و هنری را مرهون فعالیت های این مرکز میدانند.

شروع و پایان کلاسها: ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶ الی ۲۰ می ۲۰۱۷  
ساعت کلاسها: شنبه ها ۹:۳۰ صبح الی ۳ بعد از ظهر

### Andeesheh Farsi School's Open House & Registration

Open house & Registration: Sep. 10 2016: 9:30 am - 3 pm  
Classes start and end: Sep. 10, 2016 - May 20, 2017  
School days/hours: Saturdays, 9:30 am - 3 pm

- [www.iccnc.org/fa](http://www.iccnc.org/fa)
- [\(510\) 832-7600](tel:5108327600)
- [info@iccnc.org](mailto:info@iccnc.org)
- [facebook.com/ICCNCORG](https://www.facebook.com/ICCNCORG)

## مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا شما را به برنامه های متنوع دعوت می نماید!



دکتر عبدالکریم سروش



مهندس عبدالعلی بازرگان

### سلسله جلسات و کلاس های دکتر عبدالکریم سروش

♦ سلسله جلسات شرح غزلیات دیوان شمس تبریزی مولانا جلال الدین: اولین شنبه هر ماه ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر در مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا

♦ کلاس های شرح مثنوی دفتر نخست: ۲۳ اکتبر، ۶ و ۲۰ نوامبر، ۴ و ۱۸ دسامبر، ساعت ۶ عصر در منلو پارک جهت ثبت نام حضور در این کلاس ها با [azita@iccnc.org](mailto:azita@iccnc.org) و یا ۷۶۰۰-۸۳۲-(۵۱۰) تماس حاصل فرمایید

♦ سلوک دیندارانه در جهان مدرن: ۲ و ۱۶ اکتبر، ۱۳ نوامبر، ۱۱ دسامبر ساعت ۶ عصر در منلو پارک جهت ثبت نام حضور در این کلاس ها با [azita@iccnc.org](mailto:azita@iccnc.org) و یا ۷۶۰۰-۸۳۲-(۵۱۰) تماس حاصل فرمایید ویژه برنامه اربعین: نوامبر ۱۹ با سخنرانی دکتر سروش. ساعت برنامه اعلام خواهد شد.

### جلسات سخنرانی مهندس عبدالعلی بازرگان پیرامون مباحث قرآنی

۱۲ نوامبر، ساعت ۶ عصر در مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا

برنامه سربانگ: سلسله جلسات بررسی و تحلیل موسیقی سنتی ایرانی توسط آقای ابولحسن مختاباد:

اولین شنبه هر ماه ساعت ۶ عصر در مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا

کلاس های تفسیر قرآن با همکاری دکتر سید وهاب معصومی: سومین شنبه هر ماه ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر در مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا



1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

(510)832-7600



facebook.com/ICCNCORG ♦ info@iccnc.org ♦ www.iccnc.org/fa

ICCNCORG

پوست را تحلیل کنند. ایده این بود که یک گروه پلیس محاورتی تشکیل گردد چیزی که شهر دار نیویورک، رودلف جولیان، بین سالهای ۱۹۴۴ تا ۲۰۰۱ از آن دفاع می کرد. بدین ترتیب در ریو پلیس تلاش خود را بروی سلاح ها متمرکز کرده و از مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر صرف نظر می کند و این کار در ریو بسیار مشکل بود و باید به فتح تپه هایی موفق شد که قرار بود آپارتمان های ورزشکاران بر روی آنها ساخته شود. مکان هایی به ندرت در آن قدم می گذاشت و حال همراه با انفجاری از خشونت همراه بود.

اولین عملیات در سال ۲۰۰۸ و با کمک یک آژانس تبلیغاتی صورت گرفت و از آنجا واژه پاک سازی باب شد. این روشی بود که نشان داده شود مملکت عوض شده است. بازرسی و بازسازی در بعضی از زاغه ها یکسال طول کشید تا پلیس جایگزین قاچاقچی ها شود. جالب بود که پاکسازی ها بدون شلیک حتی یک گلوله به انجام رسید. وقتی پلیس پاک سازی مستقر شد، مرحله دوم عملیات شروع شد و گروه پلیس اجتماعی وارد کار شد. کلنل رودریگز عقیده داشت که بدون امنیت امکان پاکسازی زاغه نشینان و جایگزین کردن آنها بسیار مشکل خواهد بود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۵

نظام انتقاد می کرد بهر حال نمی تواند اشتباهات مسئولان پلیس را نادیده بگیرد. او اعتقاد دارد که بهتر بود از زاغه نشین های دیگری آغاز شود، اما کلنل رابسن رادریگز، یکی از مسئولان نظامی پلیس نظامی ریو و مغز متفکر پاکسازی، این امر را کاملاً می پذیرد. او گفته بود این بازیهای المپیک ۲۰۱۶ هستند که انتخاب ما را رقم می زنند و می توان گفت اگر این بازیها نبود این سیاست هرگز شکل نمی گرفت.

این پاکسازی به گونه ای شکل گرفت که در ریو به آن موقعیت استثنایی می گویند. سال ۲۰۰۹ ریو میزبانی المپیک را در رقابتی بسیار نزدیک برد و برای اولین بار رئیس جمهور سابق، لوتیس ایناسیولولادوسیلوا (از حزب چپ) و فرماندار ایالت سرژیو و شهردار ریو هر دو از حزب چپ، جنبش دموکراتیک برزیل عهدنامه سیاسی با یکدیگر می بندند که میزبان بازیها باشند. مدت ها بود که مبارزه علیه گروه های جنایی دیگر نتیجه چندانی نداشت جز تعدادی بیشتر کشته شدگان، به خصوص در قشر جوانان سیاه پوست. در سال ۲۰۰۵ گروه کوچکی از پلیس ها به بوستون فرستاده شدند تا کشتار گروه های فقیر و سیاه



## ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com

است. قاچاقچی های تپه نشین جایشان را به پلیس ها داده اند. سلاح های قدرت تنها دست به دست شده است. این یکی از چشم گیرترین نتایج برنامه های آن سالها برای پاک سازی زاغه نشین بود که همواره عواقبی را در بر داشت.

«حاکمان تپه» نامی است که گروه آزمایشگاه تحقیقاتی بروی خشونت که توسط جامعه شناس اینگناسیوکانو اداره می شود برای بررسی در مورد پاک سازی زاغه نشین ها در سال ۲۰۱۲ برگزیده است. این تحقیقات نشان می دهد که هر چند این کار با اشکالاتی همراه بوده است ولی نتایج غیرقابل انکاری را در مورد مساله امنیت در برداشته است. این جامعه شناس چنین توضیح می دهد که در سیزده زاغه نشین اولی که پاکسازی شدند تعداد مرگ های خشونت بار آنقدر کاهش یافت که تعداد کشته شدگان در حملات پلیس تقریباً به صفر رسید.

کانو که از دیرباز از خشونت مسئولین

برزیل دو رویداد مهم جام جهانی فوتبال و المپیک را در دوسالی که گذشت برگزار کرد. می توان گفت با موفقیت البته اما نه به همان سادگی که در اروپا هر کشوری و در آمریکا هر استانی می توانست میزبان این بازیها باشد. در برزیل پاک سازی قدرتمندانه ای صورت گرفت. وقتی برزیل میزبان بازیها شد آنها به این فکر افتادند که ماکارانا ورزشگاه پیری را که سالیان سال خاک می خورد دوباره سازی کنند. ماراکانا در ریو دوژانیرو بود. نهایتاً همه چیز بنام ریو حک شد. آنجا که در روی تپه ها زاغه نشین های فراوانی باید پاکسازی می شد ترافیک با آمدن پلیس همیشه راه بندان بوجود می آورد تا قاچاقچیان راهی برای فرار بیابند. پلیس با ملایمت سعی می کند زن جوانی را که فریاد می زند، متقاعد کند که ما هستیم و ما از این پس رئیس خواهیم بود. این در سالهای ۲۰۰۹ بود. زاغه نشینان می گفتند که رئیس این تپه ها تغییر کرده



## انجمن آذربایجانی های شمال کالیفرنیا

غیر انتفاعی، فرهنگی، هنری و بدون وابستگی سیاسی و مذهبی!

با هدف ترویج و گسترش فرهنگ و هنر آذربایجان

**برنامه های انجمن:** برپایی جشن های ملی، تفریحی، کمپینگ و پیک نیک، مسابقات تخته نرد، شب های

شعر و موسیقی، برنامه های هنری، کلاس های زبان ترکی و انگلیسی، کلاس های رقص و موسیقی

**خدمات و مشاوره رایگان در امور:** ♦ مهاجرت ♦ کاریابی و مسکن ♦ انجام خدمات اولیه برای افراد تازه وارد به آمریکا

♦ سرمایه گذاری ♦ خرید و فروش املاک ♦ مشاوره در امور تحصیلی ♦ مشاوره در امور خانوادگی

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید!

e-mail: secretary@acsnc.org

(408)661-3410

website: www.acsnc.org

عضویت در این انجمن بدون شرط سنی، عقیدتی، سیاسی و ملیتی می باشد!

**Azerbaijan Cultural Society of N. California**

16400 Lark Ave., Ste # 260, Los Gatos, CA 95032



## چند حکایت

به شیطان گفتم: «لعنت بر شیطان!» لبخند زد.  
 پرسیدم: «چرا می خندی؟»  
 پاسخ داد: «از حماقت تو خنده ام می گیرد»  
 پرسیدم: «مگر چه کرده ام؟»  
 گفت: «مرا لعنت می کنی در حالی که هیچ بدی در حق تو نکرده ام»  
 با تعجب پرسیدم: «پس چرا زمین می خورم؟!»  
 جواب داد: «نفس تو مانند اسبی است که آن را رام نکرده ای. نفس تو هنوز وحشی است؛ تو را زمین می زند.»  
 پرسیدم: «پس تو چه کاره ای؟»  
 پاسخ داد: «هر وقت سواری آموختی، برای رم دادن اسب تو خواهم آمد؛ فعلاً برو سواری بیاموز!»

مردی بودا را دشنام داد، هیچ نگفت و آن ده ترک نمود. مرد را گفتند که دانی چه کس را ناسزا گفتی؟ گفت: ندانم. گفتند که بودا بود، عارفی بزرگ است. پس مرد بر زندگی اش بیمناک گشت. در پی اش رفت و روزی دیگر او را یافت. بر پایش افتاد و بخشش طلبید. گفت: «تو که هستی و چه می خواهی؟ طلب عفو از چه روی است؟»  
 گفت: «دیروز تو را دشنام دادم، حال نادم هستم و طلب بخشش دارم.»  
 گفت: از امروز بگو، من از دیروز هیچ نمی دانم.

روزی مجنون از سجاده شخصی عبور می کرد.  
 مرد نماز رانگست و گفت: مردک! در حال رازو نیاز باخدا بودم تو چگونه این رشته را بریدی؟  
 مجنون لبخندی زد و گفت: عاشق بنده ای هستم و تو را ندیدم و تو عاشق خدایی و مرا دیدی!



## خاطرات در گذر زمان

هوشمند عقیلی

### قول گندم

پهلوان «زین العابدین کاشی» در عهد «محمد شاه قاجار» در کاشان زندگی می کرد و مورد احترام همگان بود. ایشان بزرگ خانواده های «شیبانی»، «غفاری» و «ضرابی»، سه فامیل بزرگ کاشان بود. در اواخر عمر، شنوایی را تا حد زیادی از دست داده، ضمناً قدری فراموش کار شده بود که برای اطرافیان و کارگزاران او در دسرهایی هم به وجود می آورد. می گویند رتی و فتق امور و معاملاتش را روی سکوی جلوی خانه انجام می داد. عصری از روزهای آخر تابستان که با اطرافیانش مشغول معامله کشاورزی سکوتی بود، سرنچی از راه رسید و جلو درب خانه پهلوان با عرض یک سلام بلند بالا، سرنایی از زیر جامه اش در آورد و بدون مقدمه شروع به زدن کرد و چه زیبا هم می زد، به طوری که پهلوان را بسیار خوش آمد و در آخر برای تشویق سرنایی

گفت: درویش فردا به مباشرم دستور می دهم، صد من گندم به تو بدهد. خوش آمدی برو به سلامت.  
 فردا صبح درویش با خری و جوالی به سراغ گندم زار و خرمن پهلوان «زین العابدین» رفت و از رعیت آنجا طبق گفته پهلوان طلب گندم کرد.  
 رعیت اظهار بی اطلاعی نمود و گزارش به مباشر رسید. او هم از این حواله بی اطلاع بود. با اصرار درویش قرار شد عصر آن روز باز به خانه پهلوان بروند که اگر چنین بذل و بخششی و حواله ای شده مباشر انجام بدهد. پهلوان پرسید: چه می خواهی؟  
 درویش گفت: قربان، دیروز که یادتان هست خدمتتان سرنا زدم. شما هم حواله صد من گندم دادید که امروز به من بدهند. پهلوان گفت: هان فهمیدیم تو سرنایی زدی ما را خوش آمد، من هم چیزی گفتم تو را خوش آید. در این بین، گندمی مطرح نبود!



Immigration & Translation Services

## شرکت ساعی

۱۳۱۸-۵۵۴ (۴۰۸)

مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com

I am not an attorney

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

دارند و آن ضدیت با ایران است. حالا می خواهد این فیلم، خوب از کار دربیاید یا نه چون هدف چیز دیگریست. این نوع فیلم



درباره ایران را- حداقل در اینجا- دارند بهتر است از چند کارگردان و فیلمساز ایرانی که در خارج فعالیت می کنند استفاده کنند تا فیلم هایشان دارای کمابیش اصالت باشد. تنها «آرگو» توانسته از هر نظر از این بابت موفق بیرون بیاید. چه از نظر بافت و ساخت آن، و چه از نظر بازی ها، کارگردانی، فیلمبرداری و غیره. «مهرماه های شیراز» از هیچ کدام از این موارد بهره نبرده. از کارگردانی بد

ها که پروپاگاند و تبلیغاتی خوانده می شوند معمولاً فاقد ارزش هستند گرچه به نیت اصلی اشان دست می یابند، اما تأثیر چندانی از خود چه از نظر هنری یا اجتماعی باقی نمی گذارند. هرچند سینما اینجا وسیله و ترفندی است که یک داستان ضدایرانی را به فیلم درآورند و چون این فیلم ها کم خرج هستند انتظار باز پس مالی چندانی هم ندارند چرا که هدف چیز دیگریست به خصوص که این فیلم را تقریباً هیچکس ندیده- چون تقریباً جایی نشان داده نشده- و اینک بعد از یک سال و اندی که از عمرش می گذرد می توان آن را روی ویدیو دید و سریع هم به دست فراموشی اش سپرد.

و ناآشنا با داستان و محیط، تا بازی های بدتر... «آغداشلو» هم در این نقش ها (نقش های ضدایرانی) جاقفاده و هربار می خواهند فیلمی درباره ایران بسازند که معمولاً کم خرج هم هست، از او استفاده می کنند و او هم همان نقش همیشگی را تحویل می دهد با غلیظ تر کردن لهجه اش که جای تأسف است.

فیلم را «وین بلیر» کارگردان استرالیایی ساخته که به کار گرفتن یک استرالیایی در حالیکه هالیوود مملو از کارگردان است نیز جای پرسش دارد. فیلمسازی که دو سه فیلم ضعیف در کارنامه اش ثبت شده.

در مجموع، فیلم هایی که برضد ایران ساخته شده و یا می شوند، تنها یک هدف

## مهرماه های شیراز

### سعید شفا



را تداعی نمی کند و تمرکز، بیشتر در داخل خانه خانواده مطرح در فیلم، و سلول زندان است که نیازی به نماهای



سلما هایک و شهره آغداشلو

خارجی ایران ندارد.

فیلم گرچه در کل داستان زندگی «دالیا سوفر» را به نمایش می گذارد، اما با ضعف های بسیار توأم است که از هر زاویه که به آن بنگریم، جای پرسش دارد. بازی «سلماهایک» با لهجه مکزکی بسیار بد است و معلوم نیست چرا وقتی فیلمی درباره شخصیت های خارجی ساخته می شود سازندگان آنها سعی می کنند به این شخصیت ها لهجه اضافه کنند که آنها در محیط کشورشان (اگر شهری باشند) با لهجه صحبت نمی کنند، حالا بماند که «شهره آغداشلو» که نقش خدمتکار خانه را دارد اصولاً با لهجه غلیظ صحبت می کند که لهجه معمولی اوست.

اشکال دیگر فیلم عدم نداشتن یک متصدی نا آشنا به دیالوگ و دکور است. در فیلم گه گاه کلماتی به «فارسی» ادا می شود که برای تماشاچی غیرایرانی مفهوم ندارد. مثل «بله خانم» گفتن «آغداشلو» یا «مامان» گفتن بچه ها که مثلاً خواسته اند به واژه های اریژینال نزدیک باشند.

دکور خانه هم که قسمت اعظم فیلم در آن می گذرد چهره یک خانه ایرانی را ندارد و با پوشاندن دیوارها با فرش خواسته اند خانه «سوفر» را ایرانی جلوه بدهند. فضای دفتر پدر خانواده بماند که آن نیز پرسش برانگیز است. تهیه کنندگانی که قصد ساختن فیلمی

سینمای هالیوود را کلمی ها تسخیر کرده و آن را اداره می کنند. بی شک جای تعجب نیست اگر سوژه ای آنان را در بر بگیرد، آن را به فیلم درخواهند آورد، حتی اگر بد هم ساخته شود.

از زمان تغییر رژیم در ایران، فیلم های بسیاری به ویژه درباره ضدیت با این کشور ساخته شده که «بدون دخترم هرگز» و «آرگو» از مهمترین آنهاست. «بدون دخترم هرگز» را در اسرائیل ساختند تا با یک بک گراند کمابیش ایرانی آن، داستان را واقعی تر جلوه بدهند. «آرگو» را قرار بود در ترکیه و با ایرانیان ساکن این کشور بسازند که آنها نپذیرفتند و ناچاراً فیلم را در لس آنجلس و با استفاده از تکنیک CGI که از طریق کامپیوتر در و دیوار خیابان ها را ایرانیزه می کند، ساختند. فیلم آخر این سری «مهرماه های شیراز»



است که براساس کتابی نوشته «دالیا سوفر» نوشته شده که داستان زندگی او و خانواده اش قبل از خروج از ایران است. این فیلم توسط سرمایه کلمی ها و شخصی به اسم «اوی لرنز» تهیه شده که بعد از نمایش آن در فستیوال تورنتو که فیلم های بد بسیاری هم نشان می دهد، تقریباً کسی آن را ندیده است. فیلم را در «صوفیه» کشور بلغارستان فیلمبرداری کرده اند تا به فضا و محیط ایران نزدیک باشد (ساختمان ها، خیابان ها، خانه ها...)، اما حتی با وجود استفاده از تکنیک CGI (کوه البرز، ترافیک خیابان ها، ساختمان ها) به خاطر عدم استفاده درست این نماها یا کمبود آنها، چندان فضای ایران

## کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال  
با دانش و تجربه در امور ورشکستگی،  
امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshaftefi, Esq.

### مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور خانوادگی ♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی،

و ثبت شرکت ها ♦ دعاوی مدنی

♦ Business Law ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your initial consultation, please call:

**(408)663-6286**

www.headwaylegal.com

710 Lakeway Drive, #138, Sunnyvale, CA 94085





بوی فرند داشت که با هر کدام از آنها، بی پروا به گردش و تفریح می‌رفت. یکی از آنها وظیفه رانندگی را به‌بانه اینکه آقا پیر شده و رانندگی برایش خطرناک است انجام می‌داد. خانم یک روز در جمع دوستان با گریه از بوی‌فرندش گله می‌کرد که به‌تازگی با دختر جوانی روی هم ریخته و به او خیانت می‌کند.

شوهرم برای این که صحبت را کوتاه کند، گفت: بسیار خُب، تو چکار به این کارها داری، تو کار خودت را بکن، خدا هم کار خودش را می‌کند.

با رضایت گفتم: به‌به، چه خوب، راست می‌گی. وقتی که می‌شود همه مشکلات دنیوی و اخروی را با پول حل کرد، ناراحتی و عذاب وجدان چه معنی دارد؟! بلافاصله از جایم بلند شدم و دو گیلاس عرق در فریزر سرد شده ریختم. مزه‌ای درست کردم. گیلاسم را به گیلاس شوهرم زدم و گفتم: به سلامتی هر چه خره. تا پول داری می‌شود با خدای دو عالم هم معامله کرد و بخشش و عفو او را خرید. بالاخره هرچی باشه خدا چیزی از بیزنس‌من‌های موفق دنیا چیزی کم ندارد.

زن و شوهر وضع مالی خوبی داشتند و کار و بارشان به‌اصطلاح توپ بود. خانم و آقا قلابی از هم طلاق گرفته، خانه اصلی و خانه ییلاقی و دار و ندارشان را به اسم بچه‌ها کرده بودند و کمک‌های دولتی می‌گرفتند. حالا خانم فوت شده بود. اعلان ختم ساده‌ای بود که با وصیت ایشان، رنگ و جلای دیگری پیدا می‌کرد. خانم وصیت کرده بود که چهار سال برایش نماز و روزه بخزند و مخارج ختم و چله و سال را هم به سازمانی برای کمک به بچه‌های بی‌بضاعت ایرانی بدهند. تازه فهمیدم منظور شوهرم چیست. برق خوشحالی در چشم‌هایم درخشید؛ با خنده گفتم: من که اعتقادی به این حرف‌ها ندارم. چون می‌دونم خدا احتیاجی به نماز و روزه ما ندارد، تازه مگه خدا محتاجه؛ آگه خودش بخواد همه نماز و روزه‌های دنیا را میتونه بخره.



## نوشخند و پوزخند لبخند و زهرخند

عترت گودرزی (الهی)

etratelahi@aol.com

### توبه‌گرگ

از آن دنیا برگردد و این چیزها را تعریف کند؟

گفتم: درست است که کسی برنگشته، ولی تو آدم لامذهبی هستی.

بعد شروع کردم به گریه کردن.

شوهرم ادامه داد و با مسخرگی گفت: ببین عزیزم، من راه چاره‌اش را بلدم. چرا بیخودی نگرانی. وقتی همه کارها با پول حل می‌شود، ناراحتی معنا ندارد.

با ناباوری نگاهش کردم و او ادامه داد:

این اعلان را بخوان، بعد صحبت می‌کنیم. روزنامه‌ای را که به دستم داده بود، باز کردم. یک اعلان ختم معمولی بود. خانمی را که فوت کرده بود می‌شناختم. زنی بود از طایفه طاغوت. خدا بیمارز بسیار خوشگذران بود. هوا که رو به تاریکی می‌رفت چشمانش در انتظار ویسکی و یخ کج و موج می‌شد. علاوه بر شوهر، دو

مدتهاست که خواب و خوراک ندارم. وجدانم به شدت ناراحت است. از این که گاهی مینی‌ژوپ پوشیده‌ام و نگاه نامحرم به پر و پایم افتاده خود را سرزنش می‌کنم. از این که گاهی مشروبات الکلی خورده‌ام، تنم می‌لرزد. از این که دوستان شوهرم را دوستانه بوسیده‌ام، از خود شرم دارم. دیروز شوهرم که اخیراً متوجه تغییر حالات من شده بود با مهربانی پرسید: چی شده انقدر ناراحت هستی؟!

گفتم: از آتش جهنم می‌ترسم. از پل صراط وحشت دارم، از نکیر و منکر که دیگر نکو و نپرس. فکرشان را می‌کنم که با آن گرزهای آتشین منتظر من هستند، نسوخته از ترس خاکستر می‌شوم باز هم می‌پرسی چرا ناراحت هستی؟ خنده‌ای کرد و گفت: این حرف‌ها مزخرف است. تا حالا شنیده‌ای که کسی



کار را به کاردان بسپارید!

دفتر خدمات اجتماعی

لیدا کوچصفهانی

(408)269-7283

Not a Law Office

- ♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ♦ دریافت حقوق پرستاری
- ♦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- ♦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- ♦ تنظیم دعوت نامه و تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- ♦ اخذ ویزای نامزدی
- ♦ مدیکر و مدیکل، SSI
- ♦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- ♦ اخذ پاسپورت سفید
- ♦ ترجمه اسناد و مدارک
- ♦ تمدید گرین کارت

lida.taxesavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125



مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing & Tax Services

سرویس مطمئن - قیمت مناسب - توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت ها)

Tax Planning

Tax Return Preparation

Business Bookkeeping

Tax Problem Resolution



Responsive to Your Needs

Reliable Service Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408)236-2444 Fax: (408)236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117

اختلافات سران مغول در عهد ایلخانان و به ویژه بعد از مرگ ابوسعید بهادر، و جنگ های سخت آنان که همواره با قتل و غارت همراه بود، و بعد از کشاکش های پیاپی و پایان ناپذیر امرای مختلف که در قسمت های مختلف با یکدیگر به جنگ برمی خاستند و در این میان مال و جان مردم را مورد مصالحه و معامله خود قرار می دادند و نیز هجوم هایی که هرچند یکبار بوسیله شاهزادگان مغولی از جانب اولوس جغتای یا از طرف دشت قفچاق بر ایران می شد، و ظلم ها و آزارهای عمال مغول که معمولاً به مهاجرت مردم منتهی می گردید، و سرانجام قتل و غارت های وحشیانه تیمور و همراهان او، همه و همه وضع خطرناک و خانه براندازی در ایران ایجاد کرده بود که در تمام این دو قرن ادامه یافت. در رأس همه این مصائب و بلاها حمله مغول و تانار قرار داشت که به منزله بلای آسمانی بود. قتل عام های چنگیز و وحشتناک و هراس انگیز بود. او پس از تصرف هر شهر دستور داد که تمام سکنه شهر را از مدافعان گرفته تا مردان و زنان و حتی کودکان شیرخواره را از دم تیغ بگذرانند و هیچ کس را زنده باقی نگذارند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۲**

گفت. آقسرای شهریست در ترکیه امروز در جنوب شرق دریاچه «توزگل» میانه راه نوشهر به قونیه که در عهد سلاجقه آسیای صغیر دارای اعتبار و اهمیتی بود ولی از آن دوره جز یک بنای ویرانه از آن شهر چیزی باقی نمانده است. بهر حال این شهر در آخرین سالهای زندگانی سیف فرغانی مسکن و مأوی او بود و به همین سبب است که در یکی از قصائد خود گفته:

**مسکن من ملک روم، مرکز محنت  
آقسرا شهر و خانه دار هوان بود**

قرون هفتم و هشتم که سیف فرغانی در تعدادی از سال های آن دو قرن زندگی می کرد (اواسط نیمه اول قرن هفتم تا اوایل نیمه اول قرن هشتم) وحشتناک ترین دوران تاریخ ایران از حیث قتل عام ها و کشتارها و ویرانی های پیاپی است. این وضع با حمله مغول در سال ۶۱۶ هجری قمری و انقلاباتی که بعد از آن رخ داد شروع شد و با تاخت و تازهای مایوسانه فرزندان محمد خوارزمشاه و سرداران و سپاهیان بی صاحب او که این سوی و آن سوی سرگردان بوده و اقدامات مذبحخانه آنان، تکمیل شد و سپس با حمله مجدد مغول در زمان هلاکو و آزارهایی که در عهد جانشینان وی بر ایرانیان می رسید، ادامه یافت.

## سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش:  
مهندس پرویز نظامی



### سیف فرغانی

شکوفه، آفتاب، گوهر، سایه، اندیشه، آینه» سروده و به نحو احسن از عهده انجام این کار دشوار برآمده است. غزل های او، به دو شیوه متمایز و متفاوت گفته شده است: یک قسمت به طرز شاعران قرن هفتم که مانند قصایدش دارای ردیف های غریب و بدیع است، مثل غزل هایی با ردیف «گوهر، خورشید، مروارید، شیرینی، آتش، چشم، بوسه، حلقه، پیشانی» و امثال آنها:

**گر خوش کند لب تو، دهانم به بوسه ای  
خرم شود ز لعل تو، جانم به بوسه ای  
ای جان، مکن گرانی و یکبار بر لب آی  
باشد، که من تو را برسانم به بوسه ای  
در کار عشق، جان و دلی داشتم چو «سیف»  
ایم به عشوه ای شد و آنم به بوسه ای**

مولانا سیف الدین فرغانی علیرغم مرتبه و مقام بلندش در شعر پارسی به سبب گوشه گیری و انزوا که نتیجه حالات روحانی و عرفانی ویژه او بود و دوری جستن از صاحب منصبان و رجال زمان و اجتناب از تملق گویی و مدیحه سرایی در وصف امرای ظالم و فاسد زمان در یکی از خانقاه های شهر کوچک «آقسرا» به گمنامی درگذشت. از این صوفی عالیقدر پاکباز و زاهد و متقی، یکی از کاتبان هم عصر او بنام کاتب آقسرانی به نیکی بسیار یاد کرده و او را از بزرگان زمان دانسته و پس از وفات او دیوانش را نسخه برداری کرده است.

علت گمنام ماندن سیف فرغانی در تاریخ ادب فارسی و نزد کسانی که بعد از قرن هشتم به نگارش احوال شاعران و عالمان و عارفان ایرانی پرداخته اند، آنست که سیف فرغانی در ایامی درگذشت که آسیای صغیر در زیر سلطه ایلخانان و بیداد مغولان جولانگاه فقر و پریشانی و بی سامانی گردیده و ارتباط شهرهای آن با ایران که در قرن هفتم از رونق قابل ملاحظه برخوردار بود به ضعف گرائیده بود بویژه اینکه سیف فرغانی چنانکه اشاره شد در شهری کوچک چون آقسرای، که بعد از او نیز مرکزیت مهمی نیافت، زندگی کرد و همانجا جهان را بدرود

از دیباچه منظوم دیوان سیف:  
**آن خداوندی که عالم آن اوست  
جسم و جان در قبضه فرمان اوست  
سوره حمد و ثنای او بخوان  
کآیت عز و علا در شأن اوست  
گر ز دست دیگری نعمت خوری  
شکر او می کن که نعمت آن اوست  
بر زمین هر ذره خاکی که هست  
آب خورد فیض چون باران اوست  
از عطای او بایمان شد عزیز  
جان چون یوسف که تن زندان اوست  
بر من و بر تو اگر رحمت کند  
این نه استحقاق ما، احسان اوست  
از جهان کمتر ثناگوی ویست**

**سیف فرغانی که این دیوان اوست**  
مولانا سیف الدین ابوالحامد محمدالفرغانی از شاعران عالیقدر و یکی از چهره های استثنایی در ادب پارسی نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری است. سیف از سالکان طریقت و اهل تصوف و عرفان بود و سال ها به کسب کمالات معنوی و سیر و سیاحت پرداخته است. او در قصایدش از شیوه خاقانی و انوری و مخصوصاً کمال الدین اسمعیل اصفهانی پیروی کرده است. او یکی از شاعران برجسته ایران است که نامش مستور و آثارش ناشناخته مانده است.

چندین سال قبل آقای دکتر احمد آتش ادیب سخن سنج ترکیه و استاد دانشگاه اسلامبول در یکی از کتابخانه های آن دیار، به نسخه خطی دیوان او دست یافتند و با شوقی وافر و اهتمامی بلیغ از روی آن کتاب عکس برداری کرده، به تهران فرستادند. دیوان اشعار سیف فرغانی به اهتمام استاد دانشمند مرحوم ذبیح الله صفا در سه جلد طبع و منتشر گردیده است. مجموعه اشعار او بالغ بر ده الی یازده هزار بیت است، شامل قصیده و غزل و قطعه و رباعی.

**گرچه وصلت نفسی، می ندهد دست مرا  
جز به یادت نزنم، تا نفسی هست مرا**  
سیف فرغانی اغلب قصاید مردف کمال الدین اسمعیل اصفهانی را پاسخ گفته و مانند او سعی کرده است که ردیف های غریب و مشکل به کار بندد. مانند قصایدی با ردیف: «دست، پای، انگشت،

## آیا از درد آرتروز رنج می برید؟

آرتروز سن ۳۰+ میلی گرم  
زندگی جدیدی را به شما هدیه می دهد!



### مزایای استفاده از کپسول آرتروزن

(عصاره آواکادو و سویا)

- \* کمک به کاهش دردهای آرتروز (زانو، گردن، کمر و دست)
- \* کمک به جلوگیری از تخریب غضروف ها و کاهش درد مفاصل
- \* مصرف روزانه فقط یک عدد کپسول
- \* عرضه بدون نسخه در آمریکا

آغاز زندگی جدید با کپسول آرتروزن ۳۰۰ میلی گرم

برای کسب اطلاعات بیشتر با ما در شرکت آروین تماس بگیرید!

(408) 931-6054 \* (408) 564-8674

www.arthrocen.com \* sales@arvinamerica.net



## منطقه فضول آباد

بابای من کلکسیون «اشکاله». هنوز خوبه خوب حساب نکردم بابای من چند تا اشکال داره ولی زیاد داره. فقط برای تو میگم. نری به همه بگی بابا چه جور آدمیه! اشکالاش ایناس:

- ✍ همیشه دیر میاد خونه. صدای مامانم در میاره.
  - ✍ برای خودش خسیس نیس، اما برای ما دس تو جیب نمی کنه.
  - ✍ انگار مریضه. هر روز صدای مامان منو به جوری در میاره.
  - ✍ زیاد میخوره. قشنگ هم غذا نمی خوره.
  - ✍ نمی دونم چرا از قوم و خویشای مامان من تعریف نمی کنه. شاید بدش میاد!
  - ✍ ببخشید خیلی فحش بلده.
  - ✍ معلوم نیس چقدر درس خونده. پیش هر کی به چیزی میگه.
  - ✍ همیشه میگه تو زن گرفتن اشتباه کردم. جیغ مامانم در میاره.
  - ✍ من هر کاری دارم به مامانم میگم. میدونم بابام اهل هیچ کاری نیس.
  - ✍ بابای من فقط از خودش تعریف می کنه.
  - ✍ من بهترین شاگرد کلاس اما انگار برای بابام مهم نیس.
  - ✍ دلم نمی خواد هیچ بابایی مثل بابای من باشه.
- بازم میگم، نری به کسی بگی بابای من چه اشکالاتی داره! اونوقت آگه بری بگی، من دیگه خوشم نمیاد که تو دوست خوب من باشی. قبول کردی؟

گرفتار بیماری مهلکی بود. هنگام گفتگوی ما روی فرش در حال خانه نشسته بود. دخترکی هم کنارش بود. در همان حال خانه حکم بزرگ و توجه برانگیز پهلوانی تهران استاد هم به دیوار نصب بود و من نمی دانستم که این بزرگ روزی پهلوان تهران هم بوده است. بهرحال وقتی مصاحبه من با وی تمام شد از او پرسیدم:

«استاد چرا این دختر نازنین از جایش تکان نمی خورد و نمی رود بازی کند؟» فرمود: «دلیل دارد. دلیلش اینست که به روز اعضاء تیم ملی کشتی که عازم سفر خارج بودند آمدند خانه من تا با من خداحافظی کنند. یکیشان که می خواست با این دخترکم بازی کند، او را بغل کرد و به هوا پرت کرد.»

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

## مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکوندی

فریمان - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



فریمانت شهر نجیب (۱)

✍ فریمانت هنوز دندان مصنوعی ندارد.  
✍ زمستانها نمی لرزد.  
✍ تابستانها دنبال آب یخ نمی گردد.  
✍ محله کپک زده ندارد و آدم هفت خط.  
✍ آسمانش پر از گاز و مرغابست.  
✍ دریاچه پارک پلکان دارد و مرغ دریایی.  
✍ ندیدم بیمارش دل نگران باشد و دنبال دوا و دکتر و شفاخانه ای بگردد.  
✍ محله های بیلاقی دامنه کوه هایش تابلو نقاشیست.  
✍ فریمانت به پارک عظیمش می نازد و حق هم دارد.  
✍ تا بخوای زمین ورزشی دارد.  
✍ گوشه فریمانت مزرعه ای بیادگار مانده است با ذرت، باقلا، گل، کدو و هزار جور فلفل.  
✍ فریمانت مهاجران ایرانی کم است.  
✍ فریمانت چینی، هندی، مکزیکی فراوان است.  
✍ فریمانت میخانه و کازینو ندارد و مقاومت می کند که نداشته باشد.  
✍ در فریمانت اتومبیل هم می سازند، اما برقی.  
✍ فریمانت توریست پسند نیست.  
✍ اعتدال هوایش شهرت دارد.  
✍ من هر جا بروم حتی ایران، دلم برایش تنگ می شود. دست خودم نیست.  
۱۶ آوریل ۲۰۱۳ حسینعلی مکوندی  
۱-نجیب- یعنی: ارجمند- شریف- گرامی  
**ماجرای لنگه جوراب باباش**  
پریناز دختر سبزه رو و مو فروری لهجه دار همسایه جدید دست راستی ما، دیروز منو دید. با من خیلی دوست شده. می گفت تو هنوز از وضعیت داخل خانه ما خبر نداری. تو خونه ما بین بابام و مامان هر روز خدا دعواست. می گم خوب بگو سر چی؟ میگه راستشو بخوای سر یه چیزی بیخود. سر یه چیزی کشک. میگم خب آخرین دعواشون سر چی بود؟ و چی شد؟ میگه سرلنگه جوراب بابام بود که گم شده بود. بابام پاشو کرده بود تو یه کشش و می گفت: «این جوراب سوغات داداشمه از آلمان. اولاً خیلی خوشرنگه ثانیاً بسیار نرمه ثالثاً خوب هم بلنده تازه به من هم میاد. باید پیدا بشه. این خونه همه میدونن بی در و پیکره. آقا هر دمبيله

## شیوا موزون

وکیل رسمی دادگستری



Shiva Moozoun  
Attorney at Law

✍ دفاع در برابر IRS, FTB, BOE

- ✍ تشکیل ثبت و انحلال شرکت ها
- ✍ برنامه ریزی و آماده کردن اظهارنامه های مالیاتی برای اشخاص و شرکت ها
- ✍ تهیه و تنظیم وصیت نامه و تراست
- ✍ تهیه و تنظیم انواع قرارداد و اسناد حقوقی
- ✍ آماده کردن فرم های مهاجرت
- ✍ Business, Corporation, Nonprofit Formation
- ✍ IRS, BOE, FTB disputes
- ✍ Tax preparation for individuals and small businesses, Trusts, Estates, Nonprofit
- ✍ Will, Trust, Estate Planning, Probate
- ✍ Draft/ Review/Renew legal contracts
- ✍ Immigration Services

Office: (800) 493-7065 ✍ Cell: (415) 314-1003

3550 Stevens Creek Blvd, Suite 340, San Jose, CA 95117

## دشمنان خود را دوست بداریم و آنها را

ببخشاییم.

آمین.

دعایی ساده بود. از نماز صبحگاهی خانه و اهدنا الصراط المستقیم قابل فهم‌تر؛ و در ذهن کودکان ما می‌گذشت که مگر نمی‌شود نماز را به فارسی خواند؟

## ای ایران

در سال‌های بعدتر دسته‌جمعی سرود «ای ایران» را، که آقای سرود به‌زحمی یادمان داده بود، می‌خواندیم. سرودی که حالا، همه از احزاب و دسته‌های سیاسی داخل و خارج گرفته، تا مستان نیمه شب و شب زنده‌داران، در غربت و وطن دوباره به‌یادش افتاده‌اند و با اشک و حسرت و اندوه می‌خوانند.

آن وقت‌ها در آن سال‌های روشن در آن کوچه‌های گمشده فصل‌های دور ما همه این سرودها را می‌خواندیم و نمی‌فهمیدیم. حالا همه می‌خوانیم و می‌فهمیم که مرز پر گهر نشانه فتح ماست، نشانه حضور تاریخی ماست در گستره هزاران هزار سال. بعد نوبت تک‌زنگ‌ها می‌شد؛ با زنگ اول هر کلاسی رو به اتاق درسش می‌چرخید. با زنگ دوم درجا می‌زد و با زنگ سوم و سوت ممتد آقای ناظم به طرف اتاق‌های درس راه می‌افتادیم؛ مثل جبرکاران اردوگاه‌ها که حکایت‌شان را بعدها خواندیم. دنباله مطلب در صفحه ۴۴

انگشت گرفتن شده بود، از ته زده بود. ما خود در جستجوی لیوان رویی آبخوری و دستمالی بودیم که باید روز بعد سر صف پشت دست‌های تمیز ناخن گرفته می‌گذاشتیم تا آقای ناظم ببیند و بگذرد.

روز اول مهر با صدای دلنگ دلنگ زنگ، کندوی پر هیاهوی بچه‌های صحن مدرسه خاموش می‌شد. کلاس‌ها به‌ترتیب ارشدیت به صف می‌ایستادند. ما به‌ظاهر سراپا گوش می‌شدیم تا نطق سنتی آقای مدیر را، که هر جمله آن موضوع انشایی می‌توانست باشد، بشنویم: «علم بهتر از ثروت است»، «عفو بهتر از انتقام است»، «شکرانه بازوی توانا بگرفتن دست ناتوان است»؛ و بعد از نطق آقای مدیر، منتظر می‌شدیم که آقای ناظم دوتا چک ناگهانی به گوش دو نفر، که اتفاقاً هیچ کاری هم نکرده و از همه مظلوم‌تر ایستاده بودند، بزند که زهر چشم اول روز اول مدرسه برای تمام سال از دیگران گرفته شود و لات و لوت‌ها و اشرار مدرسه ماست‌ها را کیسه کنند. بعد دعای صبح را که یک دانش‌آموز ارشد به صدای بلند می‌خواند، تکرار می‌کردیم:

ای خدای بزرگ که ما را آفریده‌ای

ما را به راه راست هدایت فرما

پروردگارا، به ما توفیق ده تا به میهن

خود خدمت کنیم

به پدر و مادر خود احترام بگذاریم

## یادداشت‌های با تاریخ

صدرالدین الهی



## روز اول مدرسه

## آغاز اسارت نهم ماهه

محکم‌دوزی می‌کرد و کونۀ آرنج و سر زانو را اگر رفته بود، از پارچه‌ای که از دم قیچی باقی مانده و خیاط پس داده بود وصله ای می‌زد که لباس پنج شش ماه دیگر تا شب عید بپاید و پدر به خرج بیش‌بینی نشده‌ای گرفتار نیاید. و آنگاه یقه سفید جلوآر زده و شورواشور را برای یک هفته‌ای به یقه کت کوک می‌زد تا آقای ناظم ما را به جرم نداشتن یقه سفید به خانه بازپس نفرستد.

جمعه روز پیش از شروع مدرسه پدر ما را به حمام برده بود تا خاک و خل و زخم و زیل پر سه زدن در کوجه‌ها و کشتی گرفتن در جلوخان خانه‌ها را از تن مان بشوید، و هفته‌ای پیش از آن، حسین شاگرد محمدعلی خان سلمانی روبروی مسجد سپهسالار با ماشین نمره صفر تمام موهایی را که در طول مدت تابستان قابل به سر

امروز اول مهر بود. روز اول درس. روز اول مدرسه. سال‌ها سال پیش، روز اول مهر برای من، این کودک دبستانی، آغاز فصل یک اسارت نهم‌ماهه بود. در اتاق‌هایی که روشنایی آن به تاریخ روشن غروبی دلگیر می‌مانست. ما روی نیمکت‌هایی که چهار نفر را به سختی جا می‌داد، کنار هم می‌چپیدیم و پشت میزهای چوبی فرسوده‌ای که خراشیده از حکاکی یادگاری‌های شاگردان سال‌های سال، با لکه‌های ماندنی جوهرهای بنفش و قرمز و آبی به پیشخوان عطاری محل بیشتر شباهت داشت، می‌نشستیم.

از یک هفته پیش، مادر با حوصله لباس کاررونی شل‌یافت و رنگ و رو رفته عید را سر و سامانی می‌داد. سردست کت و دم پای شلوار را اگر نخنما شده بود



www.parsequalitycenter.org

A BIA Accredited Agency

501 (C)(3) Nonprofit Organization

تلفن تماس برای تعیین وقت در شمال کالیفرنیا

408-261-6405

Pars Equality Center  
1635 The Alameda  
San Jose, CA 95126

تلفن تماس برای تعیین وقت در جنوب کالیفرنیا

818-616-3091

Pars Equality Center  
4954 Van Nuys Blvd., Suite 201  
Sherman Oaks, CA 91403

## Immigration &amp; Citizenship Services

ارایه خدمات مهاجرتی با کیفیت عالی و هزینه کم  
(به زبانهای فارسی و انگلیسی)

- کسب تابعیت (سیتی زن شیب)
- کارت اقامت دائم (کارت سبز)
- درخواست مهاجرت خانوادگی
- تمدید کارت سبز
- مجوز اشتغال
- معافیت از پرداخت هزینه

نخستین مشاوره رایگان میباشد

ملاقات و مشاوره فقط با وقت قبلی میباشد



## گزارش های کاربران از مشکلات آیفون ۷



هرچند مشکل انفجار باتری گلکسی نوت ۷ یک فرصت طلایی برای اپل به حساب می آمد که به عنوان عمده ترین رقیب شرکت کره ای بیشترین استفاده را از این موضوع ببرد، اما حالا خبر می رسد که پرچمدار جدید رقیب آمریکایی هم بدون مشکل نیست.

مربوط به عدم جفت شدن با ساعت های اندرویدی تاکنون تنها روی ۵ مدل مشاهده شده است، یعنی ذن واچ ۲ ایسوس، Q Founder، فسیل، موتو ۳۶۰ اسپورت و نسل دوم موتو ۳۶۰ و TAG Heuer Connected

علاوه بر این باید اشاره کنیم که این مدل ها تنها با آیفون ۷ مشکل دارند و حتی در صورت بروزسانی آیفون های قدیمی تر به iOS ۱۰ هم با این ابزارها قابل استفاده خواهند بود. همین موضوع البته از طرف دیگر نگران کننده به حساب می آید چرا که به نظر می رسد مشکل آیفون ۷ سخت افزاری باشد و به نرم افزار دستگاه ارتباطی نداشته باشد. گوگل می گوید در جریان وجود چنین مشکلی قرار دارد و برای رفع آن با اپل همکاری می کند، اما توضیح بیشتری در این مورد ارائه نکرده است. **دنباله مطلب در صفحه ۵۰**

مبنای این گزارش کاربرانی هستند که خبر می دهند آیفون ۷ قادر نیست به درستی با برخی ابزارهای پوشیدنی مبتنی بر اندروید Wear و سیستم پخش بلوتوث خودروهای BMW جفت شود.

علاوه بر این کاربران اپراتورهای AT&T و Verizon هم خبر داده اند در استفاده از اینترنت LTE روی آیفون ۷ ناتوان بوده اند. کمی قبل تر هم کاربران T-Mobile در اتصال به شبکه مخابراتی روی این تلفن هوشمند مشکل داشتند که این موضوع به سرعت در iOS ۱۰،۲ رفع شد.

این مشکلات در حالی رخ می دهد که تحلیلگران پیش از این اعلام کرده بودند تلفن هوشمند جدید اپل بسیار موفق آغاز کرده و به اندازه پیشینی های سازنده فروش داشته است.

البته باید توجه داشته باشید که باگ

## ترمیم، تصحیح، بهبود و افزایش کردیت

آرین اقبالی

arian@enrichfin.com



## مالکیت مجدد یا Repossession چیست؟

Repossession یا "عودت داوطلبانه" خوانده میشود.

حال بگذارید توضیح دهم که پس از Repo چه اتفاقی رخ میدهد:

بانک یا مؤسسه وام دهنده، اتومبیل را پس از Repo کردن، به حراج یا مزایده (Auction)، گذاشته و خواهد فروخت. در اکثر مواقع قیمت حراج شده اتومبیلی که Repo میشود بسیار پایین تر از قیمت واقعی آن است. در نتیجه پس از فروش، ما به التفاوت مبلغ به دست آمده از طریق حراج یا مزایده با قیمت واقعی اتومبیل با اضافه کلیه هزینه های جانبی مربوط به فروش مجدد بحساب خریدار یا اجاره کننده اولیه گذاشته شده و بانک یا مؤسسه وام دهنده او را موظف به پرداخت آن مبلغ خواهد کرد.

چنانچه باز هم نسبت به پرداخت مبلغ تعیین شده کوتاهی شود، پرونده خریدار یا اجاره کننده اولیه به یک مؤسسه یا کمپانی جمع آوری بدهی ها (Collection Company)، واگذار شده و آنها درصد گرفتن بدهی بر خواهند آمد.

بخاطر داشته باشید که کلیه این موارد به سازمان های گرد آورنده اطلاعات مالی اشخاص و مؤسسات (Credit Bureau)، نظیر Experian, Equifax, Transunion گزارش شده و در تاریخچه وضعیت اعتباری خریداران و معامله کنندگان ثبت میشود. یک چنین وضعیتی، همچنین، موجب بروز مشکلات فراوانی در خرید یا اجاره اتومبیل های بعدی می گردد.

اگر کسی نتواند برای دو یا سه ماه متوالی از عهده پرداخت اقساط ماهانه اتومبیل خود برآید، چه آن را خریده (Purchase) و چه اجاره (Lease) کرده باشد، در این حالت بانک یا مؤسسه مالی وام دهنده (Finance Company)، اقدام به پس گرفتن اتومبیل او خواهند کرد؛ چه با اجازه و چه بدون اجازه وی. به این عمل، مالکیت مجدد یا (Repossession) می گویند که در اکثر مواقع بصورت مختصر Repo نیز از آن یاد میشود.

اگر در این وضعیت بانک یا مؤسسه مالی وام دهنده اتومبیل طرف قرارداد را پس گرفته و ضبط کند نباید چنین فرض که موضوع به همین جا خاتمه یافته است. در این وضعیت نیز فردی که از نظر مالی طرف قرارداد است و اسناد مربوط به خرید یا اجاره اتومبیل را امضاء کرده، براساس همان اسناد و قرارداد امضاء شده، هنوز موظف به پرداخت باقیمانده اقساط بدهی خود تا پایان مدت قرارداد (۲، ۳ یا ۵ سال)، بسته به نوع قرارداد میباشد.

اگر خریدار یا اجاره کننده اتومبیل به هر دلیلی توان پرداخت اقساط ماهانه مربوط به آن را نداشته باشد و خودش، زودتر از تاخیرهای آتی در پرداخت، به فروشنده مراجعه کرده و اتومبیل را پس بدهد یا این که بنا به دلایلی از خدمات پس از فروش اتومبیل مذکور راضی نبوده و خودش داوطلبانه ماشین را به فروشنده یا بانک یا مؤسسه وام دهنده عودت دهد، این عمل Voluntarily

با درج آگهی در ماهنامه پژواک،

کسب و خدمات خود را به

ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

ماهنامه پژواک

(408) 221-8624



## دفتر خدمات اجتماعی ایرانیان

با مدیریت آذر نصیری

با سال ها تجربه، سرعت عمل، و دقت، شما را یاری می دهیم!

Azar Nassiri

Non-Attorney



خدمات سوشیال سکيوریتی

♦ مدیر و مدیکل

♦ سوشیال سکيوریتی (SSI)

♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی (CAPI)

♦ دریافت حقوق پرستار

♦ دریافت حقوق بازنشستگی

♦ مصاحبه های سالانه سوشیال سکيوریتی

Iranian Services

(408) 348-2595 ♦ (925) 998-5340 ♦ (415) 446-8682

در سراسر بی اریا

920 Saratoga Ave. #215, San Jose, CA 95129

## از درگوشی‌ها به قلم پیرایه

منظور نهائی مهاجم را تامین و زمینه مساعد را جهت شستشوی مغزها و بکارگیری استعدادها فراهم سازد. ناچار حیرت نمی‌کنیم که هموطنانی با کارت سبز در رفت و آمد سالیانه چه می‌گویند و چه اصطلاحات جدید و کلمات ناآشنا و البته ثقیل در گفتگوها بر زبان می‌آورند. می‌شنویم و نمی‌پسندیم که به نظر صاحب‌نظران ناخوشایند و از سطح رایج کلام فارسی جاری پائین تر.

متأسفانه نسل جوان نمی‌داند. می‌شنود و یاد می‌گیرد به صورتی که در محاوره دوستانه ناگهان لفظی ادا می‌شود که صد در صد «آخوندی» است. از ستون الفاظ تکبر می‌رسیم به حقیقت و عقاید برداشت‌ها و نحوه برخورد با مسائل و قوانین اجتماعی که تاریخی می‌نمود و تدریجاً در روایت «آخوندی» از دین و مذهب و آئین هم کلاً برگشته عوض شده و دیگر نه ایرانی است و نه اسلامی و نه اخلاقی و انسانی چپاول. حق و ناحق کردن، کلاه شرعی گزاردن، دروغ و دغل و سند سازی و رشوه و باج و ربا و هر عمل ناصوابی که به نفع جیب باشد و امثال ما پاک باخته‌ها چه انتظار و خیال باطلی که خواهر برادری را در پنداری قدیمی خودمان ناگسستن. **دنباله مطلب در صفحه ۵۶**

نیست، غریبه است. ابدأ هم همانند ما فکر نمی‌کند. ما در هفتاد سالگی همیشه مادر بزرگ می‌مانیم و جاه و مقام و بود و نبود دنیا را فدای اولاد و راحتش می‌خواهیم به هر کیفیت دل‌کنند و جدائی و تفرقه. دور شدن از زندگی معهود موروثی ما را در کوران حوادث روزمره غربت‌خشن‌جا به‌جا کرد. سرگردان میان دو قطب نابرابر راه‌پس و پیش‌را گم کردیم و چه دردناک دریافتیم هم‌آن‌ان که ماندند دریغاً زیر و رو شدند. نقاب‌ها فرو افتاد، چهره‌ها نمایان‌گشت و ماهیت اصلی هویدا، ناپیدا و پیداً. نهانی آشکار و حقایق باطنی بر ملا. همدیگر را شناختیم. به وابستگی‌ها پی بردیم و کل رابطه‌ها و ضابطه‌های موجود ظاهری را به وضوح رو در رو مشاهده کردیم. فهمیدیم که هر آنچه بود دیگر نیست و طوفان و سیلاب سرنگونی ایران، ایرانی را تباہ کرد و یا شاید پرده را کنار زد و ما را به خودمان نشان داد. ده‌ها قصه شنیده‌ام. چه بسیار شاهد زنده دیده‌ام و مهمتر آنکه چندین و چند برابرش بر سر خودم آمده که جای انکار نگذاشته است و بدون تردید متوجه شدم تغییر و تبدیل دولت‌ها بنا بر فشار استثمارگران بر اخلاقیات و خصوصیات ملت‌ها تاثیر مستقیم دارد، که می‌تواند

متحیرم از سطحی‌نگری هموطنان و اظهار نظرآشان. هر چی باشه از خودمونه. چه دلیل قاطعی و چه امتیاز معتبری! در حالی که همگی ما زنان جدیداً سیاستمدار شده واقفیم سیاست‌میشه تا بوده مردانه بوده و علی‌رغم ادعای ما هنوز هم مردانه است. میلیونها وارد گود می‌شوند یکی مارگارت تاچر می‌شود. خواستن ناشیانه امثال بنده و سرکار تازه‌کار، توانستن به حساب نمی‌آید. به علاوه ما زنه‌های ایرانی مذهبان را با خود «خمینی» شناختیم و سیاست را با سرنگونی وطنمان با خود «کارتو». والا ما کجا، اسلام کجا و ضمناً ما را چه به سیاست آنهم سیاست ساواکی که مرتب می‌زد و می‌کشت و می‌برد و می‌خورد و نفس کش می‌طلبید. هر صبح و هر شب هم یک شایعه تازه و بالاخره «سینما رکس» و غیره و ما خوشبیاوران نادان، امروز هم نشستیم به شنیدن سخنان عوامفریبانه و تظاهرات خیرخواهانه یک پیرزن جاه طلب دروغگو که «زنه از خودمونه». نه عزیزان از ما

از ریشه‌کننده شدیم. پراکنده و پناهنده‌تار و بود بافت سنتی ایرانی ما پاره شد. شاخه‌های درخت تناور وابستگی‌های ملی و تاریخی را دور انداختیم و یادها و یادبودها را از دفتر خاطرات کنار زدیم، که چه شود؟ که مثلاً ایرانی-آمریکایی شده ایم. چه افتخاری! پشت رل می‌نشینیم، زبان خارجه محدود شکسته بسته چاشنی فرمایشات می‌کنیم، رای می‌دهیم همراه با اظهار فضل سیاسی، برداشت‌های رسانه‌ای. و صد البته عقیده‌آقامون و پسر و دختر شاید «برکلی» رفته‌مان که حجت است و مستند. نتیجتاً دنباله روی حزب دموکرات و برای یکه‌تاز میدان بازی مدل آمریکایی سینه می‌زنیم. باجگیری از کشورهای عربی، قول و قرار مدارهای پولساز، نابود کردن اسناد و مدارک کشتار لیبی و سایر اوراق بسیار مهم وزارتی، ساختن و پرداختن زمینه خریداری مقام، خصوصاً تبانی در جهت ادامه راه و روش هشت ساله و رفع اتهامات موجود.

...**Because Image is Everything**

✓Service ✓Quality ✓Affordability

**We offer a wide variety of Printing services. We also offer Layout Design.**

✓Brochures ✓Flyers ✓Posters ✓Banners ✓Business Cards

**طراحی و چاپ**

♦ کارت ویزیت ♦ بروشور ♦ پوستر ♦ کارت پستال  
♦ کاتالوگ ♦ فولدرهای تبلیغاتی ♦ پرچم تبلیغاتی

For a free quote please call us

**(408)221-8624**





## جیمز استوارت

جیمز میتلند استوارت زاده ۲۰ مه ۱۹۰۸ - درگذشته ۲ ژوئیه ۱۹۹۷ در ایندیانا ایالت پنسیلوانیا به دنیا آمد. خانواده اصالتاً اسکاتلندی- ایرلندی‌اش از آن آمریکایی‌های قدیمی و متعهد به وطن بودند و پدر بزرگش هم ژنرال بود. این فرهنگ خانوادگی در جیمز استوارت تبلور خاصی پیدا کرد. پس از این‌که بدون هیچ آموزش بازیگری به سینما

وارد شد، در فیلم‌های کارگردانان معروفی چون کاپرا، هیچکاک، آلد ریچ، آنتونی مان و ... بازی کرد و در دوران رکورد اقتصادی آمریکای پس از جنگ جهانی به قلب‌های مردم راه گشود و میان همه قشرها محبوبیت زیادی پیدا کرد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۰**

بیشتر از چهارده فیلم، کارگردانان بسیار معروفی از صورت زیبا و عاشق پیشه او کمال استفاده را کردند. مانند «سدریکو سللینی» در «زندگی شیرین» (۱۹۶۰)، و فیلم شاهکار «هشت و نیم» (۱۹۹۳). او سه بار برای فیلم‌های «طلاق به سبک ایتالیایی»، «یک روز خاص» و «چشمان سیاه» کاندید دریافت اسکار شد. مارچلو براتر ابتلا به سرطان پانکراس در پاریس در سن ۷۲ سالگی از دنیا رفت.

فیلم‌هایی که او با سوفیا همبازی بود: «همسر کشیش» (۱۹۷۱)، «زن آسیابان» (۱۹۵۵)، «Blood Feud» (۱۹۷۰)، «یک روز خاص» (۱۹۷۷)، «دیروز، امروز، فردا»، «اشباح» (۱۹۶۷)، «sex pot» (۱۹۷۵).

پرانگو (۱۹۶۷)، «مردی از لامانچا» پیتر اتول (۱۹۷۳).



صحنه ای از فیلم «همسر کشیش»

مارچلو ماستریانی (۱۹۹۶-۱۹۲۴)، در شهر تورین ایتالیا به دنیا آمد. هنگام جنگ دوم جهانی زندانی گشت ولی موفق به فرار و اقامت در شهر «ونیز» شد. او چهره بسیار جذابی داشت و در



## سوفیا لورن و مارچلو ماستریانی

فرسیا اعتماد زاده

او در ۱۹۶۶ با تهیه کننده معروف آن دوره «کارلو پونت» ازدواج کرد. (پونتی ۲ سال از مادر سوفیا لورن بزرگتر بود!) آنها صاحب دو فرزند پسر شدند. در سال ۱۹۶۲، سوفیا برای بازی در فیلم «دو زن» برنده اسکار شد. لورن با بسیاری از هنرپیشگان مرد همبازی شد، مانند «غرور و شهوت» فرانک سیناترا و کری گرانت (۱۹۵۷)، «کلید» ویلیام هولدن (۱۹۵۹)، «جهنمی صورتی پوش» آنتونی

این زوج جذاب و دوست داشتنی سینمای ایتالیا در طول سه دهه، بیش از پانزده فیلم با هم بازی کردند.

سوفیا در بیستم سپتامبر ۱۹۳۴ در رُم ایتالیا به دنیا آمد. در پانزده سالگی وارد کارهای نمایشی شد و در یک مسابقه



صحنه ای از فیلم «دیروز، امروز، فردا»

انتخاب ملکه زیبایی به دور فینال راه یافت و کمپانی پارامونت قراردادی با او بست برای ایفای نقش در ۵ فیلم سینمایی که مهمترین آن فیلم «در ناپل شروع شد» به همراه کلارک گیبل بود.

کوئین (۱۹۶۰)، «السید» چارلتون هستون (۱۹۶۱)، «دیروز، امروز، فردا» مارچلو ماستریانی (۱۹۶۳)، «لیدی ال» پل نیومن (۱۹۹۵)، «Arabesque» گریگوری پک (۱۹۶۶)، «کنتسی از هنگ کنگ» مارلون

# S & S Tire And Auto Repair

## Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated



**Oil Change Special**  
Get \$5 OFF on  
Regular Oil Change

**Oil Change Special**  
Get \$10 OFF  
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at  
[www.sstireandautorepair.com](http://www.sstireandautorepair.com)

(408)738-1960  
597 S. Murphy Ave.  
Sunnyvale, CA 94086

**We Are #1**  
Established in 1996

(408)583-1200  
1800 S. Winchester Blvd.  
Campbell, CA 95008



### چه آدم‌هایی!

خسته و مانده از راه رسیده بودم. سه چهار ساعتی رانندگی کرده بودم و دیگر نداشتم.

آمدم توی فروشگاه کنار صندوقدارم نشستم و شروع کردم به روزنامه خواندن. یک آقای آمریکایی، خسته و غبار آلود، از راه رسید و یگراست رفت سراغ آبجوها. یک قوطی آبجو ور داشت و آمد پای صندوق. خوش و بشی بامن کرد و گفت: خیلی خسته بنظر میایی! گفتم: آره، سه چهار ساعتی از این مزرعه به آن مزرعه میرفتم، پاک خسته شده‌ام.

بدون آنکه حرفی بزند دوباره رفت سراغ یخچال آبجوها و یک قوطی دیگر آبجو برداشت. آمد پای صندوق پولش را داد و آبجو را گذاشت جلوی من و با مهربانی گفت: بنوش تا خستگی از تنت بیرون برود.

گفتم: ببین رفیق! از مهتر ممنونم اما من صاحب این فروشگاه هستم و هر قدر دلم میخواهد می‌توانم آبجو بخورم.

اما مگر او گوشش به این حرف‌ها بود؟ با اصرار و الحاح وادارم کرد هدیه اش را بپذیرم.

باور کنید گریه ام گرفته بود. اصلا همه خستگی‌ها از تنم بیرون جهید.

حالا اینجا نشسته‌ام و مولانا میخوانم، ببین چه نظری در باره آدمیان دارد:

**آدمیخوارند اغلب مردمان**

**از سلام علیک شان کم جو امان**

**خانه ی دیو است دل های همه**

**کم پذیر از دیو مردم دمدمه**

دلم میخواهد فریاد بزنم و بگویم: آی... جناب مولانا! شما از کدام آدمیان سخن میگویید؟

### گریز ناگزیر

«از داستان های بوئنوس آیرس»

بعد از آن گریز ناگزیر؛ یکی دو سالی است که جل و پلاسم را در بوئنوس آیرس پهن کرده‌ام. آپارتمانی خریده‌ام و یک سوپر مارکت کوچولو هم راه انداخته‌ام و شده‌ام بقال خرزویل. حکایت سی و چند سال پیش است.

صبحها با اتوبوس به محل کارم میروم. اتوبوس‌ها تمیز و سریع و فراوانند. از جلوی هر بانکی که رد میشوم می بینم انواع و اقسام تابلوهای رنگ وارنگ را به در و دیوار چسبانده‌اند با این مضمون که:

به سپرده ثابت شما بیست و پنج درصد سود میدهیم!

اغلب روزها پیر مردها و پیر زن‌هایی را می بینم که جلوی بانک صف کشیده‌اند تا ته مانده دار و ندارشان را به بانک بسپارند و سودی بگیرند و لابد چهار روز باقی مانده عمرشان را با دغدغه کمتری بگذرانند. بالاخره آدمی به امید زنده است دیگر.

تورم اقتصادی هم جان مان را به لب مان رسانده است. قیمت‌ها نه روز به روز بلکه لحظه به لحظه بالا میروند. یک کیلوشر امروز دو دلار است فردا میشود سه دلار پس فردا چهار دلار. دولت هم ۱۲۴ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد. نه خشتی روی خشتی گذاشته میشود و نه صنعتی ونه تولیدی.

آرژانتین هفتمین کشور بزرگ دنیاست. با خاکی حاصلخیز و معادنی بسیار. پس از جنگ جهانی دوم گوشت و گندم دنیا را تامین میکرد. در همان زمان هر شش خانواده آرژانتینی یکی شان صاحب اتومبیل شخصی بود اما حالا هر صد هزار خانواده آرژانتینی یکی شان ماشین ندارد. چنان شیره جان کشور را مکیده‌اند که اکنون برای میلیونها نفر داشتن لقمه نان و سر پناهی آرزویی دست نیافتنی بنظر میآید.

ماریا همسایه من است. مشتری مغازه من است. حوالی ساعت ده شب خسته و مانده از سر کارش بر میگردد. از زور خستگی رنگ به چهره ندارد. زیبایی اش در غباری از اندوه و خستگی گم شده است. نانی و شرابی میخرد و به خانه اش میرود. شرابی که می نوشد از آن شراب های ارزانی است که به لعنت سگ هم نمی‌ارزد. نامش Rezero. بجای مستی سر درد میآورد. اما ماریا هر شب یکی از آنها را میخرد.

یک شب ماریا به مغازه ام میاید. نانی و شرابی میخرد. میگویم: سینیورا! قیمت این شراب از امروز دو برابر شده‌ها!

با نوعی بیزاری و افسردگی میگوید: اسن! میشود قیمتش را بمن نگوئی؟ به جهنم که دو برابر شده. شبنم را خراب نکن!

یک روز بارانی از جلوی بانکی رد میشوم. می بینم غلغله ای پیاست. صد ها زن و مرد و پیر و جوان در هم میلوند و به

زمین و آسمان فحش میدهند. نگرانی از سر تا پای وجود شان مبارد. میپرسم: چی شده؟ میگویند: همان بانکی که ۲۵ درصد سود خالص میداده ورشکست شده و بانکداران هم آب شده و در زمین فرو رفته‌اند.

دلم برای پیر مردها و پیر زن‌ها میسوزد. بخودم میگویم: آقایان بانکداران مرگ این بیچاره‌ها را چند سالی جلو انداخته‌اند.

### قلیان تان را بکشید آقا!

از ایران آمده بود. در سانفرانسیسکو از هوایما پیاده شده بود و میرفت خانه پسرش. پنجاه و چند سالی داشت. چهار شانه و قبراق و سرحال.

گفتم: به ینگه دنیا خوش آمدی قربان! عطر وطن را با خودت آورده‌ای. از ایران مان چه خبر؟

لبخندی میزند و میگوید: چند سال ایران نبوده‌ای؟

میگویم: سی و سه سال.

میگوید: ببین آقا! این آخوند‌ها یک تسبیح و یک قلیان دست مان داده‌اند و به ما گفته‌اند بنشینید تسبیح بزیند و قلیان تان را دود کنید!

می‌پرسم: چطور؟

میگوید: بانک‌ها بین بیست تا بیست و سه درصد به سپرده ثابت شما سود میدهند؛ بنابراین مگر آدم مغز خر خورده است که پول و سرمایه اش را بگذارد روی تولید و صنعت و کشاورزی و اینجور کارهای درد سر ساز؟ پولش را میگذارد بانک و بیست و سه درصد سود خالص میگیرد و دست هم به سپید و سیاه نمیزند و شبانه روز هم می‌نشینند تسبیح میزند و قلیان چاق میکنند؛ در عوض از شیر مرغ بگیر تا جان آدمیزاد از چین و ماچین میاید حتی همان تسبیح و قلیان مان! مملکت هم الحمدالله امن و امان است و اگر هم حوصله تان سر رفت زنده باد تایلند و آنتالیا و دوی... مملکت از این بهتر؟!

### شعر برای عمه جان!

...چند سالی از انقلاب ویرانگر ایران میگذشت. تازه اجازه داده بودند که ایرانی‌ها به خارج بیایند و یکی از خویشان نزدیکم از ایران به پاریس آمده بود.

محمد عاصمی (مدیر مجله کاوه در آلمان) خبر شد و برای دیدن وی از مونیخ به فرانسه آمد. شب را با عده ای از دوستان خانه ما بود.

این مقدمه را بگویم که خدا ذره ای استعداد شعر گفتن به من نبخشیده است. در دوران جوانی یک بار شعری گفته بودم و برای فرخ تمیمی خواندم.

فرخ تمیمی گفت: می‌توانم یک خواهش ازت بکنم؟

گفتم: البته!

گفت: ترا به حضرت عباس شعر نگوا دوستانت را در محظور میگذاری و جرات نمی‌کنند بهت بگویند شعرت مزخرف است!

سخنش آنچنان جدی و تلخ بود که من هرگز تا مدت‌ها شعر نگفتم و ادبیات ایران از آثار یکی از فرزندانش برای همیشه محروم ماند! اما بعد از انقلاب که همه چیز زیر و رو شده بود و فرخ تمیمی هم دیگر زنده نبود؛ گاهی شعری می‌گفتم ولی جرات نمی‌کردم به کسی نشان بدهم. آن شب هم شعری گفته بودم و اعلام کردم که شعر تازه ای گفته‌ام و میخواهم به افتخار عزیزی که از ایران آمده است آنرا بخوانم.

حرف من سکوت سنگینی در فضا ایجاد کرد و حضار که سابقه کار دستشان بود به احترام صاحبخانه اعتراضی نکردند ولی اشتیاقی هم از خود نشان ندادند.

من شعر را خواندم و منتظر ماندم عکس العملی از جمع ببینم؛ ولی کسی چیزی نگفت و سکوت ادامه یافت. بعد از مدتی یکی از مهمان‌ها بمن گفت: ببخشید! سرکار عمه دارید؟

منظورم معلوم بود. میخواست بگوید شعر سر کار برای عمه تان خوب است! ولی من بروی خود نیاوردم و یکی از مهمان‌ها گفت که ایشان عمه داشت که سالها پیش فوت کرده است.

محمد عاصمی که تا آنوقت خودش را حفظ کرده بود گفت: والله من هم بودم از غصه برادر زاده‌ای که چنین شعرهایی میگوید (آن هم شعر نوا)، اگر نمی‌مردم خودم را می‌کشتم!

«از حرف‌های سیروس آموزگار»

با درج آگهی در ماهنامه پژواک، کسب و خدمات

خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

ماهنامه پژواک

(408) 221-8624



توجه داشته باشیم که هر سال ویروس فلو با سالهای قبل فرق کرده و به همین دلیل هر سال بایستی از واکسن جدید فلو استفاده کرد. این واکسن ها دارای فرم غیر فعال ویروس می باشد که ایجاد بیماری نمی کنند. اثرات جانبی واکسن فلو بسیار نادر بوده و گاهی کمی در محل تزریق عضلانی درد ایجاد می کند. افرادی که نایبستی از واکسن فلو استفاده کنند عبارتند از

۱- داشتن آلرژی و حساسیت به تخم مرغ  
۲- داشتن آلرژی به یکی از موادی که در داخل واکسن فلو می باشند  
۳- افرادی که دچار سندرم GB یا Gullian- Barr می باشند.  
اخیرا یک اسپری (Nasal spray) تهیه شده که دارای نوع ضعیف شده ویروس می باشد که بنام LAIV گفته می شود این اسپری دارای سه نوع ویروس ضعیف شده می باشد و زمانیکه در بینی اسپری می شود سیستم ایمنی بدن را تحریک کرده تا Antibody علیه ویروس بسازد و از این طریق جلوی فعالیت ویروس را بگیرد.  
افراد زیر نایبستی این اسپری را استفاده کنند.

۱- کودکان زیر ۵ سال  
۲- افراد ۵۰ سال به بالا  
۳- کودکانی که آسپیرین استفاده می کنند  
۴- افراد با سابقه قبلی GBS  
۵- خانم های حامله  
۶- آلرژی به تخم مرغ  
۷- افراد با سیستم ایمنی ضعیف  
برای دریافت واکسن فلو بایستی سن بالاتر از ۶ ماه باشد. هر سال هنگام پائیز (ماه سپتامبر و اکتبر) واکسن فلو خود (Flu shot) را فراموش نکنید.

توأم با استراحت، مصرف مایعات زیاد و تدریجا بهبودی حاصل می شود. داروهای ضدویروس معمولا دو روز قبل از بروز علائم و تا حدود پنج روز پس از آن بایستی مصرف شوند. در این مدت از مصرف الکل و سیگار بایستی خودداری شود گاهی داروهای نظیر آسپیرین و استامینوفن به تسکین درد تب کمک می کنند.

### جلوگیری از گسترش بیماری

افرادى که دچار فلو شده اند بایستی بیشتر در خانه استراحت کرده و هنگام عطسه و سرفه خود را بپوشانند و مرتب دست های خود را با آب و صابون و حتی الکل شستشو داده تا از پیشرفت بیماری ویروسی جلوگیری کنند. علائم این بیماری در کودکان شدیدتر است بطوریکه توأم با تب بسیار بالا،



تب شدید، سردرد، ضعف شدید، خشکی دهان، چسبندگی گلو، آب ریزش از بینی و درد عضلانی می باشد. گاهی اسهال و استفراغ در کودکان دیده شده است. اغلب سرماخوردگی و فلو با هم اتفاق می

افتند ولی این دو با هم متفاوت می باشند. در فلو علائم بیمار شدیدتر است و گاهی فرد مجبور به بستری شدن در بیمارستان می شود که عامل آن نومونیا و یا Dehydration می باشد. افرادی که دارای بیماریهای مزمن هستند و دچار فلو می شوند فوراً بایستی پزشک خود را آگاه کنند که در صورت لزوم داروهای ضد ویروس را تجویز می کنند (Anti Viral) که

تب شدید، سردرد، ضعف شدید، خشکی دهان، چسبندگی گلو، آب ریزش از بینی و درد عضلانی می باشد. گاهی اسهال و استفراغ در کودکان دیده شده است. اغلب سرماخوردگی و فلو با هم اتفاق می افتند ولی این دو با هم متفاوت می باشند. در فلو علائم بیمار شدیدتر است و گاهی فرد مجبور به بستری شدن در بیمارستان می شود که عامل آن نومونیا و یا Dehydration می باشد. افرادی که دارای بیماریهای مزمن هستند و دچار فلو می شوند فوراً بایستی پزشک خود را آگاه کنند که در صورت لزوم داروهای ضد ویروس را تجویز می کنند (Anti Viral) که



## تازه های دنیای پزشکی

دکتر منوچهر سلجوقیان

## فلو (Influenza)

آنفلانزا که بنام فلو (Flu) معروف است. بسیار بیماری واگیرداری بوده که به وسیله ویروس آن منتقل می شود. عفونت با این ویروس می تواند ایجاد یک بیماری جدی کرده که حتی زندگی فرد را تهدید کند. اغلب افراد پس از یک و یا دو هفته این بیماری را پشت سر می گذارند.

اکنون که به فصل های پاییز و زمستان نزدیک تر می شویم شانس گرفتن فلو بیشتر می شود.

ویروس آنفلانزا از طریق هوا به دیگری منتقل می شود که افراد از طریق سرفه و یا عطسه آن را در هوا پخش می کنند و معمولا ویروس به بینی، گلو و ریه ها رسیده و آنها را به خود آلوده می کند. این ویروس از طریق اشیاء و تماس با آنها به افراد نیز منتقل می شود. افرادی که به این ویروس حساسیت بیشتری دارند ممکن است دچار نومونیا (Pneumonia) شده که درمان آن بسیار مشکل تر است. این گروه عبارتند از افراد بالای سن ۶۵ سالگی، خانم های حامله و کودکان بین ۶ تا ۲۳ ماه، افرادی که سیستم ایمنی ضعیف دارند و یا داروهای شیمی درمانی استفاده می کنند و کلا افرادی که در هر سنی دچار ناراحتی های قلبی، ریوی، کبدی و کلیوی هستند.

## به نام آنکه هستی بخشی است و جان آفرین



انجام مراسم عقد شرعی و سنتی ایرانی و آمریکایی

توسط دکتر مهری پیروز

در تمام موجودات نور خدا هست، چنانچه این نور بر افروخته شود، بر همه چیز غلبه خواهد شد و زندگی را با آرامش و شفای درونی به حال طبیعی بر می گرداند.

۹۴۶۱-۸۵۹ (۴۱۵)

## سارا مصطفوی - وکیل مهاجرت



- ♦ پناهندگی
- ♦ گرین کارت
- ♦ امور تبعیت آمریکا
- ♦ جلوگیری از اخراج
- ♦ امور حقوق بشر در رابطه با مسائل مهاجرت
- ♦ ویزاهای نامزدی، کار، سرمایه گذاری و دانشجویی
- ♦ سوء استفاده همسر در مورد اخذ اقامت از طریق ازدواج
- ♦ Asylum
- ♦ Green Cards
- ♦ Citizenship
- ♦ Deportation Defense
- ♦ Human Rights Based Immigration Matters
- ♦ Visas: Fiancé, Work, Tourist, Investment and Student
- ♦ Abused Spouse Immigration Petitions

(510)852-9650

Sara M. Mostafavi - Attorney at Law ♦ info@sara-law.com  
2000 Hearst Ave. Suite 401, Berkeley CA 94709



## مردی که لباس زنان را می‌پوشید

حسین نوش آذر

از سال‌های دهه ۱۳۶۰ به خاطر محدودیت‌هایی که برای فعالیت‌های اجتماعی و هنری زنان ایرانی به وجود آورده بودند، پیش می‌آمد که در برخی فیلم‌های سینمایی بازیگران مرد نقش زنان را ایفا کنند. در فیلم «دستفروش» (۱۳۶۵) ساخته محسن مخملباف، محمود بصیری نقش یک پیرزن را بازی می‌کرد. بعدها اکبر عبدی در فیلم‌های «آدم برفی»، «افراطی‌ها»، «خوابم میاد» و «خواب‌زده‌ها» در نقش زن ظاهر شد. در سال ۱۳۹۱ هم در برنامه «خنده‌بازار» که از شبکه سه تلویزیون دولتی ایران پخش می‌شد، برای دست انداختن مجریان زن در شبکه‌های ماهواره‌ای یک بازیگر ایرانی خود را به شکل زنان درآورد.

### توبه نصح

به سر گذاشته و با خمیر سینه‌هایش را برجسته جلوه داده است. عده‌ای مزاحم او می‌شوند و با تحقیر و توهین و پوزخند او را که بی‌اندازه محبوب و متین است وادار می‌کنند که لباسش را از تن به در آورد. در تمام مدت هم از درپچه یک دوربین هیز او را به ما نشان می‌دهند.

در ایران بنا به آمار که وزارت بهداشت منتشر کرده، هر ۹ ثانیه یک خشونت روی می‌دهد. برخی از جامعه‌شناسان مانند سعید معیذفر اعتقاد دارند که چنانچه سهم فرد از جامعه افزایش پیدا کند، خشونت‌ها کاهش پیدا می‌کند. در کشورهای اروپایی انجمن‌های محلی و گروه‌هایی که برای همیاری به وجود آمده، باعث می‌شوند که فرد از پيله

در فرهنگ اسلامی مردانی که لباس زنان را می‌پوشند پیشینه‌ای دراز دارند. در «مجمع‌البیان» نوشته شیخ طبرسی که هم در نزد شیعه و هم در نزد سنت از تفسیرهای معتبر قرآن است، در شرح آیه توبه نصح آمده که «نصح» مردی بود شبیه زنان و به عنوان دلاک در یک حمام زنانه کار می‌کرد. وقتی به راز او پی بردند، از ترس به خداوند پناه آورد و توبه کرد. این روزها هم گاهی در شبکه‌های اجتماعی و در برخی رسانه‌های داخلی به عنوان‌هایی مانند «مردان ساپورت‌پوش» یا «مردان زنانه‌پوش» برمی‌خوریم. در یوتیوب فیلمی وجود دارد از یک مرد افغانستانی که لباس زنان را به تن کرده، کلاه‌گیس

سال‌ها در دانشگاه تهران و دیگر مؤسسات آموزش عالی تدریس می‌کرد. حسن میرعبادینی در «فرهنگ داستان‌نویسان ایرانی» در معرفی او می‌نویسد: «عباس حکیم از مؤلفان لغتنامه دهخدا و همراه جمال میرصادقی و رضا بابا مقدم از نویسندگان پرکار مجله سخن در دهه ۱۳۵۰ بود. در داستان‌هایش خیال‌های رنگین دوران کودکی را تصویر می‌کند که در بزرگسالی رنگ می‌بازد، در عین حال می‌کوشد رنگ و بویی استعاری به ماجراهای داستان ببخشد.» از عباس حکیم پیش از انقلاب مجموعه داستان‌های «پاشنه‌های برفی» (۱۳۳۵)، گل ریواس (۱۳۳۷) و «عیسی می‌آید» (۱۳۵۶) منتشر شده است. بعد از انقلاب فقط یک مجموعه داستان منتشر کرد به نام «چراغ‌های شهر ما» (۱۳۷۲) که بازتابی هم پیدا نکرد. او داستان بلند «درز» را در سال ۱۳۵۶ منتشر کرده و یک مجموعه شعر هم به نام «شعر بهار نارنج» (۱۳۵۷) انتشار داده است.

### خود را در آئینه دید و بلند خندید

داستان «یکشنبه‌ها خالی‌ست» با موضوع مردی که لباس زنان را می‌پوشد در مجموعه داستان «عیسی می‌آید» که به نظر من بهترین کتاب عباس حکیم است، منتشر شده. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

خودش بیرون بیاید و با کسانی که با او درد مشترکی دارند، در ارتباط قرار بگیرد. در ایران و افغانستان اما هنوز جامعه مدنی به آن قوام و انسجام لازم دست پیدا نکرده که برای مثال مردان ساپورت‌پوش یا مردانی که نیاز دارند لباس زنانه به تن کنند، زیر سقف انجمن‌هایی گرد بیایند.

این پرسش پیش می‌آید که در ادبیات معاصر ایران اقلیت‌هایی مانند مردان زنانه‌پوش آیا جلوه و نمودی داشته‌اند؟ این پرسش از این نظر اهمیت دارد که در غیاب جامعه مدنی و اسناد و آمارهای رسمی و قابل اتکا، یکی از راه‌های بررسی پدیده‌های اجتماعی مراجعه به ادبیات داستانی و شعر است. این آثار هرچند از اعتبار جامعه‌شناختی محکمی برخوردار نیستند، اما در غیاب اسناد به ما کمک می‌کنند، درک بهتری از موضوع به دست بیاوریم.

### یکشنبه‌ها خالی‌ست

داستان «یکشنبه‌ها خالی‌ست» نوشته عباس حکیم تنها داستانی است که در ایران با موضوع «مردان زنانه‌پوش» نوشته شده است.

عباس حکیم، نویسنده فقید ایرانی در سال ۱۳۱۰ در مشهد متولد شد. او نقاش هم بود و در رشته ادبیات فارسی دکترا داشت و

## انجمن آذربایجانی های شمال کالیفرنیا تقدیم می دارد!

### نمایش فیلم «نبات» محصول جمهوری آذربایجان

به کارگردانی الچین موسی‌اوغلو و بازیگری فاطمه معتمدآریا

فیلم «نبات» برنده جایزه از جشنواره بین‌المللی فیلم فجر و نماینده کشور آذربایجان در جایزه اسکار ۲۰۱۵

فاطمه معتمدآریا بهترین بازیگر نقش اصلی زن برای بازی در فیلم «نبات» از چهاردهمین جشنواره

بین‌المللی فیلم «اداکا پنگلادش» و جایزه بهترین بازیگر زن در جشنواره بین‌المللی «پسفر» استانبول

تاریخ: ۱۴ اکتبر ساعت: ۸ شب مکان: 75 S. 11th St, San Jose, CA

ورودیه برای عموم رایگان می باشد

رزرو چای الزامی است ♦ حضور رأس ساعت ۷:۳۰ عصر

برای رزرو چای و اطلاعات لطفاً با ما تماس بگیرید

(408) 661-3410

<http://www.dreamlabfilms.com/nabat/>  
[https://en.m.wikipedia.org/wiki/Elchin\\_Musaoglu](https://en.m.wikipedia.org/wiki/Elchin_Musaoglu)  
<https://www.trigon-film.org/en/movies/Nabat>

فیلم به زبان ترکی با زیرنویس انگلیسی می باشد موزیک زنده و رقص تا ساعت ۱۱ شب



## سگ فداکار

اصغر مهاجرانی

ای عزیزان اگر می خواهید در دنیا با آرامش و آسایش و با خیال راحت زندگی کنید و عذاب وجدان نداشته باشید، در مقام آزمایش دوستان و کسان و نزدیکان خود نباشید زیرا اگر بخواهید در مورد هر یک از آنان در مقام تجربه و آزمایش برآئید خواهید دید در زندگی با ناملایمات دوستان و بستگان روبرو خواهید شد. به عقیده بنده نه تنها دوستان و آشنایان که با آنان زندگی روزمره را انجام می دهید و بخاطر جبر زمان مجبورید معاشرت و انس و الفت داشته باشید تا تو بد عمل می کنند بلکه اگر خوب دقت نمایید دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم بی عاطفه و ستمگر است زیرا هر روز بیکروز از عمرت را کم می کند و دست آخر ترا در بستر مرگ قرار می دهد ولی با اینهمه ظلم و بدی ها، مرگ چه زیباست زیرا به همه پلیدی و دو رویی ها و نامردی ها و ناجوانمردی ها خاتمه می دهد. کاش انسانها بجای اینهمه شقاوت و دشمنی ها با یکدیگر محبت و برادری و انسانیت داشته باشند. بیائید محبت را از حیوانات و درندگان بیاموزید و بعدا نام خود را اشرف مخلوقات بگذارید.

آیا شما در تمام عمر دیده اید و یا شنیده اید در جنگل یک شیر درنده شیر دیگری را پاره کند؟! محال است و هرگز نخواهید دید. صدها شیر در جنگل با آرامش در کنار یکدیگر زندگی می کنند و اگر برای بقا و زندگی و تغذیه حیوان دیگری را غیر از خودشان شکار می نمایند باز همه با هم برادروار بقدر آنکه شکم خود را سیر نمایند بهره می برند و به یکدیگر اذیت و آزار نمی رسانند ولی افسوس انسانها هر روز با جنگ و خون ریزی همدیگر را به هلاکت می رسانند و همدیگر را به دیار مرگ می فرستند و به خون یکدیگر تشنه اند. محبت را بیایید از کلاغها بیاموزید و سرلوحه زندگی اجتماعی خود قرار دهید. شما اگر یک کلاغ را شکار کنید و یا او را اسیر نمایید لحظه ای نخواهد گذشت که تمام کلاغهای منطقه با پرواز دسته جمعی خانه شما را بر فراز آسمان محاصره نموده و آنقدر سر و صدا می کنند که گویی برای تمام کلاغهای جهان عزای عمومی اعلام کرده اند. ولی افسوس که ما انسانها هر روز مشاهده می کنیم و می بینیم که دسته دسته از جوانان بی گناه و بی پناه در جنگ ها کشته و یا به پای چوبه های دار می روند و جان به جان آفرین تسلیم می نمایند ولی متأسفانه به قدر کلاغ ها همت و شهامت و شجاعت نداریم.

من در جوانی در یکی از دهات برای بازرسی رفته بودم. کدخدا و تمام اهالی ده را دیدم که سیاه پوشیده و عزا دارند. کدخدای ده را خواستم و از او سؤال کردم چه پیش آمدی برای اهالی ده شده که دسته جمعی سیاه پوشیده اند! کدخدا برایم تعریف کرد که امروز سومین روز درگذشت یک سگ کوچولو با یک دنیا محبت و عاطفه که هزاران بار از یک انسان با وجدان تر و با محبت تر بود. تعجب کردم و با ناباوری مجدداً از او پرسیدم چگونه سگی بوده که برای او اهالی یک ده دسته جمعی عزا دارند! برایم چنین تعریف کرد گفت «در ده ما که هشتاد خانوار جمعیت دارد یکی از کشاورزان سال گذشته همسرش دار فانی را وداع گفته. او تنها یک پسر ۶ ساله داشت که یک سگ زیبا و کوچولو هم بازی پسرش بود. در زمستان امسال برف شدیدی باریدن کرد که حتی جاده ده تا شهر که یک فرسنگ فاصله دارد مسدود شده بود. تنها پسر کشاورز ما بر اثر سرما خوردگی سخت مریض می شود که مجبور می شود

گذارد و مشخصات او را به پلیس می دهد و از او به عنوان یک سارق شکایت می کند. پلیس با دریافت مشخصات، او را که پیاده در حال دویدن به طرف خانه اش بوده در بین راه دستگیر می نماید و او را با دواها به داروخانه می برد. مرد کشاورز با گریه و زاری و با التماس می گوید که فرزندش سخت مریض است و در خانه تک و تنهاست و سوگند یاد می کند که فردا بر می گردد و پول دارورا دوبرابر می پردازد، ولی متأسفانه مسئول داروخانه که بوئی از انسانیت نبرده بود به پلیس اظهار می دارد که او دروغ می گوید و سارق است و از او شکایت می کند. پلیس ناچار می شود دواها را از او بگیرد و در اختیار داروخانه بگذارد. بدست های او دستبند می زند و او را به کلانتری می برد. در کلانتری هم مرد کشاورز هرچه التماس میکند اثری نمی بخشد و در نتیجه او در کلانتری بطور بازداشت بسر می برد و تنها پسرش با یک سگ کوچولو که همبازیش بوده در سرمای بسیار شدید، تب دار، بدون یار و یوری و بدون کمک و دارویی در خانه تک و تنها می ماند. تنها محافظش سگ کوچولو او بوده. سگ با هوش سرشاری که داشت حس می کند که صاحبش مثل همیشه با او بازی نمی کند و حرکتی ندارد. سگ از اطاق خارج می شود و در صحن حیاط شروع می کند با صدای شدید پارس کردن و باز بر می گردد به اطاق و مجدداً بر می گردد به صحن حیاط و شروع به پارس کردن می نماید و این عمل را تا صبح ادامه می دهد و آنقدر پارس می کند که صبح همسایه ها متوجه ناراحتی سگ شده و بدرج خانه می روند تا از اوضاع باخبر شوند. ولی متأسفانه وقتی وارد اطاق بچه می شوند مشاهده می کنند که پسر بچه به علت اینکه در آن برف شدید چون درب اطاق را باز گذاشت بودند و مرتب سگ خارج و داخل می شده از شدت سرما چشم هایش به آسمان دوخته و جان به جان آفرین تسلیم کرده و دار فانی را وداع گفته است. و اما پلیس روز بعد آنقدر مرد کشاورز گریه و زاری کرده بود که با

گرفتن ضمانت او را مرخص می نماید و وقتی مرد کشاورز به خانه اش بر می گردد با جنازه فرزند دلبندهش روبرو می شود. اهل ده جمع می شوند و به او کمک می کنند و پسرش را برای خاک سپاری به گورستان می برند و فرزندش را به خاک می سپارند. ولی باور کنید سگ کوچولو و باهوش که حس می کند خانه ابدی صاحبش در گورستان است از سر گور پسر بچه که همبازی او بوده تکان نمی خورد و از گورستان خارج نمی شود و دیگر به خانه صاحبش بر نمی گردد. اهل ده و مرد کشاورز روزها برای سگ کوچولو آب و نان و غذا به گورستان می برند و برای او خانه کوچکی در بالای سر پسر بچه می سازند و مرد کشاورز که تنها دلخوشی زندگی اش پسرش بوده با از دست دادن فرزندش هر روز که از خواب بر می خیزد به گورستان می رود و در مزار فرزندش مات و مبهوت بر زمین می نشیند و تنها سگ باوفای او که در گورستان بالای سر فرزندش نشسته است را در آغوش می گیرد و او را بوسه می زند و گریه می کند. این کار هر روز تکرار می شود. سگ پس از سه ماه از غصه صاحبش دق می کند و از دنیا می رود. دوباره اهالی ده جمع می شوند و برای سگ کوچولو در کنار گور پسر بچه گودالی حفر می کنند و سگ باوفا را به خاک می سپارند.»

**ماهنامه پژواک**

نشریه برگزیده  
ایرانیان شمال کالیفرنیا

با درج آگهی در نشریه پژواک کسب و خدمات خود  
را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

[www.pezhvak.com](http://www.pezhvak.com)  
**(408) 221-8624**



## آشنائی با برخی از قوانین راندگی در کالیفرنیا

سحر سلاحي

sselahii@farmersagent.com



- میزان بعضی از این جریمه‌ها
۱. رد شدن از بغل اتوبوس مدرسه در حالی که چراغ‌های مخصوص فرزند آن روشن هستند ۶۸۰ دلار.
  ۲. راندگی در حال مستی بار اول تا ۱۰۰۰ دلار (بنابر شرایط). در واقع راندگی در حال مستی، بیشترین جریمه ممکن است که شامل تا ۱۰۰۰ دلار جریمه، ۴ تا ۶ ماه زندان و از دست دادن تصدیق بین ۳۰ روز و ۱۰ ماه، حضور در کلاس ترک الک.
  ۳. آشغال ریختن از پنجره ماشین ۴۸۰ دلار (بنابر شرایط).
  ۴. سرعت ۱۶۵ کیلومتر از ۲۰۰ دلار به بالا. (بنابر شرایط).
  ۵. نبستن کمربند ایمنی برای اشخاص ۱۶ سال به بالا: دفعه اول ۲۰ دلار و بعد از آن ۵۰ دلار.
  ۶. نبستن کمربند ایمنی برای سنین ۶ سال به پایین: برای دفعه اول ۱۰۰ دلار. چنانچه یک لامپ ماشین شما سوخته یا شیشه ماشین طوری شکسته باشد که دید را اندکی محدود کند یا لاستیک ماشین شما کمتر از یک میلیمتر آج داشته باشد، شما یک اخطار برای تعمیر و رفع اشکال می‌گیرید و بعد از مدت زمانی که برایتان تعیین شده باید خود را به پلیس معرفی کرده و نشان دهید که اشکال برطرف شده است. ضمناً افرادی که در یک خانه زندگی می‌کنند (اعضاء یک خانواده)، همه درگیر نمره منفی یکدیگر می‌شوند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۳**

هر جریمه در حال حرکت اصولاً دارای پنج اثر است.

۱. قبض جریمه‌ای که باید پرداخت کنید (از پنجاه تا یک هزار دلار) و در بعضی موارد زندان.
۲. نمره منفی‌ای که می‌تواند باعث ضبط گواهینامه شما بشود.
۳. هر نمره منفی مقداری بر مخارج سالانه بیمه اتومبیل شما می‌افزاید.
۴. اگر این جریمه به خاطر تصادف باشد خود تصادف و پرداخت خسارت توسط شرکت‌های بیمه، باز هم نرخ بیمه شما را بالاتر می‌برد و به‌علاوه شخص خسارت دیده و یا خانواده‌اش اگر صدمه جانی دیده باشند می‌توانند شما را تعقیب قانونی کرده و بسته به میزان ثروت از شما خسارت بگیرند.
۵. در مورد راندگی در مستی احتیاج به وکیل زبردست برای دفاع نیز دارید که مخارج آن بسیار بالا است. تنها وسیله‌ای که راننده برای کم کردن مخارج بعد از اخذ جریمه دارد، این است که هر ۱۸ ماه یک‌بار در صورت گرفتن قبض جریمه می‌تواند یک کلاس ۸ ساعته راندگی بگیرد که هم باید پول کلاس را بدهد و هم ۸ ساعت را در کلاس بگذراند. این هم باز بستگی به تاریخچه راندگی دارد. در این صورت نمره منفی گرفته شده، از کامپیوتر پلیس حذف می‌شود.



## نقش گیاهان در آرامش خانه

گیاهان خانگی نقش بسیار مهمی در ایجاد آرامش در خانه ایفا می‌کنند و از تکنیک‌های اصلی ایجاد آرامش به حساب می‌آیند. وجود گیاهان در خانه علاوه بر اینکه نیروی زندگی به محیط القا می‌کند، به پاک ماندن هوای محیط نیز کمک خواهد کرد.

گیاهان در اشکال گوناگون انرژی‌های مختلفی در محیط پدید می‌آورند و جایگاه خاص خود را دارند. برای مثال:

- گیاهان عمودی که دارای برگ‌های نوک تیز هستند بهتر است در قسمت‌های جنوبی و گوشه‌ها (کنج‌ها) قرار گیرند.
- گیاهانی با برگ‌های گرد و آویزان، بیشتر آرامش‌بخش هستند و ترجیحاً می‌بایست در قسمت‌های شمالی خانه قرار گیرند.
- گیاهان تنها در صورت سالم بودن قادرند انرژی‌های مثبت در محیط خلق کنند و گرنه گیاهان بیمار که دارای برگ‌های ناسالم هستند تنها انرژی‌های منفی تولید می‌کنند و باعث رکود و بی‌رویی در محیط می‌شوند. گل‌های زیبا و خوش رنگ همواره یکی از عناصر اصلی جان بخشی در محیط بوده‌اند. گل‌ها ویژگی خاصی دارند و آن اینکه با نور و دمای موجود در محیط بازی می‌کنند و تغییر جهت می‌دهند. همچنین هر یک از گل‌ها دارای شخصیت و ویژگی‌های رفتاری خاص خود است که برای مثال، لاله بهاری با آن قامت کشیده و گلبرگ‌هایی به سمت بالا، دارای نوعی وقار و قدرت است، نیرویی قوی در محیط منتشر می‌کند و حس اقدار و اعتماد به نفس را در محیط بالا می‌برد. در مورد گل‌ها می‌بایست به نکته ظریف و مهم دیگری نیز توجه داشته باشید و آن اینکه، گل‌ها در صورت زنده بودن قادر به پراکنش انرژی مثبت در محیط هستند! گل‌های از شاخه جداشده‌ای که در گلدان‌ها قرار می‌گیرند گل‌های مرده به حساب می‌آیند و علی‌رغم باور بسیاری از افراد، حس کسالت و بی‌رویی را در محیط القا می‌کنند. گل‌های خشک نیز به همین صورت هستند، مخصوصاً زمانی که رنگ آن‌ها با مرور زمان آسیب می‌بیند و گردوخاک روی آنها می‌نشیند، انرژی منفی بیشتری از خود ساطع می‌کنند. بنابراین توصیه می‌کنیم گیاهان گل‌دار در خانه خود قرار دهید و با رسیدگی به

آن‌ها کمک کنید تا نشاط و طراوت شان حفظ شود و بتوانند انرژی‌های زندگی بخش را برای شما به وجود آورند.

**گل و انرژی‌های پنجگانه**

انرژی‌ها به صورت کلی در قالب پنج نوع از عناصر طبیعی وجود دارند: آب، آتش، فلز، چوب و خاک که هر یک از این عناصر ویژگی خاص خود را دارند و هر فصل نیز سمبل یکی از این عناصر طبیعی انرژی است.

- بهار (زمان رویش و سرسبزی) نماد عنصر چوب است.
- تابستان (فصل گرما و حرارت) نماد عنصر آتش است.
- پاییز (فصل برداشت محصول) نماد عنصر فلز است.
- زمستان (فصل سرما) نماد عنصر آب است.
- زمان تغییر فصول نیز جایگاه عنصر خاک است.

گیاهان نیز رابطه تنگاتنگی با اکثر عناصر مهم طبیعی دارند و از اینجاست که نقش مهم آنها در تولید انرژی تعیین می‌شود. برای مثال، گیاهان بدون چوب معنایی ندارند و بدون گرما که از ویژگی‌های آتش است قادر به رشد نیستند؛ همچنانکه خاک بستر رویش گیاهان است و بدون وجود آب رشد گیاهان ممکن نیست!

**گل‌هایی با انرژی چوب**

گیاهانی که برگ‌ها، شاخه‌ها، ریشه‌ها و میوه‌های آبدار و باطراوت دارند، دارای انرژی عنصر چوب هستند. رنگ مربوط به این عنصر سبز است. گل‌های عنصر چوب بهتر است در قسمت‌های جنوبی و شرقی اتاق قرار داده شود زیرا در این صورت، انرژی‌های مثبت بیشتر و موثرتری منتشر خواهند کرد که بر سلامتی جسم تأثیرگذارند. چنانچه این نوع گل‌ها در قسمت‌های شمالی و غربی اتاق قرار گیرند، انرژی تولید شده از آنها باعث بهتر شدن روابط دوستانه می‌شود.

**دنباله مطلب در صفحه ۵۳**

## پاریناز کدخدایان

مشاور با گواهینامه رسمی

از سرنوشت خود با کمک ستاره شناسی و علم قدیم چینی مطلع شوید

۵۶۸۷-۷۰۴(۶۵۰)



Parinaz Kadkhodayan

فنگ شویی در ایجاد جریان و حرکت مثبت انرژی در فضای منزل.

کار و بهتر شدن رابطه‌های خانوادگی و دوستی به شما کمک می‌کند

جدول زندگی شما با آگاهی به دانش کهن ستاره شناسی و رابطه‌های نجومی

*Transform your environment & transform your life*

Feng Shui & Astrology Certified Consultant

برای آسایش روان و آرامش در زندگی با من تماس بگیرید!

www.FengShuiAndLiving.com ★ Parinaz@FengShuiAndLiving.com



خوشحال می باشد. انسان بی رحم و خودخواه، انسانی شکننده و بی حس می شود که هرگز موفقیت های کاری، تضمین خوشبختی و خوشحالی روحی او را نمی کند، چرا که این اشخاص فاقد emotional intelligence یعنی هوش احساسی هستند و همچنین این خودخواهی ها و سردی ها باعث نداشتن دوست صمیمی، عشق در رابطه و شادی درونی می شود. خودمان همراه فرزندانمان باید در خیریه های مختلف با سالمندان، بچه ها و زنان و مردان بی خانمان، مرکز زنان کتک خورده و محتاج، سازمان حمایت حیوانات کار کرده و با قلب و حضور فیزیکی، دردها را احساس کنیم. سالی یکبار به تمام گنجی ها و کوشه های خانه بروید و به فرزندانان بگویید تمام لباس ها و وسایلی که شش ماه استفاده نکرده اند و یا لازم ندارند را کنار گذاشته و با آنها به مراکز ذکر شده رفته و با حضور آنها متعلقات را به خیریه بدهیم.

این را بدانید که افسردگی، دل مردگی، و درون تهی ها در آمریکا هم میان جوانان باوجود تحصیلات و خانواده مرفه، روز بروز در دبیرستان ها و حتی دانشگاه ها و محیط کار زیاد تر می شود. دنباله مطلب در صفحه ۵۷

شده اند که به زور خود را به عنوان مادر و همسر در خانه و اجتماع می کشند. آنها به دلیل عدم اعتماد به نفس و حرمت نفس، یاد نگرفته اند که بالانس و تعادل در زندگی را رعایت کنند تا محیطی آرام و شاد به کمک همه اعضای خانواده داشته باشند تا به جایی که حتی وقتی برای استراحت و خودیابی خود ایجاد کنند. برعکس آن هم صدق می کند که خانم هایی با داشتن اعتماد به نفس کاذب دماری از روزگار شوهر و فرزندان خود در آورده اند تا به جایی که همسر و فرزندان آنها با رنج و ناراحتی زندگی می کنند.

عزیزانم، مثل همیشه روی بالانس و مقدار و میزان در هر کاری تأیید می کنم. اعتماد به نفس کاذب و تعریف های اضافی بدون بوجود آوردن و ساختن زمینه های واقعی برای اتکا به نفس، باعث باروری غلط و زمین خوردن آنها در رابطه و کار در آینده می شود.

بخشندگی و مهربانی، نژاد پرست نبودن و ارزش گذاشتن برای همه انسانها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست یکی از مهم ترین پایه تربیت برای موفقیت آینده و خوشبختی همه ماست. بخصوص برای فرزندانمان انسانیت و همدردی (confession & love) و عشق به دیگران اساس یک شخصیت سالم و



## برای خود ارزش قائل شوید

با سلامی به گرمی آفتاب و طراوت گلها، زیبا و صمیمیت زلال دریاها. خوشحالم که این ماه هم با شما در مجله پرمحتوای پژواک ارتباط برقرار می کنم. من همیشه این مجله پر بار را تحسین می کردم و خوشحالم چند سالی است که در آن مقاله می نویسم و پیام های زیبا از ارتباط با شما می گیرم. چندین خانم و آقای ایرانی هستند که باوجود جلسه های خصوصی مان، از من می خواهند تا برای بقیه هم از دو مسئله و موضوع مهم مطرح در جامعه ما، «اعتماد» و «حرمت نفس» سخن بگویم. شاید به خاطر تربیت قدیمی و فرهنگی ما، این مسئله در میان ما و بخصوص جوانان و همچنین خانم های ایرانی مرسوم است. اعتماد به نفس و تکیه و اتکا به خود واقعی ما یکی از بزرگترین عوامل شادی و موفقیت ما در زندگی شخصی و یا کاری می باشد. در دنباله بحث ما در شماره قبلی، باید ادامه دهم که بهترین هدیه ای که برای شادی هر کس از جمله فرزندان، شریک زندگی و یا خانواده و دوست می توانیم بدهیم، کمک به ایجاد اعتماد به نفس و حرمت نفس آنهاست (self respect + confidence) اعتماد به نفس و شخصیت از زمان کودکی پایه ریزی می شود. زمانی که پدر و مادر با تشویق و رفتار همیشه مثبت و عشق بدون شرط به کودک ثابت می کنند که او وجود مهم و معتبر و مخصوص به خود (special) می باشد که عشق آنها به او وابسته به هیچ چیز نیست. با راه های مختلف به او می آموزند که او در نوع خود فردی باهوش و قادر است و عشق آنها به او فقط بخاطر انجام کارهای دلخواه آنها و نمره های خوب و یا... غیره نمی باشد. نصیحت ها از روی عشق فرزندی می باشد که فقط به خاطر خود او و ساختن و یادگرفتن از تجربه هاست. او انسان قادر و توانایی است که می تواند خود تصمیم بگیرد و هر کار بد و خوبی که بکند فقط خودش مسئول می باشد و منفعت و ضرر آن فقط به خودش بر می گردد. در مورد تحصیل اگر درس نخواند و زندگی سخت و کوچکی پیدا کند، اگر با آن راضی است، این را باید بداند که خودش گریبانگیر آن

می شود و اگر درس بخواند و موفق بشود، او است که زندگی بهتری خواهد داشت. یک روش تجربه شده در موفقیت و شادی، ایجاد یک دایره بالانس زندگی (life circle) برای افراد می باشد که با توازن در تمام جنبه های زندگی از دانش گرفته تا هنر، ورزش، معاشرت، تفریح و ظاهر، باعث بالانس کردن و ایجاد شادی، پر بودن و اتکا به نفس می شود. عزیزانم، تعریف ها باید فقط به جا و پس از انجام کارهای مثبت انجام شود ولی روی هم رفته قدرانی و به زبان آوردن تأیید در کارهای مثبت باید بیشتر از به رخ کشیدن اشتباهات باشد (Positive endorsement). سرکوفت ها و مقایسه و یادآوری اشتباهات هیچ فایده ای به غیر از کشتن اعتماد به نفس، شک و تردید در شخصیت و تهی کردن دلگرمی و دلخوشی و خرد کردن اعصاب کسی ندارد. پدران و مادران نباید آرزوها و خواسته های خود را به فرزندان خود و یا شریک زندگی خود تحمیل کنند. باید قبول کنیم هر کسی انسان متفاوت و متعلق به خود می باشد. اکنون که در آمریکا زندگی می کنیم باید خود را با محیط اینجا وقف داده و عادات و تربیت های قدیمی را فراموش کنیم. بهتر است تا بتوانیم هر دو فرهنگ را باهم القا کنیم و از هر دو بهره مند شویم. اگر به روش قدیم ایران، دختر و یا پسر حرف شنو و بی چون و چرایی داشته باشیم که فقط مطیع بودن را یاد بگیرند، در آینده پسر به اصطلاح مطیع، همان مرد بی عرضه ای می شود که مطیع زن خود، بی چون و چرا خواهد شد تا به جایی که شاید همسرش حتی به او اجازه معاشرت با پدر و مادرش را هم به او ندهد! و یا دختر مطیع و خانم ما، بنشود مطیع شوهر زورگو که دل خوشی از اطاعت های خود با دیگران ندارد. و یا برعکس دختران و پسران مطیع می توانند از طرف دیگر، آدم های لجباز و زورگو شوند! خانم هایی را می شناسم که مشتری من هستند و با داشتن تحصیلات و زحمت کشیدن پایایی همسران، مسئولیت خانه داری و غیره را هم دارند ولی آنها متاسفانه تبدیل به خانم هایی افسرده و خسته ای



## آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach  
atoosa30@yahoo.com

مربی زندگی یک روانشناس نیست. او کسی است که با حمایت و تشویق شما و با ارائه راه های جدید برای رسیدن به هدف ها، به شما کمک میکند تا زندگی شخصی و حرفه ای خود را توسعه دهید.

مربی زندگی یک سیستم پشتیبانی است که یک هدف در ذهن دارد: بالا بردن کیفیت زندگی شما

- ♦ رسیدن به شادی و نشاط درونی
- ♦ Relationships
- ♦ Self-esteem
- ♦ اعتماد و حرمت نفس و تعادل
- ♦ Behavior Problems
- ♦ خودشناسی، خودسازی، هدف یابی
- ♦ Adults & Teens
- ♦ تصمیم گیری های درست در زندگی شخصی و یا کاری
- ♦ Life Choices
- ♦ روابط و حل اختلافات زوجی و یا خانواده ها
- ♦ Happiness & Balance
- ♦ صحبت های مثبت و سازنده برای نوجوانان و جوانان

No matter what you want to change in life,  
the process is the same. I can help you navigate this process.

**Atoosa Yekan "Not just another life coach..."**

دفتر در سن حوزه و بلزنتون، سرویس سیار موجود می باشد.

۹۷۰۰-۲۹۷ (۹۲۵)

## حاجی آقا

صادق هدایت (بخش دوم)

حاجی لبخندی نمکین زد و به شخص تازه وارد گفت: مثل اینکه که سابقا خدمتتان رسیده ام. اسمتان را درست به خاطر ندارم. بله، پیری است و هزار عیب و علت! - بنده غلامرضا احمد بیگی.

- عجب، شما آقا زاده بصیر لشکر نیستید؟ - چرا!

- یادتان هست کوجه شترداران منزل داشتید؟ ابوی تان در قید حیاتند؟

- سال قحطی عمرشان را دادند به شما.

- خدا بیامرزدهش، نور از قبرش باره! چه مرد نازنینی! عجب دنیا فراموشکاره. من

با مرحوم ابوی تان بزرگ شده ام و سال ها میگذشت که همدیگر را ندیده بودیم.

یادش بخیر! هر روز صبح با مرحوم ابوی تان میرفتیم گذر لوطی صالح چاله حوض بازی میکردیم. هنوز هم هروقت تو آئینه

داغ زخم پیشانی ام را می بینم. یاد آن زمان میافتم. (قهقهه خندید و صدایش

میان بوی لجن در صحن هشتی پیچید).

به جان کیومرثم قسم، من همه عمرم رفیق باز بودم. انگار دنیا را به من دادند.

- قربان، چوبکاری می فرمائید، بنده غلام سرکار هم حساب نمیشم.

- اختیار دارید! شما مثل پسر خودم هستید.

من همیشه پیش وجدانم از آن دعوی ملکی که پیش آمد و باعث رنجش ابوی

تان شد، شرمنده ام. یعنی تقصیر بنده نبود، مال ورثه صغیر بود. وادار شدم که

اقامه دعوا بکنم. اگر چه قابلی نداشتم. من همیشه میگم: سر و جان فدای رفیق! من

همین چوب وجدانم را میخورم. دیگر چه میشه کرد؟ امروزه روز کمتر آدمی پیدا

میشه. خوب، ما پیر و قدیم هستیم. اهل محل به من معتقدند. هر وقت مسافرت

میرند، اگر مالی چیزی دارند، یا اهل و عیالشان را میارند دست من می سپرند.

من که نمیتوانم خیانت در امانت بکنم. چه میشه کرد؟ توی این شهر استخوان خرد

کرده ایم. بعد از فوت مرحوم ابوی مردم چشمشان به من! البته توقع دارند. دیروز

حجه الشریعه آخوند محل - شخص شریفی است - پیش من بود. می گفت: والله من

چهل ساله آخوند محل هستم، آنقدر که مردم به شما اعتقاد دارند، به من ندارند.

من که نمیتوانم مال صغیر را زیر و رو بکنم. یک پایم این دنیاست و یکیش آن دنیا! خوب، خدا هم خوشش نیاید.

غلامرضا با پشت دست تف حاجی را که روی لبش پریده بود، پاک کرد و با دهن

باز به فرمایشات ایشان گوش میداد، بی

که گفتم همین الان برو پیش دوست علی، حجره غضنفری! خودت که میدانی!

- به روی چشم!

- راستی خوب شد یادم آمد. دو صندوق تریاک هم آنجا پیش حاجی عبدالخالق

جایلی دارم. از قول من سلام می رسانی، میگی زودتر حسابش را بفرسته! تا حالا

ششماه می گذره که خبری ازش ندارم. (با خودش: عجب اشتباهی کردم. اگر

به هنگ کنگ فرستاده بودم، سه مقابل استفاده داشت). در هر صورت این سفر

مثل دفعه پیش برایمان حسابتراشی نکنی! خوب، انعام و پول چایی و اینها پای من

نیست. چون شما نماینده بیات التجار در عراق هستید. پس بیخود معطل نشو،

همین الان برو به کارهایت برس!

- بروی چشم!

- به سلامت!

خلج پور مثل این که هزار سال درباری بوده، پس پسکی رفت و یک تعظیم دیگر

کرد و به عجله بیرون رفت. حاجی به طرف غلامرضا برگشت. دفتر رسید

کاغذ و چک را امضاء کرد و کاغذ را با چک گذاشت زیر دسکچه و دوباره نی

قلیان را به دهن گرفت. غلامرضا کیفش را بست و بلند شد: اجازه میفرمائید؟

حاجی: ببخشید به شما زحمت دادم. رویم سیاه که چیز قابلی نداشتم. راجع به

شما با آقای میمنت نژاد صحبت خواهم کرد و امیدوارم باز هم خدمتتان برسم!

غلامرضا از شدت فقر و بدبختی و ناکامی هایی که دیده بود، به حرف خودش هم

اطمینان نداشت و دنیای خارج برای او معنی خود را از دست داده بود. حرفها و

تعارف چرب و نرم حاجی در کله او انعکاس عجیبی پیدا کرد. از پدرش شنیده بود که

حاجی ابوتراب نام طراری به حقه و زور املاک را که در ورامین داشتند و تنها

ممر معاش آنها بود، بالا کشیده است. اما رفتار مهربان و لحن مطمئن حاجی به قدری

در او اثر کرد که به بی ریایی و سادگی حاجی ایمان آورد. بی آنکه از منافع کارخانه

و معاملات قالی و تریاک سر دربیآورد، تعظیم بلندی کرد و خارج شد. با خودش

گفت: چه شخص سلیمی! خوب، حاجی از آدمهای پاردم ساییده امروزه نیست؛ برای

همین میمنت نژاد سرش کلاه میگذاره! حاجی سینه اش را صاف کرد: مراد!

- بله قربان!

- آب نباتی چیزی واسه بچه خریدی؟

- بله قربان.

- این غلیان که چاق نیست. از صبح سحر بوق سگ آدم را به خیال خودش نمی

گذارند. همه اش دردسر. این غلیان را انیس آغا چاق کرده؟ دنباله مطلب در صفحه ۵۷

بریز و پباش تو این خونه میشه، باز هم مثل خونه ملا یزقل زندگی می کنیم.

بچه مثل انار ترکید و به گریه افتاد. مادرش دست او را کشید و گفت: بریم،

مادر جان، غصه نخور!

حاجی رو کرد به طرف بچه: عیب نداره، قربون، میگم مراد برات آب نبات بخره!

برو آب نبات بگیر!

محترم از دالان برگشت و بچه هم گریه کنان به دنبالش. حاجی گفت: مراد!

- بله قربان!

- برو این بچه را ساکت کن!

بعد رویش را کرد به غلامرضا: شما را به خدا ملاحظه کنید!

- عیب نداره، ماشاالله خانه بچه داریه!

- دوره آخر زمانه. بله، میخواستم بگم هنوز سرمایه اولی مستهلک نشده، تا

خرخره ام توی قرضه، چه بکنم؟ از ارادت قلبی است که به آقای میمنت نژاد دارم.

خب، اگر بنا بشه من کنار بکشم، کارخانه میخوابه. یک مشت کارگر لخت بیچاره

گشته میمانند. خدا را خوش نیاید. در ضمن، خوب صنایع میهن هم ترقی میکنه،

خودش خدمتی به جامعه است. وانگهی می خواستم یک لقمه نان حلال از توی

گلوام پائین بره. ما که مثل کارخانه های دیگر نخ پوسیده نمی خریم که جوراب

ارزان تمام بشه. با چه جان کنندی اسعار خارجه تهیه میکنیم و نخ دو قز

Ecosse, Fild آمریکایی وارد میکنیم، آن وقت تازه قیمت جوراب ما مثل کارخانه

های دیگره. پدر رقابت بسوزه! خودتان که بهتر مسبقید. باور بکنید من ماهی سه

هزار تومن ضرر میدم.

در این بین در کوچه باز شد و مرد آبله روی سیاه چرده ای که کت و شلوار گشاد

سیاه به بر و کلاه کپی به سر داشت، وارد شد و تعظیم کرد. حاجی آقا بی آن که او را

دعوت به نشستن بکند، به طرف او برگشت و گفت: سلام علیکم آقای خلج

پور، شما هنوز حرکت نکردی؟

- قربان منتظر باشپرت و سفارشنامه هستم. باشپرت و همه کارها حاضر شده. همان

طوری که گفته ده طاقه فرش را با مشخصاتی که دادم، هفته پیش به آدرس سفارت ایران

در بغداد فرستادم. شما همین الان میری پیش دوست علی، باشپرت و سفارشنامه را

از اون میگیری و فوراً حرکت میکنی! بغداد که وارد شدی، یک راست میری سفارت،

از قول من به آقای سفیر عرض سلام میرسانی و قالی را تحویل میگیری و میدی

به شیخ حمزه شموعلی!

- پیشتر که طرف شما ابوقنطره و شرکاء بود! آقای سفیر اینطور صلاح دیدند. این

تجارتخانه خوش معامله تره. همان طور



فرحبخش آزادی را نسیم جان کند و چون شب سپری شود و خواب بر بیداری گزاید به ناچار روح به تن بر می گردد و زندگی عادی خود را دنبال می نماید.

**ترک روز آخر چه با زرین سیر**  
**لشکر شب را به تیغ افکنند سر**

**چونکه نور صبحدم سر بر می زند**  
**کرکس زرین گردون پر زند**

مولانا در بهترین و رساترین و زیباترین کلمات ثابت می کند چون روز فرا رسد و تاریکی و خواب برود روح که میل به تن دارد به آن بر می گردد زیرا هر تنی از روح آستن است.

**فالق الاصبح اسرافیل وار**  
**جمله را در صورت آرد ز آن دیار**

**روحهای منبسط را تن کند**  
**هر تنی را باز آستن کند**

**اسب جانها را کند عاری ز زین**  
**معنی التوم واخ الموت است این**

**لیک بهر آنکه روز آیند باز**  
**بر نهد بر پیشان بند دراز**

کلام مولانا مسحور کننده و دلپذیر و گویای حقایق عینی و معنوی است با اینکه الفاظ را برای معانی لطیف و دقیق تنگ و نارسا می یابد این چنین درافشانی می کند و به قول خود او:

**باده درد آلودتان مجنون کند**  
**باده صافی ندانم چون کند**

می دهد و می گوید این روح پاک و ازلی است که به بدن فرمان می دهد عقل و فکر بکار می افتد و با چرخ و دولابی از چاه آب بیرون می آورد و فعالیت و جنبش جسم ظاهر از روح مخفی است.

مسائل علمی وسیله ای است برای بیان علم لدنی و حقایق عینی و معنوی و احاطه مولانا را به علوم گوناگون اکتسابی نشان می دهد چنانکه در ما نحن فیه از جرّ و مدّ دریا سخن می راند که با مطالعات علمی امروز ناشی از تأثیر جاذبه ماه و خورشید بر زمین است، هر گاه ماه به زمین نزدیکتر شود و نیروی جذب و تأثیر آن بر سطح کره بیشتر است، در این حالت آبهای دریا بالا می روند و مدّ می شود، وقتی ماه از زمین دورتر و در نتیجه از ذرات جاذبه آن کاسته شد آب دریاها پائین می رود و جزر حاصل می شود.

**خواب برادر مرگ**  
خروج روح از بدن به هنگام خواب است و برگشتن آن در بیداری روز، یکی از حقایق مسلمی است که علم مادی هم که با مشاهده و تجربه و آزمایش صحت آنرا دریافته در اثر خروج روح از بدن به هنگام خواب، روح با همه بندهایی که علائق مادی و جسم او را چون تار عنکبوت در بر دارد می تواند در ماوراء قفس تن به سیر و سیاحت بپردازد و اندکی هوای



## جهان بینی مولوی در مسائل اجتماعی و اخلاقی و روانی

**دکتر حسین مسیح پور**

می شود و حاصلش آب سیب است.

**گر تو صد سیب و صد آبی بشمیری**  
**صد نمائد یک شود چون بشمیری**

زیرا اگر صور مختلف و قابل جمع و تقسیم هستند اما عالم معنا در وحدت فوق عدد و تقسیم می باشد.

**در معانی قسمت و اعداد نیست**  
**در معانی تجزیه و افراد نیست**

و می فرمایند ما از او و عالم وحدت بودیم و یگانه به عالم صورت و عدد در آمدیم و خود را در دوئیت دیدیم.

**گر گهر بودیم همچون آفتاب**  
**بی گره بودیم و صافی همچو آب**

**چون بصورت آمد آن نورسره**  
**شد عدد چون سایه های کنگره**

**صورت و معنا حقیقت روح و جسم**  
مولانا در ابیات زیر به شرح صورت و معنی پرداخته، بی ثباتی صورت و حقیقت و بقای معنا را با جملات دلپذیر بیان می کند.

**رو بمعنی کوش ای صورت پرست**  
**ز آنکه معنی بر تن صورت پرست**

**جان بی معنی درین تن بی خلاف**  
**هست همچون تیغ چو بین در غلاف**

**چون غلاف اندر بود با قیمت است**  
**چون برون شد سوختن را آلت است**

**تیغ چوبین را مبر در کار زار**  
**بنگر اول تا نگردد کار زار**

**پیش معنی چیست صورت بس زبون**  
**چرخ را معنیش میدارد نگون**

**تو قیاس از چرخ دولابی بگیر**  
**گردشش از کیست از عقل منیر**

**گردش این قالب همچون سیر**  
**هست از روح مستر ای پسر**

**گردش این باد از معنی اوست**  
**همچو سبزه کو اسیر آب جوست**

**جرّ و مدّ و دخل و خرج این نفس**  
**از که باشد جز ز جان ای پرهوس**

جان بی معنی به مانند تیغ چوبی است که در نیام پنهان شده و چون در غلاف است و حقیقت خود را نشان نداده ظاهراً معتبر است اما وقتی غلاف آن کنار رفت و شمشیر چوبین نمایان شد، ببرد سوختن می خورد نه ببرد جنگ و دفاع، تیغ چوبین را به کارزار نباید برد چون در آغوش کار، زار است مولانا چرخ دولابی را که بوسیله گاو و چرخ گردان از چاه آب بالا می آوردند و حالا وسائل برقی آبکش و تلمبه های عمیق نیم عمیق جای آنرا گرفته، در بیشتر مطلب مورد مثال و قیاس قرار

**این جهان همچون درخت است ای کرام**  
**ما بر او چون میوه های نیم خام**

**سخت گیرد و خام ها مر شاخ را**  
**چونکه در خامی نشاید کاخ را**

(و آنچه آن با بیل با آن پیل کرد)،  
مرغان ابا بیل، لشکریان خدا پادشاه حبشه که عزم خراب کردن خانه خدا و فتح مکه را داشت چیره شدند و آنان را به هلاکت رساندند.

(و آنچه پشه کله نمرود خورد)  
نمرود که ادعای خدائی داشت و مست از جام قدرت، پشه ای کار او را ساخت.

**و آنکه سنگ انداخت داودی بدست**  
**گشت سیصد پاره و لشکر شکست**

حضرت داود را از حق مدد بود که بر لشکر عظیم پیروزی یافت.

**سنگ می بارید بر اعدای لوط**  
**تا که در آب سیه خوردند غوط**

از آسمان بر دشمنان لوط باز خدا سنگ بارید. آری...

**جزو جزوت لشکر او در وفاق**  
**مر ترا اکنون مطیعند از نفاق**

**لا نَفَرَقَ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ**  
مولانا در تفسیر کلام ربّانی «لا نفرق بین احد من رسله» یعنی فرق بین هیچ یک از فرستادگان خدا و رسولان او نیست و هر یک دارای رسالتی بوده که به دستور پروردگارش با الهام از او، پیامبری و رسالت خود را انجام داده اند و ماموریت همه این رسولان، واسطه پیام حق و دستورات الهی به مردم و توصیه و اندرز آنان در اجرای اوامر الهی که موجب صلاح و خیر دنیا و آخرت آنان می باشد، بوده است. مولانا برای اثبات این حقیقت متوسل به مثالی می شود و می گوید: در صورت دو چشم است اما دید آنها یکی است.

**چون بصورت بنگری چشمت دواست**  
**تو به نورش در نگر کان یک کو است**

**نور هر دو چشم نتوان فرق کرد**  
**چونکه بر نورش نظر انداخت مرد**

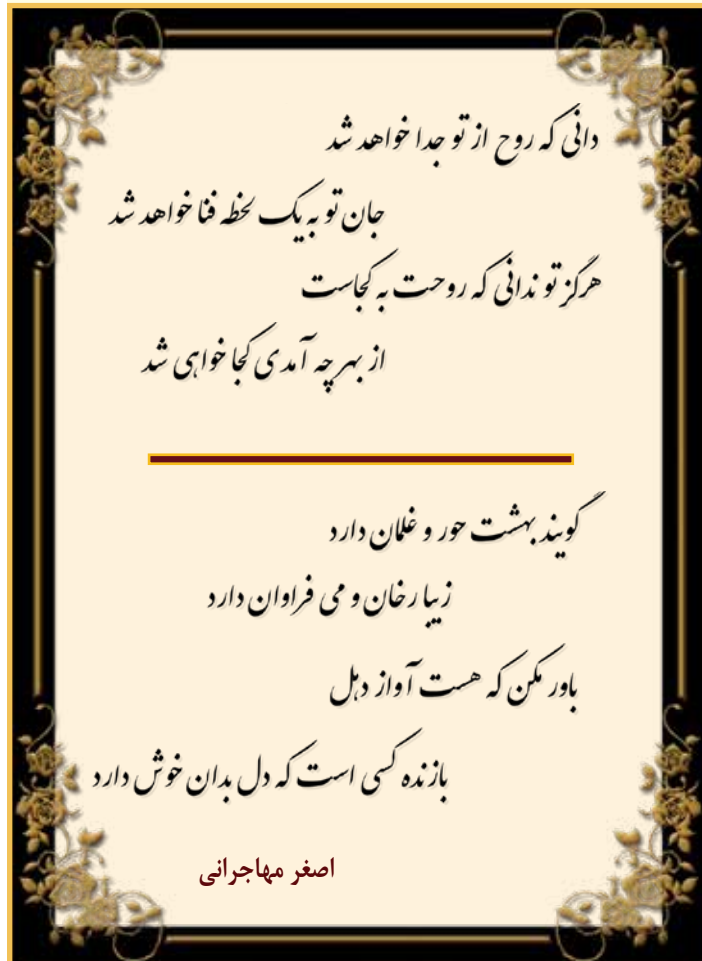
**ده چراغ ار حاضر آری در مکان**  
**هر یکی باشد بصورت غیر آن**

اگر ده چراغ در یک جا باشد همه نور می دهند و نور آنها یکی است گرچه شکل چراغ ها مختلف باشند، لذا خدا در قرآن می فرماید

از لحاظ رسالت فرقی بین احد رسولان نیست.

**اطلب المعنی من القرآن و قل**  
**لانفرق بین احد الرسل**

و در مقام مثال می فرماید: اگر چند سیب را بفشاری و آب بگیری چند تا یکی





# پسته

(بخش دوم و پایانی)

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

ز بس زهر شکایت خوردم و بر لب نیاوردم

به سبزی می‌زند تیغ زبان چون پسته در کامم "صائب"

(زهر سبز رنگ است و زبان به حالت جمع شده شکل مغز پسته را دارد.)

کلام شورانگیز یار به پسته شور و دهان تنگ و شکر افشان او به نقل پسته تشبیه شده و این ملاحظت و حلاوت توأم در اشعار بسیار مضمون قرار گرفته است. از خط سبز محبوب و دهان شکر بار معشوق نیز، با تشبیه به مغز سبز پسته و نقل، و با استعاره از پر سبز طوطی و شکر خایی او مضامین بدیع دیگری پدید آمده که زبان نثر از وصف آن باز می‌ماند.

شکر به کلام شیرین اشاره دارد و پسته شیرین یا شکر افشان یا شکر پاش کنایه از لب و دهان معشوق شیرین زبان و شیرین سخن است. واژه تنگ با همان تلفظ تایی مفتوح به معنی خروار و بار، به ویژه بار و محموله شکر، نیز هست که گاهی در زبان عامه به غلط تنگ شکر (با تایی مضموم) تلفظ می‌شود و به این صورت از آن یک تنگ یا کوزه شکر اراده می‌کنند. در سه بیت زیر از خواجه کرمانی، فروغی بسطامی و سلمان ساوجی "تنگ شکر" (بار شکر) برای توصیف شیرین زبانی آمده و به تنگی پسته و کوچکی دهان نیز اشاره دارد:

پسته شور شکر افشانش شور در تنگ شکر اندازد

طوطی ار پسته خندان تو ببند گوید که ز تنگ شکر این پسته بشکر بارتر است

دهنت پسته شور است و لب تنگ شکر من فدای تو و آن پسته شکر بادام

بادام = باشم.

از پسته نیز نقل می‌سازند به طوری که مغز پسته درون لعابی از شکر و گلاب و هل قرار می‌گیرد. در ابیات زیر از صائب، پسته به امید وصال شکر و شوق همنشینی با آن در نقل، در پوست خود خندان است:

من چه دارم در نظر تاد لب به آن خرم کنم پسته از یاد شکر در پوست خندان می‌شود

هست اگر امید وصلی دل نمی‌ماند غمین شوق شکر پسته را خندان کند در زیر پوست

سینه در لب چاک می‌سازد به امید وصال پسته را شوق شکر در پوست خندان می‌کند

پسته را از پوست امید ملاقات شکر گر چه دل خون می‌کند خندان برون می‌آورد

در بیت بالا، دل خونین به غشاء قرمز روی مغز پسته اشاره دارد.

دو بیت طنز آلود زیر، از انوری و فروغی بسطامی، مثل "مگس‌اند گرد شیرینی" را به یاد می‌آورد:

محرّم پسته لب نشدم تا نگفتم طفیلی و مگسم

به گریه گفتم از آن پسته یک دو بوسم بخش به خنده گفتم مگس کی نشسته بر قندم

خط به موی عارض یا موی گرد صورت گفته می‌شود و نوحه صفت محبوب جوان با موی نورسته بر عارض یا پشت لب است. خط سبز نیز به معنی سبزه نورسته یا موی تازه روئیده بر گرد صورت است. برای ساختن نقل، خلل سبز رنگ پسته را درون شکر قرار می‌دهند و با لعابی از شکر روی مغز پسته را کاملاً می‌پوشانند، ولی صائب در سه بیت زیر این مضمون بدیع را آورده که در نقل شکر بیرون از پسته قرار دارد، ولی لب و دهان شکرین محبوب جوان در میان سبزه خط او پوشیده و پنهان شده است:

پسته را هر چند مردم در شکر پنهان کنند

آن لب نوحه شکر در پسته پنهان کرده است

پسته می‌گشت نهان در لب شکر دایم

چون نهان شد به خط سبز لب چون شکرش؟

پیش از این گر به شکر پسته نهان می‌کردند

لب نوحه تو در پسته شکر پنهان کرد

سعدی محبوب نوجوان را هشدار می‌دهد که همیشه چنین نخواهد ماند و به‌دور دهان کوچک و لبان سرخ او سبزه خط خواهد رُست:

خود هنوزت پسته خندان عقیقین نقطه‌ای ست

باش تا گردش قضا پرگار مینایی کشد

طوطی را شکر خایی) گفته‌اند که هم شکر خوار است و هم شیرین زبان، و این هر دو با پسته شکرین معشوق و شیرین زبانی او مناسبت دارد. از سوی دیگر، پر طوطی مانند مغز پسته سبز است و "طوطی خط" نیز به معنی خط سبز گرد لب محبوب نوجوان آمده است. شاعران نکته پرداز این تشابهات و تناسبات را در اشعار بسیار مضمون قرار داده‌اند، با دو شاهد از صائب و ابن‌یمین:

ز شرم سبزه خط تو طوطی خوش حرف

چو مغز پسته نهان در میان شکر گشت

سبزه خطش به گرد پسته شکر افشان

همچو عکس شهپر طوطیست بر گلگون شراب

در بیت زیر از سیف فرغانی، همچون طوطی که شکر خایی می‌کند، عاشق از لب شکرین یار بوسه طلب می‌کند، و در بیت بعدی از خواجه کرمانی طوطی شکر را از لب شکرین یار بر می‌گیرد:

آن بت پسته دهن را لب همچون یاقوت

شکرین ست و منم طوطی شکر خایش

طوطی از پسته تنگ تو شکر گرد آورد

چشمم از درج عقیق تو گهر گرد آورد

و در بیت زیر از سعدی، دهان شکر افشان و زبان شیرین معشوق جایی برای شکر خایی طوطی باقی نمی‌گذارد:

طوطی شکر شکستن دیگر روا ندارد

گر پسته ات ببیند وقتی که در کلامی

مُعرّب پسته فستق است و فستقی، به معنی پسته‌ای یا مغز پسته‌ای، به رنگ سبز روشن یا سبز آغاز بهار اشاره دارد، با دو بیت از انوری و خواجه کرمانی:

تبارک الله از آن قادری که قدرت او

دهان و دیده نماید ز عیبر و فستق

تبارک الله = پاک و منزه است خداوند، کلامی که به وقت تحسین آمیخته با تعجب گفته می‌شود. عیبر = نرگس. دهان و دیده، به ترتیب معکوس، به پسته و نرگس تشبیه شده‌اند.

کشد در بر قیای فستقی سرو

نهد بر سر کلاه سایبان گل

رنگ سبز پسته‌ای به زهر و زهر آلودگی نیز کنایه دارد و صائب در بیت زیر این تناسب رنگ را مضمون قرار داده است:

رحم کن بر تلخکامان پیش از آن کز زهر خط

سبزر از پسته گردد لعل شکر بار تو

و این هم مضمون جالب دیگری از صائب:

همان خون می‌چکد از شکوه دوری ز منقارش

اگر گردد چو مغز پسته طوطی در شکر پنهان

در بیت بالا، منقار خونین استعاره از غشاء سرخ روی مغز پسته است و مغز پسته در شکر کنایه از نقل است که پسته درون آن هنوز سرخ یا خونین دل است.

غشاء مغز پسته سرخ است که گاه سرخی آن را در عرضه پسته خندان به بازار بیشتر می‌کنند. این سرخی طبیعی، همراه با شباهت شکل مغز به دل، به خون یا خون دل تشبیه شده است، با سه بیت از صائب:

عیش ظاهر صائب از دل کی زداید زنگ غم

پسته را از خون نسازد لب خندان تهی

[صائب] تظاهر به شادی غم را از دل برون نمی‌کند، همان‌طور که پسته با لب خندان همچنان خونین دل است.]

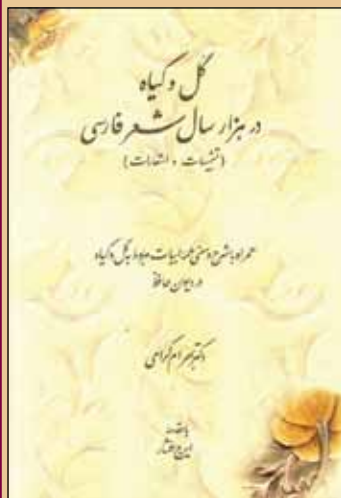
زیر چرخ نیلگون چون پسته آن هم زیر پوست

با دل پر خون لب خندان ندارد هیچ کس

در بیت بالا، رنگ نیلی نشانه حزن و اندوه است و چرخ نیلگون به آسمان و روزگار ناموافق اشاره دارد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳

## گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی



این کتاب که با مقدمه ایرج افشار چاپ دوم آن در بهار ۱۳۸۹ در ۵۴۰ صفحه در تهران منتشر شد، حاصل بیش از ده سال تحقیق مستمر مؤلف است. این کتاب در زمانی کوتاه با استقبال کم نظیری از سوی مراجع علمی و ادبی روبرو گردید. بیش از چهار هزار بیت شعر انتخابی از ۱۵۶ شاعر (از آغاز شعر فارسی تا نیم قرن قبل از مشروطیت) در مورد ۱۱۰ گونه گیاهی (گل‌ها، درختان، میوه‌ها) و تصاویر آنها با شرح و معنی ابیات دشوار و نیز شرح و معنی همه ابیات مربوط به گل و گیاه در دیوان حافظ آمده است.

لُس آنجلس، شرکت کتاب

۱-۸۰۰-۳۶۷-۴۷۲۶



## ده راهکار برای جذب انرژی مثبت



که سبب آرامش کل بدن می‌شود.  
**همان طور با مردم رفتار کنید که مایلید با شما رفتار کنند:** شما وقتی روز خود را با دلخوری آغاز می‌کنید، تمام روز شما تباه می‌شود. وقتی به این بیندیشیم که دیگران هم مانند ما از ارزش وجودی برخوردار هستند، دیگر مایل نیستیم در مقابل آنها جبهه‌گیری کرده و احساسات منفی را نثارشان کنیم. توجه داشته باشید که رفتار آگاهانه ما سبب می‌شود انرژی مثبت اطرافیان را به سوی خود جذب کرده و باتری وجودمان را با انرژی مثبت آنها شارژ کنیم. **دنباله مطلب در صفحه ۴۹**

وجود می‌آید از نور سپید خالص و روشن تشکیل می‌شود. با کمی پشتکار قادر می‌شود این حلقه را در سطح اختری ایجاد کنید اگرچه با چشم معمولی قادر به دیدن آن نیستید اما به خوبی می‌توانید حضور محافظ کننده آنرا احساس کنید. حتی اگر نتوانید تشخیص دهید که بعضی تاثیرات به شما آسیب می‌زنند این حلقه ای از چنین نفوذهایی جلوگیری می‌کند.

نهان آگاهی تعلیم می‌دهد که از نور سپید هرگز برای بدست آوردن مسائل شخصی نباید استفاده کرد. نور سپید اسلحه نفس است و ممکن است در هر زمان و مکان که به آن احتیاج باشد مورد استفاده قرار گیرد.

### سخنی در پایان

آنچه در طی این مقالات به نظر خوانندگان ارجمند مجله وزین پژواک رسید با استفاده از تعلیمات (سواهی پانچاداسی) است که در کتاب هاله انسانی مطرح شده و نویسنده در موارد خاصی نظریات و تجارب شخصی خود را برای درک بهتر مطالب درضمن مقالات آورده است که البته با مطالب اصلی مغایرتی ندارند. امید که این سلسله مقالات برای خوانندگان مفید بوده باشد. با امید به اینکه پس از وقفه ای که به علت مسافرت و مشغله زیاد کاری پیش خواهد آمد، مجدداً بتوانم با ارائه موضوع دیگری با خوانندگان مجله وزین پژواک ارتباط مجدد برقرار کنم.

با به کار بردن ده راهکار برای جذب انرژی مثبت زندگی خود را سرشار از شادی کنید و این انرژی مثبت را جذب شده را به دیگران هم انتقال دهید.

هنگامی که غمگین و بی‌حوصله هستید، جذب انرژی مثبت محیط کار سختی به نظر می‌رسد ولی اگر باور داشته باشید که شادی و غم زاینده شرایط محیطی اطراف ما نیست بلکه حاصل انتخاب ماست آن وقت انتخاب شاد بودن و شاد زیستن برای ما آسان و سهل می‌شود. فرناز طارمیان، روانشناس در گفتگو با خبرنگار اجتماعی باشگاه خبرنگاران عنوان کرد: اگر بخواهیم زندگی شادی را داشته باشیم می‌توانیم با راهکارهای زیر به آن برسیم فقط باید بدانیم که شاد زیستن سهل است.

**روز خود را با شکر گذاری شروع کنید:** شکر گزاری ما را در زمان حال نگه می‌دارد و همین حضور در لحظه، روحیه و حال مثبت در وجود ما ایجاد کرده و میزان انرژی ارتعاشی مثبت را چند برابر می‌کند

اندیشه نیروبخش انجام می‌شود، این دو تمرین به نحو پیشرونده ای مقاومت هاله ای شخص را بالا می‌برد و او را قادر می‌سازد تا نفوذ بیماری را که بر دیگران موثر واقع می‌شود از خود دور کند.

هاله پزشکان و درمانگران موفق در زمان حضور بیمار همیشه رنگ سرخ روشن با ارتعاشات قوی دارد.

اگر شما نظر مثبت را در ذهن اختیار کنید و رنگ زرد متمایل به نارنجی را در هاله خود جریان دهید، تلاش ذهنی دیگران را خنثی می‌کند. در چنین مواردی که احساس می‌کنید امواج احساسی هاله فرد برای شما مناسب نیست، تصور کنید پیرامون سر شما را هاله طلایی یا حلقه ای نورانی فرا گرفته است که مانند کلاه خودی مغز شما را از حمله های بحث و استدلال نامناسب دیگران حفظ می‌کند.

برای جلوگیری از مواردی که دستخوش شور و احساسات سطح پایین هستید، با احاطه کردن خود در رنگ آبی عواطف و احساسات پست را دفع کنید و به حضوره های رفیع تر نفس جایی که این ارتعاشات نتوانند بر ما موثر واقع شوند نقل مکان می‌کنید و از سرایت شور و احساسات سطح پایین دیگران جلوگیری خواهید کرد.

### حلقه بزرگ هاله ای

بدون در نظر گرفتن موضوعات فلسفی می‌توان گفت حلقه بزرگ هاله ای که توسط تخیل ذهنی همراه با خود است و اراده به

## بنام هستی بخش

حسین الماسیان

h.almasian@yahoo.com



## آخرین مقاله در خصوص هاله انسانی

در قسمت پایانی این بخش به هاله محافظ و خصوصیات و فواید آن می‌پردازیم.

آلوده می‌کند بلکه لطافت روح را از بین می‌برد و خشونت قلب را سبب می‌شود و امواج هاله را تیره می‌سازد. برعکس گرایش به احساسات انسانی و پرهیز از خون ریزی روح انسان را جلا می‌دهد و امواج هاله را در رنگ های روشن و شفاف تجلی می‌دهد که همانند حصاری از انرژی در اطراف بدن مانع ورود افکار و اندیشه های مضر و بیمارگونه می‌گردد و انسان را از چشم زخم و آثار اندیشه های شیطانی حفظ می‌کند.

**د:** استفاده از تعلیمات یوگا، تای چی، کونگ فو و چی کونگ نه تنها سلامتی تن و روان را به انسان هدیه می‌کنند بلکه سبب فعالیت انرژی روحی شده و مفهوم حقیقی زندگی را بر انسان آشکار می‌کنند و ارتباط و اتصال بین آگاهی و انسان گونه و آکاشای، هستی برقرار می‌سازند به نحوی که شخص مجالی برای احساس ضعف، بیماری، ترس و مرگ در خود نمی‌یابد.

**روش دوم:** حفاظت جسمانی هاله شامل پر کردن هاله با مغناطیس حیاتی و رنگ است که به وسیله آن نه تنها سرایت بیماری دفع می‌گردد بلکه فکر و احساس بیماری نیز از ذهن دور می‌شود، این حفاظت توسط انباشته کردن هاله با نوسانات سلامتی و قدرت جسمی میسر است که توسط تخیل ذهنی رنگ های سرخ روشن و زندگی بخش و تمرین ذهنی برای جهت دادن آن به فرد مورد نظر یا به سمت اندیشه نیرومندی و داشتن قدرت انجام می‌شود.

حفاظت جسمی هاله ای شامل پر کردن هاله با مغناطیس حیاتی و رنگ است که به وسیله آن نه تنها بیماری از اشخاص دفع می‌گردد بلکه از سرایت فکر و احساس آنان نیز ممانعت می‌شود.

پژوهنده ای که بخش های قبلی این مقالات را مطالعه کرده تشخیص می‌دهد که این حفاظت توسط انباشته کردن هاله با نوسانات سلامتی و قدرت جسمانی میسر است که از طریق تخیل ذهنی رنگ های سرخ زندگی بخش و تمرین ذهنی برای جهت دادن به سمت

در میان کهن ترین تعلیم نهان آگاهان به مسائلی پیرامون ساخت و تحکیم هاله محافظ (Protectire Aura) می‌پردازیم. مطلبی که شخص با وجود آن خود را از تاثیر نامناسب روحی، روانی و ذهنی دیگران دور و مصون می‌دارد، این مسئله اهمیت بسیار دارد اگر چه در مورد آن بسیار اندک صحبت و توجه شده است، ممکن است یکی از دلایل عدم توجه ناتوانی از درک اسرار (Aura) و یا تعصب و نگرش یک سوئیه به مسئله باشد که آنچه را با حواس تن قادر به درک آن نیستیم انکار کنیم. اگر چه در زمان فعلی همانگونه که قبلاً مطرح شد ابزارهای علمی اختراع شده جایی برای انکار بسیاری از پدیده های فوق روانی باقی نمی‌گذارد، اما هنوز هم افرادی وجود دارند که حتی نسبت به آنچه که خود احساس می‌کنند در تردید و دودلی بسر می‌برند، مسلماً سخن ما اینگونه افراد نیست.

تقویت هاله محافظ از راه های مختلفی می‌تواند صورت پذیرد و من صرفاً به دو روش متداول آن اشاره می‌کنم، امیدوارم برای خوانندگان مفید واقع شود:

**روش اول:** مهمترین روش برای تقویت هاله محافظ کاربرد نکات زیر است.

**الف:** رژیم غذایی (ساتویک) استفاده از حبوبات، سبزیجات و میوه ها و حتی الامکان پرهیز از گوشت حیوانات.

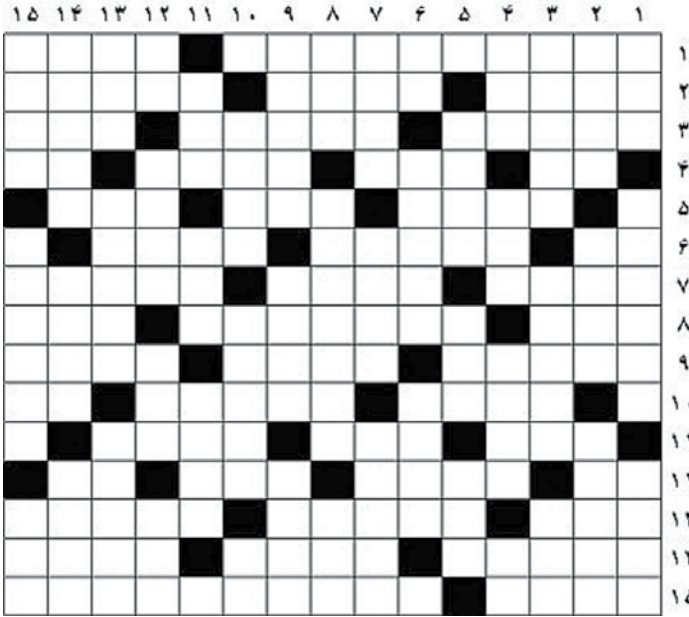
توجه داشته باشید منظور از این رژیم غذای خام گیاهی نیست، استفاده از این مواد و انواع گوشت های گیاهی و همچنین پنیر سووا که خوشبختانه در اغلب سوپرمارکت ها یافت می‌شود و در نهایت می‌توان یک یا دو بار در ماه از گوشت قرمز استفاده کرد.

**ب:** پاکسازی بدن از رسوب غذاهای (fast food) و غذاهای کنسرو شده که حامل مواد شیمیایی نگهدارنده هستند. نه تنها جسم را آلوده می‌کنند بلکه موجب تیرگی و کمبود احساس های لطیف انسانی می‌شوند.

**ج:** کشتن حیوانات به هر منظور سبب خونریزی است که نه تنها جو زندگی را

# سرگرمی

حل جدول در صفحه ۴۲



**مدرسه فارسی البرز**  
 تجربه یادگیری زبان فارسی را  
 برای فرزندان شما زیباتر می سازد

**(408)829-8296**  
 1954 Camden Ave. #3, San Jose

## عمودی

- ۱-شهر آلمان- نام سدی در فرانسه- تمام
- ۲-مردار- فناپذیر- همراه ناز
- ۳-برابر- یاری رساندن- مخفف که ای
- ۴-پول خارجی- آشپزخانه مدرن- گیاه- تیر پیکاندار
- ۵-افراد امین- نگاه کوتاه- مرد گوژپشت
- ۶-حرف فاصله- زاهد- سالک
- ۷-مسیحی نستوری- محل امن- پرده سینما
- ۸-تزویر- کاشف ایتالیایی مغناطیس حیوانی- هزار تازی
- ۹-بندری در اوکراین- ریاکار- منادی دهنده
- ۱۰-نوعی بیماری خونی- نیابت- جنس مذکر
- ۱۱-ربسمان- سنتها- ثروتمند و متمول
- ۱۲-چه چیز- قدرت و توانایی- صومعه- کله و سر
- ۱۳-نوعی جامه- غزال- بردش مشهور است
- ۱۴-پستی و فرومایگی- در حال وزیدن- تابع
- ۱۵-تا زمانی که- فیلسوف انگلیسی خالق اثر «فهم انسانی»- قید پاسخ.

## افقی

- ۱- اثری به قلم «جورج ولز» نویسنده انگلیسی- مفاک
- ۲-سپاه- بزرگ ترین قاره- ملحدو کافر
- ۳-فحش- بخشی از پرده- امر به کاویدن
- ۴-حرف همراهی- نهی از پریدن- شدت- طعم ترش و شیرین
- ۵-اثر مشهور «امیل زولا» نویسنده فرانسوی- قدم- پیروان پیامبر (ص)
- ۶-پیشنود روز و سال- تیم فوتبالی در ایتالیا- آسانی زندگی
- ۷-وسط- بدون نقص- ناشایست
- ۸-از عناصر- نامتناسب- از گازها
- ۹-عکس العمل- نیزه کوتاه- واسطه گر معاملاتی
- ۱۰-شهر آذری- تخته بازی- رمق آخر
- ۱۱-به جا آوردن- جوایش هوی است- خروس جنگی
- ۱۲-محصول صابون- فرق سر- مخفف تاتار- نقشه فرنگی
- ۱۳-تیم فوتبال یونانی- گردش- نمایش دادن
- ۱۴-شهرها- اینک وحالا- ضمیر مفعولی
- ۱۵-شعله آتش- اتحادیه چند کشور و اداره به صورت واحد با حفظ استقلال داخلی کشورها.



"تلخ ترین و غم انگیز ترین اشک هایی که بر سر مزارها ریخته می شود به خاطر حرف های نگفته و کارهای انجام نشده است"

هریت بیچر استو



## تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

### مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا

**سخنرانی مهندس بازرگان**  
 ۱۲ نوامبر ساعت ۶ عصر  
 برای اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس بگیرید  
 کلاس های تفسیر قرآن  
 با همکاری دکتر سید وهاب معصومی  
 سومین شبه هر ماه ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر  
 (۵۱۰)۸۳۲-۷۶۰۰  
 1433 Madison Street, Oakland

### جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه  
**www.ferdosi.org**  
 ۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰  
 ورود برای عموم آزاد است

### جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت.  
 مکان:  
**Fremont, Main Library**  
 ۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰  
 ۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰  
 ورود برای عموم آزاد است

### شب شعر در ساکرامنتو

دومین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب.  
 تلفن اطلاعات:  
 ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰  
**1290 Fulton Ave., #3 Sacramento, CA**

### انجمن فرهنگی آذربایجان در شمال کالیفرنیا

سازمان غیر انتفاعی، بدون وابستگی سیاسی و جناحی، با ارائه کلاس های رایگان یادگیری ابزار موسیقی، رقص و زبان انگلیسی.  
 با برگزاری رویدادهای فرهنگی و کنسرت  
 ۴۰۸-۶۶۱-۳۴۱۰  
**secretary@acsnc.org**  
 16400 Lark Ave.  
 Suit #260 Los Gatos CA

### مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا

**کلاس های دکتر سروش**  
**جلسات شرح غزلیات دیوان شمس**  
 اولین شبه هر ماه ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر  
 شرح مثنوی دفتر نخست  
 ۲۳ اکتبر ساعت ۶ عصر  
 سلوک دیندارانه در جهان مدرن  
 ۱۶ و ۱۳ اکتبر ساعت ۶ عصر  
 (۵۱۰)۸۳۲-۷۶۰۰  
 1433 Madison Street, Oakland

### شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک  
 از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰  
 ۱۲۳۴-۳۶۹ (۴۰۸)  
 ۶۴۴۰-۳۷۱ (۴۰۸)  
 مکان: رستوران ساقی  
**1392 S Bascom Ave, San Jose**  
 ورودیه با شام ۲۵ دلار

### کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران  
 برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس حاصل فرمایید.  
 (۴۰۸)۷۲۵-۲۹۲۲



(۴۰۸)۲۲۱-۸۶۲۴

## نیاز مندیها

## استخدام

دفتر میهن به چند منشی خانم و با آقا، مسلط به زبان های فارسی و انگلیسی و با آشنایی به کامپیوتر، به طور تمام و نیمه وقت نیاز دارد. ۷۰۰۰-۴۴۴(۴۰۸)

به یک خانم مهربان، صبور و با تجربه، فارسی زبان و با گواهینامه معتبر در کالیفرنیا برای نگهداری از مادرمان، بطور تمام وقت (۴ تا ۵ روز در هفته) در شهر پلزنئون نیازمندیم. برای اطلاعات بیشتر لطفا با ۵۲۸۲-۵۷۹ (۵۱۰) تماس بگیرید

## جویای کار

خانمی با تجربه، قابل اعتماد و با داشتن گواهینامه معتبر رانندگی، آماده نگهداری از سالمند و یا فرزند دلبدن شما بطور تمام وقت می باشد. ۴۳۱۸-۴۰۱(۴۰۸)

## ماهنامه پژواک

نشریه برگزیده ایرانیان شمال کالیفرنیا

(408) 221-8624

از وب سایت

**irany.com**

دیدن کنید و اطلاعات

کسب و کار، آگهی

نیازمندی و هر نوع

برنامه ای، مانند کنسرت،

سخنرانی، شب شعر و....

را در این وب سایت

برای اطلاع عموم به ثبت

برسانید.

**Irany.com**

پل ارتباطی بین ایرانیان

در سراسر دنیا

# فایل ستارگان

## دعا

استراحت کافی کمی از خستگی دوران پر مشغله کاری تان می کاهد. به فکر تغییر شغل هستید. مشغله شما بیش از گذشته خواهد شد. از نظر مالی به همان صورت گذشته خواهد بود. مراقب برخوردتان با دیگران باشید. این دوره بهترین فرصت است برای تصمیم گیری های جدید در مورد تحصیل و کار. ماه را با یاد گرفتن و تجربه آموختن به پایان خواهید رساند.

## مهتر

بحث های احساسی همیشه جلوی تفکرات منطقی تان را می گیرد. عجلانه تصمیم می گیرید. شرایط خانوادگی خوبی ندارید. بحث ها و نگرانی ها بیشتر بر سر مسائل مالی است. اگر یک شغل ثابت داشته باشید، نگران آینده مالی خود نخواهید بود. کمی ناامید هستید. اما مدت زمانی که بگذرد. اوضاع بر وفق مرادتان می شود. هم از نظر شغلی و هم از نظر خانوادگی و مالی.

## تیر

با حیرت و تعجب به اطرافتان نگاه می کنید. یکی از علت های این سرگردانی خود شما هستید که هنوز بلاتکلیفید. بهتر است هدفت را مشخص کنید تا دیگران هم تکلیفشان را بدانند. هنوز همان عادت قدیمی پابرجاست. دیر به مقصد می رسید و مثل بچه مدرسه ای ها کارها را به شب امتحان موکول می کنید. باید این رویه را تغییر بدهی.

## شورودین

وقتی کسی توجه شما را به خود جلب کرده باشد، چطور می توان رفتار سردی با او داشت؟! به خود اعتماد داشته باشید و از آشکار کردن احساسات درونی تان نگران نباشید. یک پیشنهاد غیرمنتظره و تعجب آور می شنوید و بزودی فکری مغشوش و درهم تان نظم و ترتیب می گیرد و اوضاع و احوال بر وفق مرادتان خواهد بود. فکرها و ایده های خوبی دارید.

## بهمن

وضعیت شغلی تان در این روزها، ممکن است دچار تزلزل شود. سعی کنید با مدیرتان با آرامی برخورد کنید. مسئولیت های زیادی این روزها بر دوش تان سنگینی می کند. خرید و فروش و املاک در این دوره پرمشغله و عالی است. مجردین در سال جدید، بیشتر به زندگی اجتماعی خود سر و سامان خواهند بخشید.

## آبان

سعی کنید عقل و فکرتان زودتر از زبانتان دست به کار شود. باید کمی خوددار باشید. خبر و یا نامه ای خوشحالتان می کند. تغییر و تحولاتی در امور روزانه تان پیش خواهد آمد که ثمره اش شادی و نشاط شماست. برای کار تازه ای به شما پیشنهادهای جدیدی خواهد شد. برای پیشرفت کارتان ناچار می شوید بر معلومات و اطلاعات خود در زمینه مورد نظر بیفزائید.

## مرداد

گره کور زندگی تان بعد از مدتها باز می شود. احساس آزادی خواهید کرد. مسائل و مشکلات مالی را پشت سر گذاشته، به تعادلی در دخل و خرج خواهید رسید. وقت آن است به رویاهایتان جامه عمل بپوشانید. عده ای از متولدین این ماه به مسافرت های شغلی می روند. بخت و اقبال مالی این گروه بلند است. از نظر مسائل عاطفی در جای درستی قرار دارید.

## اردیبهشت

بیشتر وقت شما به حاشیه ها می گذرد و این میزان بازدهی شما را چه از نظر عاطفی در زندگی خانوادگی و چه از نظر مالی در محیط کار کم می کند. همیشه مسائل مهمتری وجود دارد که به آنها بپردازید. به فکر کینه و انتقام از کسی نباشید. گذشت از خطاهای دیگران، در درجه اول به خود فرد آرامش می دهد. فکر مسافرت چند روزه ای باشید.

## اسفند

دست به ماجرای زده اید که آخرش معلوم نیست. تنها شانس و اقبال می تواند شما را در این کار یاری دهد. خود را درگیر مسائل عاطفی کرده اید. اگر این روزها سرتان را به کار یا به یک دلمشغولی گرم نگه دارید، فکری آزار دهنده را از خود دور می کنید. منتظر یک اتفاق یا خبر خوش باشد. فرصت های اقتصادی خوبی پیش می آید باید از آنها استفاده کرد.

## آذر

سرسختی شما در این دوره اوضاع را بدتر خواهد کرد. افکار منفی، اجازه تصمیم گیری درست به شما را نمی دهد. طلاق در متولدین این ماه کمتر اتفاق می افتد. سعی کنید اوضاع و شرایط بد زندگی را تغییر دهید. از نظر مالی شرایط بهتری نسبت به دوره های قبل خواهید داشت. نگران آینده نباشید، شرایط اقتصادی بهتری در انتظار شماست.

## شهریور

با شکست عاطفی که جندی قبل داشته اید نسبت به همه بدبین هستید. گاهی به شدت دچار افسردگی می شوید و سعی می کنید آن را از خود دور کنید اما خاطرات گذشته مقابل ذهن تان رژه می روند. به آینده بهتر فکر کنید. تغذیه سالم و اصولی را جدی بگیرید. ضعف جسمی شما ریشه در بیماری روحی تان دارد. سعی کنید به مسائل مثبت بیشتر فکر کنید.

## خرداد

بیشتر افراد خانواده و اطرافیان مدیون صبر و فداکاری شما هستند. اعتقاد دارید نباید وقت فرزندتان بیهوده تلف شود. سعی می کنید در طول مدت زندگی چیزی بیاموزند تا به جهان بینی کامل برسند. برنامه ریزی دقیقی برای تمام ساعات خواهید داشت. منظم و مقرراتی هستید. اما گاهی اوقات، مقررات شما دست و پا گیر می شود. وسواس زیادی نداشته باشید



# ROYA FOUNDATION

International Alliance to Assist Children

*Annual Fundraising to build schools in Iran.*

**Santa Clara Convention Center, NOVEMBER 5<sup>th</sup> at 6pm**

هموطن کودکان نیازمند همیاری شما میباشند



Ahdieh



Homa Sarshar



Rojan



Ziba Shirazi

ما گل‌های خندانیم

Tickets are available at: [www.Royafoundation.org](http://www.Royafoundation.org)

Tickets: \$75 - \$125

[Norooze Bazar](http://NoroozeBazar.com) [eventbrite.com](http://eventbrite.com) [Kodoom.com](http://Kodoom.com)

At the door: \$150

Roya Foundation is a nonprofit organization 501 C (3) #47-1921407 provides humanitarian, educational assistance, health care, and medical aid



انضباط زندگی کنند، موظف بودند که در دوران تعطیلات و در همه مجامع، مانند سینما و رستوران و خیابان و غیره، لباس دانشکده بتن داشته باشند و این یک قلم، هم دست و پای دانشجو را برای آزاد بودن، انطوری که جوانان دیگر، آزاد بودند، می بست و هم همه جا مورد توجه واقع می شد و باعث می گردید که دائما معذب باشد و بخصوص که اگر با دختری بود، بیشتر ورنانداز می شد. بخصوص از سوی دختران دیگر که با نگاه هایشان میخواستند ارزیابی کنند که آیا این دو به هم می آیند یا نه؟ و یا اینکه، کدامشان سر ترند. گاه، دوستان غیر نظامی، دوست دانشجوی خود را به یک مهمانی یا پارتی دعوت میکردند که رقص بود و مشروب نیز سرو می شد که براسستی اعمال انسان مضحک بنظر می رسید که با لباس دانشجویی مشروب بخورد و با دختری هم برفصد و همه هم با چشمانشان همه حرکاتش را تعقیب کنند. در آن دوران، رقص های تند، مانند؛ توییست و کازاچوک و چا چا، مد روز بودند که دانشجو ترجیح می داد نرقصد تا اینکه با لباس نظامی حرکات جهشی و چرخشی انجام دهد. بچه های شهرستان ها چون در تهران دوست و آشنایانی از دوران بچگی و مدرسه نداشتند، مشکلی هم با پوشیدن آن لباس، در هنگام فراغت، پیدا نمی کردند و هیچوقت در تهران که بودند لباس شخصی به تن نمی نمودند. اما بچه های تهران، هزار جور معذورات داشتند که مجبور می شدند، تن به خطر بدهند و تنبیهات احتمالی آنها هم بپذیرند. زیرا اگر دژبان به دانشجویی که با لباس شخصی در اجتماع ظاهر شده، مشکوک می گردید، بلافاصله بازداشتش می کرد و با جیب می برد و به افسر نگهبان دانشکده تحویل می داد و همان گونه تنبیهات هم از عواقب آن می شد.

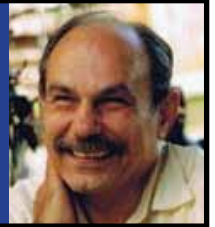
مادرم که برای آمدنم روزشماری کرده بود، برای ناهار و شام، تدارک های بسیاری دیده بود که به خیال خودش مرا از بی رمقی ناشی از دوران بازداشت که لابد همه آن یکماه را گرسنه و تشنه در بیابان بی آب و علف بوده ام نجات دهد، مدام به من نگاه می کرد و مراقب بود که حسابی بخورم تا جبران مافات شده باشد. هرچه که میگفتمم روزهای تعطیلی از لحاظ خوراک، به مراتب از هر جای دیگر و هروقت دیگر بهتر است که راست هم میگفتمم، به خرجش نمی رفت. در روزهای تعطیل، آشپزخانه دانشکده همیشه تدارک یک آماده باش ناگهانی را میدید و محاسبه می نمود که احتمالا ممکن است عده زیادی در دانشکده بمانند و چون تعداد بسیار زیادی از دانشجویان از شهر ها و استان های دور دست آمده بودند و هر هفته امکان رفت و برگشتشان به خانه های پدری نبود، در تهران می ماندند و گرچه برای رفتن به بیرون از دانشکده آزاد بودند، اما ناهار و شام و صبحانه را در دانشکده صرف می کردند و شب هم برای خواب در آسایشگاه بودند، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی خوراک های خوب و زیادی آماده پذیرایی می شد. بخصوص کتلت های دانشکده، در تمام ایران بی نظیر بود و چون حجم خوراک زیاد بود، معروف بود که در روزهای هفته، کتلت را در میان نان می گذاشتیم و می خوردیم، اما آخر هفته، نان را داخل کتلت می گذاشتیم.

بعد از ظهر به دیدن همان دوستی رفتم که بخاطرش شب تاصبح را تنبیه نظامی شده بودم و یکماه هم بازداشت گردیدم که البته او هیچ تقصیری نداشت. دانشجویان دانشکده افسری، برای آنکه هیچ لحظه ای در دوران دانشجویی، فراموش نکنند که دانشجو هستند و باید مدام در قالب

## خاطرات زمان دانشجویی

بخش چهارم

عباس پناهی



آخرت، مورد مواخذه کرام الکتبیین قرار گیرد، که چرا گذاشتی شیطان از طریق آن اصوات، به درون وجودت رخنه کند، ناگهان صدای بلندگوی مسجد را که آواز انکر الاصواتی را میخواند، تا نهایت قدرت، بلند و پخش می کرد و این، مزاحم اجرای برنامه شادی برای مردم میشد و همیشه برای مواجهه با این معضل اجتماعی مان، گروه هنر برای مردم، دست به دامن پلیس می شد و پاسبان هم با حکم کردن به خادم خرفت مسجد، مبنی بر خاموش کردن بلندگو، مزاحمت مسجد را از سر مردم مرتفع میکرد و یکی از آن مواردی که خمینی همیشه می گفت، اسلام از دست آن پدر و پسر سیلی خورده، همین موضوع بود.

پس از یکماه کامل، ماندن در دانشکده که البته در روزهای پروازی و درس به وسیله اتوبوس دانشکده، همراه قلعه مرغی می رفتیم و شب به دانشکده برمی گشتیم. ولی روزهای تعطیلی، همراه همان همدوره ام که تنبیه شده بودیم در دانشکده می ماندیم و ناگفته نماند که بعضی از هفته ها، همبندی های دیگری هم در آسایشگاه داشتیم که بی انضباطی ای کرده بودند و مجبور به گذراندن پنجشنبه جمعه را با ما می شدند، نخستین روز آزاد شدن در پنجشنبه را به شوق دیدن یاران و خانواده، به هیجان آمده بودیم. معلوم بود که هنگام رسیدن به خانه، چه استقبالی از طرف مادر و سایر اعضای خانواده صورت می گرفت.

دوره یکماهه بازداشت را گذراندم و نتوانستم دست از پا خطا کنم و آخرین هفته بازداشتی ام، مصادف بود با هفته ای که در دانشکده جشن های ماهانه اجرا میشد و هنرمندان محبوب آن زمان، مانند ویگن و عارف و گوگوش و رامش و غیره در آن جشنها شرکت میکردند و برای دانشجویان و میهمانانشان میخواندند و هنرمندان دیگری نیز که نمایش های کمدی اجرا میکردند، هنرنمایی مینمودند. و این جشن ها، نامشان، هنر برای مردم بود که گروه هنرمندان کشور، با حمایت دولت، هر هفته، در محله های گوناگون، به اجرای آن جشن ها می پرداختند و شرکت در آن، برای همگان آزاد و رایگان بود. و با استقبال انبوه جمعیت، روبرو میشد.

برای آنکه جا، برای تعداد شرکت کنند، هرچه بیشتر باشد، سازمانی که مسئول برگزاری جشن های هنر برای مردم بود، محوطه های بسیار بزرگی را از مالکین آنها کرایه می کرد و همه وسایل لازم برای اجرای هنر، اعم از سکوی سن و برق کشی و بلندگو و چراغانی و انواع سیستم های صوتی و تقویت کننده ها را در آنجا تهیه و نصب میکرد. و چندین ساعت برای مردم، شادی و نشاط، در حضور هنرمندان محبوبشان فراهم مینمود. تنها در مکان هایی که مسجدی در نزدیکی اجرای مراسم بود، اشکال پیش میآمد. قصه این بود که خادم مسجد برای آنکه صدای موسیقی بگوشش نرسد که در روز

## خاطرات هیجان انگیز و پر ماجرای عباس پناهی در پنج جلد کتاب



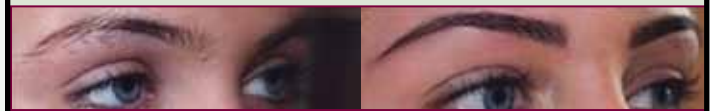
تلفن سفارش و خرید:

(۴۰۸) ۶۹۱-۶۷۱۸

## Eyebrows Threading by Shahnoush

بند ابرو و صورت

مزایای بند ابرو: ماساژ و به جریان انداختن خون زیر پوست صورت، روش کاملا طبیعی، سریع و تمیز، درد کمتر نسبت به wax



◆Eyebrows \$10 ◆Upper lip \$5 ◆Chin \$5

◆Sideburns- cheeks \$8 ◆Full face including eyebrows \$25

با تعیین وقت قبلی شهنوش 408-800-9149

(Fantasy Salon) 1514 Pollard Rd, Los Gatos, CA 95030

## داعش چطور منابع مالی خود را تامین می کند؟

بهروز مینا

با وجود جنجال رسانه های نزدیک به سپاه بر سر مقررات FATF و القای این نکته که این سازمان باعث خودتحریمی در ایران شده است و بانکها را بر علیه سپاه شورانده است، این نهاد بین المللی در حال مبارزه جدی با یکی از اصلی ترین دشمنان سپاه در منطقه است. داعش و محدود کردن منابع مالی این سازمان یکی از اهداف اصلی گروه ضربت اقدام مالی است.

در نگاهی کلان تر، گسترش فعالیت های تروریستی و حمایت مالی ثروتمندان و گروه های مذهبی از شبکه هایی مانند القاعده و داعش از یک سو و افزایش حجم مبادلات مالی ناشی از قاچاق مواد مخدر، اسلحه و حتی قاچاق انسان وجود چنین نهادی را ضروری کرده است.

در این میان، نکته جالب توجه این است که در ماه های اخیر رسانه های حکومتی و اصولگرا و حتی برخی از اصلاح طلبان نقش سپاه و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی را در مبارزه با گروههای تروریستی مانند داعش پررنگ کرده اند. این رسانه ها درباره منابع مالی داعش سکوت کرده اند و نقش سازمان های بین المللی را در مبارزه با این گروه نادیده گرفته اند.

این در حالی است که FATF با جدیت در حال رهگیری و کشف منابع مالی و زیرساختهای حمایت مالی از این گروه تروریستی است. با وجود عملیات گسترده نظامی در عراق و سوریه داعش هنوز بر نیروی مسلح به بزرگی ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر فرمان می راند و نواحی زیادی را در غرب عراق و شرق سوریه در کنترل دارد. تامین

منابع مالی مورد نیاز حکومت اسلامی ابوبکر بغدادی کار ساده ای نیست. FATF در گزارشی که در بهمن ماه سال ۱۳۹۲ منتشر کرد، تصویری دقیق و کیفی از شیوه تامین منابع مالی مورد نیاز عملیات این گروه ارائه کرده است.

### مدیریت مالی داعش در مقایسه با القاعده

گروه داعش از منابع مختلف مالی بهره می گیرد و از این نظر با سایر سازمان های تروریستی مانند القاعده و جبهه النصره متفاوت است. اگر القاعده و النصره از منابع مالی خارجی و کمک های اشخاص حقیقی بهره می برند، داعش بیشتر منابع مالی مورد نیازش را از مناطق تحت تصرفش تامین می کند. این گروه با بهره جویی از اهالی مناطق اشغالش و بهره برداری از منابع طبیعی موجود در این مناطق، درآمدی قابل توجه برای تامین هزینه عملیات تروریستی اش در اختیار دارد. این گروه هر شیوه ای را برای کسب درآمد به کار بسته است.

تحت اشغالش استفاده می کند تا درآمد خود را افزایش دهد. داعش نقدینگی موجود در بانک های دولتی عراق و سوریه را در شهرهایی که تصرف کرده است، جزو اموال خود می شمارد. بانک های خصوصی می توانند



نقدینگی خود را حفظ کنند ولی وقتی سپرده گذاران این بانک ها از حساب های خود برداشت می کنند درصدی بعنوان مالیات به داعش می پردازند. در واقع در مناطق اشغالی داعش هیچ نقل و انتقال پولی و یا جنسی بدون پرداخت مالیاتی به داعش صورت نمی گیرد.

در هنگام سقوط موصل و سایر شهرهای عراق حدود ۵۰۰ میلیون دلار نقدینگی در بانک های استانهای صلاح الدین، نینوا، انبار و کرکوک وجود داشت. پس از اشغال هر شهری، داعش بلافاصله کنترل و اداره بانک ها را مستقیماً به عهده می گیرد. این گروه از میان فرماندهان وفادار کسانی را بعنوان مدیر بانک ها منصوب می کند تا بلافاصله ذخایر نقدی بانک ها را در اختیار بگیرد و ناظر بر تمام تراکنش های بانکی باشد. تنها در سوریه بیش از ۲۰ بانک در مناطق تحت اشغال این گروه در رقه، حلب و دیر الزور شعبه دارند که به این گروه امکان دسترسی به سپرده های فراوانی را در نظام بانکی سوریه می دهند. این گروه با حفظ بانک ها ضمن تضمین حیات اقتصادی مناطق تحت اشغالش، پیوستگی تامین منابع مالی مورد نیازش را تضمین می کند. ضمن آنکه دریچه ای برای حضور در شبکه بانکی منطقه می یابد.

قاچاق انسان یکی دیگر از منابع اصلی درآمد داعش در مناطق تحت اشغالش بوده است. فروش زنان اقلیت ایزدی (یزیدی) اسیر شده در عراق از دسترسی داعش به شبکه های قاچاق انسان خبر می دهد که زنان را هدف قرار می دهند تا آنها را به فحشاء و بردگی جنسی وادار کنند. این گروه زنان و کودکان را یا به قاچاقچیان انسان می فروشند یا خانواده آنها را مجبور به پرداخت فدیة های چندین هزار دلاری می کنند. با وجود داستان هایی که از فروش زنان به جنگجویان داعش منتشر می شود، گزارش های خبری اندکی درباره پیوندهای این گروه با شبکه های قاچاق انسان در خاورمیانه در دست است. تحلیل گران می گویند این گروه از طریق قاچاق انسان هزاران دلار درآمد کسب

کرده است. انگیزه اصلی این گروه در به اسارت گرفتن زنان و کودکان مالی است. نفت و گاز؛ این گروه از چاههای نفتی که در غرب عراق و شرق سوریه وجود دارند، حداکثر استفاده را می کند. اهمیت و ارزش منابع نفتی برای داعش شناخته شده است. این گروه موفق شده است تا نفت استخراج شده از این چاه ها را به پول نقد تبدیل کند و از آن برای مبادله کالا بهره ببرد. این موفقیت علیرغم فقدان تجهیزات و دانش فنی بهره برداری ممکن شده و عطش بازار برای نفت خام و فرآورده های حاصل از آن را نشان می دهد. البته داعش با استفاده از ظرفیت پالایشگاهی موجود سوخت و فرآورده های نفتی مورد نیازش را تامین می کند. یکی از اولین انحصارهایی که داعش برای خود در نظر گرفته، فروش سوخت در مناطق اشغالی است. در نتیجه فروش بنزین و فرآورده های نفتی به مردم ساکن در مناطق اشغالی به یک منبع اصلی درآمد برای این سازمان تبدیل شده است. البته قاچاق سوخت به و از مناطق اشغالی شدت گرفته و گروه های شورشی دیگر هم در آن نقش دارند. ولی بنظر می رسد هیچ گروه و قبیله ای تسلط داعش بر این بازار را ندارد. بعنوان یک فروشنده نفت خام این سازمان به خریدارانش وعده سودهای هنگفت می دهد. بسیاری از دلالت و قاچاقچیان نفت، که تجربه خوبی در دوران تحریم عراق کسب کرده اند، کامیون های حامل نفت خام مناطق اشغالی را بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار خریداری می کنند. هر دو طرف برای مصون ماندن از دید دستگاه های امنیتی و پلیس در کشورهای همسایه سوریه و عراق از پول نقد استفاده می کنند. در نتیجه برای بانکهای منطقه رهگیری مبادلات با داعش ممکن نیست و حجم تجارت نفت خام این سازمان ناشناخته باقی مانده است.

**صادرات محصولات کشاورزی؛** صادرات محصولات کشاورزی مزارع عراق و سوریه در مناطق اشغالی و نفوذ در شبکه تامین ارزاق و مایحتاج عمومی یکی دیگر از منابع درآمدی داعش است. **دنیاله مطلب در صفحه ۵۱**



## راست و دروغ های نخستین مناظره انتخاباتی

اولین مناظره رسمی میان دو نامزد حزب جمهوری خواه و دموکرات انتخابات سال ۲۰۱۶ ایالات متحده سحرگاه امروز به وقت تهران برگزار شد و ضمن آنکه در این اولین مناظره مسائل و موضوعات مهم داخلی آمریکا و بین المللی به میان آمد، نکته برای بسیاری از مخاطبان حائز اهمیت است: مشخص شدن ادعاهای راست و دروغ دو نامزد انتخاباتی. به نقل از تابناک، گفته می شود فیلیپ رینز از دستیاران کلینتون، در تمرین برای مناظره ها نقش ترامپ را بازی کرده و گزارش شده که گاه آن قدر در نقش رفته که از اتاق بیرونش کرده اند! در مقابل گفته می شود ترامپ برای تمرین مناظره چندان وقت نگذاشته اما رودی جولیانی شهردار پیشین نیویورک و راجر ایلز رئیس پیشین شبکه فاکس نیوز، مشورت های کارسازی برای مقابله با کلینتون به او داده بودند. اما صرف نظر از همه اینها موضوع مهم در این مناظره دعای و ادعاهایی است که دو نامزد بر علیه یکدیگر یا نه نفع خود مطرح کرده اند. ادعاهایی که معمولا در مناظرات انتخاباتی آمریکا به وفور دیده میشود و بر همین اساس تحلیلگران و علاقمندان به ارزیابی راست و دروغ آنها میپردازند. اکنون نمونه هایی از راست و دروغ این دعای را ملاحظه میکنیم.

### آیا دونالد ترامپ با حمله به عراق مخالف بود؟

نامزد جمهوری خواه در حین مناظره این ادعای هیلاری کلینتون را که وی از حمله به کشور عراق حمایت کرده است، غلط و دروغ خطاب کرد. اما مستندات حاکی از آن است که دونالد ترامپ قبل از آنکه به انتقاد از حمله به عراق بپردازد، با صدایی رسا از این حمله حمایت کرده بود.

### اغراق کلینتون در تعداد مشاغلی که ایجاد میشود

کلینتون در حین مناظره ادعا کرد که کارشناسان و تحلیلگران ارزیابی کرده اند که طرح اقتصادی وی منجر به ایجاد ۱۰ میلیون شغل در ایالات متحده خواهد شد. اما واقعیت آن است که بر اساس مستندات موجود ارزیابی کارشناسان و تحلیل گران بر این است که این طرح اقتصادی در نهایت تنها ۷ میلیون شغل را در ایالات متحده ایجاد میکند و کلینتون در این بخش از مناظره ۳ میلیون اغراق گویی را نادیده گرفته است!

### اظهار نامه مالیاتی چه میگوید؟

از سال ۱۹۸۰ تا کنون، دونالد ترامپ تنها نامزد جمهوری خواه آمریکا است که اظهار نامه های مالیاتی خود را منتشر نکرده است. هیلاری کلینتون در مناظره این موضوع را دستاویزی برای حمله به دونالد ترامپ کرد، اما ترامپ اشاره کرده که موضوع عدم انتشار این اظهار نامه یک موضوع بی ربط است چرا که صورت های مالی وی به شکل سالیانه بیش از اظهار نامه های مالیاتی وی گویای شفافیت های مالی است. اما این ادعای ترامپ دروغ است و تنها چیزی که میتواند منجر به شفافیت

فعالیت های مالی ترامپ در این سال ها شود، همان اظهار نامه مالیاتی است که نرخ پرداخت مالیات وی و نوع آن را مشخص کرده و همچنین میزان پرداخت وجوه نقد به بنیاد خیریه ترامپ را نیز بیان میکند.

### تحسین بی ارتباط ترامپ از یک سیاست

طی مناظره اخیر دونالد ترامپ مجدداً از سیاست های کنترل حمل سلاح که شهردار سابق نیویورک رودی جولیانی به اجرا در آورده بود تمجید و تحسین کرد. این موضوع از آن روی اهمیت دارد که خشونت های اخیر در ایالات متحده منجر به نگرانی های فراوان شده و بدون شک میتواند تاثیر بسیاری بر چهره سیاست های نامزد جمهوری خواه داشته باشد. ترامپ اشاره کرد که این سیاست کنترل و توقف حمل سلاح و باز جویی برای آن که حتی بر خلاف قانون اساسی آمریکا نیز بوده است، منجر به کاهش بی سابقه جرم و جنایت در نیویورک شد. اما شواهد و آمار نشان میدهد که بی سابقه ترین کاهش در نرخ جرم و جنایت در شهر نیویورک مربوط به زمانی است که اساساً این طرح اجرایی نشده بود.

**حقیقت عریانی که کلینتون مطرح کرد**  
هیلاری کلینتون در این مناظره با اشاره به شغل پدرش که کارگری ساده در یک پارچه فروشی بوده است، این موضوع را دستاویزی برای حمله به دونالد ترامپ، سرمایه دار میلیاردی کرد و اشاره کرد که سابقه وی نشان میدهد که پول کارگران و پیمان کاران خود را نیز پرداخت نکرده است. این ادعای کلینتون یک حقیقت است و نشریه



USA Today طی تحقیقاتی متوجه شده است که دونالد ترامپ حقوق صدها تن از افرادی که برای وی کار میکرده اند - نجارها، مستخدمین، نقاش ها و حتی پول وکیل خود را - پرداخت نکرده است.

### حقیقت طلایی که

### دونالد ترامپ افشا کرد

طی مناظره، دونالد ترامپ ادعا کرد که هیلاری کلینتون که اکنون از منتقدان موضوع همکاری های ترانس پاسیفیک است، زمانی این طرح را یک استاندارد طلایی در تجارت خوانده بود. کلینتون واکنش سریعی به این ادعا داشت و آن را قویاً تکذیب کرد. اما واقعیت آن است که ترامپ حقیقت را بیان کرده و آن گونه که واشنگتن پست مستندات آن را ارائه کرده است در سال ۲۰۱۲ هیلاری کلینتون این طرح همکاری های ترانس پاسیفیک را یک قانون و استاندارد طلایی در توافق های تجاری عنوان کرده و آن را تحسین کرده بود.

### ماجرای تغییرات آب و هوایی و تغییر نظر دونالد ترامپ

در حالی که در این مناظره بحثی نیز پیرامون تغییرات آب و هوایی در میان بود، دونالد ترامپ ادعا کرد که هرگز در این باره که این موضع تغییرات آب و هوایی دروغی ساخته چینی ها برای ضربه زدن به صنعت آمریکا است، سخن نگفته. اما توییت چیز دیگری میگوید و مستندات حاکی از آن است که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۲ توییت کرده است که مفهوم گرمایش جهانی کرده زمین به وسیله چینی ها ساخته شده تا صنایع آمریکایی را غیر رقابتی کنند.

### چه کسی قانون NAFTA را امضا کرد؟

دونالد ترامپ در این مناظره اشاره کرد که بیل کلینتون قانون موسوم به NAFTA یا توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی را امضا کرده است. اما

در واقع این جورج اچ دابلیو بوش بوده است که این موافقتنامه را امضا کرد و به شکل قانون در آورد. کلینتون بعدها معیارهای اجرایی برای آن تعریف کرد.

### داعش از دهه ۴۰ میلادی وجود داشته است؟

یکی از اغراق گویی های دونالد ترامپ در این مناظره آن بود که خطاب به کلینتون گفت: تو در تمام زندگی است مشغول مبارزه با داعش بودی. در حالی که این گروه ریشه های وجودی خود را از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ دارد. اما هیلاری کلینتون متولد ۱۹۴۷ است و در آن زمان از داعش خبری نبوده است!

### وام کوچکی که ترامپ از پدر گرفت!

روزنامه واشنگتن پست اشاره ای ظریف به جمله ای از ترامپ در این مناره دارد که در آن گفت زمانی یک وام کوچک از پدر خود برای راه اندازی کسب و کار مستقل خود گرفته است. آنگونه که مشخص است این وام گرفتن ترامپ از پدر واقعیت دارد و در سال ۲۰۰۷ دونالد ترامپ وام بسیار کوچکی به مبلغ ۹ میلیون دلار از پدر خود و در زمان که با مشکل مالی مواجه شده بود، اخذ کرده است!

### اهانت های ترامپ نسبت به زن ها

کلینتون ادعا کرد که ترامپ هیچگونه احترامی برای زن ها قائل نیست و در شرایطی به آنها لقب های خوک، لجن، سگ و اینکه حاملگی زن برای کارفرما می تواند ناراحت کننده باشد. این ادعاها صحت دارند و ترامپ دقیقاً چنین کلماتی را در مورد زن ها بخصوص زنی اودانلد به کار برده است.

با توجه به همه این مسائل آنچه در تجزیه و تحلیلی آماری PolitiFact آمده است، نشان میدهد که در کارزار اغراق گویی و ادعاهای خلاف، دونالد ترامپ از هیلاری کلینتون پیشی گرفته است.

بازی زلف تو امشب به سر شانه ز چیست؟  
 خانه بر هم زدن این دل دیوانه ز چیست؟  
 گر نه آشتنگی این دل مسکین طلبی  
 الفت زلف پریشان تو با شانه ز چیست؟  
 ز آشنایان درخوبیش، ملامت ز چه دوری  
 آشنایی تو با مردم بیگانه ز چیست؟  
 هر کسی از لب لعنت سخنی میگوید  
 چون ندیده ست کسی اینهمه افسانه ز چیست؟  
 حالت سوخته را سوخته دل داند و بس  
 شمع دانست که جان دادن پروانه ز چیست  
 دوش در میکده حسرت زده می گریدم  
 پیر پرسید که این گریه مستانه ز چیست؟  
 گفتیم: ار هست در این خانه کسی باز نمای  
 ور کسی نیست بنا کردن این خانه ز چیست؟  
 گفت: جامی ز می ناب به "توحید" دهید  
 تا بداند که نهان بودن جانانه ز چیست  
**توحید شیرازی**

ساقی بده پیمانه ای زان می که بی خویشم کند  
 بر حسن شور انگیز تو عاشق تر از پیشم کند  
 زان می که در شبهای غم بارد فروغ صبحدم  
 غافل کند از پیش و کم، فارغ ز تشویشم کند  
 نور سحرگاهی دهد، فیضی که می خواهی دهد  
 با مسکنت شاهی دهد، سلطان درویشم کند  
 سوزد مرا، سازد مرا، در آتش اندازد مرا  
 وز من رها سازد مرا، بیگانه با خویشم کند  
 بستاند ای سرو سہی سودای هستی از «رہی»  
 یغما کند اندیشه را، دور از بد اندیشم کند  
**رہی معیری**

تو آن پرندہ رنگین آسمان بودی  
 کہ از دیار غریب آمدی بہ لانہ من  
 چو موج باد کہ در پردہ حریر افتد  
 طنین بال تو پیچید در ترانہ من  
 پرت ز نور گریزان صبح گلگون بود  
 تنت حرارت خورشید و بوی باران داشت  
 نسیم بال تو عطر گل ارمغانم کرد  
 کہ رہ چو باد بہ گنجینہ بہاران داشت  
 چو از تو مزہ دیدار آفتاب شنید  
 دلم تپید و بہ خود وعدہ رهایی داد  
 چراغی از پس نیزار آسمان روید  
 کہ آشیان مرا رنگ روشنایی داد  
 ترا شناختم ای مرغ بیسہہای غریب  
 ولی چہ سود کہ چون پرتوی گذر کردی  
 چہ شد کہ دیر در این آشیان نپایدی  
 چہ شد کہ زود از این آسمان سفر کردی؟  
 بہ گاہ رفتنت ای میہمان بی غم من  
 خموش ماندم و منقار زیر پر بردم  
 چو تاج کاج طلایی شد از طلیعہ صبح  
 پناہ سوی درختان دورتر بردم  
 غم گریز تو نازم کہ همچو شعلہ پاک  
 مرا در آتش سوزندہ زیستن آموخت  
 ملال دوریات ای پر کشیدہ از دل من  
 مرا طریقہ تنها گریستن آموخت

**نادر نادرپور**

نہ ہمین می رمد آن نوگل خندان از من  
 می کشد خار در این بادبہ دامن از من  
 با من آمیزش او الفت موج است و کنار  
 دم بہ دم با من و ہر لحظہ گریزان از من  
 نیست پرهیز من از زہد کہ خاکم بر سر  
 ترسم آلودہ شود دامن عصیان از من  
 بہ تبسم بہ تکلم بہ خموشی بہ نگاہ  
 می توان برد بہ ہر شیوہ دل آسان از من  
 قمری ریختہ بالم بہ پناہ کہ روم  
 تا بہ کی سرکشی ای سرو خرامان از من  
 اشک بیہودہ مریز این ہمہ از دیدہ «کلیم»  
 گرد غم را نتوان شست بہ طوفان از من

**کلیم کاشانی**

تو قامت بلند تمنایی ای درخت.  
 ہموارہ خفتہ است در آغوش آسمان  
 بالایی ای درخت  
 دستت پر از ستارہ و جانت پر از بہار  
 زیبایی ای درخت  
 وقتی کہ سارہا  
 در برگہای در ہم تو لانہ می کنند  
 وقتی کہ باد ہا  
 گیسوی سبز فام تو را شانہ می کنند  
 غوغایی ای درخت.  
 وقتی کہ چنگ وحشی باران گشودہ است  
 در بزم سرد او  
 خنیاگر غمین خوش آوایی ای درخت  
 در زیر پای تو  
 اینجا شب است و شب زدگانی کہ چشمشان  
 صبحی ندیدہ است  
 تو روز را کجا؟  
 خورشید را کجا؟

در دشت دیدہ غرق تمنایی ای درخت؟  
 چون با ہزار رشتہ تو با جان خاکیان  
 پیوند میکنی  
 پروا مکن ز رعد  
 پروا مکن ز برق  
 کہ بر جایی ای درخت.  
 سر برکش ای رمیدہ کہ همچون امید ما  
 با مایی ای یگانہ و تنہایی ای درخت.

**سیاوش کسرائی**

غمش در نہانخانہ دل نشیند  
 بہ نازی کہ لیلی بہ محمل نشیند  
 بہ دنبال محمل چنان زار گریم  
 کہ از گریہ ام ناقہ در گل نشیند  
 خوش آن آدم کہ تیری ز ابرو کمانی  
 بہ پهلوی این نیم بسمل نشیند  
 بنازم بہ بزم محبت کہ آنجا  
 گدایی بہ شاهی مقابل نشیند  
 پی ناقہ اش رفتم آہستہ ترسان  
 مبادا غباری بہ محمل نشیند  
 مرنجان دلم را کہ این مرغ وحشی  
 ز بامی کہ برخاست مشکل نشیند  
**طیب اصفہانی**



# کاباره رستوران ساقی



هر شنبه، موزیک زنده با خواننده مردمی

## فرانکو

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

هر روز ناهار با انواع غذاهای متنوع در رستوران ساقی  
جوجه - کوبیده - خورشت قیمه - خورشت قرمه سبزی

**Daily Lunch Special Including Fresh Salad Bar**

**۱۰/۹۹ دلار**



*Catering Saaghi*

*Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests!*

**(408) 998-0122**

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128

کنندگان در این مطالعه نشان داد که مردان و زنان تقریباً به یک میزان امکان دارد که رشوه بدهند یا بگیرند. در مورد مجازات رشوه دهنده و گیرنده هم تفاوت آماری معناداری میان پاسخ‌های زنان و مردان نشان داده نشد.

با توجه به این‌که کنش هر فرد در موضوعات مختلف، بسیار تابع این است که آن فرد از نتایج آن کنش آگاه باشد یا ابعاد آن را بشناسد و ارزیابی دیگران را هم از آن بشناسد، و همچنین با توجه به این‌که باید امکانات و شرایط لازم برای انجام یک عمل به واقع وجود داشته باشد، در بسیاری از موارد زنان از مشارکت در فساد اداری یا اقدام به آن سر باز می‌زنند؛ چون خیلی ساده نتایج و ابعاد آن را نمی‌شناسند و شرایط دست زدن به آن را ندارند. به این معنا که اصولاً دسترسی زنان به منابع قدرت (مدیریت، اشتغال و جایگاه سیاسی) و اقتصاد (سرمایه) کمتر از مردان است.

با وجود این تفاوت‌های جنسیتی در درک و مشاهده فساد هرگز کاملاً انکار نشده، و مشخص شده که زنان مراتب و میزان بیشتری از فساد را مشاهده می‌کنند و بیشتر احساس می‌کنند که زندگی‌شان تحت تاثیر فساد قرار دارد. بر اساس تحقیقات، زنان در همه جای دنیا با فساد کمتر از مردان مدارا می‌کنند.

#### اثر فساد بر زنان

نکته جالب دیگر در زمینه رابطه فساد و جنسیت، اثری است که فساد بر جنسیت‌های مختلف می‌گذارد. در واقع مهمتر از این‌که زنان توانایی فساد کردن را دارند یا نه، این است که نظام نابرابری که از فساد اداری ناشی می‌شود، در عمل با محدود کردن توانایی‌های زنان و اخلاف در مسیر پیشرفت به سمت برابری جنسیتی، توانایی‌های آنها را برای پیگیری حقوق‌شان کاهش می‌دهد. بر این اساس، انواع تبعیض‌های جنسی در زمره فساد قرار می‌گیرد که زنان به شکل خاص و غیر منصفانه‌ای آن را تجربه می‌کنند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۰

که فساد از طریق شبکه‌های کاملاً مردانه و بدون حضور زنان انجام می‌گیرد. این به آن معناست که دلیل کمتر بودن فساد در زنان این است که آنها اساساً در موقعیت‌هایی که فساد در آنها انجام می‌شود، حضور ندارند یا کمتر حضور دارند.

در سال ۲۰۰۳ استدلال دیگری مطرح شد و آن این‌که حضور عادلانه‌تر و بیشتر زنان در دولت و سیاست، یعنی وجود یک سیستم دموکراتیک‌تر، و در واقع این نظام دموکراتیک به خاطر ساختار دموکراتیکش موجب کاهش فساد می‌شود، نه چون زنان ذاتاً درستکارتر از مردان هستند.

پژوهشگری هم به نام پمبسدروف، مطالعاتی را که رابطه فساد و جنسیت را بررسی کرده‌اند، مطالعه کرده و نتیجه‌گیری موقتی او این بوده که "اگر زنان در معاملات بالقوه فاسد درگیر شوند، احتمال بیشتری هست که شکست بخورند. دلیلش این نیست که زنان ذاتاً صادق‌تر اند، بلکه این است که آنان وقتی که از شانس به هم زدن یک قرارداد فاسد برخوردارند، فرصت‌طلبانه‌تر عمل می‌کنند."

شواهد درباره این‌که آیا زنان نسبت به مردان تمایل کمتری به فساد دارند یا نه به اندازه کافی قاطع نیست و نمی‌تواند پاسخی قطعی به این سوال بدهد.

مطالعه‌ای با عنوان "نگرش‌ها به فساد" که در سال ۲۰۰۶ در استرالیا، هند، سنگاپور و اندونزی انجام شد این‌ده را که زنان کمتر به فساد گرایش دارند، مورد تردید قرار داد. پیش از این تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده بود، می‌گفت که نگرش هر جنس به فساد نقش اساسی در وقوع و ادامه آن دارد. اما یافته‌های این پژوهش نشان دادند که تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شده در تحقیقات قبلی، به اندازه‌ای که ادعا می‌شد جهانی نبوده و احتمالاً بیشتر مخصوص فرهنگی خاص بوده‌اند. در کشورهای استرالیا، هند، سنگاپور و اندونزی تفاوت معنادار و مشخصی در نگرش زنان و مردان نسبت به فساد دیده نشد و پاسخ شرکت



## مبارزه با فساد، از مسیر برابری جنسیتی می‌گذرد

نعیمه دوستدار

آیا زنان ذاتاً فساد ناپذیرند؟ آیا آنها تمایلی ندارند رشوه بدهند، تبانی و اختلاس کنند یا غیرقانونی دریافت و پرداخت کنند؟ آیا جنسیت عاملی است که باعث شده نام زنان کمتر در جمل و تخریب اسناد و سواستفاده از مقام و موقعیت شنیده شود؟

شکل‌های مختلف فساد اداری مثل دریافت پول و انواع پاداش برای انعقاد قرارداد، تخطی از دستور العمل‌ها برای رسیدن به منافع شخصی، استفاده از اموال دولت به صورت شخصی، نادیده گرفتن فعالیت‌های غیرقانونی، دخالت در فرایند دادخواهی، استخدام دوستان و اقوام، کم فروشی، نادیده گرفتن مالیات‌های افراد مشمول مالیات و غیره، در جوامع مختلف با شدت و ضعف وجود داشته و دارد.

فساد از نظر اندازه و میزان گستردگی آن هم، به فساد خرد و کلان تقسیم می‌شود. فساد خرد همان رشوه‌گیری است که کارکنان به دلیل پایین بودن دستمزدها، مستقیم از ارباب رجوع دریافت می‌کنند. فساد کلان هم به معنی سواستفاده مقام‌های بالای سیاسی از قدرت، برای رسیدن به منافع شخصی یا گروهی است. هیدن هایمر از پژوهشگران این حوزه، فساد اداری را شامل فساد سیاه و خاکستری و سپید می‌داند که اولی از نظر عموم مردم ناپسند و مستحق مجازات است، دومی را نخبگان سیاسی ناپسند می‌دانند اما اغلب مردم نسبت به آن بی‌تفاوتند و سومی را نه نخبگان و نه عموم مردم چندان مهم تلقی نمی‌کنند.

#### فساد و جنسیت

در دهه‌ی اول قرن حاضر، تحقیقات بسیاری رابطه میان فساد و جنسیت را بررسی کردند. یک مطالعه از سوی بانک جهانی که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد، نشان داد زنان نسبت به مردان قابل اعتمادترند و روحیه اجتماعی بالاتری دارند. این پژوهش می‌گفت که حضور بیشتر زنان در پارلمان منجر به میزان پایین‌تری از فساد می‌شود. اما این عقیده که زنان ذاتاً درستکارتر از مردان هستند، و بنابراین کمتر دچار فساد می‌شوند با پژوهش‌های بعدی مورد تردید قرار گرفته است.

پژوهشگر دیگری به نام گوئتز، گفته طرفداران این ایده محدودیتی را که مناسبات جنسیتی در دستیابی به موقعیت‌های درگیر شدن در فساد ایجاد می‌کند، نادیده گرفته‌اند؛ به ویژه مواقعی

این پرسش‌ها خیلی قدیمی‌اند، اما بررسی آنها عمر چندان زیادی ندارد. با وجود این، جذابیت این پرسش‌ها باعث شده حوزه مشخصی برای بررسی "رابطه فساد و جنسیت" ایجاد شود و گروه‌هایی از محققان در پی پاسخ این پرسش برآیند که اگر فساد و جنسیت رابطه‌ای دارند، این رابطه چگونه است و آیا می‌توان با تکیه بر جنسیت، از فساد اداری موجود در سیستم سیاسی و اقتصادی و حوزه‌ی خدمات کاست؟

پرسش مهم دیگر در این زمینه این است که آیا "رابطه‌های میان برابری جنسیتی در حوزه عمومی و سیاست و میزان فساد در یک جامعه معین برقرار است یا نه؟" این پرسش‌ها علاوه بر این که در تحقیقات جهانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در پژوهشی در ایران توسط داود حسینی هاشم زاده و لیلی حبیبی نیز بررسی شده است. این پژوهش با عنوان "مقایسه‌ی ادراکات، تجربیات و نگرش‌های کارکنان زن و مرد نسبت به فساد اداری"، منتشر شده و در این یادداشت به عنوان منبع استفاده شده است.

#### فساد چیست؟

"سازمان شفافیت بین الملل" فساد را سوء استفاده از قدرت اعطا شده برای انتفاع شخصی تعریف کرده است.

ماده اول قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در جمهوری اسلامی ایران هم، فساد را این طور تعریف می‌کند: "هرگونه فعل یا ترک فعل توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و یا هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی یا جمعی از مردم وارد کند، نظیر رشوا، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی در این قانون، فساد تلقی می‌شود."

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ک	ل	ی	ا	ت	ت	ا	ر	ی	خ	ب	چ	ا	ن	د
ل	ش	ک	ر	ا	س	ا	ا	ا	ب	ی	د	ی	ن	ن
ن	ا	س	ز	ا	و	ا	ل	ا	ن	ک	ا	م	ز	م
ب	ب	ا	م	پ	ر	ر	ت	ن	د	ی	م	ز	م	ز
ش	ن	ا	ن	ا	گ	ا	م	ا	م	ت	م	ت	م	ز
ا	م	پ	ا	ر	م	ا	س	ی	س	ر	ا	ج	م	ز
م	ی	ا	ن	س	ا	ن	م	ن	ا	ر	و	ا	م	ز
ب	ر	م	ن	ا	م	و	ز	و	ن	ا	ز	ن	م	ز
و	ا	د	ن	گ	ن	ا	و	ک	د	ل	ا	ق	م	ز
ن	ا	ب	ه	ر	ن	ر	ا	د	ی	ن	ا	ک	م	ز
ا	د	ا	د	ا	ی	ا	ی	ل	ا	ر	ی	ک	م	ز
ک	ف	ت	ا	ر	ک	ر	ت	ر	ت	م	پ	م	ز	م
ا	ا	ک	د	و	ر	ا	ن	ا	ر	ا	ی	د	م	ز
م	د	ا	ی	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن
ل	د	ی	ب	ک	ن	ک	ن	ق	د	ر	ا	س	ی	و



## برای داشتن خواب آرام این خوراکی‌ها را نخورید

محققان به این نتیجه رسیدند که خوردن چیزبرگر، شکلات تلخ، ادویه تند و گوشت قرمز در پایان شب می‌تواند اختلالات خواب را باعث شود.



خواب آرام در هنگام شب از مهم‌ترین اتفاقاتی محسوب می‌شود که شما را برای یک روز پرمشغله آماده می‌کند. ولی چطور می‌توان داشتن یک خواب آرام را در هنگام شب تضمین کرد؟

وجود می‌تواند روی کیفیت خواب تاثیر عمیق برجا بگذارد. چربی‌های موجود در چیزبرگر معده را تحریک می‌کنند تا اسید بیشتری ترشح کند. این اتفاق سوزش معده را به دنبال دارد.

### شکلات تلخ

علاقه‌مندان به خوراکی‌های شیرین توجه داشته باشند که شکلات تلخ می‌تواند باعث ایجاد اختلال در خواب شود. شکلات تلخ حجم قابل ملاحظه‌ای از کافئین را در خود جا داده است و به طور دقیق‌تر می‌توان گفت یک مربع کوچک از این نوع شکلات ۲۰ میلی‌گرم کافئین را شامل می‌شود. این حجم از کافئین می‌تواند افزایش ضربان قلب و نآرامی را باعث شود. **دنباله مطلب در صفحه ۴۹**

زیرپایی الزامی است.

**بلند کردن جسم سنگین:** رعایت اصول بلند کردن اجسام مهم است. جسم را با دست بگیرید. یک پا اهرم و پای دیگر جلو باشد. دست‌ها به بدن چسبیده باشد و از راستای دست‌ها نیرو بگیرید نه از کمرتان.

توجه داشته باشید بین خواب آرام شبانه و خواب نه‌چندان عمیق کوتاه تفاوت فراوان وجود دارد. مطالعات علمی نشان داده است که نداشتن خواب آرام و عمیق می‌تواند افزایش وزن، فشار خون بالا و در نهایت بروز بیماری‌های قلبی را باعث شود.

در مجموع خواب آرام شبانه که چندان مهم به نظر نمی‌رسد، می‌تواند روی بخش‌های مختلف زندگی انسان تاثیر بگذارد و اگر می‌خواهید چنین خوابی را تجربه کنید، بهتر از پیش از خوابیدن چهار خوراکی زیر را نخورید:

### چیزبرگر

چیزبرگر یکی از محبوب‌ترین ساندویچ‌ها در سراسر جهان محسوب می‌شود و با این

ایستید باید یک پا جلوتر از دیگری باشد و پای دیگر ۱۵ سانتی متر بالاتر باشد تا فشار وزن تان عملاً تقسیم شود. پاهای مرتب با حفظ همین ۱۵ سانتی متر از زانو خم کنید تا لوردوز کمری زیاد نشود و درد و خستگی به وجود نیاید. در بعضی مشاغل، داشتن



## آشنایی با کایروپراکتیک




**دکتر فتنه هوشداران**

drhoosh@yahoo.com

## شش دشمن ستون فقرات

انتخاب بالش بلند. دمر هم نخوابید و اگر مجبورید یک بالش زیر شکم و لگن خود بگذارید تا گودی کمرتان زیاد نشود و محل اتصال مهره آخر کمر به باسن دردناک نشود. تشک شما نباید زیادی نرم یا زیادی سفت باشد.

**بغل کردن بچه‌ها:** بستن حامل‌هایی که بچه‌ها را در آن می‌گذارید به ستون مهره شما فشار می‌آورد. اگر می‌خواهید فرزندان را بغل کنید او را به پهلو تکیه بدهید، یعنی یک پایش جلو و پای دیگر بچه عقب باشد تا وزن او به پهلویتان وارد شود.

**نشستن چهار زانو یا دو زانو:** وقتی چهار زانو یا دو زانو می‌نشینید باعث تخریب غضروف خود می‌شوید. روی صندلی استاندارد بنشینید و زاویه ۱۲۰ درجه را رعایت کنید. قوز به جلو (زاویه کمتر از ۹۰) و یا عمود نشستن راستاها را به هم می‌زند و بدن ما سعی می‌کند به عضلات منطقه فشار بیاورد تا در حد ممکن راستاهای طبیعی را حفظ کنند و همین عامل، درد را به وجود می‌آورد. پا، باسن، پشت و کتف شما باید نقاط تماس هنگام نشستن صحیح باشند.

**ایستادن طولانی:** معمولاً به دلیل وجود شکم برآمده در چاق‌ها و یا عضلات ضعیف کمری در لاغر‌ها و از همه بدتر عدم رعایت اصول صحیح ایستادن، به دنبال طولانی ایستادن دردها شروع می‌شوند. وقتی می

در داخل هر کدام از مهره‌ها سوراخ بزرگی وجود دارد. این سوراخها در طول ستون مهره‌ها مجرای را تشکیل می‌دهند که نخاع، یعنی طنابی که از مغز جدا می‌شود در داخل آن قرار گرفته است. اتصال مهره‌ها به یکدیگر بسیار دقیق است و آن چنان استحکامی به ستون مهره‌ها می‌دهد که وزن بدن را به راحتی تحمل می‌کند و به چپ و راست؛ جلو و عقب نیز خم می‌شود و در همین حال نخاع را که ساختمان عصبی بسیار ظریف و مهمی است، در داخل خود محافظت می‌کند.

**شکم بزرگ:** در این حالت، چون تعادل انحنای کمری یا لوردوز به هم می‌خورد ستون مهره‌ها ناچار است انحنای مهره‌های سینه‌ای یا کیفوز را بیشتر کند و همین امر به گودی زیاد کمر، قوز پشتی و بر هم خوردن راستای قرار گرفتن سر و انحنای گردنی منجر می‌شود و درد ایجاد می‌شود. بد خوابیدن: وقتی اصول صحیح خواب را رعایت نمی‌کنید می‌بینید که صبح روز بعد از شدت درد قادر به بلند شدن نیستید. بهتر است به پهلو بخوابید و بالش شما فاصله شانه تا سر را پر کند. اگر به پشت بخوابید، قوس گردنی شما در صورت مناسب نبودن بالش به جای تمایل به عقب، به جلو می‌آید و آرتروز گردنی و درد ایجاد می‌شود. بدون بالش خوابیدن یا بالش کوتاه همان قدر بد هستند که

## تلویزیون فرهنگ ایران زمین

با برنامه‌های متنوع- جالب و آموزنده بهترین معرف فرهنگ و تمدن ایران و جهان- تاریخ- هنر- معماری- شعر و موسیقی- سیاحت و جهانگردی- دانش- بهداشت- معرفی زندگی و آثار شاعران- عارفان و دانشمندان- اخبار ایران و جهان- فیلم‌های سینمایی- کنسرت و برنامه‌های موسیقی هنرمندان برجسته و محبوب- برنامه اختصاصی پرویز نظامی (از هر دری سخنی) و ده‌ها برنامه دیگر در دو کانال مختلف و قابل رویت در اینترنت بدون نیاز به ماهواره

(Smart TV -IPAD -IPHONE-all Smartphones-PC & Laptop)

موسس و مدیر عامل مهندس پرویز نظامی

[www.PCTVIRAN.com](http://www.PCTVIRAN.com)



دوستان ارشد شعروادب پارسی، امیدوارم گنجینه‌های شعر و ادب پارسی را که یادگار بزرگان فرهنگ شکوهمند پارسی است و موضوع این مجموعه کتاب‌ها می‌باشد با سفارش و خرید آنها ارج گذارید. قیمت هر جلد ۲۰ دلار



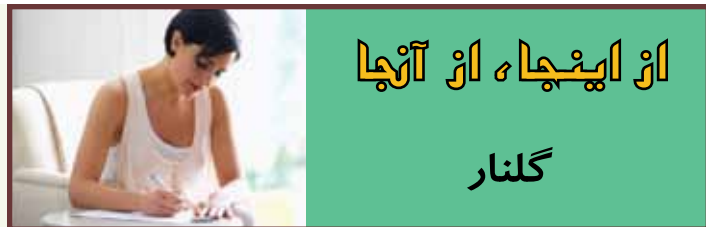
Telephone number to order the books 516-208 7787. Email :parviznezami@yahoo.com

اطرافیانم می گذاشتم... دوستانم، فامیل  
هایم... نزدیکانم...  
متوجه شدم که وقتی از این بیست و  
چهار ساعت نمانده است... چقدر زمان  
زود می گذرد!... با خودم فکر کردم  
که چگونه میتوانم این بیست و چهار  
ساعت را طوری تقسیم بندی کنم تا  
بتوانم تمام چیزها و اشخاص مورد  
علاقه ام را ببینم...؟

با موقعیت سختی برخورد کرده بودم و  
در عین حال نیز مصمم بودم که جوابی  
برای سوالم پیدا کنم...  
همین طور که بیرون خانه ام، روی پله ها  
نشسته و به صدای آواز پرندگان وحشی  
گوش می دادم... و گریه همسایه را می  
دیدم که از یک گوشه کوچه عبور می  
کند و نوازش باد را بر روی گونه هایم  
احساس میکردم، چشمم به یکی از  
پسرها افتاد که در کنار پیاده رو، با  
شوهرم مشغول حرف زدن و خندیدن  
بود... نگاهی انداختم به این لیست بلند  
و بالا... و به این وقت بسیار کم... لیست  
بلندی که متحیرم کرده بود... لیستی  
که باعث شد تا خودم را، رویاهایم را  
و آرزوهایم را بهتر بشناسم... و این وقت  
کم... وقت کمی که من را عمیقاً به فکر  
فرو انداخته بود... سرم را بلند کرده  
و چشمم دوباره می افتد به پسر... او  
نیز سرش را بر می گرداند و نگاهی به  
من می اندازد... بهم لبخند می زنیم...  
نگاهی دوباره به لیستی که در دست  
داشتم می کنم... احساس عجیبی را  
در خودم حس کردم... بغض گلویم را  
گرفتم... اشک در چشمانم حلقه زد...  
کاغذی را که لیستم را در آن نوشته  
بودم پاره می کنم... با خودم فکر می  
کنم که چقدر زندگی زیباست... شکر!...

خودم لیستی تهیه کنم!...  
خیلی جالب بود، چرا که هرچه می  
گذشت این لیست بلندتر و بلندتر می  
شد... اول از همه فکرم را گذاشتم در  
مورد زندگی مدرن و تمام جالبترین ها  
را برای تماشا در ذهنم مجسم کردم...  
هوایما، تلویزیون، اتومبیل های مختلف،  
کارهای هنری، ساختمان های آسمان  
خراش، قطار، کامپیوتر، لباس های  
آخرین مدل، اسباب و اثاثیه، موشک  
های فضایی... و لیست همینطور بلندتر  
و بلندتر می شد... و جالب این بود که  
مدام نیز به این لیست تغییر و تحول  
می دادم... جای مهم ها را مهم ترها  
می گرفتند... بعضی ها از لیست خارج  
میشدند و خطشان می زد و یا اینکه  
چیزهای جدیدتر به این لیست اضافه  
می شد...  
یکدفعه به فکرم خطور کرد که شاید  
بهتر باشد که به جای تمرکز کردن روی  
زندگی مدرن، قدری نیز به طبیعت فکر  
کنم...

لیست اول را گذاشتم کنار و یک لیست  
جدید را شروع کردم... درختهای سر به  
آسمان کشیده و قدیمی، چمن های سبز  
و زیبا آسمان آبی، کوههای بلند برف  
نشسته، موج های دریا، ستاره های  
زیبایی که در شب مانند یک تکه الماس  
می درخشند، سیارات ناشناس، ابر،  
باران، رعد و برق، انواع و اقسام گلهای  
زیبا با بوی عطرهای جاودانیشان و یا  
حتی خاک خشک و خالی...  
سعی کردم که در این لیست از  
حیوانات نیز اسم ببرم... کدام حیوانات  
را در رده اول قرار دهم؟!... خرگوش!  
پرنده! سگ! گربه! ماهی!... و البته...  
صد در صد باید وقتی را نیز برای دیدن



## از اینجا، از آنجا

### گنار

رسیدم به هدفی که در زندگی داشتم...  
اما... اما دروازه قفل است!... سعی می  
کنم که دروازه را بزور باز کنم... دروازه  
بان اخم هایش را در هم می برد و به  
آرامی می گوید: «وقت را تلف کردی،  
نمی توانم بهت اجازه ورود بدم، اسمت  
در لیست نیست!...»  
آه... چقدر گریه کردم... اشک ریختم...  
فریاد زدم... احساس کردم که زندگی  
به اتمام رسیده است... در همین حال  
برای اولین بار سرم را برگردانده و  
بطرف مغرب نگاه می کنم... به مسیری  
که طی کرده بودم... چشمم می افتد  
به تمام کارهایی که در سر راه انجام  
دادم... تمام مشکلاتی را که توانسته  
بودم از بین ببرم تا خودم را به شهر  
موفقیت برسانم... متوجه شدم که در  
این مسیر زندگی، در این جاده ای که  
انتخاب کرده بودم، یاد گرفتم که چطور  
از رودخانه های پر تلاطم بگذرم... خود  
را از باران و رعد و برق پنهان و خشک  
نگهدارم... با حیوانات وحشی کنار  
بیایم... دریچه قلبم را بر روی عزیزان  
باز کنم، هر چند که بعضی وقت ها درد  
نیز وارد می شد... و یاد گرفتم که چگونه  
ترس و وحشت را از خود دور کنم... با  
خودم فکر کردم با اینکه نتوانستم تا  
وارد شهر موفقیت شوم، اما دلیل بر این  
نمی شود که در مسیر زندگی موفق  
نبودم... و از همه مهمتر متوجه شدم  
که موفقیت من در زندگی به سفرم، به  
مسیرم بستگی دارد و نه به مقصدم...  
♦♦♦♦

چند روز پیش سوآلی در ذهنم بوجود  
آمد... «اگر من نابینا بودم، اما شانس این  
را داشتم که فقط برای بیست و چهار  
ساعت بیناییم را بدست آورده و اطرافم را  
ببینم، چه چیزهایی و یا کسانی را در این  
بیست و چهار ساعت برای تماشا انتخاب  
می کردم؟»  
در نظرم، با چنین سوآلی، خودم را با  
موقعیت بسیار جالب اما سختی روبرو  
کرده بودم!... فکر کردم که اگر واقعا و  
از صمیم قلب، با تمام احساس، خود را  
بجای یک شخص نابینا بگذارم و با چنین  
موقعیتی مواجه شوم، چه انتخابی را  
می کردم؟!... تصمیم گرفتم که کاغذ و  
مدادی را برداشته و سعی کنم که برای

وقتی که قرار شد راهی را در زندگی  
انتخاب کنم، تصمیم گرفتم در جاده  
ای قدم بگذارم که به سمت مشرق  
میرفت...

این جاده از جنگل کودکی ام شروع  
می شد و خاتمه آن می رسید به شهر  
موفقیت... با اینکه سعی کرده بودم تا  
تمام معلوماتم را در چمدانم بکنجانم،  
اما با این حال ترس و وحشت نیز اضافه  
باری بود بر روی شانه هایم... همانطور  
که به راهم ادامه میدهم در فکرم با  
ارزشترین و مهمترین هدف رسیدن به  
دروازه های شهر موفقیت است...

سر راه به یک رودخانه می رسم...  
رودخانه ای پر از تلاطم... رودخانه ای  
بدون پل... احساس وحشت سراپایم را فرا  
گرفت... حالا چطوری خود را به آنطرف  
رودخانه برسانم؟!... چگونه به شهر  
موفقیت برسم؟!...

سنگ تیزی را پیدا کردم. با تمام قدرت  
و توانایی درختی را بریدم، پلی درست  
کردم و از رودخانه گذشتم... هوا طوفانی  
شد... چه بارانی تند و سنگینی... سردم  
شد... به لرزه افتادم... و در همان حال  
نیز احساس شک و تردید... حالا چکار  
کنم؟!... چگونه خود را به شهر موفقیت  
برسانم؟!...

از برگهای درختان چتری درست کردم  
و خود را از باران خیس و سرد پنهان  
نمودم... مسافرتم بیشتر از آنچه که  
انتظار داشتم بطول کشید... برایم دیگر  
غذایی باقی نمانده... اما به جای اینکه  
گرسنگی بکشم، به جای اینکه از این  
سفر صرف نظر کنم، به خودم یاد دادم  
که از رودخانه ماهی بگیرم و خود را  
سیر کنم...

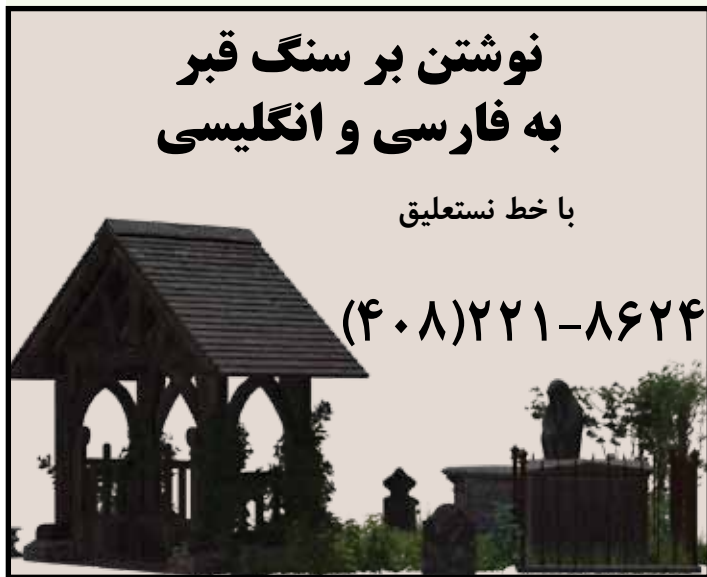
خستگی راه رفتن دارد مرا از پای در می  
آورد... چکار کنم تا بتوانم راحت تر به  
راهم ادامه بدهم؟!... به یاد اضافه باری  
که بر روی شانه هایم بود می افتم... ترس  
و وحشت... می اندازمشان دور و سرعتم  
را سریعتر میکنم...

و حالا می توانم شهر موفقیت را از راه  
دور، از پشت درختان ببینم... و بالاخره  
رسیدم... با خودم فکر میکنم... حالاست  
که تمام دنیا به من چشم خواهند  
انداخت... حالاست که همه حسرت مرا  
خواهند خورد... رسیدم به شهر موفقیت...

## نوشتن بر سنگ قبر به فارسی و انگلیسی

با خط نستعلیق

۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)





## من ۱۸ ساله و دوجنس‌گرا هستم

رنگین کمانی

من «سارا»، دوجنس‌گرای ۱۸ ساله و ساکن تهران هستم. این روزها در یک شرکت خصوصی بازاریابی می‌کنم که بتوانم از پس هزینه‌های مهاجرتم به خارج از ایران راحت‌تر بر بیایم. درست است، من هم مثل خیلی دیگر از هم‌سن و سال‌های خودم می‌خواهم ایران را ترک کنم. ولی نه فقط چون رشته‌ای که می‌خواهم در دانشگاه ادامه دهم در ایران آینده و کارایی ندارد، گرایش جنسی و اعتقاداتم در این انتخاب بسیار موثرند. من در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده‌ام که هم‌جنس‌گرایی را هم‌جنس‌بازی، حرام و غیرقابل قبول می‌داند. من هم تا همین دو سال پیش هنوز مذهبی بودم و چون هم‌جنس‌گرایی حرام است، از این دسته آدم‌ها منتظر بودم. فشار مذهبی خانواده‌ام برای رعایت موازین دینی باعث شد اعتقاداتم روز به روز کم‌رنگ‌تر بشوند و

مورد قضاوت منفی جامعه بهایی و حمله دوستانم در ترکیه و ایران قرار بگیرم و باز عده‌ای تلاش کنند مرا تغییر دهند. ترکیه هم مأمین من نبود و نمی‌توانستم بیش‌تر آن‌جا بمانم. بالاخره تصمیم گرفتم پیش از پایان روند پناه‌جویی، ترکیه را ترک کنم و خود را به کشور دیگری برسانم. وقتی خودم را شناختم، دیگر نمی‌توانستم و نمی‌خواستم هیچ فشار دیگری را تحمل کنم. برای تأمین هزینه سفر، لپ‌تاپ و تنها یادگار ازدواجم را فروختم و به کمک خانواده و تعدادی از دوستان، ترکیه را به مقصد سوئد ترک کردم.

در مسیر رسیدن به سوئد، سختی‌ها و آوارگی‌های زیادی کشیدم؛ از فرار از دست پلیس مجارستان گرفته تا کارتن خوابی و ترس از مرگ در دریای اژه. حالا چند ماهی است که در یکی از شهرهای سوئد به عنوان یک دوجنس‌گرا درخواست پناه‌اندگی کرده‌ام. گاهی از خودم می‌پرسم چرا باقی دوجنس‌گراها از گرایش جنسی خود حرفی نمی‌زنند و آن‌را اعلام نمی‌کنند؟ اما وقتی یاد تمام خشونت‌ها و انکارها می‌افتم، بخشی از جوابم را می‌گیرم.

زندگی پناه‌جویی در سوئد سرد آسان نیست اما این روزها را با گرمای وجود واقعی‌ام، مهرداد واقعی تحمل می‌کنم. امیدوارم روزی مهردادها و امثال مهرداد زندگی شاد و آرامی به دور از ترس و ناآشنایی با خود داشته باشند.

## قبل از پناه‌جویی نمی‌دانستم دوجنس‌گرا هستم

مهرداد همتی

من «مهرداد» هستم؛ یک دوجنس‌گرا. در زمستان سال ۷۲ در یک خانواده بهایی در شیراز به دنیا آمدم. این که امروز می‌نویسم یا می‌گویم دوجنس‌گرا هستم، برایم خیلی هم عادی نیست چون تازه چند ماه است که از وجود گرایش‌های جنسی دیگری جز دوجنس‌گرایی باخبر شده‌ام. البته می‌دانم که من یک انسان مثل همه انسان‌ها هستم با یک گرایش جنسی متفاوت که متأسفانه کم‌تر درباره‌اش شنیده یا خوانده شده و در مجموع، کم‌تر آن را جدی گرفته‌اند. امروز این‌جا از خودم می‌نویسم تا اگر کسی تجربیات من را دارد، خود را تنها حس نکند.

من تا زمانی که ایران بودم، نه خودم را می‌شناختم و نه شناختی نسبت به جامعه رنگین‌کمانی‌ها داشتم. برایم پیش آمده بود که افراد «ترنس» را ببینم اما حتی آن‌ها را نه به اسم ترنس که با الفاظ و القاب توهین‌آمیزی مثل «او خواهر» یا باقی اسامی که خودتان بهتر می‌دانید، می‌شناختم. دوران کودکی من پر از شادی و بازی بود اما مثل خیلی دیگر از بچه‌هایی که در ایران و در خانواده بهایی بزرگ می‌شوند، زود یاد گرفتم چه محدودیت‌هایی دارم. از دوران نوجوانی با پسرها و مردهایی که با هم‌جنس خود وارد رابطه جنسی یا احساسی قوی می‌شدند هم روبه‌رو شده بودم اما همه آن‌ها بدون استثنا بعد از ازدواج به شدت از آن حس‌ها دوری می‌کردند و می‌شدند «مرد زندگی»! انگار نه انگار که روزی با یکی از هم‌جنس‌های خود رابطه‌ای چنان نزدیک داشتند که دیگران هم متوجه می‌شدند. همان‌ها وقتی می‌گفتم به فلان پسر علاقه‌مند شده‌ام، من را مسخره می‌کردند و می‌گفتند «این حرفا چیه؟ کارت را بکن و تمام. علاقه سیخی چنده؟»

من این‌طور نبودم. نمی‌توانستم با هر کسی رابطه احساسی برقرار کنم، چه رسد به رابطه جنسی! اگر کسی از نظر ظاهری و اخلاقی شرایط مطلوب من را داشت، به شدت به او وابسته می‌شدم و شب و روزم به فکر کردن به او می‌گذشت. همین طرز رفتار و تلقی‌ام از «رابطه»، من را از سایر دوستانم متفاوت می‌کرد.

سال ۸۸ بود که من ۱۵ ساله شدم و طبق اعتقادات جامعه بهایی، به سن تشخیص برای انتخاب دین رسیدم. من دین اسلام را انتخاب کردم. این انتخاب تا حد زیادی تحت تأثیر تبلیغات اطرافیانم خارج از خانواده بود. چیزی نگذشت که دفترچه شرکت در آزمون ورودی حوزه علمیه را هم پر کردم و در کمال تعجب، بین ۱۲ هزار شرکت‌کننده، با کسب رتبه ششم وارد حوزه علمیه شدم. بعد از مدتی تحصیل و حضور بین‌الطلاب و دیگران، از حوزه علمیه و تحصیلات

خانواده‌ها در طلاق و اجرا گذاشتن مهریه رسید. مهریه سمیرا ۳۵۰ سکه تمام بهار آزادی و پنج مثقال طلای خام بود و من و خانواده‌ام به هیچ‌نحو نمی‌توانستیم این مبلغ را پرداخت کنیم. از طرفی، فشارها بر خانواده به دلیل دیانت‌مان افزایش پیدا کرده بود و این‌ها همه دلیلی شد برای این که من و خانواده‌ام از ایران خارج شویم و در ترکیه به پناه‌جویان بپیوندیم.

وقتی وارد ترکیه شدم، حس یک فراری را داشتم که می‌تواند کمی نفس بکشد. اما هنوز واقعا نمی‌دانستم از چه فشارهای دیگری هم رها شده‌ام. بعد از مدتی سردرگمی، برای آشنایی با محیط جدید بالاخره توانستم دوستانی هم در «دنیزلی» پیدا کنم. یکی از این دوستانم، «سحر»، یک لژیون بود. فکر می‌کردم وقتی سحر از خودش می‌گوید، دارم با او آشنا می‌شوم اما بیش از آن، با خودم آشنا شدم.

هرچه سحر گفت، بیش‌تر با جامعه رنگین‌کمانی‌ها و انواع گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی آشنایی پیدا کردم. حالا خودم و احساساتم را خیلی خوب می‌شناختم و انگار با مهرداد که سال‌ها با او زندگی کرده بودم، تازه دوست شده‌ام. من شناخت مهرداد واقعی را مدیون سحر هستم. من تنها به یک جنس علاقه نداشته‌ام و این یعنی من یک دوجنس‌گرا هستم.

وقتی خودم را شناختم، تازه در دسرهای دیگر آغاز شد. خانواده‌ام هم چنان حامی من بودند اما گرایش جنسی‌ام موجب شد

حوزه‌ی کناره‌گیری کردم چون متوجه شدم حوزه‌ی جای من نیست. اما بهانه‌ام این بود که خرج تحصیل من را امام زمان می‌دهد و من از پس چنین مسوولیت سنگینی بر نمی‌آیم.

مخفیانه به آیین بهایی بازگشتم ولی این بار با ذهنی پر از چراها و افکاری پراکنده. خانواده‌ام باز هم حمایت کردند و دیگران هم با آغوش باز مرا در جمع اهل دیانت بهایی پذیرفتند. اما وقتی افرادی که من را به سمت اسلام کشانده بودند فهمیدند تلاش‌شان به ثمر نرسیده، شرایط بدتری برایم به وجود آوردند آن چنان که در

منجلاب مواد مخدر و اعتیاد افتادم. یک بار دیگر پدرم که همیشه حامی و پشت من بوده است، کم‌کم کرد تا از این بانلاق کثیف نجات پیدا کنم.

لاید می‌دانید خانواده‌های بهایی چه طور همیشه مورد اذیت و آزار و خشونت‌های رسمی و غیر رسمی قرار می‌گیرند. در مورد خانواده ما، با توجه به این که از حوزه علمیه خارج شدم و به نوعی اسلام را پس زده بودم، این فشارها بیش‌تر شده بودند. کم‌ترین آزارشان این بود که به بهانه‌های مختلف، «کتب ردی»، یعنی کتاب‌هایی حاوی مطالبی در رد آیین بهائیت به ما هدیه می‌دادند.

سال ۹۲ بود که به سربازی رفتم و بعد از اتمام دوره آموزشی، وقتی هنوز سرباز بودم، به پیشنهاد خانواده‌ام با دختری مسلمان ازدواج کردم. شاید تنها راه با هم بودن من و «سمیرا» همان ازدواج بود. البته فاصله خواستگاری تا مراسم عقد اسلامی ما کم‌تر از یک ماه طول کشید. روز عروسی ماهرود فکر می‌کردیم تا ابد کنار هم خواهیم ماند. سمیرا می‌دانست من بهایی هستم اما فرار گذاشتیم به خانواده‌اش چیزی نگوییم.

متأسفانه بعد از ازدواج، من نتوانستم رابطه عاطفی خوبی با سمیرا که دوستش داشتم و حالا همسرم شده بود، برقرار کنم. این باعث شد ازدواج‌مان بیش‌تر از هشت ماه دوام نیاورد.

من سن زیادی نداشتم و کار به دخالت

## چرا برخی بسیار می‌دانند اما هیچ نمی‌فهمند

مزدک لیماکشی

آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند

هر کس که می‌داند به معنی آن نیست که می‌فهمد و این مساله را ما به طور روزمره شاهدش هستیم که افرادی بسیار چیزها بلدند اما قضاوت عمومی در باره آنان این است که فلانی با این همه دانشی که دارد چیزی نمی‌فهمد و حرف‌های بیپوده می‌زند. همه ما افرادی را می‌شناسیم که سالیان درازی تحصیل کرده‌اند اما بسیار خرافاتی هستند و این امر تعجب ما را بر می‌انگیزد. چرا این گونه است و دلیل آن چیست، موضوع این نوشتار است.

آیا داشتن دانش در زمینه‌ای به معنی فهمیدن آن است؟

ممكن بودن زیست در آن منجر خواهد شد و همچنین فهم اینکه در سیرات دیگر نزدیک تر به خورشید امکان زیست را می‌توان فراهم کرد.

همچنین وقتی رابرت پونمن در کتاب خود «کار دموکراتیک: سنت مدنی در ایتالیا» (مدرن: Making Democracy Work: Civic Tradition in modern Italy)

در باره درجه‌بندی میزان دموکراسی در ۲۱ ایالت ایتالیا می‌نوشت، هدفش این نبود که در باره دموکراسی دانش کسب کند بلکه هدف او این بود به این فهم برسد که چگونه یک دموکراسی مدرن و خوب را می‌شود در عمل درست کرد و از این طریق به این فهم هم رسید که جهان ما چگونه می‌تواند بدین شکل خود را سازمان بدهد. خواست فهم این که جهان ما چگونه عمل می‌کند، یک فصل مشترک همه علوم در یک جامعه و کشور مبتنی بر علم و یک معیار برای همه پژوهش‌گران، خارج از این که چه دیدی دارند و در چه رشته‌ای کار می‌کنند می‌باشد.

برای فهم بیشتر رابطه بین دانستن و فهمیدن خوب است که به معنای واژه دانستن با دقت بیشتری بپردازیم.

دانستن به چه معنی است

دانستن در فرهنگ لغت فارسی، دهخدا، معین و عمید به معنی‌های زیر آمده است: ۱. دانایی و آگاهی داشتن ۲. با خبر شدن ۳. شناختن ۴. به حساب آوردن ۵. پنداشتن، و... اما دانستن در این جا صرفا به معنای شناخت لغوی آن نیست. دانستنی که مبتنی بر فهم مسائل و مبتنی بر علم باشد یک مفهومی قابل اعتماد و اتکا است تا زمانی که عکس آن را پژوهش‌گران و دانشمندان ثابت کرده باشند. با چنین نگاهی باید گفت که دانستن‌های دیگر که تحقیق نشده و ثابت نشده‌اند از مفهوم علمی بر خوردار نیستند و هر چند بخشی از دانستن‌های بشری در کلیت خود هستند اما علمی و قابل اتکا نیستند. مثلا خیلی‌ها از داروهای گیاهی برای درمان سود می‌جویند و اما تا وقتی ثابت نشود

که این داروی گیاهی برای آن بیماری مشخص مفید است، ما کاری می‌کنیم که از لحاظ علمی قابل اتکا نیست، هر چند دانش قدیم این را می‌گوید.

در زبان فارسی از واژه دانش داشتن به معنی دانستن در زمینه‌ای استفاده می‌بریم و دانستن‌های ما می‌تواند همه زمینه‌ها را در بر بگیرد و هیچ مرزی بر آن متصور نیست. همین که از مساله‌ای اطلاع داریم بدان دانش داریم و لزومی به این که دانش ثابت کردنی باشد نیست.

اما در باره علم این چنین نیست و به همین خاطر هم باید بیشتر در این باره دقت و توجه داشته باشیم و بدانیم مسائلی که تا هنوز ثابت نشده علمی نیستند و البته در این باره باید جداگانه بحث و گفتگو شود و مرزهای علم و دانش روشن شود. در این جا به همین اندازه اکتفا می‌کنیم که دانستن چیزی به مفهوم علمی بودن و همچنین فهم آن مساله نیست. در امر آموزش علمی اتکا به علوم ثابت شده و تجارب قابل اتکا بسیار مهم می‌باشد.

در جامعه ما افرادی هستند که جن‌شناس هستند و حتی در تلویزیون دولتی درباره اجنه سخن می‌رانند و چیزهایی را ظاهرا می‌دانند. عده‌ای دیگر مردم را تشویق می‌کنند که برای مداوای بیماری‌ها خود به امام زاده‌ها رجوع کنند و دلایلی را برای این کارهای خود مطرح می‌سازند و به نظر می‌آید که چیزهایی را می‌دانند، اما این دانسته‌ها هیچ ارزش علمی ندارد و تجربه قابل اتکائی برای این امر نیز وجود ندارد و مجموعه‌ای از حدیثات و دروغ‌های بیپوده است و حتی خود این افراد وقتی مریض می‌شوند به دکتر مراجعه می‌کنند و از علم طلب مداوا می‌نمایند. پس هر دانشی در باره مسائل مختلف علمی نیست و تازه هر آن‌گاه که در باره مساله‌ای دانش داشته باشیم هر چند علمی هم باشد نمی‌شود گفت که به فهم آن دانسته رسیده ایم. حال که به این جا رسیدیم خوب است که به واژه فهمیدن نیز بپردازیم.

فهمیدن به چه معنی است

«ابن بزمین فریومدی شاعری است که یکی از زیباترین سروده‌ها پیرامون جایگاه دانایی و خرد از او به جای مانده است و در ادب فارسی جاودانی شده، بی آن که همه گان از نام سراینده آن آگاه باشند.» (صوفی‌گری: محمد امینی صفحه ۱۳۷)

آن کس که بداند و بداند که بداند

اسب خرد از گنبد گردون بجهاند

آن کس که بداند و نداند که بداند

آگاه نمایید که بس خفته نماند

آن کس که نداند و بداند که نداند

لنگان خرک خویش به منزل برساند

آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند  
واژه فهمیدن خیلی کلی و ناروشن به نظر می‌آید اما ما باید به گونه‌ای از آن درکی مشترک داشته باشیم و بتوانیم آن را توضیح بدهیم. در فرهنگ لغت فارسی، دهخدا، معین و عمید به معنی‌های زیر: دریافت کردن، دریافتن، ادراک کردن، پی بردن، فهم داشتن، پنداشتن، شناختن، دانایی کسب کردن و... آمده است.

در این جا به مانند «دانستن» هدف ما این است که درک مشترک و علمی از فهمیدن ارائه دهیم. در واقع امر باید بحث کنیم که چگونه دانستن فاکت‌ها و مسائل به فهم مساله ختم می‌شود. آن چه در لغت نامه‌ها آمده است درک روشنی به ما در باره فهمیدن نمی‌دهد و باید گفت که این واژه یکی از دشوارترین واژه‌های موجود در زبان فارسی و دیگر زبان‌های زنده در سطح جهان است.

فهمیدن واقعا به چه معنی است. یک مثالی می‌زنم که برای خیلی‌ها می‌تواند قابل فهم باشد. به طور مثال همه آنهایی که رانندگی می‌کنند با آموختن متدهایی می‌توانند رانندگی کنند، اما بیش از ۹۹ درصد آنها هم نمی‌دانند که موتور ماشین چگونه کار می‌کند. شاید ما فکر می‌کنیم که دریافته ایم که چگونه ماشین کار می‌کند اما این درک ما صحیح و کافی نیست. ما خیلی از چیزها را می‌آموزیم اما به فهم آن حتی نزدیک هم نمی‌شویم. بسته به میزان دانش‌مان برخی پدیده‌ها را می‌توانیم کاملا درک کنیم و برخی پدیده‌ها را به تجربه می‌پذیریم و برخی دیگر را نمی‌فهمیم و همواره به آنها فکر می‌کنیم و از خود می‌پرسیم که چگونه می‌شود این پدیده را فهمید.

دانش آموزان و دانشجویان در زمینه ریاضی و فیزیک و شیمی خیلی از فرمول‌ها را می‌آموزند بدون این که بتوانند آنها را ثابت کنند و در یابند که این فرمول‌ها از کجا آمده است. وقتی می‌توانیم فرمولی را ثابت کنیم هم به این فهم می‌رسیم که چرا این فرمول درست است و هم احساس می‌کنیم که دانش ما در باره آن کامل تر شده است.

این که می‌گوئیم من فهمیدم منظورمان چندان هم روشن نیست، فهم مسائل در برخی زمینه‌ها فهمی نسبی است و در برخی زمینه‌ها فهم درست و یقین بدان است. به طور مثال برای من که ریاضی دان هستم فهم خیلی از مسائل ریاضی فهمی کامل است و اما در زمینه شیمی چیزهایی را می‌دانم که فهم من از آن نسبی است و نمی‌توانم در باره آنها وارد یک گفتار علمی شوم.



## خواص زردچوبه (اورگانیک)

زردچوبه گیاهی است علفی، پایا و دارای ریزوم هایی که از آن ساقه هوایی به ارتفاع یک تا یک و نیم متر خارج می شود. برگ های این گیاه در قاعده ساقه، تقریباً غلاف دارد و در بالای ساقه، بدون غلاف هستند. ساقه گل دار از بین برگ ها خارج شده و به رنگ سبز مایل به زرد یا زرد است. قسمت مورد استفاده، ریزوم ها است که کشت کاران پس از کندن و بیرون آوردن آن از زمین، ریشه های فرعی را جدا کرده و پس از شست و شو، در آفتاب، خشک می کنند؛ سپس به مصرف می رسانند. زردچوبه در ایران نمی روید و جزء اقلام وارداتی است.

### تاریخچه

زردچوبه طعمی تلخ و تند دارد و از اجزای اصلی پودرهای کاری و برخی از انواع خردل است. پودر و اولئورزین زردچوبه در صنعت آشپزی به عنوان طعم دهنده غذا، بسیار استفاده می شود. زردچوبه در طب آسیایی، از گذشته های دور کاربرد داشته است. در طب چینی، برای درمان مشکلات متفاوتی نظیر بواسیر و نفخ، به کار می رفته، هم چنین به شکل ضماد و پماد به عنوان مسکن و برای درمان عفونت های قارچی نظیر کچلی، به طور موضعی کاربرد داشته است. از زردچوبه برای کنترل زردی و هپاتیت، و از روغن آن نیز گاهی در عطر سازی استفاده می شود.

### جغرافیای

زردچوبه در نواحی گرم آسیا و آفریقا کشت می گردد. بیشترین صادرات این محصول از کشورهای هند، اندونزی و چین صورت می گیرد.

### ترکیبات مهم

مهم ترین ترکیبات زردچوبه پیگمان های زرد رنگی، از دسته کورکومینوزیدها هستند. این مواد به میزان ۳ تا ۵ درصد زردچوبه را تشکیل می دهند و ترکیبات اصلی آن شامل کورکومین و دزوکسی کورکومین هستند.

ترکیبات دیگر شامل اسانس به میزان ۳ تا ۷ درصد است که مهم ترین مواد آن شامل بیس آبولن، گواپن، ژرماکرن، تورمرون، زینجیبرن و کورلون هستند.

با توجه به مقادیر متفاوت مشتقات بیس آبولن در گونه های مختلف زردچوبه، می توان گونه های مختلف آن را تشخیص داد. چون ترکیبات و در نتیجه خواص گونه های مختلف زردچوبه تا حد زیادی به هم شبیه هستند، لذا از ریزوم سه گونه دیگر از جمله Curcuma phaeocaulis, Curcuma kwangsiensis Curcuma wenyujin به عنوان زردچوبه استفاده می شود.

### اثرات مهم

مهم ترین خاصیت زردچوبه، خاصیت صفرا آوری آن است. از دیگر خواص آن اثرات ضد التهاب، ضد سموم بعضی مارها، ضد سموم کبدی، ضد باکتری، ضد

بر طرف کردن مشکلات صفرا و به عنوان صفرا آور هستند. از زردچوبه به صورت پودر در تغذیه مصرف می شود. هم چنین به صورت مخلوط به شکل ادویه در جهان مصرف زیادی دارد و یکی از پر مصرف ترین اشکال آن به صورت پودر کاری است. هم چنین تنتور زردچوبه نیز تهیه شده که مقدار مصرف آن نیم تا یک میلی لیتر سه بار در روز می باشد.

### عوارض جانبی

مطالعات روی کشت سلول نشان می دهد که کورکومینوزیدها می توانند اثرات سیتوتوکسیک (کشنده ی سلول) داشته باشند؛ ولی این موضوع در اثر مصرف زردچوبه در انسان گزارش نشده است. همین مواد ممکن است باعث تغییرات شکل زخم معده شوند.

### مهم ترین اثرات گزارش شده زردچوبه

ضد آمیب، ضد درد، ضد اسید معده، ضد آرتریت، ضد باکتری، پادزهر آرسنیک، ضد ادم، ضد حساسیت، ضد سرطان، ضد ویروس ایدز، ضد موتاژن، ضد اکسیدان، ضد پسروریازیس، ضد تب، ضد عفونی کننده، ضد اسپاسم، ضد تومور، ضد زخم معده، ضد نفخ، قابض، ادرارآور، خلط آور، محافظ معده، بندآورنده خون، محافظ کبد، کاهش دهنده چربی خون، مقوی معده، مقوی رحم، قارچ کش، کرم کش، محرک سیستم ایمنی و محرک ترشح موکوس.

### نکات قابل توجه

۱- برای مصرف دارویی زردچوبه، می توان آن را در کپسول های پانصد میلی گرمی ژلاتینی که در داروخانه ها به فروش می رسند، پر نموده و استفاده کرد.



۲- در صورتی که بخواهیم از اثر دارویی زردچوبه استفاده کنیم مسلماً میزان مصرف آن باید بیش از اندازه غذایی و در حد توصیه شده باشد.

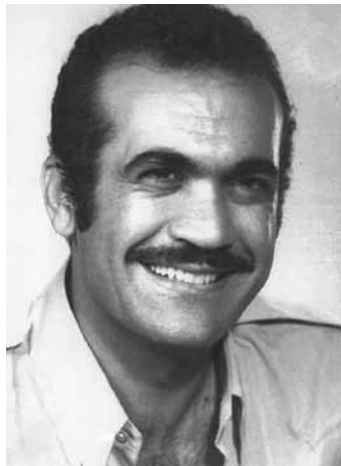
۳- برای نگه داری زردچوبه نباید از ظروف پلاستیکی استفاده کرد. بهترین ظروف آلومینیومی و شیشه های رنگی (قهوه ای) می باشند. هم چنین درب ظرف باید کاملاً بسته باشد.

۴- ریشه و ریزوم زردچوبه که پودر نشده است در برابر حرارت مقاوم تر از پودر آن است، ولی چون اکثراً پودر زردچوبه در بازار مصرف به فروش می رسد، برای نگه داری طولانی مدت آن بهتر است در جای خنک نگه داری شود.

۵- چون بخشی از اثرات زردچوبه مربوط به رایحه (اسانس) آن می باشد که در اثر حرارت و یا مرور زمان کاسته می شود، لذا زردچوبه کهنه دارای خواصی کمتر از زردچوبه تازه است.

۶- میزان مصرف زردچوبه به عنوان دارویی تا روزی ۳ گرم برای اشخاص بالغ بلامانع می باشد. گزارشاتی مبنی بر مصرف ۸ تا ۱۰ گرم زردچوبه به طور روزانه در هندوستان بدون اثرات جانبی در انسان به چاپ رسیده است.





هامبورگ آلمان و سپس شهر بن، ساکن شد و به فعالیت های سیاسی علیه جمهوری اسلامی پرداخت.

فرخزاد پس از انقلاب در فیلم «وین عشق من» در کنار هنرپیشه معروف زن اتریشی، نقش یک مسلمان افراطی را ایفا کرد.

او پس از انقلاب کنسرت های متعددی در شهرهای گوناگون جهان برگزار می کرد. فرخزاد هم چنین به مدت چهار سال، برنامه های رادیویی "سلام همسایه ها" را که برای ایران پخش می شد، تهیه می کرد. آخرین کتاب شعر فرخزاد به نام «من از مردن خسته ام» در انتقاد از حکومت مذهبی بود.

پوران فرخزاد خواهر فریدون فرخزاد می گوید که در سال های جنگ ایران و عراق، فریدون سه بار به عراق سفر و به نوجوانان اسیر ایرانی در عراق کمک کرده است.

### مرگ

وی سرانجام در ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ (۶ اوت سال ۱۹۹۲)، در محل سکونتش در شهر بن بر اثر ضربات چاقو توسط عوامل جمهوری اسلامی به قتل رسید. از آنجا که پرونده قتل های زنجیره ای ایران پیگیری نشد، عاملان قتل مشخص نشدند.

### ادامه مطلب چرا برخی بسیار... از صفحه ۱۴۶

که می دانیم علمی و مبتنی بر تجربه های قابل اتکا نیست و همچنین دریافته ایم دانستن و فهمیدن یکی نیستند و ما خیلی از مسائل را می دانیم اما آن را نمی فهمیم و یا فهم ما در برخی موارد نسبی و در برخی موارد کامل تر است. همچنین دریافته ایم که در هر رشته ای متخصصین آن رشته به یک گفتار علمی می رسند و هیچ کسی نیست که دانای کل باشد و کسی که چنین ادعائی دارد یک دروغگو بیش نیست. هدف در همه علوم رسیدن به این مساله است که جهان ما چگونه عمل می کند و از چنین دیدی مساله دانستن و فهمیدن کمک می کند که جهان بهتری برای خود و آیندگان فراهم سازیم.

های سیاسی اروپایی شباهت داشت و در لایله تکه های سرگرم کننده انتقادهایی از سیاست های روز را می گنجانید. فرخزاد در رابطه با مجری گریش در تلویزیون گفته است: "همیشه سعی می کنم مردم را در یک برنامه سه ساعته تلویزیونی که پر از خنده و شوخی و آواز و رقص است متوجه مطالبی بکنم که ارزش دارد بر روی آنها فکر بشود."

او در سال ۱۳۵۰ در فیلم دل های بی آرام، به کارگردانی اسماعیل ریاحی و بازی ایرج قادری و شهلا ریاحی نیز ایفای نقش کرد. فرخزاد در زمینه موسیقی نیز فعالیت داشت و ملودی های روز غربی را در پیوند با شعر فارسی می خواند مثل "آداجیو" و یا "آیا برامس را دوست دارید؟" و ترانه هایی مثل "آواز خوان، نه آواز" و "شهر من تهران" از ساخته های اوست. آلبوم های موسیقی زیادی نظیر کسی میاید، خاطره یک، شب بود بیابان بود، شهر من، آفتاب می شود و آهنگ های طلانی از او منتشر شده است.

### پس از انقلاب

فریدون فرخزاد پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران مدت کوتاهی را در بازداشت به سر برد و سپس به شهر لس آنجلس در آمریکا مهاجرت کرد. او کتاب در نهایت جمله آغاز است عشق، را در این شهر منتشر کرد. فرخزاد درباره انتشار کتابش در لس آنجلس می گوید: «این جا، شهر نیست، جنگل است. شوره زار است، کویر است، مرداب است و بوی تعفن آن جهان را پر کرده است! شاید کتاب من نسیم معطری باشد به مشام جان های خسته از خیانت و جنایت! و خجالت می کشم که چاپ اول کتابم در لس آنجلس منتشر می شود.»

فرخزاد پس از مدتی ابتدا در شهر

این که ما بخواهیم و بتوانیم به فهم علمی همه مسائل برسیم امری غیرممکن است و به همین خاطر هم هست که رشته های گوناگون علمی بوجود آمده است و هر گروهی در زمینه ای تخصص دارند و در زمینه تخصصی خود می توانند وارد گفتار علمی شوند. در همه ادوار تاریخی افرادی پیدا شده و می شوند که ادعا می کنند که دانای کل هستند و همه چیز فهم و یکی از بارزترین نشانه های نادانی همین نوع برخورد است. دانای کل هیچگاه وجود نداشته و نخواهد داشت.

### نتیجه گیری

ما در این جا با واژه های دانستن و فهمیدن آشنا شدیم و در یافته های هر آن چه

## فریدون فرخزاد

فریدون فرخزاد (متولد ۱۵ مهر ۱۳۱۷ در تهران - درگذشته ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ در بن آلمان) شاعر، برنامه ساز رادیو و تلویزیون، خواننده، مجری تلویزیونی و رادیویی، ترانه سرا، آهنگساز، بازیگر و فعال سیاسی ایرانی معترض به حکومت جمهوری اسلامی ایران بود که به قتل رسید. قتل او به نیروهای امنیتی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت داده شده است. وی برادر فروغ فرخزاد شاعر معاصر ایرانی بود.

### پیش از انقلاب

فرخزاد سر انجام در سال ۱۹۶۴ نخستین مجموعه شعر مستقل خود را با عنوان "فصل دیگر" انتشار داد که تحسین بعضی منتقدان معروف را برانگیخت. شاعر معروف آلمان "یوهانس بوپوفسکی" نیز پیشگفتاری برای "فصل دیگر" نوشت.

پنج ماه بعد از انتشار کتاب «فصل دیگر»، جایزه ادبی شعر برلین را نیز از آن خود ساخت که اعطای آن با سخنرانی بوپوفسکی همراه بود. او از جمله گفته است: "فریدون فرخزاد و نیز سیروس آتابای به ما نشان می دهند که دنیای آکنده از وحشت جنگ هنوز جای زیستن است." "فصل دیگر"، در ردیف آثار گوته و شیلر قرار گرفت. فریدون فرخزاد چند سال عضو آکادمی ادبیات جوانان مونیخ بوده و در سال ۱۹۶۶ به رادیو و تلویزیون این شهر نیز راه پیدا کرده است. در رادیو سلسله برنامه هایی همراه با طنز و توام با موسیقی خاورمیانه، از جمله ایران تهیه می کرد و در تلویزیون مجموعه فیلم رنگی "خیابان های آلپ" را ساخته است.

او در ۱۹۶۷ روی موزیک محلی (فولکلور) ایران، موزیک مدرن ساخت و با این موزیک به فستیوال موزیک اینسبورگ اتریش راه یافت که جایزه اول را هم دریافت نمود. در همان سال امتحان دانشگاه خود را هم داد و در رشته حقوق سیاسی با درجه دکترا (Ph.D) فارغ التحصیل گردید. فریدون فرخزاد به جز زبان فارسی به زبان های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی سخن می گفت.

فریدون فرخزاد، به جز مدرک دکترای علوم سیاسی، شاعر، نویسنده، برنامه پرداز، هنرپیشه، خواننده و مبتکر چندین برنامه تلویزیونی، از جمله برنامه موفق «میخک نقره ای» در ایران بود که تعداد زیادی از هنرمندان کنونی و مشهور ایران را به مردم معرفی نمود که ستار، ابی، مرتضی، شهره و شهرام صولتی، لیلیا فروهر، نوش آفرین، روحی ساوجی، سعید محمدی و سلی از جمله آنان می باشند. او می کوشید شیوه ویژه خود را در شومنی تلویزیون داشته باشد. بخش هایی از شعرهای او به کاباره

فریدون فرخزاد در پانزدهم مهر ماه سال ۱۳۱۷ در چهارراه گمرک تهران در یک خانواده هنرمند چشم به جهان گشود. مدتی در دبستان رازی و بعد در دبیرستان دارالفنون درس خواند و سپس به آلمان رفت. در مونیخ، وین و برلین حقوق سیاسی خواند. پایان نامه خود را درباره تأثیر عقاید مارکس بر کلیسا و حکومت آلمان شرقی نوشت و با درجه دکترا (Ph.D) از دانشگاه مونیخ فارغ التحصیل شد.

در فریحه شاعرانه خانواده فرخ زاد (پوران و فروغ) فریدون هم سهیم بود. سروده های او سرشار بود از شور و عشق، هرچند شعرهایش در سایه شهرت فریدون به عنوان یک شومن هرگز قدرت نیافت.

او در سال ۱۹۶۲ در آکسفورد با "آینا بوچکوسکی" زنی آلمانی که علاقه مند به تئاتر و ادبیات بود ازدواج کرد. فرزند نخست آنها، "افلیبا" در کودکی درگذشت و فرزند دوم آنها "رستم" نام داشت. فرخزاد و بوچکوسکی پس از مدتی از هم جدا شدند. فرخزاد برای بار دوم، با زنی ایرانی به نام ترانه ازدواج کرد.

فریدون فرخزاد از نوجوانی به شعر و سرودن علاقه داشت و ازدواج با "آینا" او را در کار شعر جدی تر ساخت. شعرهایش را به زبان آلمانی برای روزنامه "زود دوپچه" و نیز مجله دو زبان "کاه" فرستاد که پیش از او شعرهای "سیروس آتابای" را نیز انتشار داده بودند. چیزی نمی گذرد که "مارتین والسر" نویسنده معروف، یازده شعر او را برای انتشار در یک جنگ ادبی که انتشارات "زورکامپ" قصد چاپ آن را داشته برمی گزیند.

در سال ۱۹۶۳ اشعار آلمانی اش، از طرف ناشرین بزرگ کتاب آلمان به عنوان بهترین اشعار سال برنده جایزه شد و در کتابی که همه ساله منتشر می گردد آثار فریدون فرخزاد در ردیف ده شاعر و نویسنده سال چاپ شد. در سال ۱۹۶۴ اولین دیوان شعر فریدون بنام «زمانی دیگر» به زبان آلمانی انتشار یافت و جایزه ادبیات را گرفت. بعد در قالب ۱۰ مجموعه شعر چاپ شد که عنوان بهترین اشعار یک قرن آلمان را دارد.



## ادامه مطلب من ۱۸ ساله... از صفحه ۴۵

انتخابی پیش تری (مردان و زنان) داریم، پس حتما خیانت می‌کنیم و این موضوع واقعا ما دوجنس گراها را آزار می‌دهد و موجب می‌شود سرخورده شویم. بعد از این که دوجنس گرایی برای خودم آشکار شد، فقط با دخترها دوست نمی‌شدم. یک بار با یک پسر دوست شدم. آن رابطه هم پیچیده‌تر از آن چیزی بود که به نظر می‌رسید. او به تمام دوستان دختر من شک داشت و فکر می‌کرد با همه آن‌ها رابطه دارم. اصلا این امکان را در نظر نمی‌گرفت که ممکن است من با دختری یک دوستی معمولی داشته باشم و به برقراری رابطه با او علاقه مند نباشم. همه این‌ها موجب شد تصمیم بگیرم تا وقتی کسی به من و رابطه با یک دوجنس گرا اعتماد ندارد، با او وارد رابطه نشوم. این را می‌شود فهمید که همه این افکار و تصورات نادرست از تحقیق نکردن و تجربه کم معاشرت با دوجنس گرایان پیش می‌آید. فرق ما با بقیه این است که به جنسیت افراد برای آغاز رابطه نگاه نمی‌کنیم. کسی که خیانت می‌کند، به خاطر نداشتن وجدان و مسوولیت پذیری این کار را می‌کند. خوب است از کسانی که این تصور را از ما دارند، این سوال را پرسیم که مگر برای یک مرد دگرجنس گرا فقط یک زن وجود دارد؟ یعنی ممکن نیست مرد دگرجنس گرا با ارتباط برقرار کردن با زنی دیگر، خیانت کند؟ خوب این پیش‌داوری منطقی نیست. در حال حاضر سعی می‌کنم در رابطه با رنگین‌کمانی‌ها، یعنی همجنس گراها، دوجنس گراها و ترنس‌ها توضیحاتی بدهم تا کسانی که دچار فویبا و هراس از آنها هستند، نظرشان عوض شود. فکر می‌کنم وقتی از ایران خارج شوم، بتوانم سازمانی برای حمایت از همه رنگین‌کمانی‌هایی که از خانه طرد شده‌اند، تأسیس کنم و از آن‌ها هم‌تراز، با آگاهی دادن به کسانی که دچار فویبا هستند، از این هراس و ستیز بکاهم. همه ما رنگین‌کمانی‌ها انسان هستیم؛ افکار، اعتقادات و رفتارهای مان چیزی از انسانیت ما کم نمی‌کند. باید بپذیریم که همه انسان‌ها برابرند.

در خانواده من هم شرایط زیاد تفاوتی ندارد. وقتی در تلویزیون راجع به همجنس‌گراها صحبت می‌شد یا وقتی مستند ایرانی‌های همجنس‌گرا و پنهاننده در ترکیه را می‌دیدیم، مادرم مدام تکرار می‌کرد که این گناه است و چه قدر وقیح است. درباره ترنس‌سکشوال‌ها و بایسکشوال‌ها اطلاعات به مراتب کم‌تری وجود دارد و همین ناآشنایی موجب می‌شود کم‌تر در مورد آن‌ها بدانیم. متأسفانه بیشتر ما تعریف دوجنس‌گرا را به طور جداگانه و مستقل نمی‌بینیم و معمولاً آن‌ها را با همجنس‌گراها یکی می‌دانیم. والدینم در مورد گرایش جنسی من چیزی نمی‌دانند و فکر می‌کنند مثل خیلی‌های دیگر، از مذهب فراری شده‌ام. تا مدت‌ها خودم فکر می‌کردم دگرجنس‌گرا هستم، تا وقتی که یک حس فراتر از دوست داشتن به همجنس خودم پیدا کردم. باز هم تا مدت‌ها به دوجنس‌گرا بودن خودم شک داشتم و نمی‌دانستم واقعا این گرایش را دارم یا نه، تا این که در خلال گفت‌وگوهای طولانی با یک ترنس‌چندر مطلع به این نتیجه رسیدم که من هم دوجنس‌گرا هستم. تا به حال دو بار عشق به همجنس را تجربه کرده‌ام. با یکی از آن‌ها اصلا وارد رابطه‌ای نشدم چون او دگرجنس گرا بود و میلی به رابطه نداشت. او یکی از هم‌کلاسی‌های من بود و من کم‌کم فهمیدم حسم نسبت به او خاص است. من هم نمی‌خواستم او بفهمد دوجنس‌گرا هستم و آن قدر به او نگفتم چه حسی نسبت به وی دارم تا بالاخره فراموشش کردم. دیگری هم یکی از دوستان بسیار قدیمی من بود که بعد از چندین سال او را دیدم و به او گفتم چه گرایشی دارم. از قضا، او هم به این نتیجه رسیده بود که همجنس‌گرا است. بعد از مدتی وارد یک رابطه کوتاه شدیم که متأسفانه تصورات اشتباه در مورد دوجنس‌گرایی باعث جدایی ما شد. بیشتر همجنس‌گراها، ترنس‌ها و دگرجنس‌گرایی که من دیده‌ام، به دوجنس‌گراها اعتماد ندارند. آن‌ها به ما می‌گویند برای رابطه، گزینه‌های

## ادامه مطلب ده راهکار برای... از صفحه ۱۳۳

به خطر می‌اندازد. کافی است عاقلانه برنامه‌ریزی کنید. **از دلخوری دست بردارید:** گذشته، گذشته است و جزو خاطرات ما می‌شود. ما نباید به گذشته فکر کنیم. به هر حال اگر خاطرات ناخوشایند گذشته را در ذهنمان جا می‌دهیم، مطمئناً دلخور خواهیم شد. پس با عفو و بخشیدن می‌توانیم کلی انرژی مثبت جذب کنیم. **اوقاتی را در طبیعت سپری کنید:** اگر مایلید که انرژی مثبت جذب کنید سری به طبیعت بزنید، به پارک رفته و به گل‌ها و درختان بنگرید که چگونه با وزش باد تکان می‌خورند و چگونه آرامش و صفا را از وجودشان منعکس کرده و انرژی مثبت را به شما منتقل می‌کنند. **در مقابل دیگران جبهه نگیرید:** هنگام معاشرت با دیگران سعی کنید که حضور آگاهانه داشته باشید. اجازه دهید که دیگران حرف خودشان را بزنند و عقاید خود را ابراز کنند. دست از جبهه‌گیری بردارید تا مردم جذب طبیعت آرام شما شوند و انرژی مثبت شما به آن‌ها هم شاطع شود. **در وجود خود آگاهی پذیرش انرژی مثبت را ایجاد کنید:** برای آنکه آمادگی پذیرش انرژی مثبت را داشته باشید چشم‌های خود را ببندید و سعی کنید از درون جسم، خود را احساس کنید. با این سبکی که در وجودتان ایجاد می‌شود سبب جذب انرژی مثبت و بیرون راندن انرژی منفی می‌شود. گفتنی است؛ با به کارگیری روش‌های ذکر شده می‌توانیم انرژی مثبت را جذب خود کرده، همچنین با هوشیاری و توجه به زمان حال و فارغ از زمان گذشته، با آرامش، انرژی مثبت جذب شده را به افراد دیگر انتقال دهید.

**در هر وضعیتی به جنبه مثبت آن نگاه کنید:** توجه کنید که جنبه مثبت و منفی دیدن هر چیز به برداشت ذهنی ما برگردد. در اصل هر وضعیتی از زندگی حقیقت واحدی را آشکار می‌کند. وقتی با این دیدگاه به زندگی بنگرید خیر و برکت به سوی شما سرازیر می‌شود. **از جبهه‌گیری اوضاع و شرایط زندگی دست بردارید:** زندگی جاری و روان است و ذات آن تحول و دگرگونی است. هر چه قدر در برابر زندگی جبهه‌گیری کنید بیشتر رنج خواهید برد. هر وقت که بخواهید اوضاع و شرایط زندگی را مرتب و کنترل کنید، حالت اضطراب و فشار عصبی به شما دست می‌دهد که همین امر سبب تولید انرژی منفی می‌شود. این گونه تصور کنید که زندگی هم چون رودخانه‌ای پر جوش و خروش است. آیا فایده‌ای دارد که با آن دست به گریبان شوید؟

**زندگی پر از صلح و صفا را تجسم کنید:** اگر ذهن ما به افکار منفی عادت کرده باشد، لازم است آگاهانه این عادت را ترک کرده تا انرژی مثبت جذب ما شود. هوشیار باشید و نگذارید تصاویر هولناک ناشی از تفکر منفی وارد ذهن ما شوند. به جای تصاویر منفی، جریان آرامی از زندگی را تجسم کنید، این تغییر نگرشی ذهنی سبب جذب انرژی مثبت شده و ما به مبهوت می‌کند. **نگران آینده نباشید:** وقتی شما نهایت تلاش خود را کرده‌اید، پس هر آنچه که قرار است رخ دهد، عملی می‌شود و کاری از دست شما برنمی‌آید. در اصل هر آنچه را که شما از بابت آن نگران هستید در اکثر مواقع روی نمی‌دهد. پس چرا انرژی خود را با نگرانی هدر می‌دهید؟ هر نوع نگرانی سبب می‌شود که درون شما پر از انرژی منفی شده که سلامتی شما را

## ادامه مطلب برای داشتن... از صفحه ۴۳

## گوشت قرمز یا پروتئین

گوشت قرمز حجم قابل ملاحظه‌ای از پروتئین را شامل می‌شود و توجه داشته باشید هر نوع از پروتئین که مصرف می‌کنیم می‌تواند سیستم گوارشی ما را به شدت درگیر کند. پروتئین‌ها در ۵۰ درصد موارد زمانی که خواب هستیم باعث می‌شوند معده ما همچنان درگیر باشد. بنابراین توصیه می‌شود پایان شب پروتئین مصرف نشود.

## ادویه تند

محققان استرالیایی در بررسی جدید خود متوجه شدند افراد جوانی که در پایان شب سس فلفلی و خردل را همراه با غذای خود میل می‌کنند، نسبت به دیگر افراد هنگام خوابیدن اختلالات بیشتری را پیش روی خود می‌بینند. این افراد نمی‌توانند خواب عمیق را تجربه کنند و مطالعه جدید نشان داده است که ادویه‌های تند سوزش قلب را نیز در آن‌ها باعث می‌شود.

## ماهنامه پژواک

نشریه برگزیده

با درج آگهی در نشریه پژواک کسب و خدمات خود  
را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

www.pezhvak.com

(408) 221-8624



ادامه مطلب **مبارزه با فساد** ... از صفحه ۴۳

یکی از مهم‌ترین اثرات فساد بر زنان، تأثیر آن در وضع اقتصادی آنهاست. وجود فساد، زنان را از نظر اقتصادی و مالی ضعیف می‌کند. به عنوان مثال زنان در آفریقا یا آسیا، بنابر سنت‌های فرهنگی حق مالکیت بر اموال را ندارند و به سرمایه هم دسترسی ندارند. در چنین شرایطی اگر در برنامه‌های حمایتی مالی دولت برای توانمندسازی اقتصادی زنان، فساد وجود داشته باشد، زنان عملاً از دسترسی به این حمایت‌ها محروم می‌مانند. همچنین وجود فساد، در سیستم سیاسی باعث می‌شود که زنان برای مشارکت سیاسی با محدودیت‌های بیشتری هم مواجه شوند. در شرایطی که روابط و رشوه و خرید و فروش رای و غیره، سرنوشت سیاسی افراد را مشخص می‌کند، زنان چون توان انجام این رقابت‌ها را ندارند، امکان مشارکت سیاسی خود را از دست می‌دهند. همچنین در زمینه حقوق زنان، وجود فساد در ساختارهای اجتماعی و قانونی مانند نیروهای امنیتی و پلیس و نظام قضایی بر زنان اثرات منفی می‌گذارد. وجود فساد در این نظام‌های امنیتی و قانونی، امکان نفوذ شبکه‌های قاچاق انسان یا سوء استفاده مردان برای اعمال خشونت خانگی یا خشونت در محل کار را بیشتر می‌کند و زنان به دلیل وجود این

ادامه مطلب **قربانی اسید** ... از صفحه ۷

خیلی مواقع فرهنگ غلط و مردسالارانه نیز در این موضوع دخیل است که حق انتخاب را از زن می‌گیرد، زن را جنس دوم می‌داند و اینکه زن باید تحت نفوذ باشد. در ادامه، سونا مقدم، به عنوان کارگردان فیلم با اشاره به پروژه فیلم گفت: «این مستند حدود سه سال طول کشید. ما در اسیدپاشی قربانی مرد هم داریم و محسن مرتضوی، یکی از قربانیان اسیدپاشی است. در مورد معصومه خیرین زیادی کمک کردند که او از این وضعیت روحی بیرون بیاید و معصومه خواست و توانست.» معصومه، قربانی اسیدپاشی و شخصیت اول مستند هم در صحبت‌هایی کوتاه، گفت: «تنها قانونی که برای این جرم وجود دارد، قصاص است ولی من مخالف قصاص هستم. چیزی که من ۵ سال با آن درگیر بودم من را به این نتیجه رساند که قوانین ما نقص‌های زیادی دارد و در مورد این جرم هیچ قانون بازدارنده‌ای وجود ندارد.» معصومه گفت: «اینکه من با دستان خودم، به دلیل اینکه نابینا شده‌ام، چشمان فرد دیگری را بگیرم و یک زشتی

ادامه مطلب **گزارش‌های کاربران** ... از صفحه ۱۱

در مورد عدم اتصال به سیستم پخش BMW در حال حاضر از آیفون ۷ پشتیبانی نمی‌کند و کاربران لازم است در این مورد، منتظر انتشار اطلاعات بیشتر روی وبسایت شرکت باشند. در پایان لازم است اشاره کنیم که کاربران دو اپراتور مخابراتی آمریکایی هم کماکان در حال دست و پنجه نرم کردن با

ادامه مطلب **جیمز استوارت** ... از صفحه ۳۳

او در اکثر فیلم‌هایش نقش مردی خوب و ساده‌لوح را ایفا کرد و در وسترن‌هایش قوی و ثابت‌قدم نشان داد. بلندی قدش ۱۹۱ سانتی‌متر بود و او را از دوستان و همکارانش متمایز می‌کرد. استوارت در سال‌هایی که به اوج محبوبیت رسیده بود - در حدود چهل سالگی - ازدواج کرد و تا آخر عمر به همسرش متعهد ماند. همیشه با طرفدارانش خوش برخورد و سخاوتمند بود ولی در مورد زندگی خصوصی و خانواده‌اش با کسی شوخی نداشت و به شدت از آن‌ها حمایت می‌کرد. او اولین بازیگر ستاره سینما بود که داوطلب حضور در جنگ جهانی دوم شد، آن هم با اصرار فراوان! در طول جنگ فداکاری‌ها و رشادت‌های زیادی از خودش نشان داد و یک مدال هم دریافت کرد. اما بعد از جنگ دیگر فیلم جنگی بازی نکرد. تأثیرات جنگ را هم بر پختگی بازی و هم در انتخاب فیلم‌های او - که به سمت فیلم‌های سیاه‌تر رفتند - به خوبی می‌توان دید. حتی مخالف این بود که از او به عنوان قهرمان جنگ جهانی دوم یاد کنند. وقتی از او درباره جنگ سؤال می‌کردند، از جواب دادن طفره می‌رفت و یا به کل می‌گفت که سؤال در مورد جنگ را فراموش کنند. استوارت مثل دیگر ستاره‌های هالیوود به هیچ وجه در قید و بند تجملات نبود. هرگز به عمل جراحی زیبایی تن نداد. لباس‌هایی که می‌پوشید و ماشین‌هایی که سوار می‌شد معمولی بودند. برای همین به او لقب قهرمان معمولی دادند. هر کسی او را با آن سر و وضع

«امید» همان قدر برای انسانها اهمیت دارد که بال برای پرندگان. توماس ادیسون

بعد از ۵ سال حکمی داده اند که قانع کننده نیست. الان به برادر شوهر من که خواستگار من و باعث این اسیدپاشی بوده است، ۱۰ سال حکم داده اند، بدون اینکه هیچ دیه‌ای به من تعلق بگیرد. من که با اعدام مخالف هستم، دیه

هم پرداخت نمی‌کنند، پس چه طور زندگی را بگذرانم؟ فردی که روی من اسید پاشیده، معلم است و دارد درس می‌دهد. پس این چه قانونی است؟ این فرد در کلاس‌ها درس اسیدپاشی می‌دهد؟»

منبع: ایران وایر



ادامه مطلب **داعش چطور...** از صفحه ۳۸

منفجره اقدام به حفاری کرده است.

**حقوق کارمندان دولتی و بازنشستگان**

**عراقی:** داعش حتی از دولت بغداد مستمری دریافت می کند. کارمندان و بازنشستگان دولت و نیروهای مسلح عراق که در مناطق تحت اشغال داعش زندگی می کنند هنوز می توانند حقوق خود را دریافت کنند. دولت عراق کوشیده است بانک های عراقی مناطق تحت اشغال داعش را از چرخه مبادلات بانکی خارج کند و به مستمری بگیرانش در موصل از طریق بانک های موصل پرداختی نکند. با این حال این افراد به کرکوک می روند تا حقوق خود را از حساب های دولتی در بانک های این شهر به طور نقدی دریافت کنند. در بازگشت به محل سکونت شان، داعش تا ۵۰ درصد این حقوق را بعنوان مالیات و در واقع بهای امنیت اعضای خانواده این افراد دریافت می کند. درآمد داعش از محل پرداخت های دولت عراق به مستمری بگیرانش به صدها میلیون دلار در سال می رسد.

**۲. آدم ربایی:** داعش صدها فرد بیگناه، شهروندان عراقی و سریانی، مسیحیان، ایزدی ها، اعضای فرق دیگر، شهروندان کشورهای غربی و آسیایی را در ماه های گذشته برده است. این گروه حتی گروگان های گروه های دیگر را از آنها می خرد. هدف یا دریافت خونیه برای آزاد کردن این افراد است یا قتل شنیع آنها برای فرستادن پیامی سیاسی. FATF تخمین می زند که این گروه تنها در سال میلادی ۲۰۱۳ از ۲۰ تا ۴۵ میلیون دلار از طریق آدم ربایی درآمد کسب کرده است. این سازمان از طریق قطعنامه های ۲۱۳۳ و ۲۱۷۰ شورای امنیت سازمان ملل کوشیده است تا جلوی انتقال خون بهای به این گروه را بگیرد ولی خانواده ها و افراد حقیقی همیشه راهی برای نجات عزیزان شان می یابند. از این نظر داعش بهره برداری از جنایت برای بقا را به بعد جدیدی گسترش داده و آن را به یک صنعت چند ده میلیون دلاری با شبکه ای از واسطه ها و پیکها تبدیل کرده است.

**۳. سازمان های خیریه و داعش: واقعیت**

اینجاست که جوامع مسلمانان ساکن اروپای غربی خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه از فعالیت های داعش حمایت مالی کرده اند. این سازمان با استفاده از پوشش سازمان های خیریه ضمن تامین هزینه جنگجویان و مزدورانش توانسته منابع مالی مورد نیازش را در بانک های اروپایی جابجا کند. این درست است که در مقایسه با سایر منابع درآمدی این گروه تروریستی حجم این کمک ها زیاد نیست ولی وجود آنها راهی

سازمان فائو وابسته به سازمان ملل متحد تخمین می زند که ۴۰ درصد محصول گندم عراق در حال حاضر در اراضی تحت اشغال داعش کاشت و برداشت می شود. این گروه تروریستی همچنین کنترل سیلوهای گندم و غلات دیگر را در عراق به دست گرفته و با تهدید کارکنان و مهندسان فعال در این سیلوها آنها را وادار به همکاری کرده است. در برخی موارد سیلو در ظاهر وابسته به دولت است ولی در واقعیت عضو از شبکه مبادلات اقتصادی داعش است. تخمین زده می شود که این سازمان از ۱۳۹۳ کنترل ۱۴ سیلوی عراق از جمله سیلوی مخمور، بزرگترین سیلوی این کشور و محل نگهداری هشت درصد برداشت سالانه غله در عراق را بدست گرفته است. **صنایع و کارخانه ها:** از کارخانه سیمان رقه سوریه تا معدن فسفات عکاشات و کارخانه القائم در استان انبار عراق داعش در حال بهره برداری از تولیدات مناطق مختلف برای کسب درآمد است. درآمد این گروه تروریستی از این کارخانجات به چند صد میلیون دلار در سال می رسد ولی فقدان گروه های قاچاق برای همکاری با داعش برای انتقال سیمان، فسفات یا حتی نمک تولید شده در معدن تبابی سوریه باعث شده تا درآمد حاصل حداکثر ممکن نباشد. ولی داعش هم از صنایع برای ایجاد اشتغال بهره می برد و هم با قاچاق محصولات آنها یک بازیگر عمده در اقتصاد زیرزمینی خاورمیانه است. از این منظر داعش حلقه پولشویی در منطقه را با تامین کالا در بازارهای زیرزمینی خاورمیانه کامل کرده است.

**قاچاق عتیقه و آثار باستانی:** این گروه که با بی رحمی آثار تاریخی و باستانی کم نظیری را منهدم کرده و می کند، از موزه ها و بقایای این آثار برای کسب درآمد استفاده می کند. تنها فروش عتیقه جات دزدیده شد از شهرهای سوریه از طریق قاچاقچیان عتیقه در جهان، ده ها میلیون دلار درآمد برای این گروه ایجاد کرده است. این گروه در سودجویی از آثار باستانی منطقه تنها نیست. قاچاقچیان و دلالان عتیقه در همه مناطق سوریه و عراق مشغول هستند و طیف وسیعی از افراد مختلف از دولتمردان فاسد تا نیروهای مسلح دولتی و شورشی با آنها همکاری می کنند. آنچه که داعش را متمایز می کند، استفاده انحصاری داعش از درآمد حاصل از قاچاق اشیای باستانی برای تضمین بقای حکومت وحشت و فعالیت های تروریستی اش است. این گروه ۴۵۰۰ منطقه باستانی را در تصرف دارد و در بیشتر آنها حداقل یکبار با استفاده از مواد

برای نفوذ این گروه به شبکه نظام جهانی بانکی شده است. اطلاعات FATF نشان می دهد که داعش حامیان مالی منطقه ای دارد که بیشتر ساکن کشورهای عرب حوزه خلیج فارس هستند ولی حامیان محدود به حاشیه خلیج فارس نیستند. بعنوان نمونه در سال ۲۰۱۲ داعش با استفاده از یک بانک ایتالیایی که به ارائه خدمات بانکی بشردوستانه در سوریه مشغول بود، به داوطلبان پیوستن به داعش و سفر به سوریه هزینه سفر پرداخت می کرد. این بانک با دریافت کمک های نقدی از مردم آنها را از طریق شبکه بانکی به ترکیه ارسال می کرد. سپرده گذاران و دریافت کنندگان این کمک ها می توانستند این مبالغ را از بانک مقصد بطور نقدی برداشت کنند. تحقیقات نشان داد یکی از حامیان اصلی این برنامه یک عضو یک گروه تروریستی افراطی در شمال ایتالیا بوده و این مبالغ برای جذب نیرو برای داعش و پرداخت هزینه های سفر تروریستهای داوطلب پیوستن به داعش مورد استفاده قرار گرفته اند. گزارش FATF همچنین مواردی را آشکار می کند که اعضا و هواداران داعش با تاسیس سازمان های خیریه دروغین اقدام به جابجایی مبالغ هنگفتی در سیستم بانکی کرده اند. این مبالغ بعد از جمع آوری تحت عناوین مختلف به صورت نقدینگی از سیستم بانکی خارج و وارد کارتهای اعتباری یا حسابهای الکترونیکی شده است. سپس این کارت ها برای پرداخت هزینه های داعش یا تامین هزینه زندگی خانواده های تروریست های فعال در این سازمان مورد استفاده قرار گرفته اند.

**۴. حمایت مادی از جنگجویان تروریست**

**تابع کشورهای دیگر:** منظور از حمایت مادی در اینجا استفاده از دارایی ها و نقدینگی شامل املاک و اموال و کالاهای با ارزش است. تروریست های تابع کشورهای غیر از عراق و سوریه در داعش اندک هستند ولی بخش مهمی از منابع مالی این گروه را تامین و مصرف می کنند. این تروریست ها معمولاً از کمک های مالی در کشور محل سکونت شان برای پرداخت هزینه های سفرشان استفاده می کنند. در بیش از یک مورد گروهی از مسلمانان ساکن یک کشور، هزینه های سفر یک تروریست به مناطق تحت اشغال داعش را تامین کرده اند. بنا به اطلاعات موجود از دی ماه سال ۱۳۹۳ حداقل ۱۹۰۰۰ جنگجوی خارجی از بیش از ۹۰ کشور برای پیوستن به داعش سفر کرده اند. مهمترین کارکرد اقتصادی این گروه از تروریست های چند ملیتی برای داعش، حساب های بانکی آنها در کشورهای محل سکونت شان است. اعضای غیربومی

داعش به این گروه تروریستی این امکان را می دهند که در سیستم بانکی حضور داشته باشد و مبالغ مختلفی را به اشخاص و افراد گوناگون ارسال کند. داعش با وجود جنایت هایش از نظام بانکی جهان از طریق این اشخاص ثالث استفاده می کند.

**شیوه های جابجایی پول و وجوه**

۱. داعش از طریق شعب بانک های عراقی و سریانی در مناطق تحت اشغالش در عراق و سوریه به شبکه جهانی بانکی متصل است. دولت عراق کوشیده است این بانک ها را از شبکه خارج کند و جلوی نقل و انتقال پول و ارسال حواله های نقدی را از طریق آنها بگیرد. بسیاری از این شعب حذف شده اند یا در سیستم به بغداد تغییر مکان داده اند.

۲. شرکت های زیادی در عراق و سوریه خدمات انتقال ارزش پول بدون انتقال پول را ارائه می کنند. این شرکت ها حواله ارسال نمی کنند و بانک نیستند ولی با ارسال پیام یک معامله را تضمین می کنند یا بهای مورد نیاز را از طریق حساب های بانکی شان پرداخت می کنند. از آنجایی که بسیاری از شهروندان عادی عراقی یا سریانی دارای حساب بانکی نیستند، مشتریان بسیاری از این شرکت ها، افراد عادی هستند که عضو داعش نیستند. با اینحال داعش از شبکه این شرکت ها برای پرداخت هزینه های کالاها و تجهیزات موردنیازش و جابجایی سرمایه و دارایی های مالی استفاده می کند. در بسیاری از موارد این شرکت ها به نیابت از داعش هزینه ها را پرداخت می کنند و کمک های ارسالی برای داعش را دریافت می کنند. در نتیجه در یک معامله بدون آنکه اسمی از داعش باشد، این گروه تروریستی می توان دینفع اصلی باشد. ۳. حمل پول نقد با چمدان و از طریق مسافران بین المللی یک روش شناخته شده قاچاق پول است. داعش از افراد زیادی بعنوان پیک پول استفاده می کند. دولت بریتانیا متوجه افزایش ترافیک کسانی شده است که بطور فیزیکی پول نقد را از مرزها رد می کنند. در یک مورد در بازرسی یک مسافر ورودی به استانبول از یک کشور اروپایی که ۴ چمدان بزرگ و دو ساک دستی به همراه داشت، ۳۵۰۰ یورو پول نقد، چندین جفت چکمه نظامی، شلوار، تی شرت با آرم داعش، چراغ قوه و لباس گرم کشف شد. او به کشور محل سکونتش بازگردانده شد و در لیست ممنوع الوردین ترکیه قرار گرفت. در حال حاضر بنظر می رسد قاچاق پول و طلا توسط داعش بعد جدیدی به پولشویی در خاورمیانه اضافه کرده و این صنعت پرسود و مفسده انگیز را به سطح جدیدی رسانده است.

ادامه مطلب **خاطرات زمان... از صفحه ۳۷**

من هم برای آنکه با دوستم راحت باشم و مدام زیر نظر مردم، برای هر حرکتی لباس شخصی بتن کردم و بدیدن دوستم رفتم. در حین گردش در خیابان، پرسیدم کجا دوست داری برویم؟ او هم انگار منتظر این سؤال بود. پرسید: آیا میدانی که امشب در دانشکده شما جشن هنر است و گوگوش هم میاید؟ گفتم بله. منظورت چیست؟ گفت من گوگوش را دوست دارم و دلم میخواهد از نزدیک بینمش. او نمیدانست که چه خواهش پرمخاطره ای را از من میکند. تا همینجا هم که، با لباس شخصی، در خیابان با او میگردم، کفر عظمی انجام داده ام، چه برسد که با همین وضع، خودم را به لانه زنبور بیاندازم. اما کله شقی جوانی به من اجازه نداد که او را ملتفت سختی کار کنم و از طرفی هم، ما جوانان آن زمان، معتقد به این بودیم که مرد آنست که خواسته دلدارش را به هر قیمت برآورده کند ولو به خطر بیافتد. آنطوری که سعدی نصیحتمان کرده بود که (مرد، آنست که در کشاکش دهر/ سنگ زیرین آسیا باشد). با آنکه تازه از یکماه بازداشتی، مرخص شده بودم، موافقت کردم که به دانشکده برویم که آن یار نازنین، به آرزویش برسد. دل، توی دلم نبود و مدام کسی را پشت سر خودم حس میکردم که مرا شناخته و دارد نزدیک می شود تا باز داشتم کند، اما بروی خود نمی آوردم. وقتی که به درب دانشکده نزدیک شدیم خوشبختانه شلوغ بود و خانواده های دانشجویان، گروه گروه از در عبور می کردند و وارد سالن می شدند. من هم بطوری که دوستم متوجه نشود، با پنهان کردن صورتم در پشت مردم، از جلو دانشجویانی که مسئول انتظامات بودند گذشتم و در حالی که در آن شلوغی ها، دست دوستم را هم میکشیدم، در صف سوم صندلی ها، که هلالی چیده شده بودند و بیش از هزار صندلی بود، درست در وسط و روبروی سن، جا گرفتم تا دوستم سد و سیری به خواننده محبوبش، هم نزدیک باشد و هم خوب ببیندش. مراسم شروع شد و مجریان بسیار مشهور آن زمان، خانم فروزنده اربابی و آقای کمال الدین مستجاب الدعوه، برنامه را با خوش آمد گویی به خانواده ها آغاز کردند و هنرنمایی های هنرمندان هم به گرمی برگزار گردید. دوستم از خوشحالی سر از پانمی شناخت و با تشویق کردن های مداوم، هم توجه گوگوش و هم توجه دانشجویان انتظامات را به ما جلب کرد و با اینکارش یکبار دیگر، من را بدام انداخت. وقتی به دو سوی سالن نگاه کردم، دیدم دانشجویان انتظامات، همه مرا به یکدیگر نشان میدهند و در

ادامه مطلب **سیر و سفری... از صفحه ۱۸**

سپس شهر را به آتش می کشیدند و تمام آن را ویران می کردند. در شهر مرو متجاوز از یک میلیون و سیصد هزار نفر را به قتل رساندند و از آن وحشتناک تر واقعه نیشابور بود که چون در جنگ با مدافعان شهر «تغاجار» داماد چنگیز کشته شده بود، فرمان داد غیر از چهارصد تن پیشه ور که به اسارت بردند همه اهالی شهر را به قتل رساندند و شهر را چنان خراب کردند که هیچکس نتواند در آن زراعت کند و حتی سنگ ها و گربه ها را نیز کشتند. در این واقعه

ادامه مطلب **مردی که لباس... از صفحه ۲۴**

در این داستان که به خاطر جملات کوتاه، دیالوگ های مختصر و نبود وصف های طولانی ضرباهنگ تندی هم دارد و برای همین خوشخوان است و به سادگی می توان با آن ارتباط برقرار کرد، با مردی آشنا می شویم که «خیال های رنگین» دارد و در دنیای شاعرانه ای زندگی می کند که با دنیای شلوغ و پرهیاهوی بیرون در تناسب نیست. خانه به عنوان سرپناه معنایش را برای او از دست داده است. پیش خودش فکر می کند: «خانه ام سرد است. خانه ام خاموش است. آرامش در آن هست اما زندگی در آن نیست. همان دیوارهای سنگین است و همان درخت کاج پیر که پشت پنجره ایستاده و آبی های آسمانی را خفه کرده.»

بعدها متوجه می شویم که علاوه بر این بی خانمانی درونی او از یک بحران دیگر هم رنج می برد: همسرش به عنوان تنها تکیه گاه عاطفی او، او را ترک کرده است. مرد از تاکسی پیاده می شود، به

و اگر به همان ترتیب می دودیم، چند دقیقه طول نمی کشید که گرفتار می شدم. به انتهای کوچه که رسیدیم، متوجه شدم که درب مدرسه باز است و هنوز کلاسهای شبانه، به پایان نرسیده. دوستم را بدخل مدرسه، هل دادم و گفتم برو پشت پرده ای که در مقابل در ورودی مدرسه آویخته بودند و گفتم جایی نرو تا من برگردم. او که از همه جا بی خبر بود، بدون حرفی، رفت پشت پرده، و وارد مدرسه گردید. چیزی نمانده بود که آن همه دانشجو به من برسند. حالا که سبک شده بودم، تمام قوایم را جمع کردم و شروع به دویدن با نهایت سرعت کردم و آنها هم بدنبال من. اما دیگر شانس گرفتارم را از دست داده بودند و تلاش بیهوده می کردند. وارد سی

متری شدم و از وسط خیابان و از لابلای اتومبیل ها، جست می زدم و می گریختم و کم کم دانشجویان دیگر ترجیح دادند که تعقیب را رها کنند و چون مرا شناخته بودند، خود را آماده نمودند تا فردا، پوستم را بکنند. وقتی مطمئن شدم که آنان دست از تعقیب برداشته اند، ایستادم و آرام آرام به دنبالشان رفتم و وقتی دیدم آنها به دانشکده نزدیک شده اند، به سوی مدرسه طبری رفتم و دوستم را که در انتظار بودم، باخود بردم. قضیه را که برایش تعریف کردم، تازه دچار نگرانی شد که چه پیش خواهد آمد، و آیا دوباره مدتی همدیگر را نخواهیم دید؟ سوار تاکسی اش کردم و خود به سوی خانه مان رفتم. **زبانم در ماه آینه**



## ادامه مطلب پسته... از صفحه ۳۳

گرفته‌اند. معنی بیت مورد نظر: [ای تو که دهان کوچکت از شیرینی (کلام و بوسه) به آنچه از شیرینی قند گفته‌اند خنده تمسخر می‌زند، به خاطر خدا برای این مشتاق لبخندی شیرین بز]

## پسته خندان

با واژه پسته در هر بیت

(عطار نیشابوری، ۵۴۰ - ۶۱۸ ق)

هر که بر پسته خندان تو دندان دارد  
جان کشد پیش لب لعل تو گر جان دارد  
شکر و پسته خندان تو می‌دانی چیست  
چشم سوزن که درو چشمه حیوان دارد  
هر که را پسته خندان تو از دیده بشد  
دیده از پسته خندان تو گریان دارد  
لب خندان تو از تنگ دلی پر نمک است  
که بسی زیر نمک پسته خندان دارد  
پسته را زیر نمک از لب تو سوخت جگر  
بس لب سوخته‌ای را به چه سوزان دارد  
شکر از پسته شیرین تو شور آورده است  
که لب چون شکرت شور نمکدان دارد  
جانم از پسته پر شور تو چون پسته شود  
نمک سوختگی بر دل بریان دارد  
و آنکه از پسته تو این دل شور آورده  
با جگر پر نمک انگشت به دندان دارد  
عقل چون پسته دهن مانده مگر از هم باز  
کان چه شور است که او را شکرستان دارد  
ای بت پسته دهن بر دل و جانم یک شب  
نظری کن که دلم حال پریشان دارد  
تو مرا هر نفسی پسته صفت می‌شکنی  
دردم از حد بشد این کار چه درمان دارد  
جان بیامد به لب از پسته رعنا مرا  
فرخ آن کوب خود بر لب جانان دارد  
هیچ شک نیست که چون پسته ننگبدر در پوست  
هر که لب بر لب آن لعل بدخشان دارد  
پسته در باز کن آخر چه در بسته دهی  
که دلم کار فرو بسته فراوان دارد  
زلف برگیر که خورشید تو در سایه بماند  
پسته بگشای که یاقوت تو مرجان دارد  
با من سوخته چون پسته برون آی از پوست  
چندم از پسته خندان تو گریان دارد  
محنت از روی فرو بسته خویشم منمای  
که دل سوخته خود محنت هجران دارد  
آن خط سبز که از پسته لعل تو دمید  
تازگی گل و سرسبزی ریحان دارد  
شده این پسته تو تازه و سرسبز چراست  
مگر از اشک من سوخته باران دارد  
نه که در پسته تو حقه خضر است نهان  
آب از چشمه خورد تازه رخ از آن دارد  
دلم از ظلم خط فستقیت می‌خواهد  
تا نظلم ز تو در درگه سلطان دارد  
خسروا خاطر عطار به مداحی تو  
کف موسی ز دم عیسی عمران دارد

**دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست پسته را خون می‌شود دل تالی خندان کند**  
در ایران، معمولاً پسته را بو می‌دهند و نمک می‌زنند و به نام پسته شور مصرف می‌کنند. تشبیه دهان به پسته، نمکین بودن معشوق به شوری پسته، و شیرین زبانی او به شکر همه مضمون بدیع "شور و شیرین" یا "ملاحت و حلاوت" را پدید آورده است، با چهار بیت به ترتیب از صائب، فروغی بسطامی، عطار و خواجوی کرمانی:

**پسته شور به شکر نگرفته ست کسی چه غریب است در آن لعل شکر بار نمک**  
پسته به شکر گرفتن = نقل پسته درست کردن.  
**چون زخم دل اهل نظر تازه نماند تا پسته خندان تو حرفش نمکین است**  
چون = چگونه؟ مگر می‌شود که؟ تا = مادام که. بیت بالا به اصطلاح "نمک بر زخم پاشیدن" اشاره دارد.

**چون پسته شیرینت شوری چو شکر دارد هر لحظه به شیرینی شوری دگر انگیزد**  
**بگشا به شکر خنده لب لعل شکر ریز**  
**با پسته شیرین ز شکر شور بر انگیز**



واژه پسته چهار بار در دیوان غزلیات حافظ آمده است:

۱. **ز نهار از آن عبارت شیرین دلفریب گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت**  
(وه که چنان شیرین سخنی که انگار دهان مثل پسته تو کلمات را، مانند نقل، از شکر پوشانده است.)  
۲. **گرچه از کبر سخن با من درویش نگفت جان فدای شکرین پسته خاموش باد**  
(با آنکه از غرور و نخوت با من درویش سخن نگفت، جان من فدای همان دهان شکرین بسته‌اش باد.)

۳. **بگشا پسته خندان و شکر ریزی کن خلق را از دهن خویش مینداز به شک**  
(دهان کوچک خود باز نما و شیرین زبانی کن تا مردم به دهان داشتن تو یقین کنند.)  
۴. **ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند**

خنده زده = طعنه زده. شکر خند = خنده شیرین یا زیر لبی که در بیت زیر از حافظ نیز آمده است: جایی که یار ما به شکر خنده دم زند / ای پسته کیستی تو؟ خدا را به خود مخند. در بیت مورد نظر (ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند)، یک شکر هم به معنی یک بوسه است که در این بیت از حافظ نیز آمده: به لایه گفتمش ای ماهرخ چه باشد اگر / به یک شکر ز تو دلخسته‌ای بیاساید، و هم به معنی مقدار بسیار کم، مانند یک ارزن یا سر سوزن، است که آن را واحد شیرینی خنده یار

## ادامه مطلب انرژی مثبت... از صفحه ۳۸

گل‌ها در اتاق‌های کنفرانس خصوصاً در قسمت‌های غربی و شمالی آن بسیار توصیه می‌شود، زیرا انرژی ساطع شده از آنها باعث بهبود روابط می‌شود.

## گلهایی با انرژی فلز

گل‌های سفید و کرم خالق انرژی عنصر فلز هستند. انرژی منتشر شده از این گل‌ها در محیط، بسیار آرامش‌بخش خواهد بود. توصیه ما این است که برای اثربخشی بیشتر، این گل‌ها را به شکل ساده بپارایید. همچنین این نوع گل‌ها، برای قراردادن در مراسم‌های رسمی مثل جشن عروسی بسیار مناسب هستند.

## گلهایی با انرژی آب

گل‌های که دارای طیف‌های رنگ طوسی، آبی یا مشکی باشند، گلهایی هستند که انرژی‌های مربوط به عنصر آب را تولید می‌کنند. قرار گرفتن این گل‌ها در قسمت‌های غرب و شمال‌غربی اتاق باعث کاهش تنش‌ها و آرامش می‌شود. از دیگر ویژگی‌های انرژی منتشر شده از این نوع گل‌ها، القا کردن حس نشاط و سلامتی در محیط است؛ به خصوص اگر در قسمت شرق اتاق قرار گیرند.

## گلهایی با انرژی آتش

گل‌های قرمز و دیگر رنگ‌های گرم دارای انرژی از نوع عنصر آتش هستند. قرار دادن این گل‌ها در قسمت‌های جنوب و جنوب غربی اتاق باعث انتشار انرژی‌های بسیار موثر و خلق محیط دوستانه، حس شهرت و غرور، عشق و تحرک می‌شود. نکته دیگر اینکه رنگ‌های قرمز، صورتی و ارغوانی به طور کلی نماد انرژی عنصر آتش هستند.

## گلهایی با انرژی خاک

گل‌هایی با طیفی از رنگ‌های طلایی، نارنجی ملایم، زرد یا شکلاتی، دارای انرژی عنصر خاک هستند. عنصر خاک به نوعی از عنصر آتش پیروی می‌کند به همین دلیل رنگ گل‌هایی که انرژی این عنصر را تولید می‌کنند نزدیک به گل‌هایی است که انرژی عنصر آتش را تولید می‌کنند. رنگ نارنجی و زرد بسیار شادی‌زا هستند و وجود گل‌هایی به این رنگ در منزل، نوعی خوش‌آمدگویی به میهمانان عزیز به شمار می‌رود. این گل‌ها بهتر است در مرکزیت اتاق قرار گیرند زیرا در این صورت بیشتر می‌توانند اثربخش باشند و احساس راحتی و آرامش را القا کنند. وجود این نوع

## ادامه مطلب آشنایی با برخی... از صفحه ۳۸

و از خود دفاع نمایند،  
۳. تعقیب توسط هواپیما یا هلی‌کوپتر و گزارش سرعت به واحد زمینی.  
۴. اندازه‌گیری سرعت با اثرات آن در یک تصادف و یا خط ترمز.  
پس از اخذ برگ جریمه ظرف چند هفته نامه‌ای به آدرس خانه شخص می‌آید و از طرف دادگاه میزان جریمه در صورت قبولی جرم مشخص می‌شود.  
**نکته:** بیست دقیقه اول بارندگی جاده‌ها لغزنده‌تر از هر موقع دیگر است زیرا روغن‌های ریخته شده در جاده و خاک شناور می‌شوند.

## ادامه مطلب جمشید آموزگار... از صفحه ۱

او سابقه وزارت بهداشت، کشور، کار، کشاورزی، دارایی و در نهایت، نخست وزیر کشور را در کارنامه خود دارد. در سال ۱۳۴۶ کارشناس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود. در همین سال به ریاست مجمع سالانه این بانک برگزیده می‌شود. تدوین و تصویب نخستین قانون کار کشور، لوایح قوانین امور استخدامی، تلاش در جهت تثبیت قیمت نفت ایران و تزیق درآمدهای حاصل از فروش نفت به ارکان و زیر ساخت‌های اقتصادی کشور، خاصه اقتصاد کشاورزی ایران از جمله اقدامات در دوره نخست وزیری او در فاصله سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ بود.

چون اگر کسی جریمه شود، امکان دسترسی به اتومبیل سایر افراد خانواده را دارد. پس ممکن است هزینه بیمه تمام افراد خانواده، افزایش یابد. همچنین قابل توجه است که پلیس برای اثبات سرعت شما یکی از روش‌های زیر را باید اتخاذ کند:

۱. تعقیب برای ۴۰۰ متر و اندازه‌گیری سرعت با سرعت‌شمار ماشین پلیس، در این حالت ماشین پلیس این تعقیب را در نقطه کور ماشین شما انجام می‌دهد که دیده نشود.  
۲. استفاده از رادار درانندگان نیز می‌توانند از کاشف رادار استفاده کرده

او تحصیل در رشته‌های حقوق و اقتصاد دانشگاه تهران را رها کرد و به آمریکا رفت. در دانشگاه کرنل لیسانس مهندسی راه و ساختمان را گرفت. در رشته مهندسی هیدرولیک در دانشگاه واشنگتن ادامه تحصیل داد و با اخذ مدرک دکترا از آنجا فارغ التحصیل شد.

در سال ۱۳۲۸ فعالیت‌های اجرایی خود را با سمت کارشناسی در سازمان ملل آغاز کرد. سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت و دو سال بعد، معاون مهندسی وزارت بهداشت شد و پس از آن به مدت بیش از هفده سال در کابینه‌های دکتر منوچهر اقبال، حسنعلی منصور و هویدا فعالیت داشت.

## ادامه مطلب یادداشتهای بی تاریخ... از صفحه ۵

می‌تپید چنانکه پنداشتی مرغی سرکنده در آنجا دست و پا می‌زند.

هیچوقت نشده بود که من بتوانم درست حساب کنم حوضی دایره شکل به قطر دو متر و عمق سه متر... با یک زیرآب و سه فواره اگر هر سه فواره که در هر دقیقه آنقدر متر مکعب آب وارد حوض می‌کنند و زیرآب که در هر دقیقه آنقدر متر مکعب آب از حوض خارج می‌سازد با هم به کار بیفتند حوض کی پر خواهد شد؟ کابوس حوض و زیرآب و فواره هنوز هم در پیرانه‌سری مرا رها نکرده است و هر کجا که فواره‌های می‌بینم در پی زیرآبی هستم. به این جهت هرگز از فواره‌های رنگین میدان‌های این همه شهر که بر گرد عالم دیده‌ام، لذت نبرده‌ام.

## تارزان‌های کوچک

روز اول مدرسه، ما از حوادث تابستان برای هم حرف می‌زدیم. همه تارزان‌های کوچکی بودیم تاب‌خوران بر شاخه بی‌خبری در جنگل آزادگی‌ها و رها از کابوس تیره و تاریک نه ماه مدرسه. هر یک در عالم خیال حادثه‌ای برای خود می‌آفریدیم تا وقتی به مدرسه بازمی‌گشتیم دوباره آن را برای هم‌کلاس‌ان خود نقل کنیم. شهرستانی‌ها جهان‌دیده‌تر و دروغگوتر بودند. بچه‌های یزد و اصفهان از هلاهل‌ی که در کنار کویر سر در پی اتوبوس‌شان گذاشته بود تا کاسه زهرش را به اتوبوس آنها بپاشد و خاکسترشان کند؛ می‌گفتند و از مهارت شوfer که با یک ویراژ از چنگ هلاهل گریخته بود. و بچه‌های نیشابور و شاهرود از بزمجهای که روی کاپوت اتوبوس پریده و زبان آتشگون آتشبارش را به شیشه مالیده و شیشه را یک قلم رنگ خون کرده بود حکایت می‌کردند. آقای «گابریل گارسیا مارکز» هم حتماً در آن سال‌ها در کلمبیا مدرسه می‌رفته است و سگ‌های هار و آسمان‌های معلق را به‌خاطر دارد. اما برای ما بچه‌های تهران، بزرگترین اتفاق تابستان احتمالاً یک بار در تمام تابستان با پدر و مادر و خویشاوندان و سماور و کوکو و دل‌مه به باغ دربند یا نیوران عمو و عمه خود یا پسر دایی و دخترخاله مادر و پدر بود که با باغ ییلاقی و درخت‌های سیب و گردو و بوته‌های وحشی سماق و تمشک به تهی کیسه‌های خوپشاوند پز می‌دادند. و ما بی‌خبر از کلفت گفتن و زخم زبان زدن‌های بزرگترها دلخوش بودیم که تا عصر الک دولک بازی کرده‌ایم، جفتک چهارکش زده‌ایم و دزدانه و دور از چشم باغبان گردو چیده و شکسته و دست سیاه کرده‌ایم و یا پیراهن سفید خود را که از شاه‌توت لک شده بود از چشم مادر تا خانه پنهان نگاه‌داشته‌ایم.

در اولین روز ماه مهر اولین سال، وقتی

از کودگستان مختلط برسا به دبستان مختلط ناهید رفتیم، خانم معلم کتابی باز کرد و خود شروع به خواندن نمود و ما را وادار ساخت که با او هم‌آوا شویم و بخوانیم: ا، آ، او، ای، ب، ب، ب، با، بو، بی. و وقتی تلفظها درست شد و در کتاب جلوتر رفتیم، اولین جمله‌هایی که یاد گرفتیم این بود: ای بابا، ای بدبخت، ای بیچاره، از کجا می‌آیی؟ خرابه‌های ری نزدیک تهران است. سار از درخت پرید. آتش سرد شد.

و در آن سال‌ها نه بابا آب می‌داد و نه ماما نان و نه دارا اصغر شده بود و نه آذر هاجر؛ و این به سال‌ها گذشت و گذشت. معلم کم بود. مدرسه کم بود و شاگرد کم. اما یک چیزی به‌نام وجدان آموزش در معلم بود و یک عشق آمیخته به ترس و احترام به‌نام فراگیری در شاگرد.

سال‌های بعد، پی در پی هم آمدند. اول مهرها رنگ دیگری گرفت. زیرآب وجدان آموزش را مثل همان حوض مسأله آقای پاکدامن زدند و فواره تاریک توقع را به روی آب‌های تیره زیادطلبی گشودند.

دامن پاکدامن‌ها از دست رفت. معلمی شغلی حقیر شد. معلمان به فکر نان شب و فکل روز را سر کلاس‌ها فرستادیم تا شاگردان حق نفت بگیر یا مطالبان حق شهادت تربیت کنیم.

## عشق و جوانی

آه که امروز اول مهر است و من روز اول مهر سال‌های بعد به‌یادم می‌آید. دلم گرفته است. اول مهر سال‌های دبیرستانی ما طور دیگری بود. زنگ ظهر را که می‌زدند تند می‌کردیم. تقریباً می‌دیدیم که به ساعت تعطیلی دخترهای مدرسه شاهدخت یا پروین اعتصامی برسیم و آتشبازی رنگین عشق و جوانی را در آغاز پاییز تماشا کنیم. آخرین گل‌های سرخ شرمگین و فسرده از دم باد پاییز باغچه‌خانه را می‌چیدیم. اگر وضعیت مناسب بود، اگر رویمان زیاد بود، اگر دختره راه می‌داد، یواشکی گل خجول را کف دستش بگذاریم و یک مرسی بشنویم؛ و شب هنگام در خواب خوش این تشکر شرم‌آکین غوطه‌ور شویم و خواب خیس ببینیم. عصرها جلو خانه‌ها یا توی هشتی‌ها جمع می‌شدیم. درباره سیاست حرف می‌زدیم. از شاه می‌گفتیم، از مصدق، از حزب توده و گاهی دست به یقه می‌شدیم. زنده‌باد و مرده باد سر می‌دادیم. اما عصر پنجشنبه که طناب والیبال را در عرض کوچی می‌بستیم همه آن حرف‌ها با یک سرو و یک آبشار دود و آب می‌شد.

جلو مسجدشاه کتاب‌های سال پیش را می‌فروختیم و کتاب‌های سال تازه را

می‌خریدیم. بچه‌های زرنگی که بعداً کاسبی پیشه کردند همواره گران می‌فروختند و ارزان می‌خریدند و ما دریغا که همه عمر ارزان فروختیم.

یادم می‌آید دست‌های جوهری، چوب خوردن‌ها، از مدرسه فرار کردن‌ها، شعر «مریم» تولی را خواندن و به‌خاطر سپردن:

## در نیمه‌های شامگهان

آن زمان که ماه

زرد و شکسته

می‌دمد از طرف خاوران

استاده در سیاهی شب

مریم سپید

آرام و سرگران

یادم می‌آید. خوب یادم می‌آید بزرگترین میدان تهران بهارستان بود با «عدل مظفر» و سرشار از زنده‌باد و مرده‌باد.

نه میدان نیایش داشتیم، نه مصلی، نه مسجد به دانشگاه رفته بود و نه دانشگاه را دست بسته تحویل مسجد داده بودند. عشق عابر نجیب پیاده‌روها بود.

و اما حالا دیگر اول مهر روز باز گفتن شرح شیطنت‌ها نیست. روز شرحه شرحه از فراق سرودن است با لبی پر از شرح درد اشتیاق.

امروز پنجشنبه اول مهر است. آن روزها پنجشنبه نصفه‌روز بود. امسال شاید مدرسه‌ها را روز شنبه باز کنند. خوشا به حال بچه کوچولو‌هایی که دو روز دیگر هم می‌توانند کنار جوی آب محله قایق‌های کاغذی آرزوهایشان را به آب ببندازند.

دلم گرفته است. برای بعد از ظهر نیمه‌آفتابی و خاکی پاییز تهران، برای کوچها، برای بچه‌ها، برای دخترهایی که کمر ورنی روی روپوش مدرسه را آنقدر تنگ می‌بستند که آدم می‌ترسید از وسط به دو نیم شوند. دلم تنگ است برای کتاب‌هایی که بوی سرب و مرکب تازه می‌دهد. برای تابلو سیاه و کوچک دبستان دولتی ادب یا دبیرستان بدر در کوچه نصیرالدوله با شیر و خورشید سفید روی آن و آن پیام پیامبرانه پیر توس که:

توانا بود هر که دانا بود

خود را ملامت می‌کنم که چه نادانم که توانا نیستم؛ که اگر دانا بودم توانا می‌شدم و از قول آقای پاکدامن معلم حسامی می‌گفتم: ببندید زیرآب ناباوری را و بگشایید فواره بقین را.

دلم برای مرکب، برای قزق قلم نی روی کاغذ سفید، برای بوی لیکه دوات، برای آقای خط تنگ شده است. پیرمرد دفتر مشق درشت ما را روی زانو می‌گذاشت و سرمشقمان می‌داد: با دوستان مروت، با دشمنان مدارا



## ادامه مطلب ورزش از نگاه ... از صفحه ۱۴

هدف برپایی خدمات مردمی است که اقتصاد محلی را رونق بخشد. مردم انتقاد می کنند که چرا بروی تپه ها تله کابین و ورزشگاه های کوچک مثل سالن ورزش و غیره می سازند در حالیکه آنها نیازمند مدرسه، بیمارستان و سرویس های بهداشتی هستند. اما صدای مردم به جایی نمی رسد وقتی که آنها را از توی زاغه هایشان بیرون ریخته اند، آنها هم بخاطر بهانه هایی بی ارزش. آنها سعی دارند دیدگاه های خوبی در بالای تپه های شهر ریو بسازند. برای ساکنان پاکسازی طعم تلخی را به همراه داشته است. آیا این آپارتمان های سر به فلک کشیده روی تپه ها که زیبایی ریو را دو چندان کرده است بعد از بازیهای پارالمپیک به زاغه نشینان پس داده خواهد شد؟ برخی از تغییرات اجتماعی و سیاسی چشم گیرند. اما سر و صداها هم چنان بلند است «ما زاغه های خود را می خواهیم».

مردم باید بعد از این بازی ها کارهای قانونی داشته باشند و دیگر دلیلی نیست که آدرس های خود را مخفی نگاه دارند. آیا این روش برای دور نگاه داشتن جوانان از قاچاق مواد مخدر کافی است؟

آقای رویم سزار مدیر سازمان غیر حکومتی زنده باد ریو که از بیست سال پیش در زاغه ها فعال بوده است می گوید که قاچاق تنها ارتباطش با پول نیست بلکه با قدرت هم هست. پاک سازی با جمع آوری اسلحه ها سلول های قدرت را از بین برد و جذابیت کار قاچاق را کم کرد.

قاچاقچی ها و خانواده هایشان با گذشت زمان جذب بروشورها، نمایشگاه ها و ضمیمه های تبلیغاتی و کارهای ایجاد شده برای جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴ و المپیک ۲۰۱۶ می شوند و بانک ها هم چنان پول تزریق می کنند. به پشتوانه تزریق های کلان پول دولتی بانک ها مجددا رنگ و روئی یافته اند. آنها حتی از دل بحران های مالی بزرگتر و قدرتمندتر از گذشته بیرون آمده اند و بیش از همیشه آماده برای گروگان گیری دولت به هنگام طوفان بعدی خواهند بود. از سالهای پیش در همه جاهای دنیا بدهی های دولتی ایزاری است فکری بر کم کردن اثر حمایت های اجتماعی، رفتاری نامتعهدانه که با کاهش درآمد دولتی و سردادن بانک اوایل هزینه

های مربوط به رفاه در دولت ها را جذب می کند.

در سال ۲۰۰۳ معاون رئیس جمهور آمریکا آقای دیک چینی خطاب به وزیر اقتصادش که از کاهش مجدد مالیات ها نگران بود گفت «پرزیدنت ریگان ثابت کرد که بدهی دولتی بی اهمیت است». منظور آقای چینی این بود که محدودیت های بودجه دولتی بر دوش کسانی سنگینی می کند که بعد از آنها به قدرت می رسند. این را وقتی آقای اوباما بعد از پرزیدنت بوش به قدرت رسید، دیدیم. حالا سالهای ۲۰۰۱ است و خانم دیلما وانا روسف اولین زن اقتصاد دانی که در برزیل به قدرت رسیده است در دانشگاه ها فریاد می کند دموکراسی برای ما مثل کپسول های اکسیژن است. خانمی که عاشق ورزش است و هر روز صبح قبل از به کار رفتن با دوچرخه اش به میان مردم می رود و دست تکان می دهد، سپس به خانه بر می گردد، دوش می گیرد و به سرکار می رود. برزیل بازسای جام جهانی فوتبال را برگزار می کند اما چیزی که تاسف آنها را برانگیزد شکست وحشتناک آنها در برابر آلمان هاست. خانم رئیس جمهور نمی تواند جام را در خانه و در ویتترین افتخارات برزیل نگاه دارد و در جایگاه آن را تقدیم آلمان ها و خانم مرکل که خیلی دوست دارد مثل او باشد می کند.

سیاستمداران مخالف خانم رسف بیچار نمی نشینند. آنها درست در روزهایی که المپیک در جریان است و آمریکایی ها مدال ها را درو می کنند و با مایکل فلیس تاریخ را می نویسند، در کنگره آقای روماریو، فوتبالیست سابق که هرگز در دوران بازیگری اش از ساعت دو بعداز نیمه شب بعد از بسته شدن بارها به خانه نمی آمد و حالا نماینده پارلمان است. در حالی که سیاستمداران کهنه او را در بر گرفته اند و به impeach کردن خانم دیلما روسف رأی مثبت می دهد. یک سناتور آن را تلخ ترین روز دموکراسی جوان برزیل می خواند و مخالفان با ۵۵ رأی برنده می شوند. بهانه آنها مشکلات اقتصادی و تزریق پول های دولتی برای برگزاری بازیها بود. برای زنی که خود اقتصاد خوانده بود، در آخرین روز قدرت در حالی که هنوز المپیک به پایان نرسیده بود از کار برکنار شد.

## ادامه مطلب دختران، مادران ... از صفحه ۱۵

سینا، برادر ثنا و ثمین، برخلاف خواهرها، پر جنب و جوش و بسیار کنجکاو است طوری که اطرافیان او را «سینا جست و جو» صدا می زنند. او علاقه بسیاری به مطالعه دارد، شجاع است و در میان اسباب بازی های خود تیر و کمان دارد یا سوار دوچرخه است. در ابتدای دفتری که سینا روی آن تصویری کشیده، نامه ای از قول پدر نوشته شده که او را تشویق می کند درس بخواند و از خانواده حمایت کند.

ثمین که خواهر کوچک آنها است، دختری بازیگوش است که دوست دارد کارهای ثنا را انجام دهد. او هم با مقنعه و روسری های رنگی در کنار خواهرش است. نکته جالب روی این لوازم التحریر که شامل کیف، کتاب، دفتر، پاک کن، خط کش، جامدادی و حتی برچسب است، نقش دختران، داخل خانه و پسر، خارج از خانه طرح شده است. سینا باهوش است، ورزش های مختلف را

ممتحن می کند، در آزمایشگاه است و دکتر و مهندس می شود، در حالی که ثنا و ثمین در خانه هستند، شیرینی درست می کنند، نماز می خوانند و تسبیح می چرخانند. البته این سه شخصیت در کنار خانواده خود فراتر از لوازم التحریر، قرار است در قالب انیمیشن و بازی هم ارایه شوند؛ برنامه هایی که شاید به قصد طراحان آن که آموزش دختران به نشستن در خانه و پیروی از حجاب اجباری حکومتی است، کمک بیش تری می کند. همین حالا در برخی از فروشگاه هایی که این لوازم التحریرها را می فروشند، غرفه ای به نام «حجاب» وجود دارد که با شعارهای مربوط به حفظ حجاب، لباس های گشاد و بلند و چادرهای ملی را در اندازه دختر بچه ها به فروش می رسانند؛ چادرهایی که زن شدن را از سن کم به دخترها بچه ها تحمیل می کند.

## ادامه مطلب شیرین در خسرو ... از صفحه ۱۲

گونگون آراسته است. زمانی معشوقی دلفریب و وسوسه انگیزست و زمانی دیگر چون در میدان چوگان هم گام با خسرو گوی می بازد، چنان گوی از کف شاه می رباید که همگان را انگشت حیرت بر دهان می ماند و به این سان در جایگاههای گونگون با شخصیتی متضاد حیرت دیگران را بر می انگیزد. در تمام اوقات شیرین همه وقت خود را برای سرگرم ساختن خسرو به کار می گیرد، از لباس دلیری تا شجاعت تا افسانه سرایی او را مشغول می دارد در ضمن گرچه در کنار خسرو لبریز از عشق او سر از پای نمی شناسد اما در دل رویای ملکه ایران شدن و همراه خسرو در مداین حکم راندن را نیز در سر می پروراند به این مناسبت گرچه دوری از خسرو برایش سخت و طاقت فرساست اما برای سفری کردن خسرو و بازگشت او به مداین حيله ها برانگیخت تا دوباره وی به جایگاه تخت سلطنت بازگرداند و بعدها، خود بر اریکه حکومت ایران زمین در کنار خسرو تکیه زند.

زندان در شماره آئینه

در انتخابات گذشته ببینند، و حالا آقای مایکل تمر معاون او رئیس جمهور شده است. آمریکایی ها مدال های طلا را درو کرده اند. بعد از المپیک، بازیهای پارالمپیک برگزار شد و این بار نوبت چینی ها بود که همه مدال ها را بخانه ببرند. حالا آیا زاغه نشین ها به آپارتمان های تازه ساخته شده باز می گردند و آیا قاچاقچی ها نیز دوباره به قدرت خود دست می یابند؟!

## یکی را دست شاهی تاج داده

یکی صد تاج را تاراج داده

یکی را سنبل از گل بر کشید

یکی را گرد گل سنبل دیدم

یکی از طوق خود مه را شکسته

یکی مه را ز غیغ طوق بسته

در این دیدار زبان گشودند و از نام و نشان یکدیگر پرسیدند و چون از نشان یکدیگر آگاه شدند به خاک افتادند و سجده شکر به جا آوردند و سپس چون نزدیک نواحی اطراف منزلگاه شیرین بودند، شیرین خسرو را به منزلگاه خویش دعوت کرد و گفت:

اگر تشریف شد ما را نوازد

کمر بندد رهی، گردن فرازد

اگر بر فرش موری بگذرد پیل

فتد افتاده ای را جامه در نیل

و به این صورت خسرو قدم در منزلگاه شیرین نهاد، هر دوی آنها دل در گرو دیگری داشتند و هر دو از بازیافتن یکدیگر سر از پای نمی شناختند. شیرین داستان نظامی شاهزاده ایست که به زیور های

او در آخرین روز قدرت دور از چشمان مردم در خانه نشست و به جای آنکه مثل هر روز دوچرخه سوار شود و به میان مردم برود، در خانه ماند، پیاده روی کوتاهی کرد و از تلویزیون اطاق نشیمن بازی ها را تماشا کرد، بازیهایی را که برای انجام دادن آن آنها پیراهن دریده بود و در حقیقت او قربانی سیاست مداران کهنه کاری شد که هنوز قادر نبودند برگزیده شدن او را

ادامه مطلب **یک سینه سخن** ... از صفحه ۸

سالی یکبار سهم امام و خمس و شاید هم ذکاتش را باید بدهد. همه این حساب را چنان دقیق می داند و پرداخت می کند که هیچ کامپیوتری به گردش نمی رسد. چند روز پیش عاشورای حسینی بود حاج خانم به دنبال کسی می گشت که صد دلار بگیرد و فوری در ایران ریال بدهد به مسئول حسینی محل که برای آش نذری نخود و لوبیا و گوشت بخزند. البته مبلغش زیاد نبود فقط صد دلار بود. اما بالاخره آش خورهای محله حاج خانم در تهران حق دارند از پولی که دولت آمریکا میدهد حداقل آشی بخورند و دعائی برای سلامت حاج خانم بکنند و یک مرگ بر آمریکا هم در صحن شبستان مسجد نثار شیطان بزرگ بکنند. امیدوارم خیال نکنید که بنده میخواهم فکاهی نویسی کنم، نه والله این نوشته حقیقت دارد.

ادامه مطلب **مروری کوتاه بر** ... از صفحه ۱۱

شراکت معمولی خواهد بود که در آن تمامی شرکا در قبال اعمال یکدیگر مسئولیت قانونی (Liability) دارند. باتوجه به جزئیات قانونی و پیچیدگی های مربوط به شراکت، توصیه می شود که پیش از تشکیل یک شراکت با یک وکیل آشنا در این زمینه مشورت نمایید.

ادامه مطلب **منطقه فضول آباد** ... از صفحه ۱۹

و جوهر سبز در آن کتاب برایم نوشت: «خویش محترم، امیدوارم ناچیزی هدیه را قوت مطالب جبران کند.» حیف این یادگاری را دوستی از من گرفت که بخواند و دیگر به من پس نداد و آن را حاشا کرد. من و تو نباید چنین باشیم. باید به سهم خود به ترویج کتابخوانی کمک کنیم. در سفری که امسال به تورنتو داشتم دیدم یکی در حیاط جلو خانه اش قفسه ای بر پایه ای نصب کرده و در آن کتاب چیده برای هر کسی که دوست دارد کتاب بخواند. در ایران خودمان در یکی از شهرستانها نانوائی جلو مغازه اش یک قفسه کتاب گذاشته تا مشتریان اگر دوست داشتند کتاب بخوانند. بهرحال اگر بخواهیم، ترویج کتابخوانی مشکل نیست. این را هم بگویم که کتاب یک کالای تزیینی نیست که آن را بگذاریم در قفسه ای و درش را قفل کنیم. بهرحال هر کتابی که چراغیست حرفی دارد. آیا من و تو نباید بشنویم؟

خُب تا اینجای کار هم باز به ما مربوط نیست. البته حاج خانم حُسن های دیگری هم دارد. اصلا آرایش نمی کند. لاک به ناخخش نمی زند. دست هایش را در وان حمامش که همیشه پر آب است و سه وجب و نیم در ۲۰ وجب است گر می دهد. هرگز با هیچ مردی دست نمی دهد حتی از زیر چادر. موهایش عین شبق سیاه است، البته اگر از او پرسوی چرا موی سیه می کنی می گوید برای اینکه به لباسم بخورد. خلاصه سرتان را درد نیاورم، این حاج خانم از آن حاج خانم هاست که فقط باید او را در آمریکا و شهر سن حوزه دید، وگرنه گمان نمی کنم در ایران هم بشود چنین لعبتی را پیدا کرد. همانطور که اشاره کردم فقط این خانم یک عیب دارد. او از دولت آمریکا حقوق و خانه مجانی می گیرد. البته پول خدمتکار هم می گیرد. این پول ها را جمع میکند چون

برخلاف یک شراکت معمولی (General Partnership)، که برای تشکیل آن نیازی به ثبت آن در هیچ نهاد دولتی نیست، یک شراکت با مسئولیت محدود را باید در ایالت کالیفرنیا با کامل کردن مدارک مربوط ثبت نمود. در غیر اینصورت، حتی در صورت توافق میان شرکا، شراکت مربوطه یک

متاسفانه این قهرمان تیم ملی نتوانست به موقع او را در هوا بگیرد. دخترم زمین خورد نهایتاً فلج شد.»

این خاطره تلخ را در این شماره نوشتیم که دوستان و گرامیان خواننده با این شیوه با کودکان بازی نکنند. خطر در کمین است یک نمونه اش را دیدم و گفتم.

کتاب **ها را زندانی نکنید**

در فیس بوکم نوشته بودم که اگر در خانه کتاب دارید آنها را در انباری زندانی نکنید. بدهید به کسی که دلش برای خواندن کتاب پر می زند. آنهاهی که رنجنامه و عرق ریزان ذهنی و فکری اهل قلم را می شناسند دانایی را بجان ارج می نهند. یادمه نوروزی بدیدن رسول پرویزی نویسنده کتاب «شلوارهای وصله دار» رفته بودم. می دانست در آن سالها دانشجوی فلسفه در دانشگاه تهران هستم. به عنوان عیدانه کتاب معتبر و بالارزش «لذات فلسفه» اثر ویل دورانت را به من مرحمت فرمود و با خط زیباش

ادامه مطلب **دریازه شعر منثور** ... از صفحه ۶

خالی قافیه در شعر دارد. بعضی معاصران ما «شعر سپید» را به جای «شعر منثور» گرفته اند که درست نیست. بیشترین آثار احمد شاملو از نوع «شعر منثور» است که موسیقی کناری و موسیقی معنوی و موسیقی درونی کلمات جای موسیقی بیرونی (عروض) را گرفته است. در اصطلاح اروپایی نوعی ساختار منظوم است به نظم غیر عروضی و غالباً بدون قافیه.

شعر آزاد (به انگلیسی free verse، به فرانسه verse libre) شامل مجموعه ای از مصراع های نامتساوی است. واحد شعر در شعر آزاد یک مصراع نیست بلکه یک «بند» است، اما در شعر معاصر فارسی آنچه را بیرون از عروض سنتی شعر فارسی است شعر آزاد گفته اند. در شعر آزاد نیمایی وزن عروضی بر اساس کمیت اصوات گفتار حفظ شده و مصراع ها به اقتضای معنی کوتاه و بلند می شود و قافیه مرتب نیست.

(۲) ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ۱۳۵۹، ص ۹۳

(۳) پرویز ناتل خانلری، هفتاد سخن، شعر و هنر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۵۲

(۴) «زیبایی شناسی» را در فارسی برابر «aesthetics» آورده اند و شفیع کدکنی آن را «جمال شناسی» اصطلاح کرده است. اما حقیقت این است که مباحث این دانش تنها به زیبایی و زشتی اختصاص ندارد و دامنه اش فراخ تر است. شاید «ذوقیات» برای «استتیک»، مثل «اخلاقیات» برابر «اتیک» بی تناسب نباشد. اما به هر حال واژه استتیک از ریشه aesthetic در معنی «ادراک حس» آمده و بهتر است همین معادل مصطلح جهانی «استتیک» را هم ما در فارسی به کار ببریم.

(۵) شفیع کدکنی، زبان شعر در نثر صوفیه، ۱۳۹۲، ص ۲۵۸-۲۵۹

(۶) موسیقی شعر، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹-۲۴۰

(۷) پیشین، ص ۲۴۳-۲۴۴

(۸) هفتاد سخن، پیشین، ص ۲۲۳

زندان مطلب در ماه آئینده

ادامه مطلب **از در گوشی ها** ... از صفحه ۳۳

دولتمدار و سرنوشت ساز گردیده و آدمکهای شکم پرست «پولکی» وقتی پول و ماده پرستی انسانیت و آدمیت را به زوال کشید آخوند گرسنگی کشیده پولکی می شود و اصولاً شرف و معرفت و خلوص نیت هم پولکی و فروشی. «هدف وسیله را توجیه می کند.» و در طمع جایگاه «لینکلن» وسیله یکی دروغ و تقلب و ارتشاء وسیله آن دیگری بی بند و باری. ندانم کاری و ولنگاری و ما عرب گزیده آخوند زده هنوز هم بازیچه دوز و کلک رایج.

این چیزهای منثور با مضمون رمانتیک و سوزناک و بیانی ضعیف و ناتوان نشان از ناآگاهی نویسندگان آنها از حقیقت «شعر منثور» داشت. به تعبیر خانلری:

«...همین که ترجمه آثار شاعران رمانتیک فرانسوی و سپس شاعران انگلیسی و آلمانی در فارسی فراوان شد و مورد توجه ای در ادبیات فارسی به تقلید آنها پیدا شد که باید آن را «شعر منثور» خواند. در این کار، یعنی ترجمه اشعار شاعران جدید و اخیر اروپایی، شاید «مجله سخن» را یکی از مفسران اصلی بتوان خواند.

مبنای این نوع تازه همان صورت ترجمه شده شعرهای اروپایی بود. بسیاری از خوانندگان که خود با زبان خارجی آشنا نبودند یا آشنایی ایشان به آن حد نبود که ساختمان و قالب شعری آن زبان ها در یابند پنداشتند که قالب اصلی شعر همان صورت ترجمه فارسی است. و چون طبعاً در این قالب وزن و قافیه و دقایق دیگر مراعات نشده بود، و صورت شعر جز جمله های بریده که به پیروی از اصل زیر یکدیگر نوشته می شد خصوصیتی در بر نداشت گروهی از جوانان صاحب ذوق و مفتون مغرب زمین کوشیدند که شعرهایی به پیروی و تقلید از این ترجمه ها بسازند یا بنویسند.» (۸)



(۱) شعر منثور (به انگلیسی Prose Poem، به فرانسه Poem en Peose) شعری است که ضمن برخوردار از ماهیت شعری وزن و قافیه ندارد، اما به جای آن دارای آهنگ و موسیقی است. شعر سپید (blank verse) شعری است که دارای وزن است. اما قافیه ندارد.

کلمه سپید (نانوشته blank)، اشاره به جای

خونی و یگانگی محض پنداشتیم بازنده در عین حال بدهکار. قبول کنید فهای ایران شاهنشاهی و آخوند پروری آمریکا نه تنها ایران، بلکه ایرانی و همه باورها، آموخته ها و رسوم آبا اجدادی ما را از سکه انداخت، خراب کرد و به فساد مطلق سوق داد. باشد تا آخوند اتمی دست آموز و دست پرورده و دست نشانده خودشان مزد دستشان را در تبق اخلاص تقدیم کند. عجلتا در این هنگامه ناامنی و آشوب دنیوی و معاملات بده بستان ایران آمریکا، دلار

ماهنامه پژواک

www.pezhvak.com

(408) 221-8624



## ادامه مطلب هیچوقت دیر نیست ... از صفحه ۲۹

با پتانسیال های خود بهتر و بیشتر آشنا شویم.

یکی از گام های خوشحالی و نشاط این است که ما برای خود ارزش قائل شویم. قدر سلامتی کامل و یا نسبی خود و هر لحظه از عمر خود را بدانیم. در ضمن ظاهر و باطن ما هر دو مهم می باشند. در هر سنی و با هر وزن و ظاهری، همیشه می توانیم بهتر و بهتر شویم.

خانم و آقای این دوره زمانه در هر سنی باید از درون خود را غنی و پر کند ولی همچنین ظاهری مرتب داشته باشد و سعی کنیم تا روی اطلاعات عمومی خود در هر زمینه ای از سیاست، تا اخبار روز، هنر، علم و تغذیه، ورزش... و غیره کار کنیم و تا آنجایی که می توانیم به معلومات خود بیفزاییم. با ورزش، غذای سالم و طبیعی و خواب کافی، می توانیم روحیه ای با نشاط تر و شادتر داشته باشیم. عزیزانم، زندگی را آسان تر بگیریم و با یادگیری و تجربه از اشتباهات گذشته و قبول مسئولیت در زندگیمان، می توانیم روانی سالم تر و بدنی راحت تر پیدا می کنیم. در تمام زمینه های زندگی می توانیم با کمک یک مربی زندگی و بکاربردن راه های درست، در جهت خوشحالی حرکت کنیم و تبدیل به انسانی تازه تر شادتر و موفق تر شویم. برای شادتر زیستن، حل و باز کردن گره های قدیمی در هر زمینه زندگی هیچوقت دیر نیست.

در خاتمه، عشق و انرژی مثبت خود را راهی شما خواننده خوب می کنم و یادمان باشد که «دیروز» را باید به گذشته سپرد و فقط پند گرفت (forgive but not forget)، «فردا» نیز که نیامده، بنابراین باید در «حال» زندگی کنیم و از هر لحظه لذت ببریم.

با آرزوی بهترین های هستی برایتان همراه با شادی و عشق.

## ادامه مطلب طی هفته روز ... از صفحه ۱.

به دنبال این اعدامها دره اوت گذشته، «زید رعد حسین» کمیسر حقوق بشر سازمان ملل با انتشار بیانیه ای این اعدامها را «ظالمانه» توصیف کرده آنرا «بی عدالتی فجیع» خوانده بود.

زید رعد حسین در بیانیه خود تاکید کرده

چند تا خونه و چند تا دکان که آدم را نمیکشه! از صبح تا شام یللی میزنه. مالم را خیلی زیر و رو کرده. وانگهی حساب کارخانه پای خودمه، املاکم را هم میرزا تقی به کارش میرسه، میدانی مراد؟ همه

چند تا خونه و چند تا دکان که آدم را نمیکشه! از صبح تا شام یللی میزنه. مالم را خیلی زیر و رو کرده. وانگهی حساب کارخانه پای خودمه، املاکم را هم میرزا تقی به کارش میرسه، میدانی مراد؟ همه

منو میچاپند، من چشمم را هم میگذارم، ندیده میگیرم، خوب دور زموئه...  
مرد کاسبکاری با ریش کوسه، شبکلاه و کت و شلوار کتیف ماشی از در وارد شد و تعظیم غرابی کرد. **ارامه در ماه آینه**

## ادامه مطلب حاجی آقا ... از صفحه ۳۰

میدانی؟ عباس خواهرزاده بتول خبرش را آورد. تقصیر منه! پارسال وقتی که دو نفر را زیر گرفته بود و قرار بود شش سال حبسش بکنند، اگر من در شهر بانی پا در میانی نمی کردم، سر سه روز ولش نمیکردند. ما رفتیم ریش گرو گذاشتیم و برای گل روی ما بود که بهش ارفاق کردند. حالا خوب مزدم را کف دستم گذاشت! اگر دوره شاه شهید بود، همین مرتیکه را میآوردم تو هشتی به چهارپایه میبستم و تا میخورد میزدمش. کمر به پائینش را له و لورده میکردم. عدلیه، نظمیه، همه اش دزدی و رشوه خواری و حقه بازی است. مرحوم میرزا کریم خان خدا بیمارم، هر روز فراش هایش را به چوب می بست و از شان زهر چشم می گرفت. میگفت: تا نباشه چوب تر، فرمان نبره گاو و خرا! من اصلا دستم نمک نداره، همه دارند سر من کلاه میگذارند، همین مرتیکه مهندس مهدوش، شه دوش، تو که خوب میشناسیش!

- بله قربان!

- این تو تحدید تریاک، عضو دون رتبه بودش، اختلاس کرد، بیرونش کردند و برایش دوسیه درست آوردند. اصلا نمی دانست مهندسی یعنی چی! یکی از رفقا به من توصیه اش را کرد. من هم دیدم جوان با استعدادیه، مایه تیله دستش دادم، مقاطعه راه زیر آب را که برداشتم، اونم به اسم سر عمله اونجا فرستادم تا حسابه ام را برسه. پول عمله ها را مرتب میخورد. من به روی خودم نیاوردم. سه نفر از اونها را هم از دره پرت کرد پائین کشت. اما خب، من پشتش را داشتم. کسی جرات نمی کرد اذیتش بکنه. بالاخره کم کم اسم خودشو مهندس گذاشت و کسی هم از اون نپرسید از کجا مهندس شده؟! حالا خوب بار خودشو بسته، این مرتیکه را کسی نمیشناخت و حتی دزد به دستش نمیدادند که به دوستاقخونه ببره. امروزه سری تو سرها درآورده، هفت نفر مهندس توی دفترش کار میکنند، یک اتومبیل پاکارد نو هم زیر پاشه و صاحب مال و مکت و همه چیز شده. مال منم خیلی زیر و رو کرد. اما هر وقت میاد تهران، از من رو میپوشونه. نمیخواه بیاد حسابانم را روشن بکنیم، طفره میزنه (مکت کرد) میخواستم بری سراغ عباس، نه، صبر کن، چون ممکنه این جا کسی پیش من بیاد. حساب اتوبوسها را به ماشالله واگذار میکنم، آدم با خداییه، میترسم غرولندش بلند بشه! اما میان خودمان، کار زیادی نداره. تحصیلداری سه دستگاه حمام و

- انیس آغا دستش بند بود، محترم خانوم غلیان را چاق کرد.

- بگو از سر خودش واز کرد! ما شدید توی این خونه تیکه سر سیری. چرا هنوز کیومرث مدرسه نرفته؟ می ترسم این هم مثل برادر بزرگش قاپ قمارخونه از آب دربیاد. نه، اصلا کاری نداشته باش، ببینم خودش میره یا نه؟! سر پیری قاچی باشی در خونه شدیم!

- قربان یادم رفت خدمتتان عرض بکنم، دیروز که شما تشریف بردید، آقای حجت الشریعه تشریف آوردند. یک دواایی خریده بودند، گفتند معجون! به من ندادند. گفتند بعد خدمتتان میرسم حاجی (کنجکاوانه): دوا آورده بود؟ گرد بود یا آب؟

- چه عرض بکنم آقا، تو کاغذ پیچیده بودند.

- باز هم این آخوند! خدا پدرش را بیمارزدا راستی مراد میخواستم یک چیز ازت بپرسم!

- بنده کوچک، زر خریدم، خانه زادم.

حاجی (چشمک زد و نگاه تندى کرد): پیش خودمان بمانه!

- اختیار دارید حاجی آقا!

- گفتم پیش خودمان بمانه، فهمیدی؟ تو هم تقریباً هم دندان منی! هشتاد سال چربتر داری. زن آخری هم که گرفتی، جوانه. میخواستم بدانم بچه ات شده؟

- قربان، این زرم جوان نیست، دختر خالمه. منم او را گرفتم که سر پیری چک و چانه ام را بنده و آب تربت تو حلقم بریزه.

- تو همه اش با من تعارف و تکلف میکنی. تا حالا یک کلمه درست از دهننت بیرون نیامده. آیا از کسی شنیدی که مرد هشتاد ساله یا نود ساله آنهم با ورم بیضه، مثلاً اگر دواى قوت کمر بخوره، بچه اش میشه؟

- اگر خواست خدا باشه، البته!

- میدانی که محترم آستنه؟

- آقا چه عرض بکنم، شاید دواىی درمانی چیزی کرده!

حاجی مثل این که از حرف خودش پشیمان شد، لبش را جمع کرد و به فکر فرو رفت. نی غلیان را زیر لب گذاشت، چند تا پک زد. بعد سرش را بلند کرد و گفت: مراد!

- بله قربان!

- گل محمد شوفر این جا نیامد؟

- نخیر آقا، من ندیدمش.

- این مرتیکه را تو حبس میاندازشم. چرخ اتوبوس را خراب کرده، ده راه تا کرج رفته، پولش را تو حساب نیاورده.

**Continued on Page 57****Child abuse**

any signs of physical and sexual abuse. The two forms of abuse may coexist. The longer the abuse continues, the less likely the child will make full recovery.

Watch out for unexplained changes in your child's body or behavior. Conduct a formal examination only if you have reason to suspect your child has been abused. Otherwise, the child may become fearful.

**Be alert to any of the following changes:**

**Signs of Physical Abuse:** Any injury (bruise, burn, fracture, abdominal or head injury) that cannot be explained

**Signs of Sexual Abuse:** Fearful behavior (nightmares, depression, unusual fears, attempts to run away); abdominal pain, bedwetting, urinary tract infection, genital pain or bleeding, sexually transmitted disease; extreme sexual behavior that seems inappropriate for the child's age

**Signs of Emotional Abuse:** Sudden change in self-confidence; headaches or stomachaches with no medical cause; abnormal fears, increased nightmares or attempts to run away

**Signs of Emotional Neglect:** Failure to gain weight (especially in infants), desperately affectionate behavior, voracious appetite and stealing food

**Causes**

A combination of individual, relational, community, and societal factors contribute to the risk of child maltreatment and abuse. Although children are not responsible for the harm inflicted upon them, certain individual characteristics have been found to increase their risk of being maltreated. Risk factors are contributing factors—not direct causes.

**Examples of risk factors:**

- ◆Disabilities or mental retardation in children that may increase caregiver burden
- ◆Social isolation of families
- ◆Parents' lack of understanding of children's needs and child development

◆Parents' history of domestic abuse

◆Poverty and other socioeconomic disadvantages, such as unemployment

◆Family disorganization, dissolution, and violence, including intimate partner violence

◆Lack of family cohesion

◆Substance abuse in family

◆Young, single nonbiological parents

◆Poor parent-child relationships and negative interactions

◆Parental thoughts and emotions supporting maltreatment behaviors

◆Parental stress and distress, including depression or other mental health conditions

◆Community violence

**Treatments**

If you suspect a child has been abused, contact a pediatrician or a local child protective agency for help. Physicians are legally obligated to report all suspected cases of abuse or neglect to authorities. They can also recommend a therapist and provide the necessary information for investigators. Doctors may also testify in court to obtain legal protection for the child or to help criminally prosecute an individual suspected of engaging in child sexual abuse. Whatever the nature of the abuse, steps should be taken immediately to report the abuse and obtain help. Delaying a report decreases the child's chances for full recovery.

If he or she has been abused, your child will benefit from the services of a qualified mental health professional. You and other members of the family may be advised to seek counseling so that you'll be able to provide the support and comfort your child needs. If someone in your family is responsible for the abuse, a mental health professional may be able to treat that person successfully, as well.

If your child has been abused, you may be the only person who can help him or her. Do not delay reporting your suspicions of abuse. Denying the problem will only

## 7 steps to better sleep

*Feeling crabby lately? Or simply worn out? Perhaps the solution is better sleep. Start with these simple sleep tips:*

**1. Stick to a sleep schedule**

Go to bed and get up at the same time every day, even on weekends, holidays and days off. Being consistent reinforces your body's sleep-wake cycle and helps promote better sleep at night. If you don't fall asleep within about 15 minutes, get up and do something relaxing. Go back to bed when you're tired.

**2. Pay attention to what you eat and drink**

Don't go to bed either hungry or stuffed. Your discomfort might keep you up. Also limit how much you drink before bed, to prevent disruptive middle-of-the-night trips to the toilet.

Nicotine, caffeine and alcohol deserve caution, too.

**3. Create a bedtime ritual**

Do the same things each night to tell your body it's time to wind down. This might include taking a warm bath or shower, reading a book, or listening to soothing music. Relaxing activities can promote better sleep by easing the transition between wakefulness and drowsiness.

Be wary of using the TV or other electronic devices as part of your bedtime ritual. Some research suggests that screen time or other media use before bedtime interferes with sleep. Be wary of using the TV or other electronic devices as part of your bedtime ritual. Some research suggests that screen time or other media use before bedtime interferes with sleep.

worsen the situation; allowing the abuse to continue decreases the child's chance for full recovery. In any case of child abuse, the safety of the abused youngster is of primary concern. He or she needs to be in a safe environment free of the potential for continuing abuse.

In most cases, children who are abused or neglected suffer greater emotional than physical damage. A child who has been abused or

**4. Get comfortable**

Create a room that's ideal for sleeping. Often, this means cool, dark and quiet. Your mattress and pillow can contribute to better sleep, too. Since the features of good bedding are subjective, choose what feels most comfortable to you.

**5. Limit daytime naps**

Long daytime naps can interfere with nighttime sleep. If you choose to nap during the day, limit yourself to about 10 to 30 minutes and make it during the midafternoon.

**6. Include physical activity in your daily routine**

Regular physical activity can promote better sleep, helping you to fall asleep faster and to enjoy deeper sleep. Timing is important, though. If you exercise too close to bedtime, you might be too energized to fall asleep. If this seems to be an issue for you, exercise earlier in the day.

**7. Manage stress**

When you have too much to do and too much to think about, your sleep is likely to suffer. To help restore peace, consider healthy ways to manage stress. Start with the basics, such as getting organized, setting priorities and delegating tasks. Give yourself permission to take a break when you need one. Share a good laugh with an old friend. Before bed, jot down what's on your mind and then set it aside for tomorrow.

otherwise severely mistreated may become depressed or develop suicidal, withdrawn, or violent behavior. An older child may use drugs or alcohol, try to run away, or abuse others. The younger the child is and the closer the child's relationship to the abuser, the more serious the emotional damage will be. As adults, they may develop marital and sexual difficulties, depression or suicidal behavior.





**Caroline Nasserri**  
Accident Lawyer

Uber and Lyft ridesharing services are growing in popularity, and so the number of accidents involving Uber and Lyft drivers are also increasing. If you were hurt while using a ridesharing service that you were depending on to take you from one location to another safely, do you know who you can sue for damages? Liability in Uber or Lyft accidents has been notoriously difficult to establish in certain cases in the past, and you could be facing similar obstacles.

## Uber & Lyft Accidents

To improve your chances of success in your injury claim, you should team up with our San Jose personal injury lawyer from The Law Offices of Caroline J. Nasserri. For more than 25 years, Attorney Nasserri has been representing the wrongfully injured in a variety of cases, many of which were focused on complex car accident cases. Some of her most notable case results include verdicts and settlements priced at a million dollars or more.

### Uber Accident Liability

Whenever a negligent driver is conducting some sort of business when they cause an accident, liability can become complicated. In many ways, an Uber or Lyft accident is similar to the average truck accident since the driver is a representative of a

business but may also be called an independent contractor. If you do not want to deal with the intricacies of determining liability yourself, you should consider allow our law firm to do it for you.

**Three parties who might be liable for your injuries and damages following a ridesharing accident are:**

**Driver:** Random acts of recklessness, or one moment of poor judgement, that cause a traffic collision are the driver's fault. They or their insurance company should be held accountable for any medical bills, repair costs, and other related damages.

**Uber or Lyft:** Ridesharing companies have been trying to distance themselves from having any responsibility or control over their drivers in hopes to

never get liability for accidents. Although the surrounding litigation is complicated and currently under review, it is not impossible for Uber or Lyft to be held financially accountable for the accidents their drivers cause. For example, if a driver has a long history of reckless or drunk driving, they should not have been permitted to use the ridesharing app in the first place.

**Other passengers:** To save time, a ridesharing driver may pick up multiple passengers along one route. Much like a bus driver, Uber or Lyft drivers can become suddenly and unreasonably distracted by the behavior of an unruly passenger. Do you believe another passenger's behavior contributed to the car accident? If so, let your lawyer know, as that person might be partially responsible for giving you compensation.

## Child Abuse

Child abuse can result from physical, emotional, or sexual harm. While child abuse is often in the form of an action there are also examples of inaction that cause harm such as neglect. There are multiple causes; some households that suffer alcoholism/substance abuse and anger issues have higher occurrences of child abuse as compared to households without. Outcomes of child abuse can result in both short and long term injury, or even death. There are some children who may be unaware that they are victims of child abuse.

### Definition

Child abuse is widespread and can occur in any cultural, ethnic, and income group. Child abuse can be physical, emotional, verbal, or sexual. It can also result from neglect. Abuse can result in serious injury to the child and possibly even death.

Physical abuse involves non-accidental harming of a child by, for example, burning, beating, or breaking their bones. Verbal abuse involves harming or threats to harm a child by, for example, belittling them, or threatening physical or sexual acts. Emotional abuse can result from several forms of abuse.

Studies show that one in four girls and one in eight boys are sexually

abused before the age of 18, and that approximately one in 20 children are physically abused each year. Child sexual abuse is the deliberate exposure of a minor child to sexual activity that the child cannot comprehend or consent to. This means a child is forced or talked into sex or sexual activities by another person. This behavior includes acts such as inappropriate touching of a child's breasts or genitalia, someone exposing their genitalia to a child, fondling, oral-genital contact, genital and anal intercourse, as well as exhibitionism, voyeurism, and exposure to pornography.

Child neglect occurs when someone does not provide the necessities of life to a child, either inten-



tionally or with reckless disregard for the child's well being. This can include physical neglect, such as withholding food, clothing, shelter, or other necessities. Emotional neglect includes withholding love or comfort or affection. Medical neglect occurs when medical care is withheld.

Religious freedom has become a point of contention - some states allow for medical neglect due to religious objections. There are also examples of some extreme religious acts that are considered child abuse that are acceptable in

other countries.

### Symptoms

It's not always easy to recognize when a child has been abused. Children who are abused are often afraid to complain because they are fearful that they will be blamed or that no one will believe them or because the person who abused them is someone they love very much. Parents are often unable to recognize symptoms of abuse because they may not want to face the truth.

If you suspect a child has been sexually abused, the child should be examined as soon as possible by a trained health care professional; it can't be stressed enough that an abused child needs access to special support and treatment as soon as possible. A doctor's exam should not be delayed for any reason. Many signs of injury related to sexual abuse are temporary. Ideally, the exam should occur within 72 hours of the event or discovery. A complete physical exam must always be performed, so that the examiner can look for

*Continued on Page 58*



**WHY DO YOU  
NEED A WEBSITE?**

**WHY NOT?  
YOUR COMPETITION  
HAS ONE!**



**We build beautiful websites!**

Business Websites, Landing Pages and eCommerce

408-913-6060 | [www.conuremedia.com](http://www.conuremedia.com)



*Eli.G* foto

Weddings | Maternity and Newborn

[eligfoto.com](http://eligfoto.com) | 408-913-6070





با مدیریت آریین اقبالی

# The Credit Repair Specialist



برای ترمیم ، تصحیح و بهبود کردیت و کاهش بدهی با ما تماس بگیرید.

- Late payment
- Collection
- Charge off
- Bankruptcy
- Foreclosure
- Chexsystem
- Judgement
- Tax lien
- Repossession
- Inquiries



مشاوره رایگان  
[www.enrichfin.com](http://www.enrichfin.com)

800-790-4240



Caroline Nasserri  
Attorney at Law

## کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۸ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،  
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت  
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،  
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: [cnasserri62@yahoo.com](mailto:cnasserri62@yahoo.com)

Fax: (408) 278-0488

Website: [carolinenasserilaw.com](http://carolinenasserilaw.com)

675 North First Street, San Jose, CA 95112